تاریخ جراید و مجلات ایران

جلد سوم



تألیف محمد صدرهاشمی

قیمت یک دوره ۴ جلدی ۱۷۵۰ ریال

جلد سوم

تاریخ

جراید و مجلات ایران

تألیف

آقای

محمد - صدر هاشمی

اصفهان

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنوز چند ماهی از انتشار جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران نگذشته است که وسایل طبع جلد سوم آماده میگردد و بیاری خداوند وتشویق دوستان و اهل فضل بچاپ این مجلد مبادرت مینمائیم . از نامه هائیکه از اطراف پس از نشر جلد دوم بما رسیده چنین استنباط میشود که پس از نشر جلد اول کسانی تصور میکرده اند کار ودوره فعالیت ما با انتشار همان مجلد خاتمه یافته و دیگر مجلدات کتاب برای همیشه یا لا اقل برای مدت مدیدی در بوته اجمال و فراموشی گذاشته خواهد شد .

اما وقتی دیدند هنوز چند ماه از انتشار جلداول نگذشته بود که جلد دوم کتاب در دسترس علاقه مندان گذاشته شد بیش از پیش بشت کار و علاقمندی ما را باین کار بزرگ ستودند و مقالات و نامه هائی مبنی بر تشویق اینجانب مرقوم داشته که ما بدین وسیله ازیك یك صاحبان آن مقالات و نامه ها سپاسگذاری مینمائیم و همانطور که در مقدمه جلد دوم یاد آور شدیم اگر بخواهیم تمام این نامه ها و مقالات را بطبع برسانیم رساله علیحده میگردد لذا بچاپ چند تای آنها میپردازیم .

نامه هفتگی صبا در شماره ٤٠ دوره هشتم خود مورخ چهار شنبه ٢٦ بهمن ١٣٢٨ مینویسد : « جلد دوم تاریخ جراید و مجلات ایران بتازگی منتشر شده است کسانی که جلد اول این کتاب را دیده اند ارزش زحمات طاقت فرسای آقای صدر هاشمی مولف آنرا میدانند . کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در حقیقت یك دایرة المعارف مطبوعات ایران است که در طی مقدمه مفصلی در باره تاریخ عمومی مطبوعات اظهار نظر میکند و سپس در باره هریك از مطبوعات ایران بترتیب الفبائی و شرح حال مدیران آنها سخن میراند . آقای صدر هاشمی مولف دانشمند و زحمت کش این مجموعه در طی تتبعات فراوان خود گوشه های تاریك تاریخ مطبوعات ایران را روشن کرده و از روزنامه های کمیاب که شما احیاناً اسم آنرا نشنیده اید بتفصیل و با ذکر نام و نشان و نقل مندرجات و تفصیل حال مدیر و موسس گفتگو میکند . بهمین جهت این کتاب عادی نیست و یك نوع ابداع در تاریخ مطبوعات ایران است که افتخار آنرا دوست عزیز ما ربوده است . این کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران با جلد دوم تمام نمیشود و مجلدات دیگر آن در دست تألیف و چاپ است وامید واریم مولف بزرگوار با کمال خدمت بزرگ خود توفیق یافته دفتر تاریخ مطبوعات ایران را کامل سازند .»

دانشمند محترم آقای عبدالحسین سپنتا در شماره ١٨١ روز نامه سپنتا در ذیل عکس این جانب نامه استاد بزرگوار آقای جمال زاده را تحت عنوان (تقدیر از آقای صدر هاشمی) بدینقسم چاپ کرده اند . « حضرت آقای محمد صدر هاشمی زید افضاله دو جلد کتاب مستطاب تاریخ جراید و مجلات ایران که از راه لطف و تفقد برای حقیر ارسال فرموده بودید موجب نهایت امتنان گردید دلم میخواست فرصت و مجال مو سعی بود تا بیشتر در تقدیر زحمات بی پایانیکه درتدوین این کتاب متحمل شده اید تصدیع

میدادم ولی چنانکه شاید خاطر محترمتان مسبوق است این ایام خیلی گرفتارم و ساعات وحتی دقایقم تعلق بخودم نیست مختصر ومفید تبریک بگویم • خدمت عمده به مطبوعات و تاریخ ادبی و مطبوعاتی مملکت ما نموده اید که در آینده نزدیک و دور عده زیادی از علاقه مندان بسیر ادبی و فکری ملت ایران چه از داخله وچه درخارجه ممنون سرکار عالی خواهند بود • ایکاش در جلد سوم که عالمی چشم براه آن هستند نتیجه تتبعات و تحقیقات خودتان را در باره مراحلی که مطبوعات ایران در زمینه انشاء و املاء و فکر ومعنی و طرز اسلوب طی نموده در ضمن فصل یا باب جداگانه ملحق میساختند و در واقع دنباله مطالب و تحقیقات بسیار فاضلانه و سودمندی که در مقدمه آورده اید تحولات ظاهری و باطنی جراید و مجلات ایران را از لحاظ چند روشن میساختید و بار این زحمت را از دوش علاقمندان برمیداشتید و در حقیقت نتیجه زحمات خودرابا استنباطاتی که در ضمن مطالعات حاصل گردیده مزیداً للفایده هدیه دیگری برای خوانندگان میآوردید هر چند با طبع نقادی که دارید خیلی احتمال میرود که خودتان این فکر را داشته باشید و در اینصورت جداً از فضولی و جسارتی که رفته معذرت میطلبم • یقین داشته باشید که ولو مجلدات بسیاری از این کتاب در داخله بفروش نرود ، در خارجه مورد نهایت توجه و اعتنا قرار خواهد گرفت وسالیان دراز بر طبع وهمت و ذوق مولف محترم آن آفرین خواهند خواند • چون کتاب رابطور بسیار مختصر و مجمل در این مدت از دیشب بامروز تنها تصفح کرده ام بهیچ وجه من الوجوه اجازه انتقاد بخود نمیدهیم و فعلا همینطور ازطالع خود ممنونم که توانستم در خود اصفهان نتیجه پشت کار و تحقیقات عمیقه یکنفر از همشهریان عزیز و با همت خود را که بلا شك ازمفاخر این سرزمین بشمار خواهد رفت از نزدیك زیارت نمایم خداوند یار و یاور سرکار عالی و تمام اشخاص فضل دوست و دانشمند و با همت باشد وباهالی این شهر که از موهبات الهی حصه عظیمی دارد سعادتی نصیب نماید که مانند مولف تاریخ جراید و مجلات ایران همشهریهای زیاد داشته باشند و از نعمت قدر شناسی و تشویق هم محروم نمانند• ارادتمند • سیدمحمد علی جمالزاده ـ اصفهان ۱۴ بهمن ۱۳۱۸»

آقای سینتا در شماره ۱۷۹ روز نامه خود در باره جلد دوم کتاب تحت عنوان « باز هم یك کتاب بی نظیر » اینطور اظهار عقیده مینمایند : « بسیار خوشوقتم که عمری باقی بود و بآرزوی یکسال ونیم قبل خود نائل شده جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران را دیدم • فاضل محترم آقای محمد صدر هاشمی کمر بخدمتی بسته اند که نه فقط هر روزنامه نگار و مرد مطبوعاتی باید سپاسگذار زحمات طاقت فرسای ایشان باشد بلکه تاریخ آزادیخواهی ایران که از قلم و روزنامه شروع میشود قطعاً برای این اقدام بی سابقه آقای صدر هاشمی احترام و ارزش فراوان قائل است بکوری چشم دشمنان آزادی قلم باید گفت کشوری که بآثار ارباب مطبوعات خود اهمیت ندهد از مزایای تمدن واقعی و لیاقت آنچه را جهان کنونی مفهوم انسانیت میداند محروم است • اگر ایرانی اززحمات وفداکاریهای ملکم خان در روزنامه قانون ومویدالاسلام

در جریده حبل‌المتین و جهانگیرخان در نامه صور اسرافیل و امثال آن پیشروان مطبوعات آزادیخواه اطلاع نداشته باشد و درقلب خود نسبت بآن را د مردان از جان گذشته احترام نگذارد نمیتواند حس کند که قلم و فضل و شهامت وقتی با هم توام شد ضامن استقلال و بقای کشور است • آقای صدر هاشمی با نشردوجلد کتاب‌نامبرده در بالا وسیله مطالعه در این باب را در اختیار فرزندان این آب وخاك هنر پرور قرار داده اند و امیدواریم با انتشار سایر مجلدات آن مجموعه گرانبها و بی نظیری از اسامی و تاریخ و چگونگی جراید و مجلات ایران تقدیم دنیای علم وفرهنك نمایند • ما یقین داریم این کتاب همانطور که برای فرزندان ایران یاد آور زحمات و خدمات مطبوعاتی پدران نویسنده و با شهامت آنهاست همانطور نیز برای دانشمندان خارجیو محققین علاقه مند بمطبوعات وسیله خوبی جهت مطالعه و تحقیق میباشدکه‌بوسیله‌آن می توانندبارزش مطبوعات ایران و تاثیر آن در سیاست و آزادیخواهی پی ببرند وبعقیده نگارنده این خود بزرگترین پاداش و بهترین تقدیریست که در نگارش این کتاب نصیب نویسنده فاضل آن میتواند بشود •»

دانشمند محترم و نماینده مجلس شورایملی آقای عبدالرحمن فرامرزی درشماره ۲۰۴۱ سال هشتم روزنامه کیهان منطبعه طهران در باره کتاب اینطور مینویسند:

« امروز کتاب بسیار زیبا و مفید و نادرالوجودی بدست من افتاد • این کتاب جلد دوم (تاریخ جراید و مجلات ایران) بود که اگر خوانندگان محترم بخاطر داشته باشندسال گذشته چند سطری در تقریظ جلد اول آن نوشتیم و اظهار امید کردیم که آقای‌محمد صدر هاشمی نویسنده مبتکر ومتتبع آن بتواند این اثر مفید خودرا تمام کند •

انسان در میان اینهمه بیهوده گوئیها و ژاژخوائیها وقتی بیك اثر مفید و زیبائی میرسد حالت آن گم گشته ئی را پیدا میکند که در یك بیابان سوزانی سر گشته و حیران باشد و یکدفعه بواحه سبز و خرمی برسد • راستی چطور میشود که گاهی‌یك نویسنده در میان این همهمه های بیهوده که مثل هیاهوی آسیای خالی میماند بفکر می افتد که ازخود یك اثر جاویدانی بگذارد که همیشه مورد احتیاج اهل فضل و ارباب بحث و تحقیق گردد و چه چیز آقای صدر هاشمی را وادار بتألیف این کتاب ساخته و اینهمه اطلاع را از کجا آورده است •

من وقتی این آثار گرانبهارا را می بینم درعقیده خود بآزادی قلم راسخ ترمیشوم کتاب خوب ، شعر خوب ، مقالات خوب ، رسائل خوب مثل یك گل بیش رس خود بخود بوجود نمی آید باید قلم آزاد باشد ، نویسندگان بنویسند سرایندگان بسرایند محققین بحث و تحقیق کنند تا روزگار از میان آنها بحکم بقای انسب آنچه بهتر است انتخاب کند و جاوید بگذارد •

شما خیال میکنید نقاد روزگار از میان چند هزار شاعر یك فردوسی و یك نظامی و یك سعدی و یك حافظ را انتخاب کرده و بدست هرکسی داده است کهاندکی ذوق شعر و ادب دارد و اگر صدها قلم در این زمان بکار نمیافتاد ممکن بود بعضی از از میان آنها پیدا شود که بدون تردید باید این کتاب « تاریخ جراید و مجلات ایران »

را از برگزیده های آن بشمار آورد •

ما آنروزی که از خداوند تمنی کردیم که بآقای صدر هاشمی توفیق اتمام کار خود بخشد تصور میکردیم که شاهکار ایشان در جلد دوم تمام خواهد شد ووقتی کتاب را بدست من دادند با ولعی آنرا باز کردم که به بینم راجع بکیهان چه نوشته است ولی کتاب را تا آخر ورق زدم و معلوم شد که هنوز آقا در حرف (ر) است ، پس معلوم میشود که ایران در مطبوعات از حیث عدد اسماء غنی ترین کشورهای دنیاست و بدین مناسبت یادم آمد که یك کسی آمار برداشته که تلفونهای طهران از حیث عدد کلمات در روز بیش از شهر لندن حرف میزنند که دوازده ملیون ونیم جمعیت دارد •

متاسفانه آقای صدر هاشمی هنوز بروزنامه کیهان نرسیده و با این روشی که پیش گرفته و امیدوارم تغییر ندهد تا زنده هستیم بکیهان نخواهد رسید که به بینیم راجع بما چه دسته گلی بآب میدهد ؛ در آینده ایران لطف عمیمی نکرده بود و لی در (تقدم) فرامرزی را از دست نوازشی محروم نداشته بود و یك جمله آن که از آقای احمد و عبدالرحمن فرامرزی شرح حال خواسته و هیچکدام پاسخی نداده اند معلوم میشود که تنبلی در خانواده فرامرزی خانگی است • زیرا این تقاضا را یك موسسه انگلیسی و دو پاکستانی نیز از عبدالرحمن فرامرزی کردند و بایشان همان پاسخی داد که بآقای صدر هاشمی داده است • ولی آقای احمد فرامرزی مرد مرتب آدابدانی است و نمیدانم ایشان چرا غفلت فرموده اند •

بهرحال جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران با مقدمه دارای ۳٤٤صفحه و از (باختر)شروع و به (ریاضیات عالی و مقدمات) خاتمه یافته و ترتیب آن بترتیب کتب لغت است و از این جهت است میتوان آنرا فرهنك مطبوعات ایران نام نهاد••• »

روزنامه عرفان چاپ اصفهان در شماره ۳۰۰۵ سال بیست و ششم خود پس از تدوین مقدمه مینویسد : « آقای صدر هاشمی سال گذشته جلد اول تاریخ جرایدومجلات را چاپ و در دسترس علاقه مندان بدانش و فرهنك قرار دادند و با ابتکاری که درتالیف آن بخرج دادند دست بکاری زدند که قبل از ایشان شاید کسی فکر آنرا نمیکرد • اثر ایشان مورد توجه علاقمندان قرار گرفت و همانطوریکه در جلد اول وعده داده بودند جلد دوم آن نیز چند روز است منتشر و در دسترس عموم گذارده شده است • تاریخ جراید و مجلات در ۳۳۹ صفحه و در آن از ۳۲۷ روزنامه ومجله بحث شده‌است باید انصاف داد که مولف محترم آن باصرف وقت‌فراوان وزحمت زیاد موفق شده‌است که اطلاعاتی در باره اینهمه جراید و مجلاتیکه اغلب آنها پس از نشر یك یا چند شماره دوچار تعطیل شده است بدست آورد •

آقای صدر هاشمی ازفرط علاقه و حسن ظنی که بجراید و مجلات دارند فقط بذکر محاسن ارباب جراید و مجلات اکتفا نموده و شاید در بعضی موارد غلوهم کرده باشند و اگر گاهی بنقاط ضعف برخورد کرده غمض عین نموده اند و باید گفت : « آفرین برنظر پاك خطا پوشش باد » تاریخ جراید ومجلات یگانه وسیله اطلاع از

جراید و مجلاتی است که از صدر مشروطیت بلکه مدتی قبل از مشروطیت در ایران انتشار یافته است و میتوان گفت این کتاب درنوع خود همال ونظیری ندارد ومطالعه آن برای همه کس مخصوصاً ارباب فضل وکسانیکه بمطبوعات علاقه دارند سودمند میباشد ما توفیق دانشمند گرامی آقای صدر هاشمی را در اتمام تاریخ جراید و مجلات از خداوند خواهانیم . »

ادیب دانشمند آقای حبیب یغمائی مدیر محترم مجله یغما علاوه بر آنچه طی نامه خصوصی باین عبارات : « انصافاً خدمت بزرگی بادبیات ومطبوعات کردید از کارهائی که ما میکنیم ارجمند تر است . » نوشته در شماره ۱۱ سال دوم مجله یغما در باره جلد دوم کتاب اینطور اظهار نظر مینمایند :

« تاریخ جراید و مجلات ایران ـ در صفحه ۲۲۱ (شماره خرداد ۲۸) که جلد اول این کتاب ازکار در آمد اظهار عقیده و علاقه کردیم ـ اکنون مژده میدهیم که جلد دوم این کتاب نیز در ۳۳۹ صفحه انتشار یافت . بی شائبه اغراق (تاریخ جراید و مجلات ایران) از کتابهای ارجمندی است که در این عصر انتشار یافته و تنظیم و تالیف چنین کتابی خدمتی چندان بزرك و مهم است که جای هیچگونه خرده گیری و مشکل پسندی نیست . این نکته دقیق را باید آشکارا گفت که مراتب فضایل وحسن نیت ارباب جراید هیچگاه یکسان نبوده است چنانکه امروزهم یکسان نیست . بسیاری روزنامه و مجله را صرفاً وسیله احراز مقام یا ادخار ثروت قرار میدهند وچون کمال مطلوب این بود بناگزیر مصلحت و تربیت ملی را بنسبت کلی رعایت نمیتوانند کرد در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران مولف محترم ازصاحبان مطبوعات علی‌الاطلاق تمجید فرموده و پایه و مایه همه را بیکسان ستوده است در صورتیکه سزاوار تر این بود یا بی هیچ ملاحظه خوب و بد هردو را بازمینمود یا موضوع را مسکوت میگذاشت که آیندگان داوری کنند .

بهرصورت چنانکه اشارت کردیم ، نظیر این مسامحات هیچ از ارج و اهمیت کتاب نمی‌کاهد و از خداوند تعالی مسئلت داریم که دوست دانشمند ما تمام این‌خدمت عظیم توفیق یابد . »

روزنامه (اصفهان) در شماره ٦٢٨ تحت عنوان (تاریخ جراید و مجلات‌ایران جلد دوم) نظریات مدیر خودرا در باره کتاب اینطور شرح میدهد : « درست یکسال قبل بود که ما بوسیله صفحات همین روزنامه بشارت انتشار کتاب بسیار سودمندی را بنام بالا دادیم کتاب مزبور تاریخچه تمامی جرایدی بود که حرف اول آنها الف بود وتنها همین حرف اول الف ۲٦٦ روزنامه فارسی‌زبان را از آغاز پیدایش جراید ایران و جلد اول این کتاب نفیس را تشکیل میداد . اینك نیز جلد دوم آن بوسیله مولف دانشمندش آقای محمد صدر هاشمی بدفتر روزنامه ما رسیده که از حرف (ب) شروع و بحرف (ر) خاتمه مییابد و تاریخچه ۳۳۹ روز نامه را بیان میکند و جلد دوم این اثر نفیس و بسیار سودمند را ترتیب میدهد همانطور که راجع بجلد اول این

آقای ربیع انصاری مولف محترم کتاب (جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم) در شماره ۲۹۷ سال دهم روزنامه خود کیوان اینطور اظهار نظر مینمایند : « هفته گذشته جلد دوم تاریخ جراید و مجلات ایران تالیف دانشمند محترم آقای محمد صدر هاشمی که از حرف ب شروع و بحرف را خاتمه یافته بقطع وزیری در ۳۳۹ صفحه و یك مقدمه شامل چند تقریظ که مدیر آن جراید بجلد اول این اثر نفیس نوشته اند بدفتر کیوان رسید • رنجی را که آقای صدر هاشمی در تالیف و تدوین این کتاب بر خود هموار ساخته اند اهمیت و ارزش آن برای کسانی که با قلم و کاغذ وروزنامه و چاپخانه سر و کار ندارند مجهول است ولی مدیران مجلات وجراید ایران از دو نقطه نظر بحاصل کار و زحمت آقای صدر هاشمی با نظر تحسین و تقدیر می نگرند • نخست اینکه میدانند در کشوری که تقریباً نود در صد افراد آن بیسواد هستند تالیف و ترجمه کتب و یا روزنامه نویسی مخصوصا با وضع خراب چاپخانه های ایران بویژه آنکه حتی با سواد ها نیز رغبت و علاقه اصولا بمطبوعات از خود نشان نمیدهند چقدر کار پر زحمت و بی سود و پر درد سر است و بنا براین تالیف یك چنین کتابی خاصه آنکه خوانندگان آن خیلی محدود هستند چیزی جز عشق و علاقه سرشار مولف آن بانجام یك خدمت مهم فرهنگی نیست • دوم اینکه تا امروز ما در کشورخود هیچگونه آمار و فهرستی از مجلات و جرائدی که در ایران منتشر شده بود در دست نداشتیم و زحمتی را که فاضل ارجمند در تالیف این کتاب تقبل کرده اند این نقیصه را مرتفع و خدمتی بزرك بفرهنك کشور نموده اند • موضوع مهمی که واقعاً برارزش این خدمت فرهنگی میافزاید زحمت فوق‌العاده ای است که آقای صدر هاشمی در بدست آوردن نسخه های جراید و مجلات کمیاب متحمل شده و بافعالیت و پشتکار بی نظیری این مهم را انجام و کتابی که دردست تالیف دارند بصورت یك مجموعه کاملی دردست اهل تحقیق قرار میدهند در هر صورت اهمیت این خدمت بزرك از نظر ارباب قلم پوشیده نیست وماضمن تقدیم تبریك خالصانه خود بمناسبت انتشار دومین جلد این کتاب موفقیت دانشمندمحترم اقای صدر هاشمی را در چاپ سایر مجلدات ان از خداوند مسئلت میکنیم • »

دانشمند محترم اقای وزیر زاده اخگر رئیس دادگستری خراسان در طی یکنامه مشروح و مفصلی در باره طبع جلد دوم کتاب اینطور مرقوم داشته اند : « جلد اول را تمام خواندم ولی همراه نیست از قراریکه در روزنامه کیهان خواندم جلد دوم تاحرف راء زیادتر نشده و جلد سوم و چهارمی هم البته خواهد داشت • بسیار خوب اقدامی بود و مطبوعاتی که داشت در دریای فراموشی غرقه و محو میگردید بکرانه این کتاب نفیس پناهنده و از دست عزرائیل نسیان رهائی یافتند •»

اقای وزیر زاده در ضمن همین نامه پیشنهادی بدین شرح فرموده که‌امیدواریم انرا در مجلدات اینده بموقع عمل بگذاریم • ایشان مینویسند : « نکته ای که تذکار انرا بیموقع نمیدانم این است که بیمناسبت نیست هرگاه امکان داشته باشد جرایدی که

کتاب نگاشتیم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران یکی از بهترین کتب فارسی زبان است که در عصر اخیر تالیف و قدم در عرصه مطبوعات گذاشته ومولف محترمش درراه تالیف آن رنج و زحمت بسیار کشیده است مولف این اثر مفید بیشتر ازاین جهت شایسته تمجید و ستایش است که نام بسیاری از جراید و مجلات و جریده نگاران قرن اخیر را زنده کرده و نگذارده است در بین یك مات حق ناشناس و فراموشکار در گور فراموشی مدفون شود . جلد دوم این کتاب نیز بهمان خوبی جلد اول و بلکه بهتر چاپ شده و دارای ۳۴۸ صفحه بقطع وزیری است امیدواریم فرهنك پژوهان همت فرموده هرچه زودتر جلد دوم را بمانند جلد اول خریداری کنند تا دوست فاضل ما آقای صدر هاشمی بتوانند جلدهای آینده آنرا نیز بزودی چاپ و در دسترس اربا ب دانش بگذارند . »

روزنامه راه نجات در شماره ۸۲ دوره سوم پس از یك مقدمه مفصل و طولانی و چاپ عکس مولف اینطور اظهار نظرمینماید : « ... کم کم داشت زحمات وفداکاری های مدیران جراید با طول زمان ازخاطره ها محو میشد تا اینکه مرد دانشمندی با پشتکار و فعالیت خستگی ناپذیری متجاوز از بیست سال تمام وقت شبانه روز خود را صرف جمع آوری نمونه های جراید و مجلات و تاریخ مطبوعات ایران نمود و بالاخره اینهمه زحمت و مرارت و رنج را بصورت کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران درآورد که جلد اول آن در آذر ماه سال گذشته بطبع رسید وجلد دوم آن نیز چند روزی است از طبع خارج گردیده و در دسترس علاقمندان و اهل فضل و ادب گذاشته شده است . تا کسی کتاب تاریخ جراید ومجلات ایران را نگیرد ونخواند پی بمشکلات کار و اهمیت کتاب نمیبرد . راستی کار بزرگی است که کسی آنچه روزنامه و مجله از هفتاد سال قبل تا کنون چاپ شده ولو یك شماره باشد جمع آوری نماید وتاریخچه آنرا مدون سازد . شاید برای اغلب خودمدیران جراید و مجلات هم تنظیم تاریخچه روزنامه خودشان کار مشکلی باشد تا چه رسد باینکه دیگری بخواهد اینکاررا انجام دهد

آقای صدر هاشمی با موشکافی عجیبی تاریخ تأسیس و انتشار یك یك جراید و مجلات را در این کتاب ضبط کرده و در ضمن اشاره بمرام ومسلك آن تاریخچه از تحولات و تغییراتی که در روزنامه حاصل شده ثبت نموده اند ، و چون کتاب بصورت الفباتیك تنظیم شده اطلاع بر تاریخچه هر روزنامه بسهولت انجام میگیرد . در مقدمه جلد دوم قسمتی از تقاریظی که مدیران جراید و مجلات حاضرودانشمندان برجلداول کتاب نگاشته نقل نموده اند واین خود برعظمت واهمیت کتاب می افزاید . سالها و بلکه قرنها باید بگذرد تا دانشمندانی مانند آقای صدر هاشمی دست بکار چنین عمل بزرگی بزنند و فرهادوار با تیشه اندیشه و خرد کوههای موانع را از جلوی راه خویش بر دارد تا شاهد موفقیت را در آغوش گیرد . بهرصورت ما این موفقیت بزرك را بدوست دانشمند خود آقای صدر هاشمی تبریك میگوئیم و عموم خوانندگان خودرا باستفاده از کتاب مذکور دعوت مینمائیم . . »

در جلد دوم کتاب ، در ذیل روزنامهٔ تربیت ، در نظر داشتیم عکس مرحوم میرزا محمد حسین ادیب ملقب بذکاء الملك، مدیر روزنامه تربیت را طبع نمائیم ولی بواسطه نرسیدن کلیشه عکس آنمرحوم موفق بانجام این عمل نشدیم و اکنون در این مجلد بچاپ آن مبادرت مینمائیم در این عکس مرحوم ذکاءالملك و فرزندش محمد علی فروغی مشاهده میشود .



در زمان انتشار غالباً دوچار توقیف شده اند مقاله و شماره ای که علت توقیف بود ه است در این تاریخ درج شود که طرز قضاوت حکومتهای وقت و روش افکار نویسندگان مشخص گردد .»

در شماره ۸ سال چهارم مجله پیام نو نشریه انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران تحت همین عنوان اینطور ر مینویسد :
« این کتاب فهرست الفبائی نامهای روزنامه ها ومجلاتیست که تا کنون بزبان فارسی انتشار یافته و این مجلد بپایان حرف الف میرسد و از اینجا پیداست که شاید این کتاب چهار برابر این قسمت از چاپ در آید . آقای صدر هاشمی که از مولفان دانشمند و پر کار اصفهانست در تدوین این کتاب کوشش بسیار کرده و حق مطلب را از هر حیث گذارده است و در ضمن شرح حال های مفیدی از برخی نویسندگان روزنامه ها ومجلات مهم دراین کتاب هست که فایده آنرا بیشتر میکند و درحقیقت این کتاب فصلی ازتاریخ ادبیات و زندگی سیاسی ایران‌دراین زمانهای اخیر ست .»

مدیر مجله دانش چاپ طهران در شماره چهار مجله اینقسم اظهار عقید ه میکند :
« متجاوز از یك قرن است وطن پرستانی فدا کار قلم دردست گرفته حقایق را برای اطلاع مردم در روزنامه ها و مجلات‌نوشتند و اسیاستهای خشن و تبعید های اتابك‌اعظم ساختند ، رنج دوری از یار و دیار را بخاطر آزادی ملت ایران تحمل نمودند ، خود را بسیاه چال محبس محمد علیشاه افکندند؛جلادیهای لیاخوف را قبول کردند و تا لحظات آخر زندگی ازحقوق حقه ملت ایران دفاع نمودند . اما تاریخ زندگی و فداکاری آنها ثبت نگردید و از آنجائیکه نمی بایست نام آنان از صفحه تاریخ محو گردد ونسل‌حاضر و آیندگان از خدمات و فداکاریهای ایشان و مشکلاتی که برسر راه مربیان قوم بود بی خبر مانند آقای صدر هاشمی پس از پانزده سال صرف وقت کتابی بنام تاریخ جراید و مجلات ایران در شرح آنچه‌روزنامه ومجله درایران منتشر شده تالیف وتدوین کرده و نقصی بزرگی که از این حیث در مطبوعات جدید بود برطرف ساخته اند . تا کسی این کتاب را نخواند و یالااقل ورق نزند نمیتواند باندازه زحمات مولف دانشمند پی ببرد . این کتاب در محافل اهل فضل و دانش بطور شایسته و بایسته مورد حسن قبول واقع شده واثری مفید و جدید درمطبوعات کشور قلمداد گردیده است . کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران فرهنگی نفیس و گرانبها از مطبوعات کشور میباشد و بظن قوی دیر یا زود بزبانهای خارجی ترجمه خواهد شد .»

این بود قسمتی از تقاریظ ار باب جراید و مجلات و فضلا و دانشمندان کشور که درج نمودیم وبرای‌خوف از اطناب ازدرج بقیه آنها درضمن معذرت خودداری‌مینمائیم

دراین مجلد تاآنجا که امکان‌داشته پیشنهادات این دانشمندان بموردعمل گذاشته‌شده امیداست مقبول طبع ارباب فضل وادب واقع گردد وانتظارمیرود که اگرباز هم‌نظریات وانتقاداتی دارند مرقوم فرمایند تادر طبعهای دیگر کتاب ملحوظ افتد . ازخداوندتوفیق اتمام کاررا مسئلت مینمائیم . جلد دوم کتاب بحرف ر بعده الیاء وبمجله(ریاضیات عالی ومقدماتی) خاتمه یافت وجلد سوم بحرف ز شروع میگردد. اردیبهشت ماه۱۳۲۹

حرف ز

(۶۰۶) زاراریت باهرا

زاراریت باهرا که مرحوم تربیت آنرا به (شعاع روشنائی) ترجمه نموده در شهر رضائیه (ارومیه سابق) بزبان کلدانی ازطرف مبشرین امریکائی تاسیس و منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ چهارشنبه اول ژانویه ۱۸۵۱ میلادی مطابق ۲۷ صفر ۱۲۶۷ قمری انتشار یافته و بنابراین با اولین روزنامه فارسی هم سال و بلکه قدیمتر از آن هم میشود . (ص ۴۱۰ کتاب دانشمندان آذربایجان)

همانطور که یاد آور شدیم این روزنامه را مبلغین امریکائی برای کلدانیها و ارامنه آذربایجان ماهیانه یك شماره با چاپ سربی وشامل مطالب دینی ومذهبی منتشر نموده و با محاسبه دقیق شماره اول آن دوماه قبل از روزنامه وقایع اتفاقیه انتشار یافته و بنابراین درردیف قدیمترین روزنامه های ایران است . بی مناسبت نیست دراین جا مختصری از آغاز آمدن مبشرین امریکائی بایران وابتدای کار آنها گفتگو نمائیم:

اول دفعه که مبشرین امریکائی بایران آمدند دو نفر کشیش امریکائی بنام (اسمیت) و (دوایت) برای مطالعه در احوال عیسویان آذربایجان در زمان محمد شاه در سال ۱۲۴۴ قمری بود . این دو نفر پس ازمدتی توقف در ایران ، با مریکا مراجعت نموده ونتیجه مطالعات‌خودرا بجمعیت مبشرین امریکائی تقدیم داشته و در نتیجه این جمعیت کشیشی را بنام (پرکنیز) برای تبلیغ روانه آذربایجان نمود . بعدا چند نفر کشیش دیگربپرکینزملحق شده واین مبلغین‌عیسویان آذربایجان را بمذهب پروتستان دعوت نمودند . مرکز اقامت این مبلغین شهر ارومیه بود و پرکینز علاوه بر کلیسا و کتابخانه و مطبعه ، مدرسه نیز در ارومیه دایر کرد .

(۶۰۷) زارع

در سال ۱۳۰۰ شمسی روزنامه زارع در شهر یزد تاسیس و بطور هفتگی‌منتشر شده است .

(۶۰۸) زانك

روزنامه هفتگی زانك بزبان ارمنی درسال ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۹۱۰ میلادی درشهر تبریز تاسیس شده و ارگان فرقه ارامنه (هانچاکیست) بوده است . (تاریخ مطبوعات برون ص ۱۰۰)

(۶۰۹) زاینده‌رود

روزنامه زاینده رود بمدیری (معین‌الاسلام‌خونساری) در اصفهان تاسیس و شماره اول آن درمحرم ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . این روزنامه هفتگی بوده ودر سالهای اول با چاپ سنگی در مطبعه (فرهنك) چاپ و در هشت صفحه بقطع وزیری

بزرك (٦ر٥ × ١٢ سانتیمتر) منتشر شده • و از ابتدای سال چهارم با همان وضع و روش بمدیر مسئولی (ادیب خراسانی) انتشار یافته است •

زاینده رود در سه سال اول که بمدیری معین الاسلام خونساری منتشر شده مرتبا همه هفته روزهای چهار شنبه طبع و روزهای پنجشنبه منتشر میشده و مشتمل بر مقالات اساسی و اخبار کشور واصفهان بوده ودرهرشماره يك یا دو صفحه از آن کاریکاتوری راجع بحوادث داخلی ایران رسم شده است • زاینده رود از روزنامه های مفید و بسیار خوب ابتدای مشروطیت ایران است که درولایات منتشر میشده و مدیر آن با ایمان و عقیده مخصوصی ازمشروطیت دفاع مینموده و علاوه ازحیث اشتمال آن بروقایع مشروطیت ر اصفهان حایز اهمیت میباشد •

درضمن يك سطر درزیر عنوان درهرشماره، روزنامه اینطور معرفی شده است « آنچه که مفید بحال عموم ومنافی با آئین اسلامیت نباشد درج ومحاکمات عدلیه نیز نگاشته میشود •» وجه اشتراك روزنامه :اصفهان ١٦ قران ، سایر بلاد ایران ٢٠قران ممالك خارجه ١٠ فرانك • قیمت يك نسخه ٤ شاهی • سایر بلاد ٦ شاهی • اعلانات سطری دو قران • عنوان مراسلات : اداره زاینده رود • اسم روزنامه (زاینده رود) بخط نسخ درشت در وسط دایره نوشته شده ودر زیر آن سال تأسیس (١٣٢٧) درج است • در بالای عنوان روزنامه عبارت (وکلاذمه دار آبونه میباشند) چاپ شده است شماره ١ سال دوم روزنامه بهمان قطع سال اول و با همان خصوصیات در تاریخ ٢ شنبه ١٩ شهر محرم‌الحرام ١٣٢٨ قمری منتشر گردیده است • برای اینکه خوانندگان بسبك مقالات روزنامه آشنائی حاصل کنند بی مناسبت نیست قسمتی از مقاله افتتاحی این شماره را نقل نمائیم :

« جالب دقت وکلاء دارالشورا • الحمدلله که دراین وقت موفق بوعده ای که بمشترکین عظام داده آمدیم ودو باره تاییدات حق ما را بشرافت خدمت ملت مساعدت نمرد که اینك بمبارکی و میمنت‌شروع بسال دوم جریده مینمائیم معلوم است قبل‌ازشروع بنگارش لازم است نخست معرفی مسلك خودرا نموده خوانندگان را ازطرز روش خود دراین سال مستحضر داریم چرا که مسلك ما در آتیه بسی فرق دارد وبگذشته شباهتی نخواهد داشت • مسلك جریده ما درسال اول برحسب اقتضای وقت‌ومصلحت‌زمان‌مسلك حماسی بود واغلب هم خودرا مصروف نوشتن مقالات مهیجه و عباراتی که خون را آورده و تهییج غیرت و عصبیت مینمود میگردیم و نیز اگر مجالی بدست می آمد و از برای درج مکانی باقی بود بدرج اخبارات وتلگرافاتی که کاشف ازفتوحات ملیه و از خواندن آنها روح غیرت وطنی در ملت احداث میشد ، درآن موقع ملت بمطالبه حق خود قیام نموده بود و با قوای استبدادی‌درمقاومت بودبهتر ازاین ما مسلکی نمیتوانستیم اتخاذ نمائیم ولی امسال آن مقتضیات موجود نیست ومقتضیات دیگری فراهم است دراین صورت ازتغییر مسلك جریده ناگزیریم ملاحظه نمائید اوضاع کنونی با سال گذشته چه اندازه مغایرت دارد و تاچه درجه تفاوت حاصل شده ، پارسال این موقع که ما بنشر این جریده پرداختیم همه روزه اخبار وحشت آثار ازدربار محمد علی میرزا میرسید گاهی

مقتول نمودن یك مشروطه خواه و گاهی مصلوب کردن یك حقوق طلب را میشنیدیم گاهی خبر سوق عساکر بآذربایجان و گیلان واصفهان‌میرسید مع ذلك بواسطه‌مشاهده استقامت وپای‌فشاری‌مجاهدین دراستیفاء حقوق ملیت‌ابداوحشتی‌درماپیدانمیشدواضطرابی رخ نمیداد و با کمال جرئت و جسارت بانجام وظیفه خود اشتغال داشتیم و مید انستیم سوء افعال محمد علی میرزابخود عائد شده کار ملت پیشرفت کامل پیدا میکند و اسباب امیدواری درآتیه حاصل میشود ولی‌امسال ملاحظه میکنیم اثری از آذربایجان سابق باقی نمانده و محمد علی میرزا که غاصب حقوق ملت بود مخلوع و بجای او یك‌سلطان جوان بخت معصوم نصیب ما شده که هنوز لذت استبداد و فرعونیت نچشیده و سلطنتی بجز سلطنت مقیده ندیده ۰ در تمام نواحی فتنه نیست بجز اردبیل که آنهم بهمت اولیاء امور بر طرف خواهد شد مع ذلك وحشتی که امسال بر وطن خود داریم در سال گذشته نداشتیم چرا پارسال گمان میکردیم که پس از رفع مانع دیگر ابواب ترقی و تمدن برما ایرانیان گشوده میشود ۰۰۰۰ لهذا برحسب اقتضاء این وقت لازمست که تغییر مسلك داده و بهترین مسلکی که بنظر میرسد مطالبه اجراءقانون ومواظبت در عدم تخلف از آن است و بهمین مسلك جریده خودرا معرفی نموده باکمال حقیقت پیروهمین مسلك خواهیم برد ...»

پس ازسرمقاله مذکور مقاله تحت عنوان (ظل‌السلطان) نوشته و درآن ازاین شاهزاده دفاع کرده است ۰ مقاله دیگر این شماره بعنوان (نقض قانون اساسی) و بعد (اقدامات انجمن در باره ظل‌السلطان) میباشد ۰ اخبار این شماره عبارت از طرز تشکیل عدلیه در اصفهان و صورت اسامی و اعضاء آن وصورت محاکمات عدلیه‌وحوادث اطراف شهر و راپورت اداره نظمیه و در صفحه هشتم حکم رئیس عدلیه اصفهان و تلگراف ازطهران درج شده است ۰

شماره ٤٢ سال سوم روزنامه در تاریخ پنجشنبه ۷ جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ قمری منتشر گردیده و در این سال بقیمت اشتراك روزنامه بدین نحو افزوده شده است‌اصفهان ۱۸ ریال ، سایر بلاد : ۲۲ ریال ، در ممالك خارجه ۲٦ قران ؛ درسال چهارم که مدیر مسئول روزنامه عوض شده قیمت اشتراك باز هم افزوده گردیده و بترتیب به ۲٤،۳۰ و ۳۵ قران ترقی کرده است۰ شماره ۳۷ سال چهارم در تاریخ ٥ شنبه ۲۲ شعبان ۱۳۳۲ قمری منتشر شده و درعنوان آن روزنامه بدینقسم معرفی گردیده : « جریده ایست مصور ، سیاسی،اخباری ازمطالب نافعه بآزادی‌سخن میراند ومذاکرات بلدیه‌نگاشته‌میشود

عنوان بعضی ازسرمقاله های روزنامه از این قرار است : « اهمیت جریده یا حرف ناشنیده » و « آزادی » و « تربیت نسوان » و « ترك عادات قدیمه » و « خلاصه مذاکرات انجمن ولایتی پنجشنبه ١٦ »

میرزاسیدعبدالحسین‌ملقب‌بمعین‌الاسلام‌خونساری-معین‌الاسلام‌معروف‌بزاینده‌رودمدتی‌دراصفهان روزنامه زاینده رود راتاسیس ومنتشر نموده ودروقایع‌جنك بین‌الملل‌اول مجبوربمهاجرت ازاصفهان‌بطرف بختیاری گردیده است۰۰مرحوم وحیددرجلداول کتابره‌آورد (ص۱۰۹) در جائیکه از وقایع محرم ۱۳۳٤ قمری گفتگو میکند مینویسد ، بخلاصه اینکه بمناسبت

انتشار خبر ورود قشون روس باصفهان مصمم شدم از اصفهان بطرف بختیاری فرار کنم تا میرسد باینجا که : « مدیر جریده زاینده رود سید عبدالحسین خونساری که آنوقت سمت مدعی‌العمومی عدلیه اصفهان را نیز دارا بود و گراور او در(ص ۱۱۱) دیده میشود . (در این گراور میرزا عبدالحسین با لباس عمامه و مردی چهل وچندساله است) نیز تصمیم فرار و مهاجرت داشت و لوازم سفر خودرا بدستگرد آورده بود در خانه من تا بموقع با یکدیگر فرار کنیم .» مرحوم زاینده رود مدتی در ولایات یزد و نیشابور و بعضی نقاط دیگر سمت ریاست عدلیه را داشته ودر جمادی الاول ۱۳۳۹ قمری بریاست پارکه بدایت عدلیه اصفهان منصوب شده است . از مرحوم زاینده رود فرزندان و بنی اعمامی در اصفهان و سایر شهرها باقی مانده، که اغلب بخدمات دولتی مشغولند و من‌جمله یکی از فرزندان آنمرحوم آقای محمد زاینده رود مدتی رئیس فرهنگ گرگان بودودرحین تحریر رئیس فرهنگ زنجان است . از بنی اعمام آنمرحوم کمال وجمال‌رضوان که اولی درشرکت اسفالت ودومی رئیس دبیرستان سعدی‌اصفهانست.

و اما ادیب خراسانی که مدتی اداره روزنامه بعهده او بوده بعدا روزنامه صبح امید را در اصفهان تاسیس نمود و ما در ذیل این روزنامه شرح احوال او را ذکر خواهیم کرد .

(۶۱۰) زبان آزاد

روزنامه زبان آزاد بصاحب امتیازی (معاون‌السلطنه) دو مرتبه در طهران تاسیس و منتشر شده است دفعه اول در شوال ۱۳۳۵ قمری بوده که پس‌از توقیف روز نامه نوبهار بمدیری آقای ملک‌الشعرای بهار ، زبان آزاد بجای آن برای مشترکین فرستاده شده است . و این مطلب را بطور اجمال در سرمقاله شماره اول دوره دوم روزنامه بدین نحو ذکر کرده است : « نامه زبان آزاد که نخستین دوره سیر و مرحله زندگانی خویش را بامداد برادرانه هم مسلك ارجمند خود (نوبهار) بسر برد و با نگارش آقای ملك‌الشعرای بهار بودجه ایشان بخدمت عالم مطبوعات وطن شتافت پس از رفع تعطیل و انتشار آن گرامی روزنامه چندی بانتظار تکمیل لوازم در محاق تعطیل ....»

و اما شماره اول سال اول که در حقیقت شماره اول دوره دوم روز نامه میباشد بصاحب امتیازی (معاون السلطنه) و مدیری (میرزا قوام‌الدین) درطهران تاسیس و در تاریخ جمعه ششم ربیع الاول ۱۳۳۶ قمری مطابق ۳۰ قوس ۱۲۹۶ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرك ، در مطبعه سربی برادران (باقر زاده) طبع و توزیع شده است طرز انتشار آن هفته سه نمره روزهای دوشنبه ، چهارشنبه ، جمعه بوده است . قیمت اشتراك آن یکساله داخله ۷۰ قران ، شش ماهه ۳۵ قران . خارجه ۸۰ قران ۴۰ قران . تك نمره طهران ۱۰ شاهی ولایات ۱۱ شاهی محل اداره : طهران خیابان لاله زار :

در شماره اول پس از مقدمه که قسمتی ازآنرا نقل کردیم مقاله افتتاحی روزنامه

تحت عنوان (یاس باختگی) و بعد اخبار داخله و خارجه چاپ شده و در پاورقی صفحات دوم وسوم (جاسوس خرد سال) درج گردیده است . شعار روز نامه که در زیر اسم روزنامه چاپ شده جمله (ایران از آن ایرانیان است) میباشد . مندرجات روزنامه عبارت از سرمقاله و اخبار داخله و خارجه است و پاورقی و گاهی اشعاری نیز در آن دیده میشود من جمله در شماره ٥ سال اول مورخ ١٦ ربیع‌الاول ١٣٢٦ قمری اشعاری از رشید کرمانشاهی عضو دانشکده (آقای رشید یاسمی استاددانشگاه) تحت عنوان (ادبیات ترجمه ازلافنتن فرانسوی) درج است :

شنیدم که بر خوان گرگان دشت یکی گرگ از ره پذیرفته گشت
چو بنشست ازحرص خورد آنچنان که بگرفت درحلق وی استخوان
بپی چارکی رو بصحرا نهاد نه یارای فریاد بودش نه داد
قضا را یکی لکلک پر غرور بنزدیك او آمد از راه دور
اشارت بدو کرد با دست و سر که پیش آی وبرهانم از اینخطر
چواین دیدلکلک سویش شددوان بزحمت بکندش ز حلق استخوان
سپس مزد خود کرد از وی‌طلب بپاسخ چنین گرگ بگشود لب
بگردن دو صد منت است از منت که شد از گلویم رها گردنت
اگر در دلم مهربانی نبود ترا گردن وزندگانی نبود
زمن دور شو ای نمك‌ناشناس که بس بوده ای سفله و ناسپاس
بسختی ستمگر بخواند ترا چو کام از تو گیرد براند تو را

از روزنامه زبان آزاد تا شماره ٢٦ سال اول مورخ چهارشنبه ٩ جمادی الاول ١٣٣٨ دردست است .

(٦١١) زبان ایران

روزنامه زبان ایران در طهران بمدیری و نگارندگی (میرزا ابو الحسنخان معدنچی) تاسیس و شماره اول آن در برج دلو ١٢٩٩ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در سال سوم انتشار مدتی دوچار تعطیل شده و علت‌این تعطیل را در روزنامه ایران مورخ ١٦ اسد ١٣٠٣ شمسی اینطور اعلان کرده است : « جریده زبان ایران که چندی برای پاره محذورات اداری انتشار آن بتأخیر افتاده اینك بیاری خدا با همان سبك سابق منتشر خواهد شد . » در روزنامه ایران مورخ ٥ شنبه ١٣٠٣ شمسی ، در جزو اخبار داخله ، خبر انتشار مجدد زبان ایران را بدینقسم نوشته : « نامه شریفه زبان ایران دیروز بامقالات مفیده انتشار یافت . » انتشارمجدد روزنامه مصادف با شماره اول سال چهارم روزنامه بوده وشماره اول سال چهارم در تاریخ چهارشنبه ٢٥ شهرمحرم‌الحرام ١٣٤٣ قمری مطابق ٤ سنبله ١٣٠٣ شمسی‌منتشر شده است . این شماره در دو صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی در مطبعه (تمدن) طبع گردیده . سر مقاله آن تحت عنوان (پس از نه ماه تعطیل) است و باینقسم

شروع میگردد : « در مدت نه ماه تعطیل اجباری یا اختیاری هرگاه قلم ما مسئول خدمت گذاری نبوده ولی فکر ما آنی از تفتیش حقایق و کنه وقایع و علت‌العلل بدبختی» مندرجات این شماره و بطور کلی مندرجات زبان ایران پس از درج مقاله اساسی اخبار داخله و خارجه و مقالات متنوعه است •

زبان ایران روزنامه ادبی - سیاسی - اجتماعی وفکاهی معرفی شده ولی چون آقای ابوالحسنخان معدنچی عضو فرقه دموکرات طهران و زمانی هم (ناظم کمسیون کنفرانس دموکرات طهران بوده) ، قهراً مسلك روزنامه اش نیز موافق فرقه دمکرات است و رویهمرفته زبان ایران یك روزنامه سیاسی ، اجتماعی و اخباری است • محل اداره آن : طهران • خیابان ناصریه ، مقابل شمس‌العماره • وجه اشتراك آن : طهران سالیانه ٥ تومان ، شش ماهه ٣٠ قران • داخله بترتیب شش تومان ، ٤٠ قران ، تك شماره پنج شاهی • از روزنامه زبان ایران فعلا تا شماره ٤ سال چهارم مورخ سوم میزان ١٣٠٣ شمسی دردست است•

از اقدامات آقای معدنچی ماموریتی است که ازطرف دولت برای رفع اختلافات انتخابات شهریار در سال ١٣٠٢ شمسی بایشان داده شد و بقول روزنامه های آن وقت اسباب رضایت هر دو طرف را فراهم آوردند •

(٦١٢) زبان زنان

روزنامه زبان زنان در اصفهان بمدیری (بانو صدیقه دولت آبادی) تاسیس و شماره ٥ سال اول آن در تاریخ شنبه ٢٤ ذیحجه ١٣٣٧ قمری مطابق ٢٨ سنبله ١٢٩٨ شمسی منتشر شده است • این روزنامه ماهی دومرتبه چاپ و پخش میشده • محل اداره آن : اصفهان قصر شمس آباد • درزیر عنوان آن این عبارت درج است : « فقط اعلانات و مقالات ولوایح خانمها و دختران مدارس پذیرفته میشود ودرطبع و جرح آن اداره آزاد است •» ازشماره ششم سال اول بجای بعضی کلمات و لغات ، فارسی سر گذاشته شده بدینقسم : « پرهونگاه • (محل اداره) شمس آباد اسپهان • پرهونور وسردبیر (مدیر و صاحب اداره) صدیقه دولت آبادی ، نخستین سال پابست (تاسیس) اشکار نامه (اعلان) • »

مندرجات روزنامه زبان زنان پس ازدرج مقاله اساسی که غالبا راجع بنسوان است از قبیل (زنان و علوم) (وزن بیچاره نیست) عبارت از مقالات مختلف میباشد که بیشتر آن مقالات نیز مربوط بزنان است • ازهمان شماره های اول داستانی بعنوان (داستان رقت انگیز) در پاورقی روزنامه چاپ شده • زبان زنان درچهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی (مطبعه حبل‌المتین) چاپ شده وپس از نشر چند شماره مندرجات آن ازمطالب مربوط بزنان خارج شده ومقالات مختلف و اخبار داخله وخارجه نیز در آن دیده میشود • قیمت اشتراك روزنامه در سال اول ١٢ قران ودرسال دوم ٣٠قران و برای دختران دبستانها ٢٤ قران ودر « کشوردرونی وخاك بیگانه » تمبر پست افزوده میشود • تك نمره دهشاهی • شماره اول سال دوم روزنامه که «نمره‌پی‌درپی‌آن» ١٨

میباشد در چهارصفحه بهمان قطع سابق درهفتم پروردین ۵۱۳۸ باستانی مطابق ٦رجب ۱۳۳۸ هجری منتشر گردیده • مقاله افتتاحی این شماره تحت عنوان « نوروز » وباین جملات شروع میگردد : « خورشید از گریبان پروردین سر بدر کرده و بیمن‌جمشید خجسته باد میفرسد ۰۰۰» در سال دوم مرتباً روزنامه هفته یکبار روز های شنبه چاپ و پخش شده و تا شماره ٤۱ سال دوم که « نمره بیابی » آن ۵۷ است منتشر گردیده این شماره که ظاهراً آخرین شماره زبان زنان منتشره در اصفهان میباشد در تاریخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ قمری مطابق ۱۱ جدی ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته و با این شماره روزنامه زبان زنان برای همیشه تعطیل وبجای آن مجله زبان زنان بشرحیکه ذیلا خواهیم نوشت در طهران منتشر شده است •

زبان زنان گرچه اول روزنامه ای نیست که بمدیری یك بانو در ایران منتشرشده باشد و بلکه قبل از آن یعنی در آغاز مشروطیت روزنامه « شکوفه » بمدیریت مرحوم خانم مزین السلطان در طهران تاسیس و منتشر گردیده ولی همانطور که خود بانو دولت آبادی در شماره ٤ سال دوازدهم مجله عالم نسوان درضمن یك مقاله نوشته : « زبان زنان اول نامه بوده که توانست اسم زن بخود بگیرد وبافکر زن وقلم زنان نوشته شود و اهمیت موقعی داشته باشد چونکه در آن تاریخ دراصفهان فنا تیك بطبع میرسید ۰» درحقیقت هماتقسم که بانو دولت آبادی متذکر گردیده انتشار روزنامه بنام زن در اصفهان که یك شهرمذهبی و روحانیون وملانماها بخصوص درآن کمال‌نفوذ و اهمیت را داشته اند ، کاربسیار مشکلی بوده و بهمین جهت هم بشرحیکه ذیلاياد آور میشویم عاقبت مدیر روزنامه نتوانست دراصفهان مقاومت ودرمقابل کارشکنیها وسنگسار کردن خانه ومحل اداره او ناچار بترك این شهر ومهاجرت بطهران گردید • اجمالی از این حادثه بقسمیکه در شماره ۳۱ سال دوم مورخ سوم صفر ۱۳۳۹ قمری نوشته‌بدین قرار است : تفصیل حادثه سرمقاله شماره مذکور را تشکیل میدهد ۰« دشمنان تفنك میکشند • چنانچه سابقاً گفتیم یکی از راههائی که اسباب بیداری ملت پاکدامن ایران را فراهم میسازد نطق ونگارش وطن پرستان واقعی مملکت است • بیداری قوم نیز افزار محافظه استقلال وطن میباشد •

سه گروه یعنی مستبدین ودزدان و دشمنان ایران یك روش هستند البته مستبدین برضد آزادیخواهان ودزدان برعلیه پاکان ودشمنان بنابودی وطن پرستان کوشش‌دارند یقیناً این سه جمعیت ازحیث زور ؛ پول و میادین کار قوی وتوانا میباشند • بزرگترین کوشش اینان عوام فریبی است وهمیشه سعی دارند که عوام چشم‌وگوش‌بسته بمانندوافکار سران ملت ؛ آزادیخواهان ووطن پرستان نه ازراه نگارش ونه ازطریق نطق میدان پیدا نکنند وهمیشه دررعب وفشار خفه وخواموش افتاده باشند ، تا خودشان توانسته باشند که ناحق را حق جلوه بدهند •

ازروز طلوع زبان زنان‌ما حس کردیم که اتریك اشخاص سه گروه‌فوق‌الذکر برضد ما آغاز شده و هرچه ازعمر زبان زنان گذشت ، همان اندازه اعمال دشمنان آنان برضد روزنامه زیادتر گردید • آغازحملات• درماه‌شعبان گذشته‌چند دفعه خانه مسکن

مدیر ما و کارکنان زبان زنان مورد حملات وتهدید دزدان واقع گردید که در همان اوقات بموجب مراسله رسمی از اداره شریفه نظمیه استمداد خواستیم و شهدالله از نتیجه اقدامات مامورین اداره مذکوره ـ دنباله حملات آنان پس از پانزده شب پایی بریده شد . اینك دست بتفنك شدند . دراین ایام از نقطه نظر صرفه جوئی خانه مسکونی کارکنان و اداره روزنامه را تغییر داده ودریك حیاط یکدستگاه خانه منزل کرده و دستگاه دیگر را باداره انحصار دادیم .

شب جمعه ۲۴ محرم ازساعت چهار ازشب وقتیکه همه اهل خانه برای صرف شام باطاق سفره حاضر شده ناگاه صدای پا درایوان بالا بگوش رسید وفورا با امداد نوکرها بتجسس پرداخته سیاهی دونفر دیده شد که دوان دوان ازبالای سردرب اداره میگریزند ، شب را درحالت دفاع بسربرده و باداره نظمیه اطلاع دادیم ، شب دوم حمله شدید ترشد ؛ درحالتیکه آژانها ازطرف نظمیه درکمین بودند وساعت سه و نیم از شب گذشته بود درطرف ایوان پائین اطاق اداره دونفر دیده شدند که پاسبانان ما دو تیر انداختند و آن دو نفر دیوار مقابل را سنگر خود کردند وسپس آژانها رسیدند آنان را تعقیب میکنند که یك تیر ازطرف آنها بسوی آژانها خالی وفرار میکنند درهنگام فرار ازکوچه دیده شده اند که سه نفر بودند و یکی کمربند ومچ دست بسته بوده است

درشب یکشنبه که عده آژانها دراطراف خانه بیشتر بوده درساعت هشت ازشب گذشته سه نفر که یکی بهمان شکل اولی مچ بسته لباس پوشیده بوده ودیگری راشنیدیم ژاندارم است وسومی مانند دهقانی در همان کوچه منزل ما بدست آژانها گرفتارمی شوند . شنیدیم صبح آنروز آنان رها شدند . ما نیز بموجب یك مراسله رسمی تاریخ ۲۵ محرم از نظمیه دستگیری حمله وران وامنیت خودرا خواستیم . ازجدیت مامورین نظمیه وطرز اجرای قواعد آنان تشکر میکنیم . درشبهای دوشنبه و سه شنبه نیز از ساعتهای پنج الی نزدیکی های صبح گاهگاهی صدا ها شنیده میشود وبطوریکه بتمام عده آژانها آشکار گردید ولی هنوز منبع ومرکز این حمله وران وبا دزدان بطور مستور ورسماً علنا بدست نیامده و گرفتار نگردیده‌اند . این حوادث را که نوشتیم وقایع تاروز سه شنبه ۲۸ محرم است که این مقاله رادرعصر سه شنبه مذکور مشغول نگارش هستیم که بمطبعه بفرستیم و از امشب چهارشنبه به بعد را بخواست خداوند در نمره آتیه درج خواهیم نمود . اینك باید گفت ، آری باید فریاد کشید و نوشت ؛ ایوطن پرستان واقعی ؛ ای نویسندگان باکدامن؛ وای آزادیخواهان درست بشنوید وببینید که چگونه خادمین ملك وملت واقلام فداکار را تهدید میکنند ما اینك باصدای بلند خطاب بهمه مستبدین و دزدان ودشمنان کرده ومیگوئیم :

مارا عشق وطن ، مارا آرزوی پرورش مشروطیت ایران ومارا افتخار خدمت درنگاهداری استقلال با معنی ایران ـ بمیدان معارف دوانده . مابرای رستگاری ملت از روزگار تاریك وبرای نجات خواهران بی نوای خود وبرای یاری وطن قلم بدست گرفتیم ...... ما ازکشته شدن باك نداریم وبلکه فدا شدن درراه وطن وملت آزاد خود

افتخار میکنیم . زنده باد ایران . نیست باد استبداد . نابود باد دشمنان ایران . . »

در شماره بعد که شماره ۳۲ سال دوم است تحت عنوان (از شب چهار شنبه) مینویسد : « چنانچه در شماره پیش‌حمله وری مستبدین ، دزدان ودشمنان را درسرمقاله تحت عنوان : دشمنان تفنك میکشند . تاعصر سه شنبه هرچه روی داده بود نو شتیم و اینك ازشب چهار شنبه تاعصر سه شنبه بیست وهفتم میزان را (سال ۱۲۹۹) یعنی تا این ساعت که همین مقاله را مینویسم درج میکنیم .

شب چها ر شنبه ساعت یك سیاهی آدم پشت یك اطاق دیده شد که پاسبانا ن ما تعقیب کرده و بانداختن یك تیر گریخت و از اثر صدا آقای نصرت ا الله خـا ن رئیس کمیسری مرکز با عده آژانهای مامور آنجا رسیدند و تا صبح با کشیکها ی مرتب محفوظ ماندیم . از جدیت آقای نصرت‌الله خان تشکر میکنم . ازنقطه نظر اینکه خانه ما دربسکوچه هم واقع شده که خود محل ممکن است برجسارت د زدا ن تاریك منش بیافزاید عازم تغییر منزل شدیم ، بنابراین صبح چهارشنبه ۲۹ محرم‌خانه درخیابان دروازه دولت ، پشت چهلستون و ارك دولتی ، نزدیك به‌تلگرافخانه‌راکرایه کرده و در همانروز باینجا نقل مکان کردیم .

سنك ریزی – شب پنجشنبه گاهی صدای پرتاب شدن سنگهای ریزه از هوای بیرون خیابان بخانه شنیده شد . شب جمعه ریزش سنگها برشدت خود افزوده وصدای پا ازطرف دکان خرابه های طرف کوچه بگوش میرسید که ناچار باطلاع نظمیه‌شدیم و پس از آن امداد آژانها آسایش را سبب شده وعجب آنجاست که دزدان‌ودشمنان و مستبدین و یا عمال آنها خوب مواظبت‌هم‌دارند ،همینکه آژانها را اند کی دو ر دیده وموقعی بدست آورده خواه به پراندن چند دانه سنگها هم باشد کوتاهی نمـی کنند و ما برای اینکه نظمیه را نیز بانجام وظایف خود آزاد گذاشته باشیم بیش ا ز این شرح نمیدهیم و همین قدر میگوئیم که دشمنان ما ناچار قوی پنجه هستند !! اگر آنها میخواهند که ما ازبیداری عوام دست بکشیم ، اگر آنهـا خیال میکنند ما ترسو هستیم ، اگر آنها آرزو دارند ما ازنوشتن وکشف حقایق امور وآشکار گوئی ازقضایای ملی صرف نظر کنیم ؟ اگرگمان میکنند میتوانند مارا مجبو ر کنند که از طریقه خوشبختی ایران چشم بپوشیم و دروغها بنویسیم ویا راستها را نگو ئیم و تعریفها ی بیجا بکنیم و امثالهم ـ اینها همه خیالات خا م است . ما ایرا ن را می پرستیم ...» درهمین شماره اعلانی تحت عنوان (تغییر مکان) بدینقسم چاپ شده‌است: « چنانچه از حوادث وارده که نگاشتیم اداره زبان زنان ازکوچه عباس آبا د بـه خیابان دروازه دولت نزدیك تلگرافخانه نقل مکان نموده است .»

مدیر روزنامه زبان زنان پس ازمطالبی که در شماره های ۴۷ و ۴۸ نوشته در شماره ۴۹ مینویسد برای اینکه نظمیه را آزاد گذاشته باشیم‌خواموش میما نیم ودیگر در روزنامه چیزی نمینویسیم وپس ازآن بجای نگارش درروزنامه با پیغام و نگار ش نامه با نظمیه اکتفا مینماید و در شماره۵۲مینویسد : «ما دراین خانه هنوز باپاسبانی پاسبانان زندگی میکنیم . میدانیم دامن کاردانش بکمرزدن ؛ را ستگـو ئی ، آزاد ی

پژوهی و ایران پرستی ، دشواری بسیار دارد و باید در برابر دروغ گویان ، تاریک منشان ، آزادی شکنان ایستادگی کرد . » هنوز مدیر زبان زنان ازمشاجره و منازعه با مستبدین فراغت پیدا نکرده که با رئیس معارف اصفهان ؛ آقای صادق انصاری ، مناقشات قلمی را در روزنامه آغاز مینماید . این اوضاع و احوال وحوادثی که شرح آنها را مختصراً نگاشتیم بضمیمه پیش آمد کودتای حوت ۱۲۹۹ باعث گردیدند که بانو صدیقه دولت آبادی بدوره روزنامه نگاری خود دراصفهان خاتمه داده و از آن پس ، در سال ۱۳۰۰ شمسی ، با تغییر روزنامه‌بمجله ؛ مجله زبان زنان را درتهران منتشر سازد .

(۶۱۳) زبان زنان

مجله زبان زنان بمدیری بانو صدیقه (دولت آبادی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در جوزای ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده وچون انتشار مجله دنباله روزنامه زبان زنان بوده لذا سال تاسیس مجله همان سال تاسیس روزنامه محسوب گردیده است . بنا براین شماره دوم سال چهارم درثور ۱۳۰۱ شمسی و شماره سوم درجوزای سال مذکور منتشر شده است . شماره دوم وسوم با چاپ سنگی بخط (ملك‌الخطاطین شریفی) و در (مطبعه «روی) بطبع رسیده؛ طرز انتشار مجله ماهانه بوده وهرنوبت در ۳۲ صفحه بقطع ربعی انتشار یافته . شعار مجله : الجنة تحت اقدام الامهات ووجه اشتراك آن بدینقرار است : تکشماره سی شاهی . بهای سالیانه بیست قران . بـه دختران دبستان ۱۸ قران. کشور درونی وخاك بیگانه تمبر پست افزوده میشود . محل اداره : موقتاً فخرآباد . جای پخش : کوچه حاج باقر اداره توزیع جراید . خیابان چراغ برق دواخانه غربی . فهرست مندرجات درپشت جلد مجله طبع گردیده و فهرست مندرجات شماره دوم بدینقرار است : ۱ ـ مرغ سحر (حضرت آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی) ۲ ـ درفرایض مربیان حقیقی مردان یعنی نسوان . (ع) ۳ — زن خوشبخت (صدیقه) ٤ ـ اصفهان ـ ٥ مادام کوری ٦ ـ محفل دوشیزگان. ۷ ـ مدرسه شبانه روزی ، ۸ ـ مکتوب شهری. ۹ ـ تشکر ازجراید. ۱۰ ـ جراید و دوای درد ها ۱۱ ـ منظومه . ار قسمت سوم بانطرف بقلم مدیر مجله بانو صدیقه دولت آبادی است . همانقسم که ازفهرست نقل کردیم مقاله اول شماره دوم اشعار یست ازمرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی بعنوان (مرغ سحر) قبل ازچاپ اشعار این چند سطر نوشته شده است : «مجله دوم را شروع میکنیم بمنظومه حضرت آقای حاجی میرزا یحیی که با اوضاع کنونی ایران وحالت روحیه هموطنان مضامین ادبی آن قابل توجه و ملاحظه میباشد امیدواریم قارئین محترم بدقت تمام مطالعه‌فرمایند. زبان زنان »

مرغ سحر

کی کند بوم شب شوم از این بوم سفر   تا شود بدرقه اش زمزمه مرغ سحر

بامداد آید و روشن شود از نو ایران فلکی تازه بـه بینیم براز شمس وقمر• شماره سوم سال چهارم در برج جوزای ۱۳۰۱ منتشر شده • مقاله افتتاحی آ ن تحت عنوان (افکار پریشان) است • در روزنامه ایران مورخ ۱۳ دلو ۱۳۰۱ شمسی‌بعنوان (معذرت از مشترکین) مینویسد : « بواسطه کسالت سخت مدیره طبع شمار ه ۷ مجله زبان زنان عجالتاً چند روزی در عهده تعویق میباشد •» نگارنده از وضع مجله پس‌از تاریخ مذکور اطلاع صحیحی در دست ندارم •

بانوصدیقه دولت آبادی از زنان دانشمند و از خانواده مشهور دولت آبادی است • وی در آغاز کار در اصفهان و پس از رفتن بطهران و تاسیس مجله زبان‌زنان درپایتخت متوقف و تا این تاریخ در خدمت فرهنگ مشغول کار میباشد • ازخدمات‌بزرگ مشارالیها تاسیس کانون بانوان است که در بالا بردن‌سطح معلومات زنان و دوشیزگان خدمت بزرگی را عهده‌دار است • کانون بانوان دارا ی کلاسها ی متعدد و همه سا له بمناسبت ۱۷ دی و آزادی نسوان جشن مجللی برپا مینماید • شرح احوال ایشان خواسته شده و تاکنون نرسیده است •

(٦١٤) زبان ملت

روزنامه زبان ملت در طهران ؛ یك روز درمیان ، در سال ۱۳۲۵ قمر ی تاسیس و منتشر شده است • برون درکتاب تاریخ مطبوعا ت (ص ۱۰۰) مینو یسد : « من نمره سوم این روزنامه را که در تاریخ ۲۸ رمضان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده در د ست دارم • این شماره در چهار صفحه بقطع ۱۱/۵×٦سه چهارم اینچ طبع شده • قیمت اشتراك سالیانه‌آن درطهران۱۵قران،درسایرشهرها۱۸قران ؛ درممالك‌خارجه۱۲فرانك

(٦١٥) زشت وزیبا

روزنامه مصور و هفتگی زشت و زیبا بمدیری وتحت نظر (فتح الممالك) د ر طهران تاسیس و درسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است • ظاهراً شماره اول این روز نامه درتاریخ دوم جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر گردیده . برون درکتاب مطبوعات (ص ۱۰۱) مینویسد : « من نمرات یك ودو و سه روزنامه را دردست دا ر م . هر شماره آن هشت صفحه بقطع ۷ ویکچهارم×۱۲ ا ینچ ا ست . وجه اشتراك روز نامه در طهران ۳۰ قران و در سایر شهرها باضافه اجرت پست . »

(٦١٦) زمان وصال

روزنامه زمان وصال بطور هفتگی بمدیری (میرزا علی اصغر شیرا ز ی ملقب بنا صر الشعرا) درشهر رشت تاسیس و در سال ۱۳۲۹قمری منتشر شده است . برون درکتاب مطبوعات (ص ۱۰۱) بنقل از رابینو مینویسد از این رو ز نامه بیش ا ز هشت شماره منتشر نشده وشماره اول آن در تاریخ ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ وشماره آخر آن در ۲۲ رجب سال مذکور انتشار یافته است . برون اضافه میکند که من نمرا ت یك ،

دو ، سه . پنج ، هفت وهشت آنرا در دست دارم . هر شماره آن درچهار صفحه بقطع ۶٫۵در۵٫۱۲ اینچ و قیمت اشتراك سالیانه آن ده قران است •

(۶۱۷) زنان ایران

روزنامه زنان ایران درسال ۱۲۹۹ شمسی بطور هفتگی درطهران تاسیس ومنتشرشده‌است

(۶۱۸) زنبور

روزنامه زنبور درطهران بصاحب امتیازی (ش ـ ا فشا ر) و مو سسی (ح ـ کسرائی) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است • شماره او ل سا ل دوم روزنامه در چهار صفحه با چاپ سربی (در مطبعه شرکت برادران باقر زاده)بطبع رسیده و دو صفحه نیز کاریکاتور با چاپ سنگی (مطبعه مروی) دارد ، در تاریخ شنبه ۱۱ رمضان مطابق ۷ ثور ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است • زنبور درعنوان آن ، روزنامه (سیاسی ، اجتماعی ، اخلاقی ،) معرفی شده ودر ضمن یك سطر نوشته است : « صفحه اول این روزنامه جدی و دارای تصاویر گراوری بزرگان ایرا ن میبا شد . » گرچه در شماره‌اول تصویرنداردولی در شماره دوم تصویر مشیرالدوله بمناسبت‌انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی چاپ شده است • محل اداره : طهرا ن . نا صر یه • آبونمان سالیانه ۶۰ قران • شش ماهه ۳۵ قران ، ولایات ۷۰ قران‌تك شماره۶شاهی .

مندرجات زنبور پس ازیك سرمقاله ، عبارت ازمقالات واخبار مختلف ویك‌ستون ملخص جراید میباشد• دراین ستون قسمتی‌ازجراید مختلف نقل شده ؛ برای نمونه‌قسمتی ازشماره اول‌این‌ستون‌سال‌دوم را نقل‌مینمائیم : «**انعکاس**ـراجع بانتخابات . زنبورـخبر با واگون عقبی است . **مردآزاد** پریشان وبی باعث ول میچرد ؛ **زنبور** ـ بعقیده‌بعضی ها بیخود زنده است . **دستوراخوت** طبع مجانی‌روزنامه . **زنبور** ـ مارا هم از این نمد کلاهی - **کار** انتقام حق بدست کارگر شمشیر شد ؛ **زنبور** - بله ازتیغه چوبی‌نباشد. **آستانه رضوی** - انتخاب زنبور . بسته برضایت شماست ..» شماره ۱۸ سال دوم‌زنبور با داشتن دوصفحه کاریکاتور در تاریخ شنبه ۲۰ ع ۱ مطابق ۱۹ عقرب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده . دراین شماره تصویر (قوام‌الملك شیرازی) درصفحه اول طبع شده و در صفحه چهار اشعاری تحت عنوان (میومیو) درج گردیده ودر آنها شرح حال فرخی‌مدیر روزنامه طوفان ذکر شده است ؛ قسمت اول این اشعار این است :

میو میو

پیشتم مکن که گر به لوسم میومیو — آتش بیار مطبخ ر و سم میو میو
بودم به بزد گربه دکان نا نو ا — هر روز میرساند خدا رزقم ا ز هو ا
از مو مو م شکست د ل موش بینوا — حا کم لبم بدوخت بسوز ن خدا کو ا

از در د آ ن هنو ز عبو سم میو میو
پیشم مکن که گر به لوسم میو میو

حاکم مرا بسفره خود برد بعد از آن — گشتم ز شوق‌سفره او دست‌ولب‌گزان

بوی پلو ز مطبخ او روز و شب روان گفتی بود عروسی و هر شب پلو پزان
من اندران میانه عروسم میو میو
پیشتم مکن که گربه وسم میومیو

(۶۱۹) زنبیل

مجله زنبیل در سال ۱۳۰۹ شمسی بطور ماهیانه تاسیس و منتشر است •

(۶۲۰) زنبیل دهقان

مجله زنبیل دهقان بمدیری (میرزا احمد خان دهقان) در دهم تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته ولی ظاهراً منتشر نشده است. میرزا احمد خان دهقان همان آقای بهمنیار استاد دانشگاه میباشد که شرح احوال ایشان ر جلد دوم کتاب، در ذیل روزنامه دهقان بتفصیل ذکر شده است •

(۶۲۱) زندگانی

در رجب ۱۳۳۶ قمری آقای نوبخت شیرازی وآقای آزادی مجله بنام زندگانی نوشته و بمدیریت آقای حیات منتشر نموده اند •

(۶۲۲) زندگانی

در در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز مجله زندگانی در طهران بمدیری آقای (میرزا حسینخان عدالت) از تصویب شورایعالی معارف گذشته و طرز انتشار آن ماهی سه بار بوده است •

حرف ژ

۶۲۳ ژورنال دوطهران

روزنامه ژورنال دو طهران (روزنامه طهران) بمدیری و موسسی (آقای عباس مسعودی) مدیر روزنامه یومیه اطلاعات تاسیس و در سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است• این روزنامه معمولا درچهار صفحه بقطع بزرگ بزبان فرانسه ابتدا بطور هفتگی و بعد بصورت یومیه طبع وتوزیع گردیده ونمره ۱۴۹۹ سال ششم آن درتاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۹ مطابق ۲ ژوئن ۱۹۴۰ میلادی منتشر گردیده محل اداره روز نامه طهران • خیابان خیام، در همان محل روزنامه اطلاعات و تك نمره آن ۵۰ دینار است •

مندرجات ژورنال دوطهران پس از مقاله اساسی که غالباً ادبی یا تاریخی ویا اقتصادیست عبارت ازمقالات مختلف تاریخی و ادبی است وصفحات دوم و سوم آن مخصوص آخرین اخبار خارجه و داخله وصفحه چهارم مخصوص درج اعلانات است برای اطلاع از مندرجات روزنامه عنوان بعضی ازمقالات آنرا نقل مینمائیم • سرمقاله شماره نمونه (شماره ۱۴۹۹) تحت عنوان (جوانی اصفهان بقلم نویسنده گمنام) و مقاله دوم آن (زردشت و فلسفه او) که دنباله دارد • اخبار داخله و خارجه بتفصیل •

مندرجات نمره ۱۱۵۱ : (عزیمت هیئت ایرانی بایطالیا) این قسمت با تصویر چاپ شده است . آمار تجارت خارجی ایران مذاکرات مجلس.اخبارداخله وخارجه بتفصیل. اعلانات . مندرجات ۱۱۹٤ : ایران از لحاظ ژئولوژی . مذاکرات رودلف هس اخبار مفصل اروپای مرکزی ، اروپای شرقی ، فرانسه .

علاوه برمقالات گوناگون درصفحه سوم در شماره یك رمان پاپسی بنام (اتونی قتال) که از انگلیسی بوسیله (میریام دو) ترجمه شده ، طبع گردیده است . دیگرازمقالات روزنامه ؛ هنرایرانی است که شامل آغاز پیدایش رقص وغیره میباشد . سود شرکت های سهامی . مقالات مختلف در باره شرق اقصی . در بعضی ازشما ره ها یك صفحه مخصوص خلاصه فیلمهای سینما است .

چون قسمت عمده انتشار ژورنال دو طهران در زمان اعلیحضرت فقید بوده وروز نامه ها کمتر مقالات سیاسی چاپ میکرده اند ، از اینرو مقالات ژورنال د و طهران اغلب ادبی ؛ تاریخی ؛ اقتصادیست و روبهرفته این روزنامه برای آشنایان بز بان فرانسه ، بسیار مفید است و همچنین برای آشنا شدن باصلاحات زبان فرانسه یك مرکز عمده ایست و از اینرو دانش آموزان میتوانند با قرائت آن این زبان را درخود تقویت نمایند . نویسنده ژورنال دو طهران مرحوم حاجیان است که تفصیل احوال وعکس او را درجلد اول کتاب در ذیل روزنامه اطلاعات بطبع رسانده‌ایم . خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند .

در آذرماه ۱۳۲۱ شمسی قانون جدیدی راجع بمطبوعات ازمجلس گذشت که بر طبق آن هر فرد بیش از یك امتیاز نمیتواند دارا باشد ولذا آقای عباس مسعودی که امتیاز روزنامه اطلاعات را داشت دیگر نمیتوانست امتیاز این‌روزنامه رانیزداشته باشد و لذا امتیاز ژورنال دو طهران بنام آقای جواد مسعودی ؛ برادر عباس مسعودی صادر گردید و تا حین تحریر این‌یاد داشت ژورنال دوطهران بمدیریت‌ایشان منتشرمیگردد.

آقای جواد مسعودی مدیر ژورنال دوطهران - آقای جواد مسعودی در سال ۱۲۸۸ شمسی در طهران متولد و تحصیلات خود را در دبیرستان ثروت انجام داد . در سال ۱۳۰۹ شمسی برای اتمام تحصیلات باروپا رهسپار و دوازده سال در سویس و بلژیك بتحصیل علوم اقتصاد واجتماع مشغول بود . سپس درمدرسه نامه‌نگاری‌بروکسل داخل شد وتحصیلات خودرا دراین رشته پایان داد وباخذ گواهی نامه نائل گردید آقای جواد مسعودی پس ازمراجعت بایران در سال ۱۳۲۰ شمسی سردبیری ژورنال دو طهران را عهده دار شد و از آذر ۱۳۲۱ ، چنانچه فوقا ذکر کردیم ؛ صاحب امتیاز ومدیر روزنامه گشت. آقای مسعودی دردوره چهاردهم ازفیروزکوه ودماوندبنمایندگی مجلس و در دوره شانزدهم از طهران انتخاب گردید .

حرف السین

(٦٤٢) ساحل نجات

روزنامه ساحل نجات در شهر انزلی (بندر پهلوی) بمدیری (انصح‌المتکلمین

معروف بخیرالکلام) تاسیس و درسال ۱۳۲۵ قمری بطور یکروز در میان منتشر شده است • برون درکتاب مطبوعات و شعرفارسی از قول رابینو نقل میکند که (ص۱۰۱) « از روزنامه ساحل نجات هشت شماره بیشتر منتشر نشده و شماره اول آن در ۲۶ رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته است » برون اضافه میکند که من از نمره یك تا ۵ آنرا دردست دارم • هر شماره روزنامه چهار صفحه بقطع ۷ در دوازده اینچ است • وجه اشتراك ساحل نجات در گیلان ۱۸ قران ، در سایر شهرهای ایران بیست قران در روسیه و قفقاز ۵ منات و در اروپا ۱۴ فرانك •

مرحوم افصح‌المتکلمین مدیر ساحل نجات بشرحیکه ذیلا خواهیم نوشت بعدا روزنامه را در شهر رشت منتشر نموده و درشهر اخیر علاوه بر ساحل نجات روزنامه خیرالکلام را (ازاین روزنامه درجلد دوم کتاب گفتگو کرده‌ایم) منتشرکرده است•

(۶۲۵)ساحل نجات

مرحوم افصح‌المتکلمین در سال ۱۳۲۸ قمری مجددا روزنامه ساحل نجات را بطور روزانه در شهر رشت تاسیس و منتشر نمود • برون درکتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۰۱) مینویسد من از نمره ۸ تا سیزده این روزنامه را در دست دارم که در سلخ شوال ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است • هرشماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۲ اینچ است • وجه اشتراك آن دررشت سالیانه ۲۵ قران ، در سایر شهرهای ایران سی ریال و در روسیه ۶ منات •

(۶۲۶)سالم

روزنامه سالم در تهران ، درسال ۱۲۹۳ شمسی بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۶۲۷) سبیل الرشاد

روزنامه سبیل‌الرشاد در سال ۱۳۰۲شمسی درطهران تاسیس و منتشر شده است

(۶۲۸) ستاره

روزنامه ستاره در تهران بصاحب امتیازی و نگارندگی آقای (احمد ملکی) تاسیس و در سال ۱۳۱۶ شمسی منتشر شده است • این روزنامه بطور یومیه و در بدو تاسیس هر دفعه چهار هزار شماره از آن منتشر میشده و شمار اعضای آن ۲۶ تن بوده اند • شماره ۲۴۴ سال اول آن در چهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سر بی (چاپخانه اتحادیه) طبع ودرتاریخ جمعه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ شمسی مطابق با ۱۲ ربیع الاول ۱۳۵۷ قمری انتشار یافته است . ستاره ، یك روزنامه « یومیه-سیاسی اقتصادی ـ اجتماعی ـ ادبی ـ علمی » معرفی شده و مندرجات آن مانند سایر جراید یومیه طهران ؛ مانند کوشش وتجدد ایران ، عبارت است ازیك سرمقاله و مقالات

مختلف و ترجمه های خارجی و اخبار داخله وخارجه بتفصیل و اعلانات دولتی و غیر دولتی است •

روز نامه ستاره مانند سایر جراید دوره اعلیحضرت فقید ، تا قبل از شهر یو ر ۲۰ ، یك روزنامه خشك و محدود و مقالات آن چند بار از زیر نظر کارمنـدان اداره آگاهی میگذشته است ولی پس ا ز شهریو ر بکلی سبك را عوض کرده وروزنامه انتقادی گردیده و بهمین جهت هم در دیماه ۲۰ بمناسبت درج مقاله تحت عنوان (جا م جم) بقلم (درشگه چی) توقیف گردیده است • دراین مقاله از قول خبر نگار مصری روزنامه در قاهره در ضمن مصاحبه که با سفیر کبیر ایران آقای محمود جم بعمل آمده اوضاع ایرانراشرح دادهاست • روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه ۲۱ دیماه ۲۰ در باره توقیف روزنامه ستاره شرحی نوشته که خلاصه آن این است : « یك هفته استروزنامه ستاره منتشر نمیشود و از طبع آن جلوگیری شده است • ما تصد یق میکنیم که اگر روزنامه برخلاف حدود خود چیز نوشت باید ازانتشار آن جلوگیری شود ولی درمملکت مشروطه اینکار با دادگاه و هیئت منصفه است ولی اینکار تا کنون درباره رو ز نا مه ستاره عملی نشده است • »

توضیح آنکه روزنامه ستاره همانقسم که یاد آور شدیم پس از آزادی جر ا ید در شهریور ۲۰ بطور یومیه منتشر گردید و مرتباً با درج مقالات تند بادارات د و لتی و شاه سابق و حتی وزراء حمله مینمود • عاقبت هم بمناسبت مقاله که عنوان آ نرا نقل کردیم توقیف گردید •

محل اداره روزنامه ابتدا : طهران • جنب وزارت معارف • کوچه دژبان و بعد بخیابان فردوسی رو بروی خیابان ثبت اسناد ، منتقل گر دد • وجه اشتراك سالیانه یك صد ریال ؛ ششما هه ۵۰ ریال • در خارجه دویست ریال و ۱۱۰ ریـال • بهـای آ گهی ها صفحه اول چهار ریال • دوم سه ریال • چهارم یکریال • تکشماره در طهرا ن ۲۰ دینار • پس از یکروز نیم ریال ، در ولایات سی د ینار • پس از آنکـه ستار ه یومیه شد در بهای اشتراك بدین نحو افزوده گردید ، سالیا نه ۴۰۰ ر یا ل ؛ ششما هه ۲۲۰ ریال ؛ سه ماهه ۱۲۰ ریال : تکشماره دو ریال ؛ یك روز بعد ۵ ریال •

در تیر ماه ۱۳۲۶ شمسی دهمین سال روز نامه پایان یافته و آغاز سال یاز دهم شروع گردیده و بهمین مناسبت در شماره ۲۶۱۶ مورخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۶مطابق اول رمضان ۱۳۶۶شرحی تحت عنوان (یازدهمین سال روزنامه ستاره) نوشته وازهمکارا ن گرام خود که پایان سال دهم روزنامه را تبریك گفته اند ستایش کرده ا ست • چند سطر اول شرح مذکور بدین قرار است : « بمناسبت پایان دهمین سال روزنامهستاره و آغاز سال یازدهم حیات روزنامه نویسی وادامه خدمتگذاری هفته گذشته بسیاری ز محترمین ـ دانشمندان ـ ارباب قلم ـ مشترکین محترم و خوانندگان گرامی روز نا مه ستاره چه ازمرکز و چه ازشهرستانها بوسیله تلگراف ونامه وتلفن وباتشریف فرما ئـی بروزنامه ستاره سال یازدهم را تبریك وبوسایل مختلف موجبات تشویق کار کنـا ن صمیمی این روزنامه را فراهم نمودهاند••••»

در ذیل شرح مذکور نظریات جراید مختلف رادر باره روزنامه ستاره نقل نموده و ما بذکر یکی از آنها که از روزنامه (بیکار روز) است اکتفا مینمائیم : « روزنامه محبوب وملی و وزین ستاره وارد یازدهمین سال عمر پر افتخار خود شده است. ستاره محصول زحمات شبانه روزی ، مشقات و فداکاری خستگی نا پذیر دوست عزیز و دانشمندما آقای احمد ملکی است ونمونه عالی یك روزنامه است همانطور که ملکی نمونه عالی یك روزنامه نویس است آقای احمد ملکی براثر یك عمر پاکدامنی ومیهن پرستی واستغنای طبع محبوبیت خاصی بین دوستان دورو نزدیك خوددارند که ستاره نیمی ازشهرت خودرا مرهون همین محبوبیت ملکی است . ملکی نویسنده ستاره و ستاره مظهر افکار عمومی ملت ایران است وما با کمال صمیمیت بآقای ملکی و همکاران صمیمی ایشان مخصوصا آقای شاملو یازدهمین سال ستاره را شاد باش میگوئیم وامیدواریم بیش از پیش در انجام خدمات اجتماعی کامیاب باشند . »

علاوه برروزنامه ستاره یومیه ، بعد از شهریور ۳۲۰ ، مدتی هم ستاره هفتگی مشتمل برمقالات مفید وعام المنفعه طبع و توزیع میشد که از آن جداگانه درذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو خواهیم کرد .

رویهمرفته ستاره از روزنامه های یومیه مفید بوده وعلاوه بر اخبار داخله و خارجه ؛ ترجمه های مفیدی نیز مربوط باوضاع جهان در آن دیده میشود . روزنامه ستاره تا حین تحریر این قسمت بطور روزانه در طهران منتشر میگردد .

آقای احمد ملکی علاوه برتاسیس و انتشار ستاره یومیه وهفتگی مدتی هم مدیر داخلی روزنامه ستاره جهان بوده . نامبرده پس از خاتمه تحصیلات متوسطه واخذ تصدیقنامه مدرسه صاحب منصبان طبیب بیطاری نظام باعشق مخصوصی وارد در میدان روزنامه نگاری شده و از سال ۱۳۰۵ شمسی بسمتهای مختلف بخدمات ملی درجراید اشتغال داشته است .

(۶۲۹) ستاره اسلام

در خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه ستاره اسلام در اصفهان بمدیری (میرزا محمد علی فتوحی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۶۳۰) ستاره ایران

روزنامه ستاره ایران درطهران بمدیری وسردبیری (میرزا حسینخان ـ صبا ملقب بکمال السلطان) تاسیس و درسال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است . طرزانتشار روزنامه یومیه بوده و بغیر از ایام تعطیل همه روزه منتشر میشده است .

شماره ۱۵۰ سال نهم روزنامه درشش صفحه بقطع بزرك با چاپ سربی در (مطبعه فاروس) طبع ودرتاریخ دو شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۷ حوت ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده . دراین شماره در بالای سرمقاله عکس مرحوم (خیابانی) چاپ شده و درزیر آن این سطور درج است : « مرحوم خیابانی درتاریخ سه شنبه سلخ ذی حجة الحرام ۱۳۳۸ دراثر نهضت انقلابی آذربایجان که درزیر خاکستران آتش مقدس

جمهوری مخفی بود بقتل رسید و قلوب آزادیخواهان را مجروح نمود » پس از شرح مذکور (خلاصه کنفرانس مرحوم خیابانی) تحت‌عنوان: « شاه بکجا میرود ؟ » طبع گردیده واین خلاصه باعبارات زیر شروع میگردد :

« انسان باین سمت که عضو یك هیئت اجتماعیه است باید علاقه مند باشدوانسان علاقه‌مند ازحوادث واتفاقاتی که درمحیط واطراف بظهور میرسند متاثر میگردد . اشخاص بیعلاقه خود اندیش باید ازهیئت جامعه طرد واخراج شوند ... » این قسمت دوستون روزنامه را گرفته و در انتهای آن ازطرف اداره روزنامه بدین قسم اظهار نظر شده است : « شرحی که فوقاً ازنظر قارئین گرام میگذرد نطق شهید شهیر آقا شیخ محمد خیابانی است که در تبریز درتاریخ ٤ جوزای ١٢٩٩ درحضور چندین هزار نفر جمعیت‌ایراد کرده است وماامروز پس از چهارسال قسمتی از آنرا درج نمودیم ازقرائت سطور فوق کاملا معلوم میشود که همیشه درطبقه فاضل وحساس ووطن پرست مملکت نسبت باعمال شاه وبیعلاقگی اوبمصالح جامعه یك حس تنفر شدید و انزجار خاطر عمیقی وجود داشته ومرحوم خیابانی بابیانات ساده وفیلسوفانه خود عدم علاقه شاه را بجامعه گوشزد نموده ..» این شماره روزنامه ستاره ایران و همچنین شماره‌بعد آن ازدوشماره‌های نفیس وتاریخی جراید ایران بشمار میرود زیرا مصادف باایام آغاز جمهوری ایران است ودرهردوی‌آن اعلامیه ها وبیانیه های مختلف طبقات راجع بدرخواست جمهوریت طبع گردیده . من جمله خلاصه بیانیه آقایان رئیس‌الوزراء ها و وزرای سابق است که درمنزل آقای مشارالملك جمع‌شده بودند . وديگرعريضه‌خوانين ايل بختیاری درباره تقاضای تبدیل رژیم سلطنت‌بجمهوری) میباشد واین عریضه بامضای آقایان نجفقلی بختیاری ولطفعلی‌بختیاری‌ونصیربختیاری است . قطعنامه (جامعه‌معارف) راجع بجمهوریت نیزدرهمین شماره است.صفحات سه وچهار روزنامه عبارت از(تلگراف های خصوصی) است که از شهرهای مختلف مخابره شده وهمه آنهاتحت‌عنوان(انزجار ازسلطنت قاجاریه . ابرام دربرقراری جمهوریت . تهدید وکلا) چاپ گردیده .

برای مزید اطلاع خوانندگان ازمندرجات شماره ١٥٠ یکی ازاخبار داخله این شماره را نقل‌مینمائیم : « درحضور آقای رئیس‌الوزراء (منظوراعلیحضرت رضا شاه فقید است که‌درآن تاریخ رئیس‌الوزراءوفرمانده کل‌قوا بوده) قبل‌ازظهر دیروز عموم اعضاء دیوان عالی‌تمیز وقضات محترم‌ومدیران‌وسایراعضاءواجزاءوزارت‌عدلیه درملازمت آقای‌وزیرعدلیه ومعاون‌آنوزارتخانه بمنزل آقای‌رئیس‌الوزراء تشرف‌حاصل ولایحه‌مفصل خودرا که‌متضمن‌تظاهرات‌ملی درخصوص‌استقرارجمهوریت‌وتغییررژیم‌بود قرائت نمودند . ازطرف آقای‌رئیس‌الوزراء هم‌نطقی‌مبنی‌براظهارات‌ملاطفت‌وتقدیرازوطن پرستی وتشویقی که‌در این‌مورد نموده‌اندایرادگردید.»

روزنامه‌ستاره ایران‌یکباردرمیزان ١٣٠١ شمسی‌بعلت کتك‌خوردن مدیروموسس آن مرحوم حسین‌صبا دوچارتعطیل‌گردیدوعلت این تعطیل قهری که‌بیش‌ازیکی دونمره نبوده مدیر آن (بواسطه‌بعضی‌پیش‌آمدهای اداری ازقبیل اشتغال بتصفیه محاسبات‌گذشته

وتبدیل مطبعه) ذکر کرده درصورتیکه علت تعطیل روزنامه حادثه زیر بوده ومرحوم صبا نخواسته است آنرا آشکار کند :

کتك خوردن صبا ازسردار سپه

درمیزان ۱۳۰۱ شمسی جراید مرکز یك دفعه بمجلس وبدولت هجومهای زیادی نمودند ومن جمله روزنامه ستاره ایران بآقای سردار سپه که وزیر جنك بود نصایحی نمود • این پیش آمد باعث رنجش سردار سپه گردید ومدیر ستاره ایران را احضا ر کرد واز او سوال نمود که مقصودت چیست ؟ مرحوم صبا میگوید میخوا هم (شما نادر بشوید) • درمقابل این جواب که مربوط باصل مسئله نبوده مرحوم صبا سیلی میخورد وبمحکمه نظامی گسیل میشود • آقای ملك الشعرای بهار درشماره اول سال سیزدهم دوره پنجم نوبهار مورخ ۳ میزان ۱۳۰۱ که شرح مذکور را نوشته درذیل آن اینطوراظهارنظرمینماید: « ماهمان اندازه که از این قبیل تعرضات نازیبا که بدبختانه بواسطه نبودن قانون منصفین درمرکز مملکت روی میدهد متاسف هستیم همانقدر هم تاسف داریم که چرا سیاسیون واحرار این حرفها را میزنند ونمیدانند در قرن بیستم نادرها وبناپارتها معنی ندارد • زیرا نادرها درمحیط امروزی قابل دوام نخو اهند بود و روزنامجاتی هم که میخواهند نادر درست کنند مستحق همین معاملات اند• »

دفعه دیگر که روزنامه ستاره ایران تعطیل میشود درجوزای ۱۳۰۲ شمسی است روزنامه ایران مورخ دوم جوزای سال مذکور درباره این تعطیل تحت عنوان(تاسف) اینطور مینویسد : « ما از تعطیل نامه مهم وملی ستاره ایران متا سفیم و ا نتظا ر داریم مجدداً باعلاقه که آزادیخواهان دارند منتشر شود وضمنا تذکر میدهیم که با سابقه آزادیخواهی حضرت صبا ومقامات ادبی ایشان برای وکالت مجلس عموم آزادی خواهان ایشان را فراموش نکنند • » محل اداره روزنامه : طهران • خیابان لاله‌زار بهای روزنامه : یکساله . داخله ۱۰۰ وخارجه ۱۲۰ قران ؛ شش ماهه ۵۰ و ۶۰ قران • سه ماهه ۳۰ قران • قیمت اعلانات : صفحه اول سطری چهار قران • صفحه دو وسه سطری دو قران ، صفحه چهار سطری یك قران • تکشماره ۸ شاهی •

میرزا حسینخان صبا ـ میرزا حسینخان معروف بصبا و ملقب به (کمال السلطان) ازنویسندگان اخیر و مدت ده سال روزنامه ستاره را منتشر نمود • • صبا از آزادیخواهان معروف و وقتی‌خواست درمقابل زور و قلدری ایستادگی کند گرفتار بی مهری سردار سپه گردید وبشرحیکه قبلا یادآور شدیم در باغشاه طهران ازسردار سپه سیلی خورد • وی تا دو سه ماه قبل ازمرگش روزنامه ستاره ایران را منتشر مینمود و درقضایای جمهوریت ازطرفداران جدی تغییر رژیم بود • عاقبت در روز شنبه ۲۰ شهر صفر ۱۳۳٤ قمری مطابق سوم میزان ۱۳۰۳ شمسی درطهران بمرض سکته جهان فانی را وداع نمود و ازمرك خود داغ تازه بر دل آزادیخواهان گذا شت • جنازه آنمرحوم را روز یکشنبه با احترام تمام بخاك سپردند وروز د و شنبه تما م مطبوعات وجراید پایتخت تعطیل نموده درمجلس ختمی که درمسجد سپهسالا ر منعقد

شده بود از واردین پذیرائی مینمودند • غزل زیر اثر طبع شیوای مرحوم صبا ست که در شماره ۸ سال سیزدهم دوره پنجم روزنامه نوبهار طبع گردیده است :

کنونکه گل‌طرب افزای باغ‌منظرماست سبوی‌غنچه بیاد لب تو ساغر ماست •
بسوخت خرمن ما لیك دود آن‌تاحشر چو آه بررخ آئینه ستمگر ماست •
ز داغ فرقت یاقوت گوشه لب تو مدام خون جگر قوت دیده تر ماست •
چنین بعجب و تکبر قدم بخاك منه که خاك توده‌ای ازبند بند پیکر ماست •
چنین‌که درقفس افتاده ایم بی‌پر وبال فضای عالم بالا بزیر شهپر ماست •
گر آفتاب ، جهان را به پرتوی‌گیرد خود آفتاب جهان پرتوی ز اخترماست•
غبار خاطرگل پاك کن (صبا) بنشاط که گل نمونه از رنك و بوی دلبرماست•

با مرك مرحوم حسین صبا روزنامه ستاره ایران از بین نرفت و شورای عالی فرهنك درتاریخ ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آنرا بنام آقـای (اعتصام زاده) تصویب نمود و روزنامه ستاره پس از فوت آنمرحوم از تاریخ ۲۱ جدی ۱۳۰۳ در تحت مدیریت ایشان منتشر گردید•

(۶۳۱) ستاره ایران

هماقسم که اشاره کردیم پس ازمرك صبا امتیاز ستاره ایران بآقای (میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده) منتقل گردید واز تاریخ ۲۱ جدی ۱۳۰۳ شمسی بموسسی مرحوم حسین صبا و بصاحب امتیازی اعتصام زاده منتشر شد • این روزنامه در ابتدا هفته ، پنج شماره واز اول مرداد ۱۳۰۶ شمسی که وارد سیزدهمین مرحله زندگی خود گردید هرهفته شش شماره منتشر شده است •شماره۹۸سال یازدهم‌ستاره‌ایران بموسسی (مرحوم میرزا حسینخان صبا) ومدیر مسئول و سردبیری (ابوالقاسم اعتصام زاده) بهمان قطع وسبك سابق درچهار صفحه بقطع بزرك و با چاپ سربی درمطبعه برادران باقر زاده طبع و در تاریخ ٥ شنبه ۸ جمادی‌الاخر ۱۳٤٤ قمری مطابق ۳ دیماه۱۳۰٤ شمسی منتشر شده است • طرز انتشار روزنامه یومیه بوده و آدرس آن : طهران‌خیابان لاله زار • کوچه وثوق نظام است • وجه اشتراك مانند سابق یکساله داخله ۱۰۰ و خارجه ۱۲۰ قران ، شش ماهه ٥۰ و٦٥ قران . سه ماهه ۳۰ قران • تك شماره ۸دینار

مندرجات روزنامه پس از مقاله اساسی که البته برحسب اوضاع بتندی سر مقاله های سابق نیست ، عبارت ازمقالات مختلف مربوط باوضاع داخله‌وسیاست‌خارجی‌و اخبار داخله وخارجه‌میباشدبقسمیکه صفحات دوم‌وسوم غالبامربوط باخبار داخله‌وخارجه ودرصفحه چهارم اعلانات دولتی و غیر دولتی چاپ شده • علاوه بر اینها درهرشماره در صفحات اول و دوم مطالبی بعنوان پاورقی طبع گردیده است درشماره نمونه پاورقی صفحه دوم بعنوان (سه عروسی) بقلم (ع • آیتی) است • سر مقاله شماره • نمونه بقلم آقای (عمیدی نوری) و تحت عنوان (غلبه جوان بر پیر) است •

روزنامه ستاره ایران تا اواخر سال ۱۳۰٦ شمسی منتشر میشده و پس از آنکه آقای اعتصام زاده روزنامه یومیه ستاره جهان راتاسیس نمود قهراً روزنامه ستاره‌ایران

تعطیل گردید . ستاره ایران پس از فوت صبا باز هم یکی از روزنامه های خوب ومفید طهران بشمار میرود . شرح احوال اعتصام زاده را درذیل روزنامه ستاره جهان نقل خواهیم کرد . خوانندگان بانجا مراجعه نمایند -۲۰-

(۶۴۲) ستاره جهان

روزنامه ستاره جهان بمدیری وصاحب امتیازی آقای (ابوالقاسم اعتصام زاده) درطهران تاسیس و درابتدای سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده . طرز انتشار این روزنامه یومیه و بدو زبان فارسی وفرانسه (صفحات اول ودوم وسوم فارسی و چهارم فرانسه) بوده است . ستاره جهان پس ازمدت کمی بواسطه تنوع مطالب آن طرف توجه علاقمندان واقع شد وهرنوبت ۲۶۵۰ نسخه از آن بطور روزانه انتشار یافته ، بهای هرشماره آن ۳۰ دینار و عده اعضاء آن ۲۳ نفر است .

شماره ۲۴۹۴ سال دهم ستاره جهان در چهار صفحه بقطع بزرك درمطبعه سربی (اتحادیه) طبع ودر تاریخ دوشنبه دوم خرداد ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۷ قمری و ۱۹۳۸ میلادی منتشر گردیده . درعنوان روزنامه ، ستاره جهان (روزنامه ملی - سیاسی - ادبی - اقتصادی - فارسی - فرانسه) معرفی شده واز این جهت که صفحات اول ودوم وسوم آن بزبان فارسی وچهارم بزبان فرانسه میباشد ، در مطبوعات فارسی تازگی دارد . گرچه این وضع در بعضی جراید دیگر ازقبیل شرق و غیره سابقه داشته ولی پس از کودتای حوت این سبك روزنامه نگاری معمول نبوده است . مندرجات قسمت فارسی روزنامه پس ازسرمقاله عبارت ازمقالات مختلف ومتنوع سیاسی واقتصادی واخبار داخله وخارجه واعلانات است . ومندرجات قسمت فرانسه پس از درج مختصات روزنامه در بالای صفحه چهارم که همان قسمت فارسی است بفرانسه ترجمه شده ، عبارت ازیك مقاله سیاسی یا اقتصادی ویا تاریخی وخلاصه اخبار داخله و خارجی وچند اعلان مناقصه و آگهیهای مربوط بسینماهاست . سرمقاله شماره ۲۴۴۶ سال دهم مورخ سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۱۶ ، در زیر تصویر اعلیحضرت فقید ، رضاشاه، تحت عنوان (فرخنده ترین روزها) وسرمقاله قسمت فرانسه همین شماره بعنوان « مطالعاتی چند در باره تاریخ شاعری درایران » نوشته شده است .

محل اداره روزنامه : طهران . خیابان سعدی ، کوچه غفاری و عنوان تلگرافی ستاره جهان .طهران بهای اشتراك سالیانه آن درداخله ۱۰۰ ریال ؛ شش ماهه ۵۵ ریال و سه ماهه ۳۰ ریال ،خارجه سالیانه ۱۲ دولاروشش ماهه۷دولارتکشماره ۳۰ دینار ؛ پس از یکروز ۷۵ دینار .

میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده - آقای اعتصام زاده فرزنداعتصام الملك مدیر مجله بهار که درجلد دوم کتاب از او نام برده ایم ، از دانشمندان و فضلا و نویسندگان ایران بشمار میرود ؛ از روابط بین المللی بااطلاع و درفنون ادبیات فرانسه استاد است . درشماره ۳۷ سال دوم روزنامه آینده ایران درباره ایشان مینویسد : «آقای آقامیرزاابوالقاسم خان اعتصام زاده مدیر روزنامه یومیه ملی فارسی وفرانسه ستاره جهان

عضو انجمن ادبی ایران وموسسه بین‌المللی تحصیلات عالیه وصنایع مستظرفه ژنو «برنده جایزه افتخار » در مسابقه ادبی « ژفلورو » فرانسه در ۱۹۲۹ • من جمله از تا لیفات مشارالیه کتاب « هزار مسئله حساب » و کتاب«دستورتجارت» وترجمه «نامه‌های ایرانی منتسکیو»و (هزار ویك خنده) و غیره • معزی الیه نوشته هایش همواره مفید وموثر است • » ازشاهکارهای ادبی آقای اعتصام زاده ترجمه رباعیات حکیم عمرخیام است بشعر فرانسه • اقای اعتصام زاده رباعیات عمر خیام را بفرانسه ترجمه نموده و ازطرف اکادمی دولتی فرانسه جایزه گرفته است • این کتاب باطرز بسیار جالبی در پار یس بطبع رسیده و با کاغذ اعلا (آلبا) با مرکب عالی و با حاشیه و تذهیب آقای‌طاهر زاده چاپ شده و با تمام مزایا بقیمت ۲۰ فرانك بفروش میرسد • علاوه بر این چاپ ترجمه فرانسه اعتصام زاده درسال ۱۳۱۰ شمسی درمطبعه بروخیم طهران طبع شده و قیمت آن پانزده قران است • این ترجمه مخصوصا طرف توجه اروپائیان قرار گرفته ومولف محترم آن را بجایزه های نقدی ومعنوی تشویق نموده اند • علاوه براین ها خدمتی که اعتصام زاده باتاسیس روزنامه ستاره جهان بزبان فارسی و فرانسه بمنظور شناسانیدن ترقیات ایران بملل خارجه ؛نموده ؛ اهمیتی بسزا دارد ومخصوصا برای‌محصلین دبیرستانها نیز ازلحاظ تعلیم زبان وادبیات فرانسه کمك بزرگی بوده است •

(۶۳۴) ستاره شرق

روزنامه ستاره شرق درطهران بصاحب امتیازی (ح ـ ص) و مدیر مسئولی (میرزا باقر میثمی) تاسیس ودرعقرب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است • شماره اول این روزنامه درچهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سربی (برادران باقر زاده) طبع ودرتاریخ سه‌شنبه ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۵ عقرب ۱۳۰۱ شمسی و هفتم نوامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر شده است • محل اداره روزنامه : طهران • خیابان‌صاحب اختیار ، نمره ۹ وبهای آن داخله یکساله : ۶۰ وشش‌ماهه ۳۵ وسه ماهه ۱۸ قران • خارجه بترتیب ۷۵ ، ۴۰ و ۲۵ قران است • تك شماره ۷ شاهی • مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (خط مشی — حیات سیاسی ما) است وباین عبارات شروع میگردد: « دراین تاریکی مدهش که فضای مملکت مارا درزیر پرده های مظلم خویش تیره و تار نموده وبطوری ظلمات بعضها فوق بعض محیط را تاریك ساخته که دیدگان دوربین از مشاهده حقایق محجوب مانده اند ••••»

پس از این سرمقاله چند اخطار ویك اظهار تشکر ومقاله (تهاجم‌اطبای اجنبی) واخبار داخله وخارجه درج شده ودرپاورقی صفحه ۲ و ۳ داستان اخلاقی ؛ تاریخی ، سیاسی واقتصادی موسوم به (شهرناز) اثرخامه حاج میرزا یحیی دولت آبادی طبع گردیده است • طرز انتشار روزنامه هفته سه بار : روزهای یکشنبه ، سه‌شنبه وپنجشنبه بوده وستاره شرق یکی از روزنامه های خوب ومفید آن تاریخ است • ازاین روزنامه نگارنده تاشماره ۳۳ سال اول مورخ چهارشنبه ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۱ قمری رادردست

دارم واین شماره بجای (میهن یومیه) که توقیف بوده منتشر شده است و اتفاقاً خود همین شماره هم که بجای میهن یومیه نشر شده ، بدستور قوام‌السلطنه توقیف گردیده و ظاهراً بعد از این شماره ، ستاره شرق دیگر منتشر نشده است • روزنامه راه‌نجات چاپ اصفهان ، مورخ ۱۱ برج دلو ۱۳۰۱ شمسی راجع باین توقیف مینویسد : «جریده ستاره شرق که بجای گرامی‌نامه میهن یك شماره درطهران انتشار یافت چنگال بیرحمانه ارتجاع گلوی اورا گرفت وباز توقیف نموده مااز اینگونه آزادی کشانه قوام‌السلطنه اظهار تنفر مینمائیم • »

(۶۲٤) ستاره شرق

در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۰٤ شمسی شورایعالی معارف امتیاز مجله‌ستاره‌شرق را در طهران بمدیری آقای (حسنعلی خان فردوس) تصویب نمود • مجله ستاره شرق بطور هفتگی تاسیس شده است •

(۶۲۵) ستاره صبح

روزنامه ستاره صبح درتهران بصاحب امتیازی (آقا سید حسن مقدس زاده قمی) و بمدیری آقای میرزا ابراهیم خان ناهید ، مدیر روزنامه ناهید ؛ درسال۱۳۰٤ شمسی منتشر شده است • امتیاز روزنامه ستاره صبح بنام مقدس زاده قمی در خرداد ۱۳۰٤ شمسی ازتصویب شورای عالی فرهنك گذشته وشماره اول آن روزشنبه دوازدهم ذیحجه ۱۳٤۳ قمری مطابق ۱۳ تیرماه ۱۳۰٤ شمسی منتشر گردیده • انتشار روز نامه ستاره صبح بجای روزنامه ناهید (از این روزنامه بتفصیل درحرف نون کتاب گفتگو خواهیم کرد و درجلد اول نیز در ذیل روزنامه افلاك مختصر اشاره بدان نموده ایم) بوده یعنی پس از توقیف ناهید بمدیری میرزا ابراهیم خان درتاریخ مذکور ، اولین شماره ستاره صبح انتشار یافته و بنابراین ستاره صبح همان ناهید است که توقیف گردیده و باز بهمین جهت درستون اول صفحه اول شماره اول ستاره صبح مقاله‌بعنوان (افول ناهید ـ طلوع ستاره صبح) درج شده و درزیر این عنوان این‌شعرطبع گردیده

در ستاره صبح بر ناهید بست　　　　که بز برخاست سك جایش نشست

وخلاصه مقاله که درحقیقت مقاله افتتاحی روزنامه میباشد این است که اساس‌دنیا براین است که تا یکی بلند نشود دیگری‌بجایش نمینشیند ؛ مثلا امیر کبیر یا فلان‌وزیر از بین رفت ، دیگری بجایش آمد • همچنین تا اعضاء و کارکنان ناهید ازبین رفتند اعضاء ستاره صبح بجای آنها نیامدند • در خاتمه مقاله احکامی بصورت احکام اداری برای اعضاء روزنامه ستاره که بجای اعضاء ناهید ند نوشته است • ونیز درصفحه‌اول روزنامه غزلی بعنوان (هدیه شاعر حساس ملی حضرت آقای عارف) که با ین مطلع شروع میگردد ، درج است :

توای ستاره صبح و صال و روز امید　　　　طلوع کن که چو شب تیره بخت شدناهید

ستاره صبح مانند ناهید معمولا درهشت صفحه بقطع وزیری بزرك وباچاپ سربی

طبع شده و کاریکاتور و شرایط اشتراك و سرلوحه ومندرجات وعده صفحات بعینه‌ناهید است فقط اسم ناهید تبدیل بستاره صبح شده . تنها تغییری که پیدا کرده درمدیر و صاحب امتیاز است که در زیر عنوان نوشته صاحب وسردبیر (؟!) مدیر مسئول س . ح مقدس زاده . علامت استفهام هم بجای نام سردبیر بعلت توقیف بودن ناهید است که مدیران نخواسته است نامش در بالای این روزنامه باشد .

از روزنامه ستاره صبح جمعاً هفت شماره منتشر شده وآخرین شماره آن که شماره هفتم است درتاریخ اول مرداد ۱۳۰٤ شمسی بوده و روزنامه توقیف گردیده و بجای آن روزنامه افلاك منتشر شده است . اولین شماره افلاك که در حقیقت شماره هشتم ستاره صبح میباشد درتاریخ سه شنبه ٦ مرداد ۱۳۰٤ انتشار یافته است . (برای اطلاع از روزنامه افلاك و شرح مفصل آن بجلد اول کتاب کلمه افلاك مراجعه شود .) بنابر این از روزنامه ستاره صبح هفت شماره منتشر گردیده وتوقیف شده است .

اختلاف بین مقدس زاده قمی ومیرزا ابراهیم خان ناهید - پس‌ازتوقیف ستاره صبح میرزا ابراهیم خان باگرفتن امتیازروزنامه افلاك . ناهید را بنام افلاك‌منتشر نمود وچون روزنامه اخیر امتیاز ومدیریتش‌با میرزا ابراهیم خان بود دیگر مقدس‌زاده حق دخالت در امور آنرا نداشت ولی ظاهراً دخالت میکرده واین موضوع اختلافاتی را بین آندو پدید آورده است بقسمیکه مدیر ناهید دریکی ازشماره های افلاك تحت عنوان (اخطار) مداخله مقدس زاده را درامور روزنامه ومخصوصاً جمع آوری وجه اشتراك از ولایات بیمورد دانسته و مینویسد وجوهی را که بابت اشتراك روزنامه مشارالیه دریافت نماید بی اساس است وباید قبوض اشتراك فقط بامضا و مهر ناهید باشد تا قابل پرداخت باشد .

(٦٣٦) سپاهان

مجله سپاهان در اصفهان بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (میرزا محمد علی مکرم حبیب آبادی)تاسیس و در سال ۱۳٤۰ قمری‌منتشر شده است . شماره اول‌سپاهان در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط ، با چاپ سربی (چاپخانه بامداد) طبع وتوزیع و در تاریخ ۲۹ ذیقعده ۱۳٤۰ قمری انتشار یافته . طرز انتشار آن هر بیست روز یك مرتبه طبع و توزیع میشده . با اینکه سپاهان مجله بوده مع‌ذالك‌هیچ‌وقت‌تعداد‌صفحات‌آن ازچهار صفحه تجاوز نکرده است . مقاله افتتاحی سپاهان بدین قرار است : « بنام ایزد پاك و پس از درود بر رسول اکرم‌صلی‌الله علیه واله وسلم الحمدلله .تکمیل‌خدمت‌بمعارف که مدتی است وظیفه وجدانی خود قرار داده ایم نائل گشته اینك بانتشار مجله بنام سپاهان توفیق میابیم . مجله سپاهان حاوی حقایق تاریخی و ادبی است واز سیاست دوری جسته فقط بانتشار رسائل که باعث آبادانی مملکت وحصول مبانی عظمت وابهت ملت است نگارش خودرا محصور خواهد نمود وبرای بیداری ذوق ادبی خوانندگان درهر شماره ازمنظوماتیکه معانی آن بیشتر از الفاظش برجسته باشد درج و توجه ادبا وشعرا را بدان قسمت معطوف میداریم .»

پس ازمقاله افتتاحی مذکور مقاله‌ای تحت عنوان (ابنیه تاریخی اصفهان ـ عالی قاپو) و درصفحات دوم وسوم مقاله دیگری بقلم آقای (کی استوان) وپس از آن سرود فارسی محصلین کالج چاپ شده است •

اولین سرودی که در اصفهان معمول شد = اول سرودی که در میان محصلین مدارس اصفهان معمول شد وعموما محصلین آنرا در مجالس جشن میخواندند سرودیست که آقای مکرم مدیر مجله سپاهان بنظم در آورده و درهمین شماره مجله درج است ، قسمت اول این سرود چنین است :

همدوطنان ازعلم وهنر راه متصود شود طی		کو همت ما •
همقدران از فضل وادب رخش موهوم‌شودپی		کو غیرت ما •
تا یکي اندر جهالت بر قراری		چند تن در میدهد ملت بخواری
کشور ایران مسکن ملت بی سر و سامان		کی گرددآباد•
ملت بی جان ازغم رنج و شد اندوران		کی گرددآزاد•
گر بنا شد اهل ایران را معارف		ورندانند اهل این سامان وظائف
ایران منهدم و یران شد منفعل وحیران شد		بسکه بملت‌جهل‌است‌وهمراه
ویران مملکت ایران شد جایگه شیران شد		ازسخن‌ما کس نیست آگاه

آخرین مقاله مندرج درشماره اول قسمتیست تحت عنوان (حفظ‌الصحه عمومی) که بقلم آقای (دکتر صدیق‌الاطباء ـ لقمانی) نوشته شده است •

محل اداره مجله : اصفهان ؛ خیابان خوش. سرای مفزی وقیمت اشتراك آن‌سالیانه طبقه اول ۳۰ قران ، متوسط ۲۰ قران ، کسبه بازار ۱۰ قران . تکشماره چهارشاهی • درسال‌اول ؛ درعنوان‌روزنامه؛مدیر داخلی (میرزا عبدالحسین کجانی) معرفی شده‌ولی بعدا اسمی از او درمیان‌نیست ودرعوض درسال‌پنجم مدیر داخلی میرزا باقر خوراسگانی معرفی گردیده است •

شماره اول سال چهارم مجله درچهارصفحه بقطع کوچك در تاریخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۳ قمری وشماره اول سال پنجم آن باز در چهارصفحه بقطع کمی بزرگتر در تاریخ هشتم ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ قمری منتشر شده است •

مندرجات مجله سپاهان علاوه برمقالات مختلف واخبار شهری قسمتی است تحت عنوان (تقویم سپاهان) که چون در آن تاریخ تا اندازه تازگی دارد بنقل یکی از این تقویمها میپردازیم:

« تقویم سپاهان ـ اوضاع فلکی دراین اسبوع دلالت دارد برمطلوب شدن عبای نائینی و عصبانی شدن محروم‌الوکاله سرسینه پائینی• مستور ماندن مقاصد حقه و تحریك شدن وجرقه کردن مدیر ورقه جرقه . کمك رسیدن بمیرزا فرج‌الله خان وفضولی کردن بچه های میرزا اسدالله خان. کنار رفتن آن ماده مولا وراه انداختن بازی ملا ملا و کشیدن اشکال بدهیولا وقلم‌زن شدن کربلائی فتح‌الله جولا واتحاد کردن با نره قولاه• رفتن بدجنس بجانب قمشه وگفتن مردم که برو گمشه • نقاشی کردن با جی عینکی و قسم یاد کردن بجون از کی وراه انداختن چرخ و کلك • بکار افتادن مدعی العموم و

اشتغال اعضای محترم بذکر یاحی یاقیوم • رواج وسایط نقلیه و احتمال آثار عدل درعدلیه • طرح شدن درمجلس مطالب چپ وچوله ونطق منطقی وثوق الدوله ، رفع تقلب از پشم ورنك و هرزگی اداره کننده الدنك ؛ غلبه یافتن نر وحرف نشنیدن کر و بارکشیدن خر و انداختن مردم تف واخ بگر. عبادت مومنین و زهد زاهدین ومریض خانه ساختن متمولین . شیوع فراوانی تدبیر ومال جمع کردنمدلسین تسخیر وضبط کردن چم پیر • وفور نزله وترجیح ریحان بفضله • ایام تخم پاشیدن برزمین وافتادن رنودحق برست درکمین وصفرا فزودن سرکنگبین • رواج صدای طنبور وشدت نیش زنبور و کثرت زحمات یعفور • رفتن مردم براههای دور ، والله عالم بحقایق الامور .» نقل از شماره اول سال پنجم مجله سپاهان •

چنانکه بعدا خواهیم نوشت آقای مکرم مدیر مجله قریحه و ذوق خاصی در سرودن اشعار برضد خرافات دارد و ازاین جهت درمجله سپاهان وروزنامه صدای‌اصفهان اشعاری باین عنوان درج شده وهمین اشعاریك قسمت ازمندرجات شیرین مجله راتشکیل میدهد • مابرای نمونه‌چندتای از این اشعار را بنقل ازشماره اول سال دوم‌ذکرمینمائیم

ادبیات برضد خرافات

ایخلق خدا معجزه گشته نمایون
یك سنگی‌میان‌گشته زقبرستان‌چلمون(۱)
سرسنك شولوق شد
باز شولوق و پولوق شد
همسایه آرچی بود این‌سنك‌مطهر(۲)
بشکست سر آرچی ازاین سنك هنرور
ای بار خداوند
این دغدغه تا چند
مرداست‌که این سنك شودلعل‌بدخشان
نور سر این سنك شود ماه درخشان
آب‌بخشان‌وسیده‌فاطمه‌شده‌بنده‌چلمان(۳)
چلمون‌چوبهشت است پر ازحوری‌وغلمان
شد شمع فراوان
در خطه چلمان
این دست که‌باشد که کند شعبده بازی
هرساله بیك گوشه کند معجزه سازی
مردم شده بیدار
موهوم شده خوار
مالید پی تمشیت خیالعجات است
یارو شده بی چاره ودرفکر نجات است
یك معجزه ظاهر کند وگرم کات است
بازاری بیچاره از این واقعه مات است
ما اسباب دستیم
ما مرده پرستیم
ایخلق بدانید که کفار زمانه
هستند پی ذات ما فکر بهانه
گویند که این آرچی وسنك‌است‌نشانه
کاین خلق همه در ره جهلند روانه
ایقوم جهالت
کافی است خجالت

---

۱ — ازقبرستانهای کهنه و قدیمی اصفهان و امروز بجای آن بیمارستانی بنا شده است.
۲ — سنگ آرچی سنك مدوریست که با آن گندم خورد میکنند وسنك آرچی‌در یکی از امامزاده های اصفهان معجزه کرده بوده است •
۳ — آب بخشان وسیت فاطمه (سیدی یا ستی فاطمه) و چملان یا جمیلان نام سه محله از محلات اصفهان است •

طبق اظهار آقای مکرم مجله سپاهان بسال پنجم خاتمه پیدا کرده و دیگر منتشر نشده است .

میرزا محمد علی مکرم = آقای محمد علی مکرم در سال ۱۳۰۴ هجری قمری در حبیب آباد از دهات برخوار اصفهان بدنیا آمده و بهمین جهت مجله بنام محمد علی حبیب آبادی نوشته است .

تحصیلات مقدماتی را درحبیب آباد نزد درویش علی اکبرو دراصفهان درمدرسه امامزاده اسماعیل ومدرسه کاسه گران باتمام رسانیده وچون طبعی سرشار وذوقی وافر دارد برضد خرافات وموهومات که آن ایام بخصوص در اصفهان رواج داشته ، اشعاری سروده است . اشعار آقای مکرم درباره معجزه‌های آرچی یعنی دستاس وزنی چی باقلمه و قدمگاه وجای پای دلدل وسقاخانه وغیره ، خیلی شیرین وجذاب است .



آقای مکرم با کلاه پهلوی

مرحوم وحید در شماره ۷ سال دهم مجله ارمغان اشعار ایشان را درباره (هرون ولایت که یکی از امام زاده های اصفهان است) چاپ نموده و ما نیز در صفحات ذیل اشعار ایشان را راجع بسنگ قبرستان چلون نقل نمودیم .

آقای مکرم علاوه برمجله سپاهان، روزنامه صدای اصفهان را نیز طبع ومنتشر نموده و این روزنامه درحال حاضر نیز گاه گاهی طبع و منتشر میگردد؛ آقای مکرم دارای دیوان اشعاریست که متجاوز ازچند هزار بیت میگردد وتا کنون بطبع نرسیده . مدیر مجله سپاهان مردی خوش مشرب وبذله گو وهمه کس طالب محضر او می باشد حافظه وطبع شعر عجیبی دارد . با اینکه سنین عمرش از شصت متجاوز میباشد هنوز طراوت جوانی وبذله گوئی آن عهد را فراموش نکرده ودوستان محضرش را غنیمت می دانند . بعلت مبارزه باخرافات واشعاری که دراین زمینه پیوسته میسرود ؛ عوام نسبت بعقایداو بدبین بوده حتی یکمرتبه هم مورد سوء قصد قرار گرفته وشب هنگام تیری باو شلیک نمودند وچندی دربیمارستان بود . وقتی ازطرف مرحوم آخوند فشارکی محکوم باجرای حد گردید وهنگامیکه خواستند حد را درباره اش مجری کنند ، فشارکی گفت ای سگ چرا برخلاف شرع رفتار نمودی مکرم پاسخ داد اگرسگ بودم پشم داشتم . این لطیفه مایه نجات وعفو او گردید . توضیح مطلب آنکه ، موقع اجرای حدیکی از نزدیکان آخوند بنام آقای پشمی درآنجا حضور داشت واین کنایه باو برمیخورد

آقای مکرم مدتی بشغل وکالت دادگستری مشغول بود واکنون درشهرداری

اصفهان متصدی کتابخانه شهرداریست • از نامبرده یك فرزند اناث باقیست • آقای مکرم اشعار بسیار نغز ودلکشی دارد وما برای نمونه قطعه ذیل را ثبت مینمائیم :

روزگارانداخت مارا ایعزیزان در کناری	گفتگوی ماست درهر برزن وهرره گذاری
هر که از بهروطن لب ترکند یاسر برارد	در قفای او مهیا گشته تیغ آبداری
هر کسی گوید که گندم دار را داراست پاداش	همچوحاجی جعفر خونساریش بینی بدار ی
ملت بیدست وپا بوسد چه دست ارتجاعی	کس دگرزین ملت حیران چه دارد انتظاری
سلطنت درملك ایران مستقل گردد زمانی	کاندراین کشور نباشد هر دیاری شهریاری
هر که برضد نوای ارتجاعی قد علم کرد	قد او با خاك یکسان شد بدست نابکاری
الغرض من سهم خودرا گفتم ورفتم زمیدان	بعدازاین دارم نه امیدی نه صبری نه قراری
بادلی پرخون و قلبی چاك چاك از تیر اشراف	تیرمن برسنك آمد بود اینهم کارزاری

ای خوشا آنها که در این روز گار حیرت آور
گوشه غاری مکان کردند و جنب کوهساری

محمد علی مکرم

(۶۲۷) سپهر

در تاریخ هشتم آذر ۱۳۰۴ شمسی شورایعالی فرهنك امتیاز روز نامه سپهر را بمدیری (میرزا ابوالقاسم خان واثق) در خراسان ؛ تصویب نمود . طرز انتشاراین روزنامه بطور روزانه بوده است •

(۶۲۸) سپیده دم

مجله سپیده دم در شهر شیراز بمدیری و سردبیری آقای (لطفعلی صورتگر) تاسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است • شماره اول سال اول سپیده دم در ۴۸ صفحه بقطع کوچك خشتی با چاپ سنگی طبع و در تاریخ ۷ حمل ایت ئیل ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۹ رجب المرجب ۱۳۴۰ قمری توزیع گردیده ، مقاله افتتاحی شماره اول تحت عنوان (خط مشی ما) تدوین شده وقسمتی از آن چنین است :

« بنام یزدان پاك . سپیده صبح دمیده اشعه طلائی رنك آفتاب سقف نیلگون آسمان را با ستونهای نورونی اندود ساخته و کنار افق را باغازه لطیف و دلربائی میآراید • درصحرای وسیع بدون محافظی که خوف از دزدان وهواجس و اوهام هولناك دل فرزند آدم را بهراس انداخته و درهر قدم تزلزل و اضطراب جدیدی را تولید مینماید مسافری بکه و تنها بر روی زاد و راحله خود تکیه داده وبیخبر از تبدلات گیتی به خواب رفته است ••••• کاروان تمدن ومجد وعظمت درموقعی که بخواب ناز رفته بودیم از پهلوی ما گذشته و فرسنگها پیش افتاده است • مخاطرات مارا ازاطراف تهدید میکند امید فقط بسعی وعمل و ترقی علمی است •••• ما سعادت و ترقی ایران را جز از راه علم وعمل نمیدانیم ودر صددیم که از این طریق برزمین پدران خود

تا آنجا که درمقدرات ماست خدمت کرده و در بنای قصر سعادت ملت در این زمینه شالوده بندی کنیم و با این عقیده پاك شروع میکنیم درپرورش احساسات و تشویق جوانان و رفع بیحالی اجتماعی اطاله مقال دهیم . عشق پاك ، اقبال حقیقی ، دانشوران وطن برای ما بهترین پشتی بآنها و بالاترین سرمایه ها خواهد بود »

شماره دوم مجله در نهم ثور ۱۳۰۱ مطابق غره رمضان ۱۳٤٠ قمری منتشر گردیده و درسال اول مجموعا ۸ شماره در ٤٠۲ صفحه بهمان قطع شماره اول توزیع گردیده و آخرین این سال که شماره هشتم میباشد مورخ بتاریخ اسد ۱۳۰۲ شمسی مطابق ذیحجه ۱۳٤۲ است . شماره دوم سال دوم درتاریخ حوت سیچقان ئیل ۱۳۰۳ مطابق شعبان ۱۳٤۳ قمری منتشر گردیده است . طرز انتشار مجله ماهانه بوده و روی جلد آن نوشته که در ابتدای هربرج انتشار میابد . وجه اشتراك در ایران سالیانه چهار تومان و شش ماهه ۲٥ قران است . عنوان مراسلات : شیراز . مجله سپیده دم . اسم مجله بخط نستعلیق درشت نوشته شده و سپیده دم مجله . علمی ادبی اجتماعی معرفی گردیده است . درحقیقت‌مندرجات مجله از اینگونه مطالب خارج‌نیست وعبارت ازمقالات مختلف ادبی ، علمی وتاریخی است که غالباً بدون امضا و بقلم‌مدیر مجله نوشته شده است . مندرجات شماره اول پس ازمقاله افتتاحی که قسمتی ازآنرا نقل کردیم عبارت ازمقاله (انتخاب رفیق) و مقاله (ذوق شاعرانه) و (حق و زور) که مقاله اخیر بقلم مهدی قاجار نوشته شده ومقاله (یکشب تاریخی) میباشد . از مندرجات مجله اشعار بسیار نغز و دلکشی است که بامضای (ل . س) ، لطفعلی‌صورتگر ؛ دیده میشود ؛ برای نمونه قسمتی از قطعه ای که درشماره دوم سال دوم چاپ شده نقل مینمائیم :

زندگانی من

من از وجود خود بشك افتادم		از بس نژند و بیدل و ناشادم
از سیل غم ، خرابم وداردچرخ		با سنك نامرادی آبادم
چونان سیاه نقطه بی مفهوم		در دفتر بقا ، غلط افتادم
فکری پریش بودم و اول روز		یزدان بقلب گیتی ، بنهادم
گیتی مرا زخویش بدورانداخت		وندر جهان خاك فرستادم
عاق طبیعتم ، اگر بینی		کاین مام سنگدل نکند یادم
زین رو،خلاف‌جامعه ، ازهرقید		جز قید عشق و دوستی ؛ آزادم
زین رو، دراین محیط تقلب‌زای		آماج تیر طعنه و بیدادم .
در عین یاس ، گاهی پر و بزم		در بین عیش ، گاهی فرهادم
در پیشگاه عاطفه ، تسلیم		دراین بزرگواری ، استادم

درشماره‌اول‌قصیده‌ای اثرطبع مهدی قاجار دروصف مجله سپیده دم طبع گردیده که مطلع و ختام آن این است :

مطلع : صورتگر وجود بنقش سپیده دم		گیرد بکف زخسرو خاور یکی قلم

ختام :تاریخ‌این مجله درخشان‌چنان بدار کز طبع شام تیره نمایان سپیده‌دم.
ازمجله سپیده دم نگارنده تا شماره دوم سال دوم را دردست دارم ومندرجات اینشماره بدین قرار است : شعر وفلسفه . تلفون بی سیم . میرزا نصیر اصفهانی . شمیران‌والبرز عشق ونوس . زندگانی من . نای وبلبل . معمار . این یمین . روزگار سیاه (دو عنوان اخیر نام دوکتاب است که آن ایام طبع گردیده است .)

دکتر لطفعلی صورتگر - آقای دکتر صورتگر مدیر مجله از استادان دانشگاه طهران و نویسنده ماهر و زبر دست وشاعری خوش ذوق وقریحه میباشند . شرح زیررا در احوال ایشان در سالنامه ۱۵-۱۳۱۴ دانشسرایعالی نوشته است : « محل تولدایشان شیراز است مدتی درمدرسه شعاعیه دولتی شیراز تحصیل نموده پس از آن درسال۱۲۹۹ خورشیدی به بمبئی رفته درمدرسه سنت گزویر تحصیلات متوسطه خودرا باتمام رسانیدند درمراجعت معلم تاریخ و ادبیات فارسی مدرسه شعاعیه شیراز گردیدند و مدت دو سال مجله ادبی سپیده دم را مینگاشتند تا آنکه در ۱۳۰۷ جزو محصلین اعزامی با نگلستان رفته و دردانشگاه لندن بتحصیل ادبیات انگلیسی وتاریخ وعلوم اقتصادی اشتغال داشته دارای درجه A.B. دراین رشته گردیدند . » آقای صورتگر پس ازمراجعت از اروپا چند سال در دانشسرای عالی دبیر زبان وادبیات انگلیسی بوده تا اینکه در سال ۱۳۱۷ باردیگر با خانم خود که اهل انگلستان بود سفری بآنکشور نمود وعنوان دکترا گرفت و در بازگشت بمدیری مجله (آموزش وپرورش) ازطرف وزارت فرهنگ انتخاب‌گردید ومدتی درادار. انطباعات آنوزارتخانه باین سمت مشغول کار بود . اکنون نیزدرطهران دردانشگاه مشغول تدریس است . ونیز درشماره‌های ۳ و ٤ سال چهارم مجله ارمغان شرح حال مفصل ایشان درضمن ذکر احوال ده تن ازاعضاء انجمن ادبی فارس مذکور است . خوانندگان گرام میتوانند بآنجا مراجعه فرمایند .

سحاب (۶۳۹)

روزنامه سحاب در اصفهان بمدیری (سید ابوالحسن فروز) تاسیس و در سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است . اولین شماره روزنامه هفتگی سحاب بمدیر مسئولی و صاحب امتیازی سید ابوالحسن فروز وسردبیری برچمی در چهار صفحه بقطع ۲۶×۱۵ سانتیمتر ؛ باچاپ سربی درمطبعه (شرکت امامی) طبع ودرتاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۷شمسی مطابق ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳٤۷ قمری منتشر شده است . قبل از انتشار شماره اول ؛ طبق معمول جراید در آن ایام ، برای آگهی عموم ازمرام و مسلك روزنامه ، طلیعه سحاب روی یك ورق بامضای (سید ابوالحسن فروز . مدیر جریده سحاب) طبع و در تاریخ دهم آبان ۱۳۰۷ منتشر گردیده است . طلیعه سحاب بدین قسم شروع میگردد: « گرچه متاع جریده دربازار نظر بعضی ازملت ایران عموماً واصفهان خصوصاً بقیمت ارزان ودرکفه میزان فکرتوده بی قدر وسبك وجریده نگار بیکار بشمار میرود ولی‌ما بملل آن اندکی پی برده وعنان توسن مقصودرا ازخط مشی مسببین آن منعطف ساخته‌و با قافله فکر هم‌مسلکان به پیش‌آهنگی همتشان مسلك خودرا اجتماعی ؛ اقتصادی ا خلاق

منتهی الیه سیر قرار داده و پیش میرویم ...» در پایان طلیعه مینویسد : « فعلا اذهان قارئین محترم را سابقه داده تا آنکه بخواست خداوند مشروحاً بنظرشان برسانیم واز مطالبیکه در آتیه لازم است بعرض آقایان محترم برسانیم تفسیر بتبیین کلمه اجتماعی و اقتصادی واخلاقی است چه اگر مسلك معلوم نگردد سیر در آن محال و ممتنع - د ر خاتمه خوانندگان محترم را مستحضر میداریم که بواسطه پاره‌ای محظورات نشر جریده را فعلا درهفته یك مرتبه قرار داده امید است پس از رفع موانع درهفته بیش ازیکمرتبه نشر شود و ازنظر خطاپوششان متمنی هستیم ازخطای نگارنده غمض عین فرموده و خورده نگیرند .»

مقاله افتتاحی روزنامه پس از چند سطر مقدمه ، تحت عنوان (وظیفه ما ملت چیست) نوشته شده وچند سطر مقدمه آن بدین قرار است : « سپاس ایزد پاك را که روزی ماقلم بر میداریم و قدم درعالم مطبوعات میگذاریم که ازقیمت وجود ما به یزدان و قائد توانای مهربان اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه پهلوی خلدالله ملکه‌وسلطانه سراسرایران ومملکت باستان دلق مرقع وجامه چرکین ننگین خفت وخواریرا از وبر دوش و سروپا بیرون ولباس دلارای عظمت وابهت را زیب اندام خویش میسازد ازقلل جبال شامخه تا اعماق این خاك پاك گرد مذلت وپستی بل نیستی را ازچهره زیبای‌خود سترده مانند غنچه که ازنیش خار حوادث‌نجات یابد شکفته وخندان گل شادی وانبساط تقدیم سر وسینه مرد وزن میکند هرروزی تازه سعادتی روی مینماید هرشامی از نو باب رحمتی میگشاید خداوند این دولت شاهنشاهی را روز افزون واین نعمت‌خداداده را بهمیشگی مقرون فرماناد .»

درشماره اول علاوه برمقاله افتتاحی ، مقاله دیگری تحت عنوان (همه گفتند ما هم میگوئیم) درج است ونیز درصفحه سوم اشعاری اثر طبع ابوالقاسم جاوید در باره نشر روزنامه و ماده تاریخ آن چاپ شده که مطلع و ختام اشعار چنین‌است :

مطلع : ز ابر تیره نادانی این‌شگرف سحاب ✿ گرفت پربسمای معارف همچو عقاب

. . . . ✿ . . . .

چوشد سوال ز جاوید سال تا ر یخش ✿ بخامه داد حوالت بدین‌سوال‌وجواب

جواب خامه که ده را چوکم کنی تاریخ ✿ بروزگار معارف بود(فروغ‌سحاب)

پاورقی روزنامه که ازشماره اول شروع میکرددعبارت ازیك (پیس اخلاقی) بعنوان (پیرمرد بوالهوس) است درصفحه چهارم قسمت اخلاقی روزنامه چاپ شده و در آن بحث مفصلی در باره (کلاه وعمامه) و اشتقاق عمامه نموده است .

محل اداره روزنامه : اصفهان . خیابان خوش . آدرس تلگرافی : سحاب . وجه اشتراك داخله سالیانه ۵۵ قران ، ششماهه ۲۵ قران ، خارجه باضافه کرایه پست ۰ اعلانات صفحه اول سطری دوقران ؛ صفحات دیگر سطری یکقران .

آقای سید ابوالحسن فروز - آقای سید ابوالحسن فروز از اهالی قم و در اصفهان در سلك طلاب علوم دینی بود و درمدرسه صدر سکونت داشت و ی در همان

همان اوان که بشغل نامه نگاری مشغول بود درداد گستری نیز وکالت میکرد . در آن هنگام با تاسیس کلاس قضائی درطهران بوسیله داور ، نهضتی درمیان طلاب علوم دینی بوجود آمد واغلب آنها شغل روحانیت را ترك و با تبدیل لباس در یکی از ادارات دولتی مخصوصا ادارات عدلیه وثبت اسناد وارد شدند . آقای فروز نیز به پیروی آنان پس ازمدتی تغییر لباس داد و نامه نگاری را ترك کرد وبجانب طهران عزیمت نمود . و اما همکار ایشان آقای برچمی ازوکلای مبرزدادگستریست و اکنون نیز درداد گستری اصفهان بشغل وکالت مشغولند .

آقای سیدابوالحسن قمی زمانی همبا مرحوم میرزا عباسخان شیدا مدیر دانشکده اصفهان همکاری مینمود و بشرحیکه درحرف دال کتاب ؛ جلد دوم ، نوشته ایم مرحوم شیدا بکمك نامبرده مجله را منتشر میساخت .

(٦٤٠) سحر نامه

در خرداد ١٣٠٤ شمسی شورایعالی فرهنك امتیاز روزنامه سحرنامه را بمدیری (میرزا حسینعلی ریاضی)در طهران تصویب نموده . طرز انتشار این روزنامه هفتگی بوده است .

(٦٤١) سده

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه سده مینویسد :

« روزنامه ماهانه منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدیریت اسماعیل مهندس در بیستم بهمن ماه ١٣٠٠ شمسی»

(٦٤٢) سراج الاخبار

اولین روزنامه که بزبان فارسی درکشور افغانستان تاسیس و منتشر شدروزنامه سراج الاخبار است . این روزنامه درشهر کابل پایتخت افغانستان بمدیری وسر محرری (محمود طرزی) درسال ١٣٢٩ قمری تاسیس ومنتشر گردیده است . شماره اول سال دوم آن در ١٥ شوال المکرم ١٣٣٠ قمری مطابق چهارم میزان ١٢٩١ شمسی در ١٦ صفحه بقطع خشتی بزرك و کاغذی خوب و آهار دار در (چاپخانه حروفی دار السلطنه کابل) طبع وتوزیع گردیده. قیمت سالیانه روزنامه : دردارالسلطنه کابل ٨ روپیه کابلی در اطراف داخله مملکت بااخراجات داك، ١٤ روپیه کابلی . درخارج مملکت بااخراجات داك ده روپیه انگلیزی . اداره خانه ومطبعه : درماشینخانه دارالسلطنه کابل . همه امورات تحریریه باداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود . قیمت یکنسخه آن درکابل یکعباسی است . (عبارات منقول بعینه ازشماره های نمونه نقل گردیده است .)

سراج الاخبار هرپانزده روزیکبار در ١٦ صفحه باتصاویر مختلف مربوط به افغانستان طبع وتوزیع شده وسال تاسیس آن چنانچه درزیر اسم روزنامه که بخط نسخ است نوشته شده سال ١٣٢٩ قمریست راجع بمندرجات روزنامه درهرشماره در عنوان

آن اینطور نوشته شده : « در این اخبار از حوادث داخله و خارجه و بعضی مقالات مفیده درج میشود ». در شماره اول سال دوم پس از طبع تمثال امیر حبیب الله خان پادشاه افغانستان ، مقاله ای راجع بآغاز سال دوم روزنامه وتاریخچه داخلی یکساله سراج الاخبار افغانیه درج شده ودر این مقاله سال اخبار روزنامه را از ۱۵ شوال ۱۳۲۹ تا بغره شوال ۱۳۳۰ میداند و نیز دراین مقاله خلاصه ازوقایع یکساله افغانستان نوشته . مقاله دیگر این شماره مقاله ایست درتاریخچه سیاست خارجی که مشتمل بر ذکر حوادث جهان است . بعد از این مقالات ، چند صفحه روزنامه مشتمل برمقالات ومکتوبات وارده و حوادث شهریست .

برای اطلاع ازسبك مندرجات روزنامه بهتر آنستکه فهرست مندرجات بعضی از شماره های آنرا بعنوان نمونه نقل نمائیم . عنوان مندرجات شماره ۱۰ سال دوم : جلال آباد . حوادث خارجه . مقاله مخصوصه . مقالات علمیه ، ادبیات . ناموران زنان جهان . علم ثروت ملل . فاجعه های پاریس .

فهرست مندرجات شماره ۱۱ سال مذکور : عسکرپروریهای ذات اعلیحضرت همایونی . حوادث داخلیه . حوادث خارجیه . باب التفسیر. مقالات فنیه . ادبیات ناموران زنان جهان . علم ثروت ملل . فاجعه های پاریس . (این قسمت رما نیست که در پاورقی روزنامه درهر شماره در صفحه ۱۵ درج شده است) با انتشار شماره ۲٤ سال دوم روزنامه سراج الاخبار افغانیه خاتمه پیدا کرده و این شماره در تاریخ یکم شوال ۱۳۳۱ قمری مطابق ۱۱ سنبله ۱۲۹۲ شمسی منتشر شده ومقالهای درآن راجع بختام سال دوم درج است . نگارنده فعلا از این روز نامه تا همین شماره را در دست دارم .

در شماره اول سال نهم چهره نمامطبعه مصر؛ مورخ ۱۵ صفر ۱۳۳۰ قمری درجائیکه تقاریظی در باره چند روزنامه فارسی نوشته در باره این روز نامه مینویسد : « سیم نامه نامی و روزنامه گرامی سراج الاخبار در هفتگی ، فارسی منطبعه دارالسلطنه کابل پایتخت افغانستان اثر خامه مشگین‌ختامه یگانه دانشمند فرجاد معارفخواه فرزانه آقا محمود طرزی (طرزی لغت فارسی و بمعنی خیاطاست.) این روزنامه که در ١٦ صفحه و ماهی دوبار چاپ و منتشر میگردد نخستین جریده ایستکه ازشهر شهیر کابل بلکه افغانستان با صفحاتی معرفت ریز از افق غیرت وحمیت زای افغانستان بعالم مطبوعات وجهان ادبیات فارسی زبان ، قدم گذاشته وحاوی حوادث درباری و داخلیه افغانستان و خارجه میباشد . »

(٤٦٤) سرحد

روزنامه سرحد در سال ۱۳۰۳ شمسی در شهر تبریز تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . نگارنده از این روزنامه نمونه بدست نیاورده و جای بسی تعجب است که مرحوم تربیت نیز درفهرست جراید آذربایجان از این روز نامه ذکری نکرده است .

(٦٤٤) سروش

روزنامه سروش درشهر رشت درسال ١٣٢٥ قمری منتشر شده است . (تاریخ مطبوعات برون ص ١٠٢) برون اضافه میکند که رابینو درکتاب خود نا می از این روزنامه بمیان نیاورده و فقط روزنامه های سروش منتشره در اسلامبول و طهران را یادداشت کرده است .

(٦٤٥) سروش

روزنامه سروش درشهر اسلامبول بطور هفتگی تاسیس وشماره اول آ ن د ر ١٢ جمادی‌الثانی ١٣٢٧ قمری منتشر شده است . پس از انقلاب جمادی الاول ١٣٢٦ قمری و مهاجرت عده از ایرانیان بصوب اروپا هنگامیکه این مهاجرین باسلامبول وارد شدند ، بکمك ا جمن (سعادت ایرانیان مقیم اسلامبول) روزنامه بنام سر و ش تا سیس نموده و جمعاً پنج شماره از این روزنامه طبع و منتشر شده . مدیر وموسس روزنا مه سروش ، سید محمد توفیق و نویسندگان آن عبارت بودند ازمیرزا ابو ا لحسن خا ن معاضدالسلطنه رئیس انجمن سعادت ومرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی و میرزا علی اکبر خان دهخدا (نویسنده انتقادی روزنامه صور اسرافیل) ومرحوم حسین‌دانش.

معاضدالسلطنه و کیل رشت برای معالجه باسلامبول رفته بود ومرحوم حسین‌دانش نیز درشهر مذکور توقف داشت پس ازملحق شدن دهخدا ودولت آبادی بایرا نیا ن مقیم اسلامبول درصدد نشر روزنامه بر آمدند ولی دررمضان سال ١٣٢٧قمری نظربتلگراف هائی که از ایران بعده از این آقایان شده بود ، عازم ایران شدند آخرین دسته که از این ایرانیان بازگشت نمود مرحوم معاضد السلطنه باتفاق دهخدا بود و بارفتن د هخدا بخصوص روزنامه سروش پس ازنشر پنج شماره ، برای همیشه تعطیل گرد ید . آ قا ی دهخدا ازموسسین و نویسندگان اصلی روزنامه بوده بقسمیکه مدیر روزنامه حکمت‌چاپ قاهره اورا موسس سروش دانسته است . نامبرده درشماره ٩٢٦ روزنامه خو د مورخ ١٥ رجب ١٣٢٧ قمری مینویسد : « عفو الهی بکند کار خویش ✿ مژده ر حمت برساند (سروش) دراین هفته سه شماره ازگرامی جریده (سروش) منطبعه ا سلامبو ل که بخامه جناب (میرزا علی اکبر خان دهخدا) دبیر جریده روح القدس منطبع طهرا ن به اداره رسید . ازمطالعه آن خرسند شدیم هر آنکس که روح‌القدس را خوانده ا ست می داند که این دو بلبلان خوش الحان گلزار وطن چه ترانه ها سروده‌اند ودر پا دا ش این نیکو خدمات این دو آزاد مرد ، میرزا جهانگیر خان مدیر پاك آنرا (در ا ین جا اشتباهی رخ داده و مرحوم زعیم‌الدوله میرزا جهانگیر خان ، مدیر صور اسرا فیل ر ا بمدیر روح‌القدس اشتباه کرده است . مولف) فردای ثلمه ٢٢ جمادی‌الاول بامرمستبد اعظم حضورا پاره پاره نموده ونام آنرا جزو شهدا نوشته‌است . دبیر آن جناب میرزا علی ا کبر خ ن ، هم بس ازانزوا بشیوه مهجوکارانه خودرا رهانیده ودرطمن مهاجرین وطن درفرنگستان درکشور سویس بطبع ونشر دوعدد ازجریده بنام‌روح القدس پرداخته وپس ازاستقرار مشروطیت دراستانبول بدانجا رفته جریده شیوا ئی سروش نام تاسیس

نموده که نمونه از مندرجات آنرا زیب حکمت مینمائیم .»

آقای دهخدا در محرم ۱۳۲۸ قمری از اسلامبول بطهران آمد و روزنامه ایران مورخ سه شنبه ۱۳ محرم ۱۳۲۸ قمری بعنوان (خیر مقدم) راجع بورود دهخدا وروزنامه هفتگی سروش مینویسد : « جناب آقا میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف بدخودیر صور اسرافیل که پس از فاجعه ۲۳ جمادی الاول وتخریب مجلس مقدس ایران تبعید شدند ودراین اواخر دراسلامبول مدیر وسردبیر روزنامه هفتگی سروش بودند که الحق نزد اهل فن آنروزنامه رتبه درمکنون را دارا است روز یکشنبه ۱۱ شهر حال وارد تهران شدند .»

(٦٤٦) سروش

روزنامه سروش درطهران بمدیر مسئولی (عضدالاسلام لاهیجانی) وسردبیری (ع) در سال ۱۳۲۸ قمری تاسیس و شماره شش سال اول آن در روز شنبه ۲۵ صفر ۱۳۲۹ قمری درمطبعه سربی (فاروس) طبع و توزیع شده است . سروش بقطع وزیری بزرك در چهار صفحه که هرصفحه آن مشتمل بر ۵ ستون است طبع گردیده و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی عبارتست از اخبار داخله و اخبار مجلس شورایملی و مقالات مختلف راجع بتظلمات اشخاص . مرام ومسلك روزنامه بدانقسم که درعنوان هر شماره ذکر شده (طرفدار ترقی ملت واستقلال ایران) است . و در حقیقت یك روزنامه معتدل سیاسی است . درزیر اسم روز نامه سال تاسیس آن قید شده . محل اداره ؛ طهران . خیابان علاءالدوله نمره ١٦ ، عنوان تلگرافی : سروش طهران ، قیمت اشتراك : طهران ، یکساله ٤ تومان ، شش ماهه ۲۲ قران ، ۳ ماهه ۱۲ قران . ولایات داخله بترتیب : ٤٥ قران ، ۲۵ قران و ۱۵ قران . ممالك خارجه ۳۰ فرانك ، ١٦ فرانك و ۱۲ فرانك . تکنمره طهران چهار شاهی . ولایات داخله ۵ شاهی . قیمت اعلانات صفحه اول سطری یکقران و صفحه آخر دهشاهی .

در روزنامه سروش اشعاری بنام (وطنیه) چاپ شده که ازجمله اینهاست :

روس دولت شیوخ ملت   ببازی ایران خراب گردید
دراین‌حوادث براین‌مصیبت   درون خارا کباب گردید

از روزنامه سروش فعلا نگارنده تاشماره ۱۱ سال اول مورخ دوشنبه دوم جمادی الاول ۱۳۲۹ دردست دارم . برون انتشار شماره اول روزنامه را درتاریخ ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۸ قمری ضبط مینماید . در ابتدای این شرح یاد آور شدیم که مدیر مسئول روزنامه عضدالاسلام لاهیجانی وسردبیر آن (ع) است لازم است یاد آور شویم که نویسنده و سردبیر روزنامه (میرزا عیسی خان ملقب بسردار منصور رشتی است) و نامبرده حرف (ع) را برای امضا ودرحقیقت نام عاریتی خود قرار داده است .

(٦٤٧) سروش ایران

مجله سروش ایران در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (س . رضای . امیر

رضوانی) تاسیس و در سال ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن ماهی چهار دفعه و اغلب روزهای شنبه نشر میشده . محل موقتی اداره : خیابان لاله زار . توزیع کل جراید . عنوان تلگرافی . طهران . سروش ایران . تمام مکاتیب باید بإسم مدیر باشد و مسترد نمیگردد . قیمت اشتراك : طهران یکساله ۲۵ قران شش ماهه ۱۵ قران . ولایات داخله یکساله ۳ تومان . شش ماهه دو تومان . ممالك خارجه یکساله ۳۵ قران . شش ماهه ۲۲ قران . تك نمره طهران : چهار شاهی ولایات داخله ۵ شاهی . اعلانات باستثنای صفحه اول سطری یکقران و لوایح خصوصی در حکم اعلان است .

شماره دوم سال اول سروش ایران با خصوصیات مذکور در هشت صفحه بقطع کوچك خشتی درمطبعه سربی (برادران باقر زاده) طبع و در تاریخ شنبه ۲ جمادی الاول ۱۳۳۵ قمری مطابق ٦ برج حوت و ۲٤ فوریه ۱۹۱۷ میلادی منتشر شده . مقاله افتتاحی این شماره اشماریست بعنوان (ادبیات) که باین اشعار شروع میگردد :

هرکه عالم شد چه ما بیکاره نیست ‌ ‌ ‌ غیر علم از بهر جاهل چاره نیست
چاره دیگر فقط جان دادن است ‌ ‌ ‌ زنده زنده قعر گور افتادن است

درشماره دوم این دو شعر نیز در بالای عنوان روزنامه چاپ شده ولی در شماره های بعد نیست :

صوت جانانه ام بگوش آمد ‌ ‌ ‌ یا ز ایران مرا سروش آمد
که هنوز ش درست نشنیده ‌ ‌ ‌ آتش وحشتم خموش آمد

مجله سروش ایران بیشتر یك مجله ادبی است و از این جهت در هر شماره اشعاری از شعرای معاصر درآن درج است . ازشماره ۱٦ قطع روزنامه بزرگ شده و سروش ایران بصورت روزنامه خبری در آمده است . سرمقاله این شماره تحت عنوان (نظری بولایات . آیا فقط تحدید نظر درحکام و ولات کافی است) نوشته شده . شماره ۱۹ سال اول روزنامه درتاریخ ۱۱ شوال ۱۳۳۵ قمری مطابق ۱۰ برج اسد ۱۲۹٦ و شماره اول سال چهارم آن در تاریخ ٤ شنبه ۱۲ رمضان ۱۳٤۰ قمری مطابق ۳۰ ثور ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است.

پس از آنکه مجله سروش ایران تبدیل بروزنامه گردید ومدتی بدین نحو منتشر میشد ؛ مجددا در سال ۱۳٤۲ قمری بصاحب امتیازی و موسسی (ا . ر) که همان آقای امیر رضوانی است ومدیری (ح . ابصری) درطهران تاسیس ومنتشر شده است شماره اول ایندوره که مصادف باسال ششم تاسیس روزنامه میباشد درچهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی سعادت طبع ودر تاریخ پنجشنبه ٦ ربیع الثانی ۱۳٤۲ قمری مطابق ۲۳

عقرب ۱۳۰۲ شمسی و ۱۵ نوامبر ۱۹۲۲ میلادی توزیع گردیده است . طرز انتشار سروش ایران هفته دوبار روزهای دو شنبه و پنجشنبه بوده . محل اداره آن طهران . خیابان ناصریه . عنوان تلگرافی سروش ایران . قیمت اشتراك روز نامه طهران یکساله ۷۰ قران ، شش ماهه ٤۰ قران . داخله یکساله ۸۰ قران . شش ماهه ٤٥ قران ، خارجه یکصد قران و ٥٥ قران . تکشماره شش شاهی .

سرمقاله شماره مذکور بدین قسم شروع میگردد : « اطراف بیانیه ریاست وزراء - مسلم خوانندگان سروش ایران منتظرند که قبلا مقاله افتتاحیه را درج و بنظر قارئین محترم برسانیم و مناسب هم این بود که پس ازیك تعطیل طولانی امروز که بتجدیدانتشار این نامه ملی مبادرت میورزیم قبل ازهرچیز مقاله افتتاحی علی الرسم نگاشته و درج نمائیم اما ... » سپس شرح مفصلی درتعریف سردار سپه نوشته است درصفحه یك و دو همین شماره متن بیانیه بامضای (رضا) درج است .

(٦٤٨) سعادت

روزنامه سعادت بمدیری و صاحب امتیازی (محمد تقی نراقی) درشهر همدان تاسیس و بطور هفتگی درسال ۱۳۲٥ قمری منتشر شده است . هر شماره این روز نامه در چهار صفحه بقطع ۷ در ٥ر۱۱ اینچ میباشد . وجه اشتراك آن در همدان ۱۰ قران ، در سایر شهرهای ایران ۱٥ قران ، در روسیه و قفقاز ٤ منات برون در کتاب مطبوعات (ص ۱۰۳) مینویسد من نمرات ٤۳ ؛ ٤٦ و ٤۷ ، این روزنامه را دردست دارم و نمره ٤۳ آن در تاریخ دهم صفر ۱۳۲٦ قمری منتشر شده است .

(٦٤٩) سعادت

روزنامه سعادت درتبریز بمدیر مسئولی (سعید زاده ناظم مدرسه سعادت) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . شماره اول سعادت در چهار صفحه بقطع خشتی بزرك با چاپ سربی درمطبعه (اسکندانی) طبع و در روز شنبه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته . این روزنامه هرپانزده روز یکمرتبه طبع و توزیع شده ومحل اداره آن : مدرسه سعادت تبریز است . قیمت اشتراك روز نامه تبریز سالیانه ٥ قران ؛ ولایات داخله ۸ قران ، ممالك خارجه ۱۰ قران ، قیمت تك نمره در تبریز سه شاهی در ولایات داخله چهار شاهی و در خارجه ٥ شاهی است در زیر عنوان هر شماره روزنامه بدینقسم معرفی شده است : « این جریده ابدا باموران سیاسی مداخله ندارد فقط طرفدار ترویج علم و ازدیاد مدارس در ایران خصوصا آذربایجان بوده و از معارف ملل متمدنه عالم صحبت خواهد نمود ومقالاتیکه دائر بر این مقصود مقدس باشد با کمال امتنان قبول و بامضای صاحب مقاله درج خواهد شد و

اعلانات دایر بر امورات معارف مجانا قبول میشود ».

مندرجات روزنامه سعادت بیشتر مقالات مربوط بمدارس و ترویج علم و دانش میباشد. در شماره اول پس از اعلانی که درستون اول راجع بکتاب (رهبر کودکان اثر خامه مدیر مدرسه سعادت، طبع گردیده، مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (معارف) نوشته شده . خلاصه از مقاله مذکور چنین است : « این مسئله مسلم است که احیای حس محبت نوع و مدافعه وطن وحسن انتظام هیئت اجتماعیه هر قوم و ملت بسته بتوسعه علم و معرفت آن ملت است .... » پس ازآن مینویسد: « هیئتی ازمعلمین مدرسه سعادت بر این مقام بر آمدند که این مختصر ورقه را فقط در لزوم علم از برای خدمت بهم وطنان محترم طبع ومنتشر نمایند و در ضمن ازمعارف ومدارس ملل متمدنه عالم و طریق انتشار معارف و تشکیل مدارس و اجرای قانون تعلیم اجباری و تهیه اساس پیشرفت آن بعرض اولیاء محترم برسانند واز هموطنان معارفخواه تقاضای مساعدت مینمائیم ». پس از این سرمقاله، مقاله دیگری تحت عنوان (انین طن) درج شده که تا آخر صفحه چهارم را فرا گرفته است .

مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان (ص ٤١٠) مدیر سعادت را (ابراهیم شمس) معرفی نموده درصورتیکه هماتقسم که یاد آور شدیم و در انتهای صفحه‌چهارم روزنامه دیده میشود مدیر مسئول (سعید زاده ناظم مدرسه) است .

نگارنده از روزنامه سعادت شماره اول آنرا بطور نمونه دردست دارم ولی‌برون درکتاب مطبوعات (ص١٠٥) نوشته است که شماره چهارم مورخ ٨ جمادی‌الثانی ١٣٢٩ قمری روزنامه رادارم .

(٦٥٠) سعادت

روزنامه سعادت در طهران بمدیری (مهدیخان مافی‌ملقب بسعدالملك) درذیقعده ١٣٣٨ قمری تاسیس و منتشر شده است ، از روزنامه سعادت بیش از یك شماره که آنهم صفحات دو و سه آن درچاپخانه توقیف گردیده و تنها صفحات یك و چهار آن چاپ شده ، انتشار نیافته است . شرح زیر روی یك ورق که ضمیمه سال سوم مجله ادبی است طبع گردیده و ما برای مزید اطلاع خوانندگان عین آنرا نقل مینمائیم:

« توقیف سعادت . بتاریخ دهم ذیقعده . وکذاتکون کواکب الاسحار . در موقعیکه با رقه امید قلوب مایوسین را میخواست روشن نماید وهنگامیکه پس از دو ماه اشك ریختن نزدیك بود چشم یك ملتی بسرشك شادی نمناك گردد وناله که در سینه ها خفقان یافته بود با آخرین قوه که دریك مریض محتضر باقیست ازحنجر فشرده ملت ستم کشیده ایران بیرون آید هنوز صبح سعادت طلوع ننموده بود که دوچار غروب توقیف گردید !

آری هنوز دوصفحه بیشتر از روزنامه سعادت ازطبع خارج نشده بود که حسود معرض کار او را ساخت وصفحات سفید بی آلایشش را درنظر هیئت محترم دولت سیاه جلوه داد و به محبس تاریك توقیف گرفتارش کرد . مگر چه گفته یا چه نوشته بود ؟

هیچ ؛ فقط میخواست ناله مظلومانه ملت را بسمع هیئت محترم دولت رسانده ودرضمن دنیا را از حال اسف اشتمال این سرزمین بلاکش آگاه سازد این بود ذنب لایغفر این بود گناه غیر قابل عفو • غمناك تر ازهمه تصمیمی است که هیئت محترم دولت برای جبران خسارت ما فرموده و سیصد تومان بدین عنوان درحق ما تصویب شده است •.
یاللعجب چه چیز جبران اختناق فکر وعقیده را مینماید • باآنکه مع‌الافتخار منتسب به حزب محترم وفداکار دمکرات هستم فقط برای‌آزادی دماغ روزنامه خودرا مستقلا فکر معرفی نموده وچگونه ممکن بود ازقبول این عطیه استنکاف نورزیم ؟ جبران خسارت ما جز باعطای حریت فکر و لسان وقلم ممکن نیست اگرچه منتظریم که مجله ادبی از بی خلف خود طریق بر محنت توقیف را پیش گیردو لیکن تمام امیدواری مابرجود مغتنم رئیس الوزرای عالم قانون دان محبوب است که بمرور زمان در صدد تحقیق بر آمده صالح را از طالح و خادم را از خائن تفکیك فرمایند وما عجالتا تاوصول آنزمان مثل یکنفر مطیع بی غرض جامه صبر وبرد باری برتن نموده منظر میشویم •»
روزنامه زبان زنان در شماره ۲۲ سال دوم مورخ ششم ذیحجه ۱۳۳۸ قمری تحت عنوان (سعادت) راجع بتوقیف روزنامه اینطور مینویسد :
« روزنامه هفتگی ورق بزرك سعادت که درتحت اداره وافکار وقلم وقدرت‌آقای سعدالملك از طهران تابان شده است نخستین شماره آن با همین چاپار بما رسید بدبختانه صفحه دو وسه آن درچاپخانه توقیف شده و تنها رویه های یك و چهار آن چاپ برده است • این روزنامه تاجائیکه چاپ برده با قلم بسیار مقتدر و دارای‌مطالب‌مفیده است.»
آقای سعدالملك مافی - آقای مهدی مافی ملقب بسعدالملك علاوه بر روزنامه سعادت مجله ادبی را نیز درطهران تاسیس و منتشر نموده وما شرح حال وعکس ایشان را در جلد اول کتاب درذیل مجله ادبی بتفصیل ذکر کرده‌ایم ودیگر احتیاجی بتکرار آن نیست •

(۶۵۱) سعادت ایران

روزنامه سعادت ایران درسال ۱۳۰۲ شمسی درمشهد بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۶۵۲) سعادت ایران

درتاریخ بهمن ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه سعادت ایران دراصفهان بمدیری(شیخ ابراهیم کرمانی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است • ازاین روزنامه یکی دو شماره منتشرگردیده و تعطیل شده است • شیخ ابراهیم کرمانی - نامبرده از محصلین علوم قدیمه اصفهان بود ودرمدرسه جده کوچك حجره داشت • وی تحصیلات مقدماتی خودرا در کرمان باتمام رسانید وبرای یادگرفتن‌فلسفه وحکمت باصفهان آمده بودجوانی با ذوق ولی فقیر وتنگدست بود و باماهی شش تومان که ازمدرسه جده میگرفت امرار معاش میکرد • علاوه بر روزنامه سعادت در آن ایام دوسه بیانیه نیز بقلم او منتشر شده

است ۰ من جمله بیانیه ایست با چاپ سربی روی یکورق بزرك بتاریخ یکشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۴٤ و بامضای (اقل الطلاب محصل مدرسه سلطانی ـ شیخ محمد ابراهیم کرمانی) منتشر گردیده ۰ این بیانیه بطرفداری، سردار سپه (رضا شاه) وبا عبارات زیر شروع و ختم میکردد :

« الحمدلمن یستحق له والصلوة علی منابع الکمالات السفراء الهی سیما علی سفیر الاعظم محمد ص واله الامجاد ۰ برادران عزیز من بدانید سلطنت وعزت وسطوت مواهبی است الهی تا محلی جهت صلاحش بیشتر از فساد نباشد نسبت بنظام کی مشمول این موهبت نشود ۰۰۰۰۰۰ چون علاقه مندیم بوجود والاحضرت اقدس پهلوی یك عنصر فعال ایرانی نژاد و ایرانی است این کلمه بسیار بزرك است فی الواقع ناجی و منجی ایران یعنی کشور عجم و سلطنت جم است بندرت چنین نادری دراطوار طبیعت هویدا شود وموانع سعادت را لگد کوب نماید وبهمت والایش نظام متحدالشکلی درتمام محوطه ایران ایجاد فرماید وبتوسط امراء عظام وفرماندهان گرامش باصول ملوك الطوایفی خاتمه دهد پس برماست نگذاریم خائنین باستان مبارکش راه پیدا نمایند .» منظور از نقل اینقسمت از بیانیه اطلاع خوانندگان گرام ازسبك نگارش بعضی ازمدیران جراید است که ازقواعد زبان فارسی کمتراطلاع داشته واوراق روزنامه را بصورت قباله‌های در آورده اند ۰

شیخ ابراهیم پس ازتعطیل روزنامه ودر نتیجه مخالفتهائی که باو میشد اصفهان را ترك و بجانب طهران عزیمت نموده

(٦٥٣) سعادت ایران

روزنامه سعادت ایران درسال ۱۳۰۵ شمسی درطهران تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است ۰

(٦٥٤) سعادت بشر

روز نامه سعادت بشر در طهران بمدیری آقای (محمد جواد هوشمند) طبع و درسال ۱۳۰۸ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است ۰ این روزنامه تاسال ۱۳۱٤ غیرمرتب منتشر شده واز آن پس بعلت گرفتار شدن مدیر آن تاوقایع شهریور تعطیل وتوقیف بود وپس از وقایع شهریور مجددا باسبکی تازه پا بدایره انتشار گذاشت . آقای هوشمند شرح گرفتاری خودرا در زمان شاه فقید ، تحت عنوان (یك گزارش برای شاه) بتفصیل دریکی ازشماره‌های سعادت بشر؛ بعدازشهریور نوشته که ما قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

درسال ۱۳۰۸ عده‌ای از تجار نزد نگارنده شکایت و درد ودل کردند که امیر خسروی رئیس بانك سپه‌از آنها دعوت نموده واظهار داشته که‌بانك سپه سرمایه خود را بصورت شرکت سهامی درآوردة وحسب‌الامر شاه بایستی هریك ازآن سهامی را خریداری نمایند وخلاصه آنها را ملزم بخرید مینمایند ۰ من بشاه سابق اطلاع‌داده

یعنی کتباً بدفتر مخصوص گزارش دادم و گزارش خودرامبتنی برشایعات عمومی نموده ودر پایان آن قید نمودم که تصور نمیرود چنین امری از ناحیه اعلیحضرت صادرشده باشد . بعد از چند روز دفتر مخصوص مرا احضار و وارد بازجوئی شد که این گزارش مبنی برچه دلیل است ؟ مدرك شما چیست ؟ کی بشما گفته ؟ اگر گوینده موثق بوده او را معرفی کنید .

من از معرفی تجار خودداری کردم زیرا میدانستم آنها دوچار سرنوشت سختی خواهند شد . دلایل خودرا شایعات عمومی ذکر نمودم . آ ای شکوه الملك عصبانی و باحالتی مرآشفته که هیچگاه نظیر آنرا ندیده بودم گفتند : شایعات عمومی مدرك نمیشود اگر دلیلی دارید بگوئید ، اگر دلیلی ندارید چرا گزارش دادید : گفتم آقای شکوه الملك شایعات مردم دلیل من بوده و آنهم کافی است که شما وارد تحقیق و تعقیب شوید رسیدگی بنمائید به بینید صحت دارد یاخیر ؟ من که مدعی خصوصی امیر خسروی نیستم . (آقای هوشمند مینویسد پس ازمواجهه با امیر خسروی ، جداتکذیب نمود . بعد شکوه الملك میگوید آقای مدیر سعادت بشر چون گزارش شما خالی از حقیقت بوده تعقیب میشوید . پس از دو هفته با شاه فقید رو برو میشود و شاه با خشم وغضب فراوان باو میگوید اگر تا چهل و هشت ساعت محرك خودرا نگوئی مورد غضب ما واقع میشوی ، حالا بقیه سرگذشت را از نوشته خود هوشمند بخوانید.

٤٨ ساعت گذشت ووجدان بمن اجازه نداد که عده ای ازتجار را گرفتار مصیبه نمایم . روزنامه توقیف شد و نویسنده تبعید منتهی چون اخطار شدید اللحن شهربانی این بود که هرنقطه ای که مایلم بروم ، منهم شهر قم را اختیار وبساحت قدس بانوی بزرك پناه بردم ، پس از چند ماه تلگرافا بطهران احضار وبحضور شاه رسیده مورد الطاف ملوکانه قرار گرفتم و امر داد بانك سهامی سپه را منحل نموده وپول های تجار را مسترد داشتند .

در سال ١٣١٠ آیرم رئیس تشکیلات شهربانی دعوتی از مدیران جراید نموده بود ومنکه از موضوع مستحضر بودم ازحضور در آن جلسه خودداری نمودم پس از چندی مجددا ازهمگی دعوت شد و من مثل سابق بطفره گذراندم . چندی بعد دریکی از مجالس رسمی، که اتفاق ملاقات افتاد ایشان بنای گله گذاری را گذاشت من با صراحت لهجه گفتم منظور شما را میدانم چون میخواهید جراید را محدود نموده و آنها را تحت نظر واداره غیر مستقیم خود بگیرید من بهیچوجه حاضر نخواهم بود . ایشان عصبانی شده و گفت : بشما معلوم خواهد شد که چگونه بایستی تحت نظر و مطیع باشید . و در نتیجه طولی نکشید که درج این جمله ازکلمات قصار حضرت امیر (ص) که میفرماید : « کسیکه نتواند برنفس خود حکومت کند حکومت بر مردم نتواند کرد . » موجب سوء تعبیر و توقیف روزنامه گردید و تا یکسال توقیف آن طول کشید و آیرم بمقصود خویش نائل گردید .

در شهریور ١٣١٥ دفعتا دو نفر مامور ازطرف اداره سیاسی شهربانی باداره روزنامه ما آمده و اوراق و دفاتر و سوابق را مورد بازرسی قرار داد . بلا فاصله

نویسنده را با تمام اوراق و سوابق جلب و بشعبه ۹ آگاهی تحویل دادند و از آنجا بلا فاصله بدون بازپرسی و تحقیق دستور توقیف داده شد ومرا تحویل زندان دادند • نویسنده را بنام مقصر سیاسی در زندانی که جایگاه دزدها ؛ قطاع‌الطریق ها وجانی ها بود جای دادند گفتند تا وضعیت شما روشن نشود جای شما اینجاست • برای دومین مرتبه مرگ در نظرمن مجسم شد •

در آذر ۱۳۱٦ مختاری رئیس شهربانی مدیران جراید را احضار و بآنها پرخاش نموده که بایستی وضعیت خودرا عوض کنید مثل سایر ممالك راقیه چیزبنویسید و الا همه را توقیف میکنم • (مدیران جراید همه ساکت اند فقط آقای هوشمند می گوید هر وقت اطلاعات شما که رئیس شهربانی هستید مثل رئیس شهربانی لندن شد روزنامه های ماهم مثل دنیا میشود) همکاران من که این وضعیت را دیدند دست از حیات من شسته و باور نداشتند که شب را سالم بمنزل بروم • لیکن مختاری حاضر نبود بآزار جزئی من اکتفا کند مترصد فرصت بود تا نقش مهمتری را برای من بازی نماید تا آنکه در اسفند ۱۳۱۷ اینجانب تلگرافا از پادشاه سابق تقاضای شرفیابی را کردم • مختاری فهمید که من معتقدم بایستی شاه را از اوضاع مطلع نمایم • همین تلگراف را مستمسك نموده و فورا مرا توقیف نمود • پس از مدت ها باین زندگی تلخ خاتمه داده شد من را یعنی کالبد خسته را از توقیف خارج لیکن جان شیرین او را در توقیف باقی گذاشت•من آزاد شدم لیکن روزنامه توقیف ماند •

بالاخره مرا متهم بمرام بالشویکی میساخت ودر فروردین ۱۳۱۸ مرا مجددا در زندان انداخت • پس از دوسال ونیم بمن اخطار کردند که ممکن است با خرج خود بکاشان تبعید شوی گذشته از اینکه من ازهستی ساقط شده بودم رفتن بکاشان را مقدمه رهسپاری بدیار عدم میدانستم • من پیمودن راه کاشان را که برای من دروازه وادی خاموشان بود حرفی نداشتم زیرا از زندگی سیر شده ومرگ را برای خود موهبتی می دانستم • بالاخره بکاشان تبعید شدم وطولی نکشید که قضایای شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد • »

هما نقسم که یاد آور شدیم پس از آزادی آقای هوشمند دو مرتبه روزنامه سعادت بشر را در طهران منتشر نمود • از این روزنامه مجددا در ذیل کتاب گفتگو خواهیم کرد •

(٦٥٥) سعادت جنوب

در سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه سعادت جنوب در شهر شیراز تاسیس وبطورهفتگی منتشر شده است •

(٦٥٦) سعادت وطن

روزنامه سعادت وطن در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است •

(۶۵۷) سفینه نجات

روزنامه سفینه نجات در شهر یزد تاسیس ودرسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده‌است نگارنده با اینکه نمونه های زیادی از سال دوم وسوم این روزنامه را دردست دارم ولی در هیچکدام اسم مدیر وصاحب امتیاز روزنامه چاپ نشده فقط در انتهای‌صفحه آخر هرشماره (مخبر صادق) امضا نموده وبرون در کتاب مطبوعات وشعرفارسی (ص ۱۰۳) مخبر صادق را به (محمد صادق) اشتباه کرده ونام مدیر و نویسنده را (محمد صادق) ذکر کرده است در صورتیکه در نمونه های موجود (مخبرصادق) است نه (محمد صادق) و این اشتباه از اینجا ناشی شده که کلمه (مخبر) باچاپ سنگی تا اندازه شبیه (محمد) چاپ شده است .

شماره اول روزنامه با چاپ ژلاتین در چهار صفحه بقطع ۶در۵ر۱۰ اینچ طبع و درتاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است برون مینویسد (ص ۱۰٤ کتاب مطبوعات وشعر فارسی) تا شماره دهم روزنامه باچاپ ژلاتین و از آن پس با خط نسخ و چاپ سنگی منتشر گردیده است. شماره‌ده سال دوم سفینه نجات در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی درمطبعه (سفینه) طبع و در تاریخ ۲۲ شهر ذیحجه ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته . این شماره پس از چهارده ماه تعطیل و توقیف روزنامه منتشر گردیده و علت توقیف طولانی روزنامه را درسرمقاله



سرلوحه روزنامه سفینه نجات

همین شماره اینطور نوشته است : « بدوا علت توقیف و سکون سفینه را می نگاریم . علت تاخیر . دو امر ما را بدون حکمی مجبور بتوقیف کرد اول عدم‌آزادی وشدت استبداد که قلم ما را اجازه نگارش هیچ واقعه وحادثه بطریق صواب‌نمیداد . دوم تملق گوئی ومعکوس نویسی همکاران محترم که البته قارئین اوراق آنهارا دیده اند تا بحدی کشید که اواخر خودشان هم خجالت کشیدند . ما نیز چون نمیتوانستیم‌با آنها همراهی کنیم و ناچار بضدیت بودیم با آنکه خود را حق گو و طرفدار حریت می‌دانستیم مغاوب دست استبداد بلکه یقین بطرد و نفی کرده نجات را درسکوت‌وسلامتی را در انزوا وعزت را در عزلت دیده ؛ دم درکشیده زیر خرقه خزیدیم . اینك میگوئیم

آخ آخ عجب شبی بود ستار پیدا نبود ، سیاهی آدم را میخورد غول تو چشم آدم آدم را میبرد ؛ های‌های‌های خورود شدیم • استخوانهایم نرم شد نزدیك بود خفه‌شویم بحمدالله راحت شدیم عجب کوه استبدادی روی ما افتاده بود غریب فشاری داد چهارده ماه زیر آسیا سنك • چه بلائی بود ؛ چه جنائی ، چه ظلمی ، چه دیو سفید ی نه سیا • ازتوی دنیا نباشد ، مثل خفتك روی ما افتاده بود خواب بودیم اینهمه‌بلا وستم‌برسرما آمد نفس نکشیدیم میترسیدیم مارا بخورد گمان میکردیم هیچکس دردنیا نیست که صدای ناله ما را بشنود تصور میکردیم اگر استغاثه نمائیم پیش از آنکه فر یا د رس برسد ما را نابود کند • احدی نفس نداشت حرف بزند . خیرخیر • راه کار را بلد نبودیم • خدا پدر سرکار ویس قنسول را بیامرزد این کار ها ازهمت او بو د وگر نه پیش تر هم خیلی فریاد کردیم بطهران هم رفتیم بوزراء هم عر ض کـرد یم اثر نکرد • خیر آقا • این راه‌را که آعلی آقا شیرازی ده ما ه پیشتـر نشان داد حواشي حکومت شیعیان آل ابوسفیان آنها که خوششان می‌آید بی تقصیر چوب بخورد هر کس پول دارد جیب ظالم برود ••• هر کس فریاد کرد دهنش راگرفته ورضانامه مهر کردند تشکر نامه نوشتند •»

در این شماره علاوه برسرمقاله مذکور دومقاله دیگر چاپ شده که یکی راجع بسردار جنك و مظالم اوست • درصفحه چهارم اشعاری بعنوان (ادبیات) چاپ شده که ذیلا آنها را نقل مینمائیم :

عریضه داد بکابینه وزارت عشق
دل از تطاول زلف کج تو باعشاق

رئیس مجلس خوبان اجازه‌دادبچشم
که تا کند ز اسیران زلف استنطاق

مقصر پلتیکی است عشق باز عجو ل
حصول‌وصل بصبراست گرچه‌باشدشاق

چوپاکنیك بود چشم‌مست توخونریز
بگرد اوزده صف‌مژگان چنان قزاق

صفوف غمزه رژیمان ترك مردم چشم
در آن میانه اتا ماژر ند یا مشا ق

زچین‌زلف تو مبعوث گشت با د صبا
که قنترات دهد نافه را باهل عراق

بمنبر حکم نظامی مبر زمجمـع ما
بود مخالف قا نو ن شکستن میثا ق

دو کون طالب آزادیند و ما بخلاف
به بندگی تو هستیم ا ز ز ل مشتا ق

سلم استی بی سمی د یپلو ما تـی
نفوذ دولت حسنت در انفس و آفاق

مجو خراب دلم را که از ستمکاران
عروس ملك ستاند بحکم طبع طلاق

بهل که‌دولت‌مشروطه‌چون شود‌تشکیل
حقوق ملیت از مستبد ڪنند احقا ق

بحسن‌خلق عام شو که درقلمرو دهر
هرآنچه‌هست بضدجفت‌وحسن‌مطلق‌طاق

عقاید پلتیکی چرا خلا ف هم ا ست
اگر که ازسولازاسیون خطاست نفاق

اگر زعلم و غنا ساده چو درویشان
چواهل مدرسه زنهار دل مبرز و فاق

نخوانده نقشه جغرافیای وادی عشق
چه فایدت برد از ایلنا ر یا ا طر ا ق

شکسته است پراخوی شوکت‌ایران
زمرج اطلس جهل وزتند با د نفا ق

مها بتاب بشارق که در سپهر وجود
جز از نجوم کمالت نکرده استشراق

اشعار مذکور گرچه تا اندازه ثقیل و ممنوعیت ولی بدانجهت که مشتمل بر پاره کلمات مصطلح آغاز مشروطیت میباشد، آنها را نقل کردیم .

شعار روزنامه عبارت از کشتی بادیست که دروسط آن دایره و در در و ث دایره اسم روزنامه (سفینه نجات یزد) و در زیر آن سال تاسیس (۱۳۲۵) و سال انتشار طبع گردیده . در بالای شعار روزنامه این عبارت عربی : حق علی العاقل ان یدیم الاستر شاد وتیرك الاستبداد . من شاورالرجال شارك فی عقولهم ومن استبد هلك و درزیر کشتی جمله من رکبها نجی ومن ترکها غرق چاپ شده است . درسال سوم اندك تغییری در شعار روزنامه پیدا شده و عبارت حق علی العاقل تاآخر حذف گردیده وکشتی در دهان نهنگی که اطراف گردن آن نوشته است (غرق کنندد استقلال ایران منافق مستبد) قرار گرفته است . در سال اول ودوم در زیر سر لوحه روزنامه این عبارات چاپ شده :« اداره سفینه نجات مطالب سودمند ازهرجا و هر کس باشد بی مضایقه مینگارد وبکلی ازقید القاب آزاد است . قیمت اشتراك عجالتا اتحاد و اتفاق اعلانات راجع بترویج صنایع وطنی وعرایض متظلمین باسناء ملت و ولیاءدولت مجانا درج میشود .» در حقیقت درسال اول ودوم قیمت اشتراك در روزنامه نوشته نشده ولی در سال سوم وجه اشتراك بعنوان (اعانه سالیانه) بدین قسم معین گردیده است یزد ده ریال . داخله ۱۳ قران . خارجه ۱٤ قران . اعلانات سطری یکقران اعلانات راجع بترویج صنایع مجانی است . محل اداره سفینه : یزد . قرب مصلی صفدر خان در بند خلف امیر چقماق .

مندرجات روزنامه سفینه نجات مانند سایر جراید محلی آغاز مشروطیت عبارت ازیك سرمقاله و مقالات متظلمین واخبار راجع بمجلس شوری و اخبار محلی است عنوان و آغاز بعضی از سرمقاله های روزنامه بدینقرار است : شماره ۱۲ سال دوم (رنج راحت دان چه مطلب شد بزرك . گرد گله طوطیای چشم گرك . کثرت اختلاف حدوث امور نا صواب در نقطه ایران خاصه یزد وبران ...) سرمقاله شماره ۱۳ بقیه سرمقاله شماره ۱۲ است . سرمقاله شماره ۲۲ سال سوم مورخ هشتم شهر جمادی الاخر ۱۳۲۹ قمری (یکی از دانشمندان ـ ظهور اسم یاحکیم ونزول صفت عدالت و تجلی مثبت وهیمنه عزت ونمایش سلطنت وقدرت الهیه درمزایا وجمالی بشریت محض دفع .) سرمقاله شماره ۲۳ دنباله شماره ۲۲ است . سرمقاله شماره ۲٤ بعنوان آزادی مطبوعات قابل توجه اولیای امور) است . سرمقاله وآغاز شماره ۲٦ سال سوم از این قرار است . « تاسف ـ ورود شاه مخلوع را بکمش تبه تا بحال همه کس شنیده . تنها نکی مانند انرازی کنزان سازند محفلها .» سرمقاله شماره ۲۸ سال سوم که مورخ بتاریخ ۱٤ شهر رمضان المبارك ۱۳۲۹ و آخرین شماره نمونه سفینه نجات است تحت عنوان (آزادی مطبوعات) نوشته شده و بدین قسم شروع میگردد : « حرف اول ما صدر و اول انسان مقدمه آزادیست . انسان آزاد علت العلل تمدن و مایه ایجاد آبادی است . هرانسانی که آزادی حقیقی و حریت خداداد خود را شك نماید انسانیت خودرا تردید کرده ...»

پاورقی سفینه نجات یك قسمت وقایع حکومت سردار جنگ دریزد و قسمت دیگر (جغرافیای یزد) است ظاهرا این جغرافیا بقلم مدیر روزنامه تدوین شده • برای اطلاع از سبك مطالب یك قسمت آنرا نقل مینمائیم : « یزد ولایتی است از بلاد شمالی شرق عرضش ازخط استوا ۳۲ درجه و ده دقیقه طولش از دایره گرینیج ٥٦ درجه پس دیده میشود قطب شمالی معدل‌النهار در این بلد بارتفاع ۳۲درجه و منخفض است ••• بانی اول این شهر یزدگرد اثیم ساسانی و تکمیل و آبادیش از بهرام است • مبارزالدین محمد مظفر حصار این شهر را کشیده برعماراتش افزوده تا بحال بنای مبارزی باقی و تا اواسط قرن سیزدهم خللی بر آن راه نداشته از انگاه تا بحال که آبادی خارج شهر روبفزونی نهاده حصار قدیم ازمرمت کلی‌محروم و روی بانهدام گذارده ••• » نقل از شماره ۲۳ سال سوم بتاریخ ۲۰ شهر جمادی الاخره ۱۳۲۹ قمری • آخرین شماره منتشره سفینه نجات شماره ۲۸ سال سوم مورخ ١٤ رمضان المبارك ۱۳۲۹ قمریست در پایان این شماره تعطیل‌روزنامه‌رابااین‌عبارات بخوانندگان و مشترکین اطلاع داده است : از آنجا که راست گفتن را نسبت به بعضی از محترمین جسارت و دروغ را منافی مقام ومسلك خود میدانیم از این نمره عجالتا دوستان را وداع و طبع سفینه را بزمانی یسر انشاءالله حواله میدهیم • »

(٦٥٨) سکندر

روزنامه سکندر در شهر کلکته از بلاد هندوستان بزبان فارسی تاسیس و در سال ۱۲٦۲قمری مطابق ۱۸٤٦ میلادی منتشر شده است • این روزنامه همه هفته روز های یکشنبه منتشر میگردیده است • (تاریخ مطبوعات وشعر فارسی ص ۱۰٤)برون مینویسد من نمونه این روزنامه را ندیده و دردست ندارم •

(٦٥٩) سلام

روزنامه سلام درسال ۱۳۰۸ شمسی در تهران هفته سه بار تاسیس ومنتشرشده است •

(٦٦٠) سلامت

روزنامه سلامت بمدیری آقای (رئیس‌الذاکرین) در مشهد مقدس تاسیس و در سال ۱۲۹۷ شمسی منتشر شده است • این روزنامه در هفته دو مرتبه در مطبعه‌طوس طبع و در هر نوبت یکهزار نسخه از آن منتشر میشده است • شماره های اول ودوم روزنامه سلامت در برج سنبله ۱۲۹۹ شمسی و شماره ٤ در برج عقرب و شماره های ٥ و ٦ و ۷ آن در برج قوس و شماره های ۸ و ۹ و ۱۰ در برج جدی سال مذکور باداره مجله فلاحت و تجارت واصل گردیده است •

روزنامه سلامت مدتی تعطیل شده و مجددا در سال ۱۳۰٤ شمسی بمدیری آقای (س ـ ن) و نگارندگی آقای سید حسن پرهیزکار از افق خراسان طلوع کرده و سه شماره ازسال ششم تاسیس آن در آبانماه سال ۱۳۰٤ شمسی انتشار یافته است •

(٦٦١) سلام علیکم

روزنامه سلام علیکم در طهران در سال ١٣٢٥ قمری تاسیس و منتشر شده است • (ص ١٠٤ کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون)

(٦٦٢) سلسبیل

روزنامه سلسبیل با چاپ ژلاتین در طهران تاسیس و در سال ١٣٢٨ قمری منتشر شده است (ص ١٠٤ کتاب مطبوعات و شعر فارسی)

(٦٦٣) سلطان الاخبار

روزنامه سلطان الاخبار در شهر کلکته تاسیس و در سال ١٢٦٢ قمری مطابق ١٨٤٦ میلادی منتشر شده است • سلطان‌الاخبار یاسلطان الاکبر همه هفته روزهای یکشنبه طبع و توزیع میگردیده است • (ص ١٠٤ کتاب مطبوعات وشعر فارسی) نگارنده بیش آنچه از برون نقل شد از این روزنامه اطلاعی ندارم •

(٦٦٤) سودمند

مجله سودمند در شهر قاهره مصر بمدیر مسئولی وصاحب امتیازی آقای (عبدالله رازی) تاسیس و در سال ١٣٠٥ شمسی منتشر شده است • شماره اول این مجله در ٥٦ صفحه بقطع خشتی و چاپ سربی روی کاغذ بسیار خوب وطبع اعلی وجلد زیبا و رنگی، طبع و در تیر ماه ١٣٠٥ شمسی منتشر گردیده • درصفحه اول این شماره تصویر رنگی زرتشت ودرصفحه بعد اشعاری تحت عنوان (بنام اهورا مزدا و یاری وخشوران پاك) که باین شعر شروع میگردد : « برتدوش زردشتم آمدبخواب. ز نور رخش مقتبس آفتاب » طبع شده • این اشعار تمام صفحه مجله را فراگرفته و صفحه سوم آن مشتمل برمقاله ایست بعنوان (قابل توجه اعلیحضرت پهلوی) • بقیه مندرجات شماره اول مقالاتیست بعناوین : وطن ؛ محافظه آثار ملی بقلم طاهر زاده • اراده قوی و کامیابی بقلم مهربان شهباز • طلاق • نمایش و آواز ؛ طبیعت بقلم میرزا عبدالحسین اصفهانی ؛ تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی •

قیمت اشتراك سالیانه مجله درخارجه یك لیره انگلیسی • در ایران ٤٠ قران برای معلمین ومعلمات و شاگردان مدارس نصف قیمت • محل اداره و عنوان مجله : القاهره • مصر . صندوق‌البوسته نمره (٣٤)

مجله سودمند بجای مجله دیگری است که در مصر بمدیری آقای عبدالله رازی بنام (رستاخیز) منتشر میشده و بواسطه عللی نام رستاخیز به سودمند تبدیل‌شده‌است. برای اطلاع ازمجله رستاخیز رجوع شود بجلد دوم کتاب حرف ر • در شماره اول مجله سودمند اخطاری درج شده که تا اندازه خوانندگان را بمندرجات و خصوصیات‌مجله آگاه میسازد و ما برای مزید اطلاع عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« اخطار ـ چنانچه در رساله جداگانه اطلاع دادیم بجای مجله رستاخیز از این ببعد بجهاتی چند نامه سودمندرا منتشر خواهیم ساخت . اینك اولین شماره آن را پس ازمدتها تاخیر تقدیم خوانندگان محترم مینمائیم . کارکنان این نامه چنین در نظر گرفته و اسباب را بقسمی فراهم نموده اند که دیگر در توزیع این مجله هیچگونه تاخیری رخ نخواهد نمود و دراول هر ماه یکشماره مرتبا ازطبع خارج وبرای مشترکین ارسال میگردد . از آنجا که در این نامه بهیچوجه من الوجوه مطالب سیاسی و مذهبی درج نخواهد گردید امید میرود که درایران درمیان جوانان جدی و با ذوق بخوبی رواج گیرد و بمانعی برنخورد .

این نامه در ٥٦ صفحه منتشر و دارای مطالب سودمند علمی ؛ ادبی ،اجتماعی اقتصادی تاریخی و غیره است . فقط چهارصفحه آخر آن وقف بعضی اخبارراجع بمصر و اوضاع ایرانیان محترم این حدود است . چون عمده منظور ما بیدارکردن روح ملی و کاشتن تخم افکار جدید در سرهای نونهالان وطن‌است امیدواریم معلمین و معلمات این نامه را در میان شاگردان لایق خود منتشر نمایند تا بتدریج بمباحث اجتماعی و ادبی آنانرا آشنا کنند . از شماره دوم در نگاشتن مقالات مفید بیشتر سعی خواهد شد و در نظر است که هرگاه تا شش ماه این نامه رواجی یافت برعده صفحات آن اضافه نمائیم . »

همانقسم که در ذیل مجله رستاخیز یاد آور شدیم پس از انتشار ١٨ شماره باسم مجله رستاخیز ، نام مجله (بسودمند) تغییر داده شد و ١٨ شماره هم باین اسم مجله منتشر گردید و بعد شش شماره هم باسم عصر پهلوی (رجوع شود بحرف عین کتاب ، همین مجلد) منتشر شده و در آذر ١٣٠٩ شمسی اداره مجله بطهران منتقل گردید و مجله سودمند از تاریخ مذکور تا شش شماره درطهران نشر گردیدوسپس تعطیل گردید . بنابراین رویهمرفته ازمجله سودمند ٢٤ شماره که ١٨ شماره آن در قاهره و شش شماره درطهران نشر شده است . در سالنامه ١٣١٠ پارس راجع بمجله سودمند مینویسد : « از اول آذر ماه ١٣٠٩ شمسی مجله سودمند حقیقتا بامطالبی مفید و سودمند بمدیریت فاضل محترم آقای رازی وکیل رسمی عدلیه منتشر گردید . مندرجات این مجله کاملا باعنوان آن تطبیق میکند و شایسته تقدیر است . » آقای عبدالله رازی از بدو ورود بایران وارد شغل وکالت عدلیه گردیده و اکنون نیزوکیل پایه یك دادگستری میباشند .

(٦٦٥) سها

در تاریخ دلو ١٣٠٢ شمسی امتیاز روزنامه سها در اصفهان بمدیری (آقا سید مهدی نقیب زاده اصفهانی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(٦٦٦) سهند

در تاریخ ٢٩ فروردین ١٣٠٥ شمسی امتیاز روزنامه سهند باسم (میرزا محمود

غنی زاده سلماسی) از تصویب شورایعالی معاوف گذشته که روزنامه مذکور در تبریز منتشر گردد • در همین سال سهند بموسی غنی زاده و بمدیری (احمد زاده دهقان) در مطبعه (خلیفه گری) طبع و بطور یومیه منتشر شد • پس از فوت مرحوم غنی زاده که در اسفند ماه ۱۳۱۳ شمسی اتفاق افتاده روزنامه سهند بموسسی آن مرحوم و بمدیری ا • دهقان و ناشر و نگارنده (ف . غنی زاده) انتشار یافته و شماره ۵۱ سال دوازدهم آن که دارای شماره مسلسل ۱۷۷۱ است در تبریز در تاریخ چهار شنبه چهارم اسفند ۱۳۱۶ شمسی مطابق ۱۳ فوریه ۱۹۳۸ میلادی در ده صفحه بقطع بزرك که هشت صفحه آن مخصوص اعلانات ثبت میباشد ، با چاپ سربی (چاپخانه خلیفه گری) طبع و توزیع گردیده است • بهای اشتراك سالیانه سهند در تبریز ۵۰ ریال و در ولایات ٦٠ ریال و بهای آگهیها صفحه یکم و چهارم یکسطر ستون دو ریال و صفحه دوم ۱۵۰ دینار و صفحه سوم یکریال معین شده است مندرجات سهند پس از درج مقاله اساسی و مقالات مختلف عبارت از اخبار محلی آذربایجان و خلاصه ای از اخبار خارجه و اعلانات ثبتی و ادارات دولتی است سهند چون بیشتر دوران انتشار آن در ایامی بوده که جراید محدود بوده لذا مندرجات آن بیشتر اخبار خارجی و مقالات متنوع میباشد و کمتر مقالات سیاسی در آن دیده میشود این روزنامه تا سال ۱۳۱۷ شمسی هر هفته سه بار و هرنوبت ۸۰۰ نسخه از آن منتشر میشده و قیمت هر شماره آن ۲۰ دینار و عده اعضای آن سه نفر است •

میرزا محمود غنی زاده ـ محمود غنی زاده از اهالی سلماس آذربایجان مدیر دانشمند جریده سهند تبریز است ، نامبرده در تاسیس مشروطیت ایران در آذربایجان سوابق ممتدی دارد و چنانکه از کتاب تاریخ مشروطیت ایران تالیف مرحوم کسروی برمی آید غنی زاده در ردیف موسسین مشروطیت ایران و ناشر در ردیف عدالت ، صفر اف و تقی زاده بشمار میرود • غنی زاده علاوه بر روز نامه سهند تبریز مدتی نویسندگی روزنامه فریاد را که در رضائیه بمدیری میرزا حبیب الله آقازاده منتشر میشده ؛ عهده دار بوده است • از این روزنامه در حرف (ف) کتاب گفتگو خواهیم کرد • غنی زادهٔ ذوق شعری نیز داشته و در کتاب شرح حال کلنل محمد تقی خان منطبعه برلین (ص ۱۸) پنج بیت زیر را از یك قصیده که مرحوم غنی زاده موقع اقامت در برلین سروده نقل مینمائیم:

نیست در کون صدائی مطلق	بجز از ناله مرغ یاحق
برو ایمرغ حزین داد مکن	اینهمه بیهده فریاد مکن
کاندر این ساحت گیتی حق نیست	آنچه تومیطلبی مطلق نیست
حق کجا گوش فرا دار و ببین	روی گیتی همه آه است و انین
حق کجا رو در افسانه مزن	آتشم بر دل دیوانه مزن

غنی زاده در اسفند ماه ۱۳۱۳ شمسی بدرود زندگانی گفته است •

(٦٦٧) سهیل

روزنامه سهیل بمدیری (احتشام الممالك سهیلی) و دبیری باقر دیران در شهر

ملایر تاسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده روزنامه سهیل در شهر همدان طبع ودر ملایر منتشر میشده است. طلوع سهیل درحمل‌سال۱۲۹۹بوده وپس از نشر دو شماره بواسطه نبودن وسائل طبع در ملایر وحرکت مهاجرین ایرانی بطرف اسلامبول که باقر دبیران ،دبیر نامه سهیل نیز جزو آنان باسلامبول مهاجرت نموده ؛ برای همیشه تعطیل شده است. روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان در شماره ۱۰ مورخ دو شنبه ۱۵ رجب ۱۳۳۸ قمری مطابق۱۶ حمل ۱۲۹۹ شمسی‌تحت عنوان (طلوع سهیل از افق‌مطبوعات ملایر) مینویسد:« جریده شریفه سهیل که بتازگی از افق مطبوعات ملایر طلوع وچون سهیل یمان آن سامان را نور بخش است دو نمره آن باداره اختر مسعود واصل و از بیانات شیرینش بینهایت مسرت حاصل‌گردید.»

هنگامیکه نگارنده در شهر ملایر بودم آقای عطاءالله دبیران پور شرح زیر را در باره مرحوم باقر دبیران تهیه وتنظیم وباین جانب تسلیم نمودند:

« باقر دبیران فرزند دبیر الممالك معروف بدبیر زاده ملایری در سال ۱۲۶۶ خورشیدی بدنیا آمد و تحصیلات خود را تا آنجا که مقتضیات‌انعصر موافقت میکرددادامه داد وپس از آن داخل مشاغل دولتی شد، از سن ۲۲ سالگی علاقه مفرطی براهنمائی و تشویق مردم‌برای حفظ ملیت‌وتحریك‌حس‌میهن‌پرستی داشت وبهمین جهت غالب اوقات در انجمنها ومعابر ومساجد نطقهای مهیجی ایراد مینمود وروی همان منظور روزنامه سهیل را با روشی شیوا بهمراهی جمعی از فرهنك دوستان در سال ۱۲۹۹ خورشیدی تاسیس نمود متاسفانه چون هزینه ووسائل چاپ وانتشار درآن زمان مشکل بود و از طرفی هم حرکت مهاجرین ایرانی بطرف اسلامبول پیش آمد بیش از دو شماره موفق بانتشار آن نگردید. دبیر نامه سهیل هم در شمار مهاجرین ایرانی باسلامبول مهاجرت نمود و پس مراجعت هم موفق بانتشار این نامه ادبی واخلاقی وملی نگردید. زمانی بکارمندی وزارت دادگستری اشتغال داشت و چند گاهی هم بمسافرت در صفحات غرب از طرف وزارت دارائی پرداخت عاقبت در روز ۱۹ آبانماه ۱۳۱۸ شمسی زندگانی را بدرود گفت.»

(۶۶۸) سهیل

در تاریخ۲۸ حمل ۱۳۰۲ شمسی امتیاز روزنامه سهیل‌در طهران بصاحب‌امتیازی (سید عبدالعلی جعفری) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است ولی این روزنامه تا تاریخ ۲۲ قوس سال مذکور هنوز منتشر نشده بوده و وزارت معارف در شمار ۷۲ سال پنجم روزنامه یومیه میهن مورخ شنبه ۱۲ قوس اعلان نموده که چون صاحب‌امتیاز روزنامه سهیل تاکنون بانتشار روزنامه خود اقدام نکرده باید برای انتشار آن تجدید

(۶۶۹) سیاست

امتیاز بنماید. باوجود این سهیل در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده منتهی نگارنده تاکنون نمونه آنرا بدست نیاورده‌ام.

روزنامه سیاست در طهران بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (عباس اسکندری) وسردبیری(میرزا باقرخان)تبریزی تاسیس ودرسال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده‌است. شماره‌اول روزنامه سیاست در چهار صفحه بقطع متوسط طبع ودرتاریخ چهارشنبه ٤ محرم ۱۳٤۰ قمری مطابق ۱۶ سنبله ۱۳۰۰ شمسی انتشاریافته. سرمقاله این شماره ویا مقاله‌افتتاحی روزنامه تحت عنوان(مرام ومسلک ما در عالم مطبوعات) بدینقسم شروع میگردد. « ما از امروز عهده‌دار یك مسئولیت سنگینی شدیم که فقط‌بعد از عون وعنایات سبحانی‌توده صالحه ملت ورنجبران واقعی....»

روزنامه سیاست پس از نشر شماره دوم دوچار توقیف گردیده و شماره سوم پس از سه ماه وکسری توقیف در تاریخ پنجشنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۳٤۰ مطابق ۲۳ قوس ۱۳۰۰ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرك طبع و توزیع گردیده است سر مقاله این شماره‌راجع بتوقیف سه‌ماه‌واندی‌روزنامه است که مجددا منتشر شده .روزنامه‌سیاست بتمام‌معنی یك روزنامه انتقادی وجزو دسته اقلیت است از این جهت غالبا از طرف‌دولت توقیف شده ودر سال دوم‌بعلت توقیفهای پی در پی مدیر آن از دریافت وجوه اشتراك روزنامه صرف نظر نموده است. آگهی زیر را دفتر روزنامه سیاست در شماره ۱۵٤۵ روزنامه ایران مورخ۲۵ دلو ۱۳۰۲ نموده‌است.

«روزنامه سیاست نظر باشکالاتی انتشار خود را عقب انداخته وامیدوار است در اول جلسات رسمی‌مجلس وظیفه‌ای که عهده‌دار است تعقیب نماید . تاخیر روزنا مه علت خارجی نداشته وبرای تهیه‌بعضی لوازم مقدماتی اداری است. از آقایانیکه جدیدا مایل باشتراکند تمنی میشود وجه اشتراك خود را در طهران تا پانزده روز ودر ولایات تادو ماه دیگر ارسال دارند. نظر باینکه روزنامه ما در سال دوم دچار توقیف پی درپی بوده است اداره سیاست وجوه اشتراك سال دوم رامطالبه‌نخواهد نمودوآقایانیکه قبلاپرداخته‌اندازوجه اشتراك سال سوم کسر خواهد شد.»

طرز انتشار سیاست در ابتدا هفته دوباربوده ولی بعدآیومیه شده وشماره ۶۵ سال دوم آن در تاریخ سه شنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳٤۱ مطابق ۱۷ دلـو ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیده است. شماره اول سال سوم بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی عباس اسکندری در چهار صفحه بقطع بزرك، با چاپ سربی، طبع و در تاریخ ۲۱ حوت شمسی‌و۱۱ مارس ۱۹۲۳ میلادی مطابق سه شنبه٥ شعبان ۱۳٤۲ قمری انتشار

یافته• پاورقی روزنامه کتاب (زن سیاه‌پوش) ترجمه میرزافتح‌الله قزل‌اباغ است•محل اداره روزنامه: طهران. خیابان شاه آباد. مندرجات سیاست علاوه بر مقالات انتقادی تمام اخبار داخله وخارجه بتفصیل است• از سال سوم سیاست فعلا تا شماره ۶۲ مورخ پنجشنبه ۲۹ ذیقعده ۱۳۴۲ قمری در دست است•

روزنامه باباشمل در شماره ۱۳۱ تحت عنوان (حساب بابا شمل ـ معادلات کرسی نشینان) خلاصه از زندگی سیاسی و اجتماعی عباس اسکندری وکیل‌دوره‌پانزدهم‌را نوشته که برای اطلاع خوانندگان آنرا بعینه نقل مینمائیم.

«یك صورت پت وپهن + گردن + ۶۱ سال عمر ـ تحصیلات ابتدائی منظم ومتوسط غیر منظم در تهران ـ عجب وتکبر × یك خروار ـ خریدار ـ خست ـ حرص در جمع‌آوری مال × خیلی‌زیاد ـ احساسات ـ عاطفه ـ یك‌مشت اشك تمساحی ـ استین سفارش بمرحوم مشیرالدوله از طرف سلیمان میرزا ـ امتیاز یك روزنامه ـ یك‌اطاق در شاه‌آباد ـ خواننده + علاقه ظاهری بمرحوم مدرس × غرض مخصوص + تحصن در مجلس + غرض مخصوص ـ فرار از حیاط عقبی در موقع هجوم نظامیها ـ نفرت سلیمان میرزا ـ. نفرت رضاشاه ـ جلب مرحمت یکی‌از بیگانگان ـ بیکاری ممتد ـ حبس کوتاه شرکت در تشکیل توده کمپانی ـ اخراج‌از ـ حزبوسیله‌سلیمان‌میرزا ـ عدم اعمادعمومی ورود بکارهای دولتی ـ ثروت فراوان ـ دوسال عضویت شرکت نیمه ـ سفر امریکا ـ تقرب بدوام ـ سفر اطراف نیل ـ اخراج از آنجا ـ تالیف یك کتاب ـ خواننده جز خودش ـ سر دو آوردن از صندوق ـ کمك دوام وبهارالملك ـ تصویب معتبرنامه ـ کمك سیدمنجم کارچاق کن ـ راست گفتن متی بدوام وبهارالملك ـ ماموریت حمله بسه تن از رجال + دوره۱۵ = بشازده شانزده» قسمتی‌از آنچه باباشمل راجع‌بعباس‌اسکندری نگاشته عقاید ونظریات خود اوست که از لحاظ اختلاف مسلك سیاسی ذکر کرده است واما آنچه در باره تاریخچه زندگانی او نوشته ، بعضی از اصطلاحات آن‌محتاج‌بتوضیح میباشد• (یك مشت اشك تمساحی) در دوره ۱۵ اسکندری چندمرتبه در ضمن ایرادسخن رانی بگریه افتاد ومنظور از اشك تمساح همین‌گریه هائیست که بعقیده جمعی از روی ریا وتزویر بوده• (سلیمان‌میرزا) لیدر حزب توده بعد از وقایع شهریوراست •(امتیاز یك روزنامه) همین روزنامه سیاست است که اداره آن درشاه‌آباد بوده •(علاقه‌ظاهری بمرحوم مدرس) در دوره پنجم مجلس شورایملی دسته اقلیت مرکب از چهارده نفرکه سردسته آنها روحانی بزرك، سیدحسن مدرس بوده دسته اقلیت مخالف با رویه سردار سپه بوده وعاقبت‌هم سردسته آنها مدرس بگناباد خراسان تبعیدو درآنجا بهلاکت‌رسید در خارج مجلس عده از مدیران جرایدمنتسب بدسته اقلیت وعبارت بودند از . رسامدیر روزنامه قانون• عباس اسکندری مدیر روزنامه‌سیاست• رحیم زاده صفوی مدیرآسیای وسطی• فخرالدین شهاب مدیر روزنامه شهاب• از این توضیح علاقه اسکندری‌بمرحوم مدرس معلوم میگردد•(تقریب بدوام) منظور نزدیك شدن بقوام السلطنه معروف است که بکمك او اسکندی از همدان انتخاب گردید• (سفر اطراف نیل ـ اخراج‌ازآنجا) اسکندری بمصر سفر نموده ومعروف است که از آنجا بجرم جاسوسی اخراج گردید.

(شازده شانزده) اسکندری از شاهزادگان قاجاریه و معروف بجاسوس‌نمره۱۶ است.
هنگام طرح برنامه قوام السلطنه در مجلس پانزده اسکندری از دولت او دفاع میکرد. ضمن مذاکرات مجلس شرح احوال اسکندری بتفصیل ذکر شده . برای طلاع بیشتری از آن بشماره‌های روزنامه اطلاعات مربوط بمهر ماه ۱۳۲۶ شمسی مراجعه شود .
یکی از همکاران صمیمی عباس اسکندری مرحوم میرزاده عشقی شاعر حساس وجوان بوده که در راه عقیده بقتل رسید. عشقی واسکندری هر دو از مخالفین جدی جمهوریت ایران وسردار سپه بودند واز اینرو عشقی مقالات تند وآتشینی در روزنامه سیاست نوشته است و میتوان یکی از نویسندگان سیاست را عشقی دانست عشقی دو مقاله مهم بعنوان (جمهو ری قلابی) در روزنامه سیاست نوشته . مقاله اول آن در شماره۲۵ سال سوم سیاست مورخ ۳۰رمضان ۱۳۴۲ قمریست وبدینقسم شروع‌میگردد: «چیزیکه خیلی مضحك بنظر میرسد اینستکه گوسفند چرانهای سقز جمهوری طلب شده‌اند واین گوینده با یك من فکل وکراوات ضد جمهوری هستم. » مقاله دوم در شماره ۲۹ سال سوم است واین مقاله بدین قسم شروع میشود: «اول کله مردم را عوض کنید بعد کلاه آنها را.»

(۶۷۰) سیاست اسلامی

روزنامه سیاست اسلامی در طهران بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (اعتماد الاسلام سیستانی) تاسیس ودر سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه روی یك ورق بزرك، با چاپ سربی، در مطبعه فاروس‌طبع‌ودر تاریخ سه شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۰ حمل ۱۳۰۲ شمسی و ۱۰ آوریل ۱۹۲۳ میلادی توزیع گردیده است. سرمقاله این شماره بدینقسم شروع میگردد:
«بسم‌الله‌تعالی. سیاست اسلامیت وحس حراست قومیت و اصول مدنیت اسلام وایران در مقابل تظاهر وتزاحم مغر بین اساس سیاست اسلامی وتاتلین اخلاق آداب وشعائر ملی ..... مسلك ما . مسلك حفظ سیاست وشعائروآداب وتمدن‌اسلامی درمقابل یك مشت فرنگی‌مآب شیاد که بجای کسب علم وهنر بظواهری آراسته‌وبواطنی سیاه‌مستهظرشده‌وبرای‌خراب کردن‌اساس‌دین وآئین وآداب قومی .....»پس ازسرمقاله مذکور، مقاله بقلم اعتمادالاسلام، مدیر روزنامه، راجع بانتخابات دوره پنجم وبعداخبار داخله وخارجه بنقل از بی‌سیمهای خارجی درج گردیده است.
طرز انتشارسیاست‌اسلامی‌هفتگی‌بوده‌وهفتگی‌بودن‌آن‌درزیر اسم‌روزنامه‌قیدشده‌ولذا شماره دوم آن در تاریخ ششم ثور ۱۳۰۲ منتشر شده است. محل اداره . لاله‌زار کوچه وثوق‌نظام. قیمت روزنامه:یکساله داخله ۵۰ قران، خارجه ۷۰ قران . شش‌ماهه بترتیب ۳۰ و۴۰ قران .تك نمره چهارشاهی. برای اطلاع از مندرجات سیاست اسلامی‌قسمتی از سرمقاله شماره بیست ودوم آنسرا که تحت عنوان (جلوگیری از نطق) نوشته نقل مینمائیم :

« در جلسه گذشته آقای ملك الشعرا ، نماینده اقلیت خواستند در موضوع ایجاد ترور درطهران وعقاید عمومی صحبت کنند. یکی از وکلای اکثریت گفت بایددرمجلس خصوصی این مذاکرات بعمل آید. سیدیعقوب انوار گفت اگر شما بخواهید حرف بزنید ماهم حرف میزنیم • ناطق اقلیت گفت. فقط میخواهم راجع بوضعیات تذکری بدهم چرا وحشت میکنید همهمه بین اکثریت افتاد واز نطق اقلیت بغایت هراسناك شدند معلوم شد اکثریت میل ندارد وضعیات شهرطهران در مجلس عنوان شود و از شنیدن ذکر آنهم وحشت دارد. وکلای اقلیت هر یك دلایلی برلزوم مذاکرات مزبور اقامه کردند. وکلای بیطرف وصاحای مجلس معتقد بودند ناطق اقلیت صحبت کنند. اما مجلس واکثریت رای نداد - در این بین وکلای اقلیت از مجلس خارج شدند • آقای ملك الشعراء در موقع رفتن از مجلس در جلوی صندلیهای اکثریت ایستاده اظهار داشتند جراید اقلیت راتوقیف میکنید. گلوله بما تحویل میدهید. اجازه نطق بما نمیدهید • پس خوب است برویم بولایتهای خودمان. واز مجلس خارج شد نده هیجانی در تماشا چنان حادث شد ولی گارد مجلس اجازه نداد تماشاچیان جلو بهارستان بیایند زیرا ترسیدند که مبادابوکلای اکثریت توهین وتعرض بشود • دو نفر هم باتهام داشتن اسلحه طرف تعرض رئیس گارد مستحفظ مجلس شدند ومعلوم شدمستخدم یکی از افراد اکثریت میباشند. »

(٦٧١) سیاست شرق

در تیر ماه ١٣٠٥ شمسی امتیاز روزنامه سیاست شرق در طهران بمدیری (میرزا محمد رضاخان وزیر نظامی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته وبطورهفتگی منتشر شده است.

(٦٧٢) سیاسی

در سال ١٣٢٨ قمری آقای شیخ‌محمدحسن سائس (مشهوربشهیدزاده) بمدیری و نویسندگی برادر خود آقای فیلسوف روا نشاد روزنامه بنام سیاسی در شهر شیراز منتشر نمود •

(٦٧٣) سیدالاخبار

روزنامه سیدالاخبار، باچاپ سنگی بمدیری وتحت نظر (آسیدآقا شیرازی) در حیدرآباد دکن تاسیس ودر سال ١٣٠٦ قمری مطابق ٩-١٨٨٨ میلادی منتشر شده سیدالاخبار همه هفته مرتبا روزهای شنبه در هشت صفحه بزرك طبع وتوزیع گردیده است. برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (١٠٥) مینویسد از روزنا مه سیدالاخبار مجموعه در موزه (برتیش) بنمره ٧٥٧ موجود است. در این مجموعه ٣٥ نمره از سیدالاخبار هست که نمره اول آن مورخ بتاریخ ٤ ربیع الثانی ١٣٠٦ قمری و نمره ٣٥ آن بتاریخ ٥ذیحجه سال مذکور میباشد. درعنوان هر شماره تصویر شیر وخورشید وان عبارت (سید اخبار عالم سیدالاخبار شد) بصورت شعارچاپ شده. یك قسمت‌عمده

از مندرجات روزنامه ترجمه اخبار خارجی از جراید مهم انگلستا ن و راجع بروابط روسیه با ایران است • در انتهای هر نمره امضای (سید آقا شیرازی) درج شده است •

در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در ذیل روزنامه آزاد منطبعه شهر دهلی هندوستا ن بمناسبت ذکری از روزنامه سید الاخبا ر بمیا ن آمده که خوانندگان میتوانند با نجا مراجعه فرمایند • برون در کتاب مطبوعا ت (ص ۱۰۶) اضافه میکند که من نمره ۳۴ سال دوم سیدالاخبار را در دست دارم واین نمره مشتمل بر دوازده صفحه و هر صفحه آن بقطع ۱۲ × ۷ وسه چهارم اینچ و باخط بسیار خو ب تعلیق و با چاپ سنگی در تاریخ ۲۱ رمضان ۱۳۰۷ قمری طبع و توزیع گرد یده است نگارنده تا کنون نمیدانم که روزنامه مذکور تا چه تاریخی انتشار یافته است •

(۶۷۴) سیروس

در تاریخ پنجم بهمن ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه سیروس در شیراز بمد یر ی (میرزا عبدالله ضرابی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است •

(۶۷۵) سینما و نمایشات

مجله سینما و نمایشات در طهران بموسسی وصاحب امتیازی (علی وکیلی) و مدیری و سردبیری (اسحق زنجانی) تاسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است شماره دوم سال اول این مجله در ۲۸ صفحه بقطع کوچك . بغیر از چند صفحه ا علا ن که ضمیمه مجله ا ست ، در چاپخانه سربی (اتحادیه طهران لاله زار) طبع ودرشهریور ماه ۱۳۰۹ توزیع گردیده است • طرز انتشار مجله سینما و نمایشات ماهانه بوده ومحل اداره آن : طهران • خیابان سپه • سینما سپه • وجه اشتراك برای مجله معین نشد • و قیمت تك شماره آن دهشاهیست • چون بیشتر تاسیس مجله بمنظو ر چا پ اعلا نا ت مربوط بسینما است ودرهر شماره تعداد زیادی اعلان راجع بسینما چا پ شده قیمت اعلانات بطور صفحه معین گردیده است • بدین ترتیب : یك صفحه دریك شمار ه ۸۰ قران • نیم صفحه در یکشماره ۵۰ قران • ربع صفحه دریکشماره ۲۰ قران • بر ا ی اعلانات مکرر تخفیف است •

مندرجات شماره دوم عبارت است از : احصائیه سینما در دنیا • صنعت مطلب نویسی فیلم • فیلم گویا • فیلمهای خوب • ورزش و سینما • ریشارد تالما ج ستا ره سینما • سینما های دائر طهران •

آقای علی وکیلی موسس وصاحب امتیاز مجله از بازرگانا ن مهم و معر و ف ایران و چند دوره ازطهران بنمایندگی مجلس شورایملی انتخاب گردیده ا ند •

حرف الشین

(۶۷۶) شالم

ر وزنامه شا لم بزبان فارسی وعبری در طهران تاسیس ومنتشر شده است.

(٦٧٧) شاويك

روزنامه مصور شاويك در طهران بزبان ارمنی تـاسيس و در سال ۱۹۱۱ میلادی مطابق ۱۱ـ۱۳۱۰ قمری باچاپ سنگی منتشر شده است • (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۴) برون اضافه میکند که نمونه از این روزنامه را ندیده ام •

(٦٧٨) شاهپور

در تاریخ قوس ۱۳۰۴ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روزنامه شاهپور را در شیراز بمدیری (سید عبدالنبی سلامی کازرونی) تصویب نمود ؛ سالنامه ۱٤ـ ۱۳۱۵ معارف فارس اضافه میکند که آقای سلامی کازرونی موفق بطبع این روزنامه نگردید •

(٦٧٩) شاهسون

روزنامه شاهسون در اسلامبول با طبع ژلاتین تاسیس و منتشر شده است • مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه شاهسون اینطورمینویسد: « روزنامه بذله سرا منطبعه اسلامبول با ژلاتین در حدود سال ۱۳۰٦ قمری ازطرف حاجی عبدالرحیم طالب اف و سید محمد شبستری فقط یك شماره منتشر شده‌است.»

طالب اف مدیر و موسس روزنامه شاهسون که بعلت انتشار کتاب احمد یا سفینه طالبی در ایران شهرت زیادی‌دارداز کسانی است‌که نوشته های او کمك بزرگی بیرقراری مشروطیت نموده . شرح‌حال‌اوبتفصیل در مجلات و جراید فارسی نوشته شده و ما در اینجا شرحی را که مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص۲٥٤ کتاب) در باره او نوشته بعینه نقل مینمائیم : « حاجی میرزا عبدالرحیم بن‌ابوطالب بن علیمراد نجار تبریزی معروف بطالبوف از معاریف و فضلای آذربایجان بوده و عمر خود را در تمرخان شوره ولایت قفقاز گذرانیده است ؛ در ۱۲۷۲ هجری درتبریز تولد یافته و در تاریخ ۱۳۲۸ در تمرخان شوره مرحوم شده است • مشارالیه قبل‌از اعلان مشروطه در ایران کتب مفیدی برای تنویر اذهان تالیف نموده و الحق در این باب زحمتی کشیده است‌از جمله تالیفات آنمرحوم که بطبع رسیده است کتاب احمد یا سفینه طالبی در دوجلد : مسالك المحسنين مسائل الحيات ، نجبه سپهری ؛ ترجمه فیزیك مختصر ؛ ترجمه هیئت فلاماریون مختصر ؛ ترجمه پند نامه مارکوس میباشند سید محمد شبستری ــ سید محمد شبستری معروف بابوالضیاء همان مدیر روزنامه(ایران نو) است • برای اطلاع از شرح حال او بجلد اول کتاب کلمه ایران نو مراجعه‌شود

(٦٨٠) شاهنشاهی

روزنامه مصور شاهنشاهی در طهران بمدیری (میرزا عبد الحسین خان ملقب به

بملك المورخين) بطور هفتگی تاسیس و با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ ۹ شوال سال مذکور انتشار یافته . هر شماره روزنامه مشتمل برچهار صفحه و هرصفحه آن بقطع ۱۲×۵ر٦ اینچ و یك صفحه ازهر شماره مخصوص چاپ تصاویر اشخاص مهم و بزرگان مملکت است قیمت اشتراك سالیانه آن ۲۰ قران وبرای مشترکین روزنامه های شرف وشرافت مجانیست. برون که شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که من نمرات ۱۸و۲۱و۲٦و۴۳و٤٤ و ٤۵و٤٦و٤۷ این روزنامه را دردست دارم شماره اولی درتاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲٤ قمری و شماره آخری در تاریخ ۱۳ محرم ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .

درشماره ۱۷٤ سال چهارم روزنامه ادب مورخ غره ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۳ قمری شرحی‌راجع بطلوع‌روزنامه شاهنشاهی‌بدینقسم نوشته‌است :«همین قدر بهموطنان‌محترم و مخصوصا دانشمندان بشارت میدهیم که از یکماه قبل از این جناب جلالتمآب معظم آقای لسان‌السلطنه ملك‌المورخین که سلاله خاندان علم و اطلاع است برحسب اجازه امناء دولت و تقویت وزارت جلیله انطباعات روزنامه در دارالخلافه باهره تاسیس فرموده موسوم به (شاهنشاهی) و آن مبارك نامه مشتمل است بر تصویر بزرگان و اشخاص اولیه مملکت و مقالات علمیه و خلاصه تاریخ عالم و نخبه تصنیفات و تالیفات و نتیجه زحمات چندین ساله جد و پدر بزرگوار وخود ایشان » شرح احوال‌مرحوم ملك‌المورخین در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه آئینه عیب نما بتفصیل ذکر شده خوانندگان بانجا مراجعه فرمایند .

(٦۸۱) شاهین

روزنامه شاهین بصاحب امتیازی و مدیری (میرزا حبیب‌الله خان آقا زاده) در شهر تبریز تاسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . شاهین با چاپ سربی در مطبعه (تبریز) طبع و بطور یومیه انتشار یافته . شماره ٤۳۲ سال هشتم آن روی یك ورق بزرك طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۱٦ شمسی و همچنین شماره ٤٤۵ سال نهم آن در تاریخ پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۷ شمسی منتشر گردیده است . درزیر عنوان روزنامه شاهین (کثیرالانتشارترین جراید آذربایجان) معرفی شده است . قیمت اشتراك آن : سالیانه داخله ٤۰ ریال . ششماهه ۲۰ ریال . خارجه ٤ دولار و دو دولار . محل اداره : تبریز . خیابان تربیت . عنوان تلگرافی : تبریز . شاهین .

روزنامه آینده ایران در شماره ۲ سال سوم خود مورخ شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۱۱ شمسی آغاز سومین سال شاهین را که بمدیری میرزا حبیب الله آقازاده و بقلم جمع کثیری از جوانان فاضل واحرار و مطلعین آذربایجان نگاشته میشود ، تبریک گفته است . و همچنین درشماره ۱٦ سال سیزدهم توفیق مورخ ۲۲ اردی بهشت ۱۳۱٤ شاهین که سال پنجم را بپایان رسانیده و در مرحله سال ششم پا نهاده موفقیت مدیرآن را مسئلت کرده است . مندرجات شاهین مانند سایر جراید محلی عبارت ازمقالات‌متنوع

و ترجمه های مختلف و اخبار محلی آذربایجان وخلاصه اخبار طهران و خارجه است. علاوه براینها اعلانات تبتی وآگهیهای دولتی وغیردولتی در آن زیاد چاپ‌شده بخصوص اعلانات تبتی که درهر شماره چند صفحه ضمیمه روزنامه است .

(۶۸۲) شب نامه

شب نامه نشریه ایست هزلی که در تبریز بمدیری (علی‌قلی صفر اف) درحدود سال ۱۳۱۰ قمری منتشر شده است. این نشریه بزبان ترکی و با ژلاتین‌طبع گردیده. برون که یك شماره از این شب نامه را دردست داشته خصوصیات آنرا بدین قسم ضبط کرده است : این شماره متعلق بنوامبر ۱۹۰۶ میلادی و بقطع ۱۴×۸ و سه چهارم اینچ و مشتمل بر سیزده سطر بزبان ترکی و درعنوان آن‌تاریخ؛نویسنده، محل انتشار قید نگردیده است (ص ۱۰۸ تاریخ مطبوعات برون)

(۶۸۳) شجره خبیثه کفر شجره طیبه ایمان

نشریه ای در طهران تحت عنوان (شجره خبیثه کفر و شجره طیبه ایمان)باچاپ سنگی در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .(تاریخ مطبوعات و شعر فارسی۱۰۸)

(۶۸۴) شرافت

روزنامه ماهانه مصور شرافت در طهران تاسیس و در سال ۱۳۱۴ قمری ، درسلطنت مظفرالدین شاه منتشر شده است . روزنامه شرافت از انتشارات وزارت مطبوعات و پس از تعطیل روزنامه شرف پا بدایره انتشار گذاشته . شماره سوم‌این روزنامه در چهار صفحه بقطع ۱۳×۵ر۷ اینچ با چاپ سنگی در ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ قمری و نمره پنجاه و یکم آن در شهر رجب ۱۳۱۸ قمری منتشر گردیده است معمولا صفحه اول روزنامه مخصوص رسم تصویر یکی از بزرگان ایران و در نمره ۵۱ تصویر (حضرت مستطاب اشرف امجد اکرم افخم آقا بیك اعظم) چاپ شده . این تصاویر بقلم مرحوم (مصورالملك) بوده و امضای او در ذیل تصاویر مشهود است . طرز انتشار شرافت ماهانه بوده وقیمت اشتراك سالیانه آن باجه تومان و دو هزار دینار و قیمت یك نسخه یکقران تعیین گردیده است . محتاج بذکر نیست که روزنامه شرافت از لحاظ تصاویر قلمی که در آن چاپ شده کمال اهمیت را دارد .

(۶۸۵) شرافت

روزنامه ماهانه شرافت در طهران بمدیری (آ سید حسین مدیر کتابفروشی شرافت) تاسیس و درسال ۱۲۲۶ قمری منتشر شده است . شماره دوم روزنامه در تاریخ چهارم صفر سال مذکور انتشار یافته . هرشماره آن در چهار صفحه بقطع ۵ر۱۳ در ۶ و سه چهارم اینچ طبع گردیده وقیمت اشتراك آن درمقابل چهل نمره روزنامه در طهران سه قران ، در سایر شهرهای ایران ۴ قران ودرممالك خارجه ۶ قران است .

مندرجات شرافت از آن جهت قابل اهمیت است که بزبان عامیانه ومقالاتی در آن تحت عنوان (مشهدی) نوشته شده که در طبقه سوم خیلی موثر بوده است. برون مینویسد (ص ۱۰۹ کتاب مطبوعات وشعر فارسی) من نمرات : ۸؛ ۲۲؛ ۲۳ ۲۴ ؛ ۲۵ ، ۲٦ آنرا در دست دارم .

(٦٨٦) شرف

روزنامه شرف با خط نستعلیق بسیار خوب و کاغذ اعلی در چهار صفحه بقطع متوسط که در انتهای صفحه ٤ نام (محمد حسین) نوشته شده چاپ و نمره اول آن درتاریخ غره محرم ۱۳۰۰ قمری منتشر شده است . درهر نمره از روزنامه تصویر یکی از بزرگان مملکت با مختصر شرح حالی از او طبع گردیده ودرصفحه اول نمره اول روزنامه تصویر ناصرالدین‌شاه و درصفحه سوم تصویر مظفرالدین شاه، ولیعهد ناصرالدین شاه چاپ شده است .

مندرجات نمره اول بغیر از اعلانیکه ذیلا متن آنرا نقل مینمائیم و نصف صفحه دوم را فرا گرفته ، بقیه مخصوص شرح حال ناصرالدین شاه و اواخر صفحه چهارم‌شرح حال مظفرالدین شاه است . و اما اعلان صفحه دوم که درحقیقت بمنزله مقاله افتتاحی روزنامه میباشد بدینقرار است .

« اعلان . روزنامه مصور که در اغلب دول فرنك معمول و سابق هم چندی در دولت علیه بحلیه طبع میرسید و بواسطه بعضی عوایق متروك شد این مدت که اداره کل مطبوعات ممالك محروسه ایران مفوض باین بنده است و چندین روز نامه رسمی و پلتیکی و علمی و تجارتی و غیر رسمی در طهران وسایر بلاد طبع و منتشر میشود همیشه در خاطر داشت که بتجدید آن رسم پردازد و اداره روزنامه مصوری مجددا دایر سازد که اقلا ماهی یك نمره طبع شود و مخصوص باشد برسم صور اعاظم این مملکت و اگر موقع مقتضی شد شبیه اعیان ممالك دیگر از اروپا و آسیا و آمریك بلکه افریقا و استرالی هم ترسیم یابد و در ذیل هرصورت شرح حال صاحب صورت مرقوم شود اگر چه روزنامه مصور سابق دولتی بود و اینکه حالا بطبع آن اقدام مینمائیم غیر دولتیست ولی‌من‌البدو الی‌الختم سمت رسمیت داود د از قید آزادی خارج و مشتمل است‌بر چهار صفحه که دارای دو تصویر میباشد و از آنجا که‌مخصوص نگارش شرح حال بزرگان عالم است آنرا موسوم بشرف مینمائیم رجای واثق آنکه مطبوع و مقبول رجال دولت علیه و دانشمندان مملکت گردد . »

اعلان یا مقاله مذکور خوانندگان گرام را بعلت تاسیس و مندرجات روز نامه آگاه میسازد و ضمنا این نکته نیز معلوم میگردد که تصاویر روز نامه متعلق بچه اشخاص و چه کسانی است . پس از این اعلان شرح حال ناصرالدین شاه و خدمات او بمملکت چاپ شده است .

نمره دوم شرف بهمان قطع نمره اول درصفر ۱۳۰۰ قمری منتشر شده ودرصفحه اول آن عکس مسعود میرزا ظل‌السلطان ودر زیر آن شرح حالش نوشته شده است .

از صفحه دوم همین شماره است که (روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشا هی د ا م ملکه وسلطانه) شارستاق چاپ گردیده • منظور ازاین سفرنامه شرح مسافرت ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۹ قمریست •

در صفحه اول نمره سوم تصویر (عمارت حرمخانه مبارکه جدیدالبنا) ودرصفحه سوم آن تصویر (جناب امین‌السلطان) چاپ شده است • در نمره چهارم‌تصویر(شکار پلنگ ناصرالدین شاه) و درصفحه سوم آن تصویر (نایب‌السلطنه وزیر جنك) است •

تا نمره ۱۷ روزنامه که در تاریخ جمادی‌الاولی ۱۳۰۱ قمری منتشر شده در زیر تصاویر روزنامه هیچ کجا اسمی از نقاش تصاویر نیست • در شماره ۱۷ در زیر تصویر (نظام‌الملك وزیر لشگر) اسم (ابوتراب) و در نمره ۱۸ زیر تصویر (اعتضادالدوله) نام (ابوتراب غفاری) چاپ شده و از این پس در زیر بیشتر تصاویر روزنامه امضای (ا وتراب) ودرزیر بعضی امضای (موسی) چاپ‌شده‌وگاهی هم امضای (ابوتراب الغفاری) که همان ا وتراب است نوشته شده چنانکه درنمره ۶۱ مورخ شعبان ۱۳۰۵ درزیر تصویر (باغ وعمارت کامرانیه) نام ابوتراب الغفاریست. درروزنامه شرف علاوه بر تصویر وزراءو درباریان واشراف تصویر بعضی ازعلما نیز چاپ شده چنانکه درشماره ۲۳ مورخ شوال المکرم ۱۳۰۲ قمری رسم(حجة‌الاسلام حاجی شیخ محمدجعفر شوشتری) طبع گردیده وهمچنین تصویر بعضی از رجال خارجی ازقبیل ولیعهد روسیه وسفیر آلمان باوابسته نظامی و کارداران سفارت دیده میشود خلاصه اینکه مندرجات روزنامه شرف عبارت از شرح حال وتصاویر بزرگان و درحقیقت تذکره مفیدی از رجال زمان ناصرالدین شاه است • آخرین نمره منتشره از روزنامه شرف نمره ۸۷ مورخ ۱۳۰۹ قمری بدون ذکر ماه انتشار است • درصفحه‌اول این شماره تصویر (معتمدالشریعه) از اسباط حاجی میرزا ابوطالب اصفهانی صاحب حاشیه سیوطی ودرصفحه سوم تصویر مرحوم آقا سید علی دربندی طبع گردیده است • تمام نمرات روزنامه بیك سبك و یك قطع وقسم چاپ شده است و درتمام آنها درانتهای صفحه چهارم امضای (محمد حسن) دیده میشود • مدیر وموسس روز نامه محمد حسن خان ملقب باعتمادالسلطنه صاحب کتاب تاریخ منتظم ناصری است • نامبرده در کتاب مذکور درحوادث سال ۱۳۰۰ قمری مینویسد : ایجاد روزنامه مصور شرف بریاست این بنده در غره محرم ۱۳۰۰. شرح‌حال اعتمادالسلطنه را در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه ایران بتفصیل نوشته ایم ودیگر احتیاجی بتکرار آن نیست •

ابوتراب غفاری — سابقا یاد آور شدیم که تصاویر روزنامه بقلم ابو تراب غفاری است اینك مختصر شرح حالی از این نقاش زبردست • از میرزا محمد پسر میرزا ابوالحسن پسر قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی سه فرزند بوجود آمد اولی میرزا ابوالحسن غفاری نقاش باشی ملقب بصنیع‌الملك که شرح احوال او را مفصلا در جلد دوم کتاب در ذیل روزنامه دولتی نقل کردیم • دومی میرزا علیرضا است که هم نقاش و هم نویسنده بوده و از آثار او دو تابلوی روغنی یکی تصویر نا در شاه و دیگری، صورت کریم خان زندباقیست • پسر میرزا محمد موسوم بمیرزا بزرك است • ازمیرزا بزرك دوپسر باقیمانده یکی میرزا ابوتراب خان غفاری ودیگری میرزا محمدخان

غفاری ملقب بکمال‌الملك • بنا براین ابوتراب غفاری که تصاویر روز نامه شرف از اوست برادر کمال‌الملك نقاش معروف اخیر ایران است •

میرزا ابوتراب خان غفاری نقاش بسیار هنرمند و همین تصاویر روزنامه شرف بهترین معرف استادی اوست • وی سه سال از برادرش کمال‌الملك بزرگتر بوده و در سال ۱۳۰۷ قمری در جوانی خود کشی کرد • آخرین تصویری که در روزنامه شرف از او رسم شده است تصویر (باغ و عمارت کامرانیه) است که در نمره ۶۱ شرف مورخ شعبان ۱۳۰۵ قمری ترسیم‌شده و امضای (ابوتراب الغفاری) درذیل‌است.

شرح احوال خاندان غفاری که از اهل کاشان وعموما افراد آن هنرمند و ونقاشانی زبر دست بوده اند ؛ در جراید و مجلات کم وبیش طبع گردیده وبخصوص شرح حال دو نفر از این خانواده ، صنیع‌الملك وکمال‌الملك ، بتفصیل در مجله‌اطلاعات ماهیانه ذکر شده و خوانندگان میتوانند بدانجا مراجعه نمایند • از میرزا ابوتراب غفاری کمتر ذکری شده ؛ امید است همین سطور مختصر برای معرفی مقام ومنزلت او در فن نقاشی مکفی باشد •

در عنوان روزنامه طرز انتشار آن ماهی یك نمره و قیمت یك نسخه یك قران و سالیانه یك تومان و دو هزار دینار معین شده است •

(۶۸۷) شرف

روزنامه شرف درطهران بمدیری وموسسی (غلامحسین طهرانی) تاسیس ودر سال ۱۳۳۶ قمری با چاپ سربی منتشر شده است • روزنامه شرف بطور هفتگی بوده وقیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ۵ قران ، در سایر شهرهای ایران ۶ قران ؛ در خارجه ۵ فرانك ـ هر شماره روزنامه چهارصفحه بقطع ۱۱ × ۷ اینچ است • برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص۱۱۰) مینویسد من نمره یك این روزنامه را در دست دارم و این نمره در تاریخ ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر گردیده‌است.

(۶۸۸) شرق

روزنامه شرق درطهران بمدیری آقای (سید ضیاءالدین طباطبائی) تاسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشرشده‌است • شماره‌اول روزنامه شرق در چهار صفحه قطع بزرك ۵ر۱۴در ۵ر۲۱ اینچ طبع ودر تاریخ ۱۴ رمضان ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته است • اسم روزنامه (شرق) با خط نسخ درشت درعنوان آن نوشته شده و درداخل آن سال تاسیس (۱۳۲۷) و در دو طرف خصوصیات روزنامه درج است • پس از چندی که ازنشر روزنامه گذشته آقای سید ضیاءالدین برای اداره امور روزنامه آقای (حسین کسمائی) را بکمك گرفته و درعنوان‌روزنامه صاحب امتیاز «سید ضیاءالدین‌طباطبائی» و مدیر « حسین کسمائی » معرفی شده است ولی بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت این کمك فقط در تنظیم روزنامه بوده ومقالات اساسی آن بقلم خود سید است •

در ذیل اسم روزنامه این جمله که حکایت ازمسلك ومرام مدیر آن میکند چاپ

شده : « این روزنامه طرفدار استقلال ایران و آئینه حقیقت نمای ایرانیان است . »
طرز انتشار شرق یومیه بوده و باز در عنوان آن نوشته « غیر از ایام تعطیل همه روزه طبع و نشر خواهد شد . در اوقات مهمه روزی دو مرتبه علاوه طبع و توزیع میشود . » علاوه بر این در سطر بالای عنوان روزنامه عبارت « شرکت روز نامه یومیه » درج است . از این شرکت جدا گانه گفتگو خواهیم کرد . محل اداره روزنامه : طهران خیابان علاءالدوله « فردوسی حالیه . مولف » نمره ۲٦ نمره تلفن ۸۸ . عنوان تلگراف : « طهران شرق» . وجه اشتراك : طهران . یکساله ٤٥ قران . ششماهه ۲٤ قران . سه ماهه ۱۳ قران . ولایات داخله ٥٠ قران . ۲۷ قران ، ۱٥ قران . ممالك خارجه ٥٦ قران ، ۳٤ قران ، ۲٠ قران ؛ وآخر هر ماه یکجلد کتابچه بمشترکین محترم مجانا داده خواهد شد . طهران تك نمره سه شاهی . ولایات داخله تکنمره ٤ شاهی . اعلانات سطری دهشاهی .

شماره ٤۱ سال اول شرق در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی « مطبعه پارسیان » در تاریخ دو شنبه ۸ شهر ذیقعده ۱۳۲۷ قمری و شماره ٤۸ سال اول بهمان قطع شماره ٤۱ در تاریخ یك شنبه ۲۲ ذیقعده سال مذکور از طبع خارج و توزیع گردیده است . پس از انتشار ٦٤ شماره از سال اول روزنامه شرق از طرف وزارت داخله توقیف میگردد و روزنامه حبل‌المتین منطبعه کلکته در باره این توقیف که اول دفعه توقیف شرق بوده در شماره ۲٠ سال هفدهم مورخ ۸ ذیقعده ۱۳۲۷ این طور اظهار نظر مینماید : « از وزارت داخله روزنامه شرق توقیف شد ما از موضوع صحبت نکرده همان میگوئیم که بدون محاکمه وتطابق قانون توقیف روزنامه برای روزنامه نویسان مایه تاثر واعتراض است . » روزنامه باجبار برای مدت چند ماه یعنی از ذیقعده ۲۷ تا ربیع الاول ۲۸ توقیف و تعطیل میشود و مجددا شماره ٦٤ سال اول آن در تاریخ پنجشنبه ٥ شهر ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۷ مارس ۱۹۱٠ میلادی درچهارصفحه بقطع بزرك درمطبعه سربی «فاروس» طبع وتوزیع می گرددد رعنوان این شماره روزنامه مانند سابق یومیه معرفی شده ولی دراخطاری که در آن چاپ گردیده نوشته است بدواهفته سه نمره طبع وتوزیع میشود . بار دیگر برای دفعه دوم روزنامه شرق در جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری بموجب حکم زیر که از نظمیه صادر شده توقیف میگردد مورخ ۱٤ جمادی الاولی ۱۳۲۸ . « اداره نظمیه . دایره کابینه . نمره ٠٠٠٣٤٠ خدمت جناب آقای سید ضیاءالدین صاحب امتیاز ومدیر جریده شرق از قرار مرقومه حضرت اشرف رئیس الوزرا ووزیر داخله چندین نمرات روزنامه شرق نسبت بوزراء عظام تخفیف وتوهین شده واین قسم مذاکرات در روزنامه مخل انتظام مملکت و مخالف قانون مشروطیت است لذا مقرر فرموده اند طبع و نشر روزنامه بلا مدت موقوف و بولایات و دارالخلافه منتشر ننمایند تا قراری در اینکار بدهند لازم است بترتیب که مقرر داشته اند رفتار نموده خود جنابعالی هم بروید خدمت حضرت اشرف رئیس‌الوزرا ترتیب اصلاح آنرا فراهم داشته حکم کتبی بنظمیه صادر و روانه دارید تا بموقع اجرا گذارند . ازطرف ریاست کل «احمد»

علت توقیف روزنامه شرق و اعتراض مدیران جراید ـ علت توقیف روز نامه

شرق انتقاد و باز خواست شدید وسختی بوده که روزنامه بالحنی خیلی شدید وتند نسبت بتشکیل کابینه جدید نموده و از این جهت روزنامه بدون محاکمه تعطیل میشود. بلا فاصله یعنی غروب همان روز این توقیف هیاهوئی در بین مدیران جراید مرکز برپا نموده و مدیران جراید یك ورقه فوق‌العاده بامضای عده زیادی ازمدیران را جع باعتراض بتوقیف روزنامه شرق منتشر مینمایند ٠ متن این ورقه فوق‌العاده در شماره ۲۳ سال ۱۸ روزنامه حکمت مورخ اول رجب ۱۳۲۸ قمری چاپ شده و در ذیل آن مدیران این جراید امضا کرده اند : « روزنامه ایران‌نو-جریده دیوان عدالت‌روزنامه پلیس ایران - جریده تمدن - روزنامه استقلال ایران - اقل یحیی کاشانی دبیر جریده مجلس » این قطعنامه سبب گردید که روزنامه (ایران نو) نیز تعطیل گردد وکابینه سپهدار برای تثبیت و تنفیذ مقام خود تدابیر شدیدی بضد مطبوعات بگیرد ٠

این بار هم توقیف شرق نتوانست زبان تند سید را نگاهدارد و روز نامه شرق منتشر گردید و از شماره ۹۱ سال اول مورخ شنبه ۱۰ شهر جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ قمری صفحه چهار روزنامه بزبان فرانسه طبع و منتشر گردید واین مطلب درصفحه اول این شماره تحت عنوان (اخطار) بدینقسم ذکر شده است:

« اخطار - از آنجائیکه همواره مقصود کارکنان اداره شرق خدمت بوطن حفظ استقلال مملکت و بقای آزادی وحریت ملت ایران است سزاوار میدانیم هرگونه خدمتی که از دستمان بر آید درانجامش مضایقه ننموده و ادای وظایف وجدانی وایرانی خواهی خود را با کمال سرعت بعمل آوریم ٠ لذا در این ایام که مطبوعات ارتجاع پرست روسیه وغیره مافوق آنچه تصور میشود برضد ملت ومملکت ایران اخباری‌نوشته نشر میدهند و افکار عمومی اروپا را (که مدار صلح ومسالمت دنیاست) بعدم اصلاح امور این مملکت وخرابی‌این‌قطعه ازدنیا متوجه ساخته حقیقت امر را بخلاف واقع‌پیشنهاد مینمایند ، لازم دانستیم برای مدافعه اثرات محررین بی انصاف‌وتوجه افکار عمومی‌اروپا نسبت بمظلومین مثل ایران وعدم پیشرفت امور بواسطه اقامت قشون روس خیالی را که از بدو تاسیس اداره شرق در نظر داشتیم بموقع اجرا گذاریم ویك صفحه روزنامه‌خودرا صرف مدافعات وطن نموده بفرانسه منتشر سازیم ،بحمدالله بانجام خیال دیرینه خود موفق گردیده واز امروز صفحه ٤ روزنامه بزبان فرانسه که بهترین السنه بین‌المللی عالمست بگاشته گردید ٠ امیدواریم که عموم هموطنان مخصوصا قارئین شرق فرانسه این خدمت مارا قابل توجه دانسته وسزاوار تحسین بدانند ٠ س ٠ ضیاءالدین طباطبائی ٠ »

درصفحه چهارم این شماره پس از ذکر علت پیدایش صفحه فرانسه درروزنامه بعنوان (مقصد ما) مقاله دیگری تحت (ایرانیان و روسها) درج شده ٠ مندرجات دیگر این صفحه عبارت است از (تلگرافات خارجی) وکمی اخبار خارجه وداخله ٠

شرق برای همیشه توقیف وبجای آن برق منتشر میگردد

پس از انتشار شماره ۱۰۶ شرق درچهار صفحه بزبان فارسی و فرانسه ؛ بقطع بزرك ، مورخ بتاریخ شنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری ، روزنامه برای همیشه توقیف و بجای آن برق منتشر میگردد ٠ از روزنامه برق در جلد دوم کتاب بتفصیل گفتگو

نموده و این اجمالا یاد آور میشویم که اولین شماره برق بجای شرق در چهارصفحه بقطع بزرگ که صفحه چهارم آن نیز بزبان فرانسه نوشته شده ، بصاحب امتیازی و نگارندگی (سید ضیاءالدین طباطبائی) طبع ودر تاریخ یکشنبه ۵ شوال ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است .

مقاله افتتاحی برق که خوانندگان را تااندازه بعلت توقیف شرق آشنا مینماید تحت عنوان (توقیف شرق یا مخاطره شرف ملت) و قسمتی از آن چنین است :
« روزنامه شرق که فقط جریده آزاد بی غرض ملی بود تقریبا بیست روز است (۲۰ روز و بلکه از یکماه هم متجاوز بوده است . مولف .) از طرف وزرای باسم تجدد پرور بعلت هواخواهی ناموس ملی بجرم طرفداری از شرف ملت بتقصیر ادای وظیفه ملیت ، بگناه دعوت ملت را بحفظ حقوق خود بدون محاکمه و ثبوت تقصیر بامخالف نص قانون اساسی محکوم بتوقیف گردید .... شرق چه تقصیری داشت ؟ چه گناهی کرده بود ؟ جز اینکه وظیفه ملیت خود را ادا نموده بود . آیا از توقیف شرق زبان ما بسته شد ؟ قلم ما شکسته گردید ، افکار ما ازمیان رفت ، نیاتمان در بوته اهمال ماند؟ اشتباهیست بس بزرگ خطائی است بس سترگ ؟ شرق را توقیف کردید برق را منتشر ساختیم ، برق را توقیف بکنید رعد راطبع و نشر میسازیم ، رعد را ازما بگیرید لغات معموله دیگر از بین نرفته . خود ما را توقیف بکنید هستند کسانیکه نیات وافکار و خیالات ملت پرستانه ما را منتشر سازند . شرق بخلاف قانون توقیف شده چنانچه همین چند روزه علت قانونی توقیفرا بما ثابت کردند فبها و الا بطبع و نشر شرق اقدام نموده و مسلك حقه خود را تعقیب خواهیم کرد . »

اهمیت روزنامه شرق و هم چنین برق و رعد بواسطه سرمقاله های آنهاست که سید با زبان آتشین و با کمال بی باکی بدولت و همسایه شمالی حمله مینماید وبخصوص فجایع روسهای تزاری را در ایران آشکار میسازد . برای مزید اطلاع خوانندگان قسمتی از مندرجات روزنامه شرق را ذیلا نقل مینمائیم :

درشماره ٤١ سال اول تحت عنوان (قابل توجه منصفین دنیا) عکس دسته جمعی چاپ شده و در زیر آن نام این اشخاص نوشته شده است (۱) نایب قنسول روس . (۲) رحیم خان چلیپانلو رئیس اشرار (۳) ضرغام السلطان (٤) یکی ازخوانین قراچه داغی (۵) افسر روس . (٦) ایضا افسر روس . درمقاله ذیل این تصویر شرح فجایع و اعمال زشت رحیم خان قراچه داغی که تحت حمایت روسها بوده شرح داده شده است.

سرمقاله این شماره که چندستون صفحه اول را گرفته بعنوان (یکنفرفرانسوی مینویسد) است . خلاصه اخبار دارالشورای ملی و وقایع شهری و تلگرافات داخله و اخبار خارجه وتلگرافات ودرج دومکتوب .مندرجات شماره ٤١ راتشکیل میدهد .

قسمتی ازسرمقاله شماره ٤٧ که تحت عنوان (چاره) نوشته شده بدینقراراست:
« چاره ـ قلت مسکوك ـ سلب اعتبار ـ رفع اطمینان . فقر و فلاکت عامه . مسکنت اغنیا بجهت کمیابی پول ـ تنزلزل امنیت فقدان تولید ثروت واحتیاج زیاد بپول برای مرمت خرابیها و اصلاح اوضاع ما بعد ـ امروز در ایران ازبدیهیات اولیه

ومثل روز روشن محسوس است (۱) جماعتی منکر استقراض (۲) دسته حامی آن بهر ترتیب وخیم وبهر شرایط ملیت برباد ده که باشد (۳ فکر جمعی بتا سیس بانك می رسد (٤ جمعیتی مایل بفروش جواهرات • دسته هم قرض کم وبعضی قرض کلی‌راتصویب مینمایند • برخی نیزهواخواه قرض داخلی وبامید‌سرمایه ایرانیان هندی میباشند • تکلیف چیست ؟ انکار تهیه نقود وگریز ازاستقراض بواسطه سبکی عقل وشعور وسلیقه مردمان کوته فکر نزدیك بین بوده ومثل آنستکه اصلاح وکسب‌تمدن جدید وتهیه وعوامل‌سعادت وترقی را بعد از اینهمه خسارت منکر شوند • آسایش عامه - رنج مسکنت - رواج‌سکه استقرار امنیت - بکار افتادن سرما یه های خداداد درایران‌نیشود‌مگربتحصیل سرمایه نقدی که ایجاد اعتبار خواهد نمود ••••»

مقاله دیگر این شماره انتقاد از مقاله روزنامه ایران نو تحت عنوا ن (پیش قراولان روس درایران) نوشته شده و بعد یك سئوال بعنوان(علمی) وسپس‌وقایع شهری) و (اخبار داخله) و (تلگرافات خارجه) و (اخبار خارجه) و(تلگرا فا ت خارجه)و چند اعلان و اخطار تمام مندرجات شماره مذکور را تشکیل میدهد • دراین شماره اسم حسین کسمائی بعنوان مدیر مسئول چاپ شده وروزنامه در (مطبعه پارسیا ن طهران) طبع گردیده است • نمونه از (وقایع شهری) روزنامه بنقل از شما ر ه ٤۸ روزنامه بدینقرار است : « قضیه تاریخی - چنانکه درنمره قبل نوشتیم چندروزاست که شاگردان مدرسه دارالفنون بملاحظه عدم مراقبت وپرستاری وزارت علوم و اولیا ء مدرسه اجتماعاتی کرده واظهاراتی که مایه تسهیل طرق‌تحصیلاتشان است بپیشنهادوزارت علوم نمودند • ازآنجائیکه طبعت درسرشت اولیاء معارف ما اهمال خلق فرموده ا ین قضیه را هم مهمل شمردند تا آنکه روز شنبه دیروز شاگردان درصحن دارالفنون مجتمع گشته وجواب اظهارات وعرایض خودرا خواهان بودند که ناگاه عده ای ژاند ا ر مه با وضعی وحشت انگیز و ترتیبی دهشت خیز بمدرسه ورود نموده وشاگردان معصو م بی گناه را مثل دزدان خیانت کار ازمدرسه بیرون ساختند • غرابت مسئله دراین ا ست که درجواب سئوالات ما جناب رئیس فرمودند (بجرم اینکه شاگردان سنگربندی نمودند وزارت داخله حکم باخراج آنها نمود) معلوم است سنگربندی شاگردان واطفال‌مدارس جز حمایل ساختن کتب علمی وبدست گرفتن لوازم تحصیلات خود چیست ، بلی‌همواره طرفداران ترقی وتجدد متهم بسنگر بندی وشورش بوده و هستند • ا جما لا میگو ئیم دوره استبداد گذشت مجلس هم دائر شدچنانچه اصلاحات آنی درامور وزارت‌معارف خصوصا مدرسه دارالفنون حاصل نشد میدانیم چه بنویسیم وبگوئیم • »

ازسرمقاله های خوب روزنامه شرق سرمقاله شماره ٤۸ تحت عنوا ن « تجدد معکوس » است •

شرکت روزنامه بومبه — این عبارت دربالای‌عنوان روزنامه شر ق نو شته شده ومنظور از آن اشاره بشرکتی است که درطهران بنام (شرکت‌اتحادیه روز نامه شرق) تاسیس گردیده و سرمایه آن پانزده هزار تومان‌بوده‌است-سرمایه شرکت به هزار و پانصد سهم ازقرار هرسهمی ده تومان تقسیم شده است • غرض ا ز تا سیس

این شرکت ایجاد مطبعه و انتشار روزنامه شرق بوده . نظامنامه و اساسنامه شرکت تدوین شد . ومن جمله ازمواد اساسنامه راجع بمنافع سالیانه شرکت این است که صدی بیست وپنج آن برای مصارف ومخارج فوق‌العاده وتوسعه دایره اداره درصندوق ذخیره اداره ضبط میشده و بقیه آن بصاحبان سهام بالسویه تقسیم میشده است نگارنده اطلاع ندارم که تا چه اندازه این شرکت از دایره نوشته پا بمرحله عمل گذاشته است .

سید ضیاء الدین طباطبائی _ شرح حال سید اجمالا درجلد دوم کتاب درذیل روزنامه برق نوشته شده خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند . و نیز در کتاب (اسرار کودتا تالیف آقای حکیم الهی فریدنی) شرح احوال آقای طباطبائی بتفصیل ذکر شده‌است . درهمین کتاب نخستین مقاله روزنامه شرق را که بعنوان مسلك و مقصد نوشته شده نقل نموده . مقاله مذکور بدینقسم شروع میگردد : « زمانه آناً فآناً در تجدد وتبدل است . افکار بیشری درجلوی سیل تجدد بهمان ترتیب تبدیل و تجدید میبابد ......»

(۶۸۹) شرق

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه شرق که درسال ۱۳۳۶ قمری در تبریز منتشر شده اینطور مینویسد : « روزنامه نیم هفتگی شرق منتشر درتبریز با چاپ سربی بمدیریت (س.ب) در رجب ۱۳۳۶ .»

(۶۹۰) شرق

مجله شرق در طهران بصاحب امتیازی وموسسی « محمد رمضانی مدیر کتابخانه خاور » ومدیری ونگارندگی آقای «سعید نفیسی» تاسیس ودرسه دوره مختلف منتشر شده است . بار اول درسنبله ۱۳۰۳ شمسی که یك شماره از آن منتشرگردیده وتعطیل شده است . مرتبه دوم درفروردین ۱۳۰۵ شمسی است که در ۳۲ صفحه که نصف یك نمره بوده نشر شده وباز هم ادامه آن میسر نگردیده است . مرتبه سوم از دیماه ۱۳۰۹ تا بهمن ۱۳۱۰ یکدوره مجله که ۱۲ شماره باشد انتشار یافته است . بنا براین دوره کامل مجله شرق حاوی ۱۴ شماره میباشد . مجله شرق ازجمله مجلات معدودیست که ازحیث تنوع مطالب ادبی وتاریخی کمتر نظیردارد ومندرجات آن بقلم بزرگترین ومعروفترین نویسندگان آن زمان تدوین شده است . درصفحات اول ودوم شماره اول دوره اول (این شماره‌نمره ایستکه دراول دیماه ۱۳۰۹ شمسی انتشار یافته زیرا ناشرین مجله ازیك شماره ونیم که قبلانشرشده صرفنظر کرده‌اند) تحت عنوان مجله شرق . آقای‌سعید نفیسی ، شرحی درباره تاسیس وانتشار مجله بدینقسم نوشته‌اند :

« مجله شرق _ مجله شرق بتاکید واصرار عده ای ازفضلای درجه اول طهران پیدا شده است . مدتها بود که جمعی ازدانشمندان طهران خودرا بوجود مجله که ناشر تحقیقات ورشحات خامه ایشان باشد محتاج میدانستند وازاینکه مجله ادبی منظمی نیست که حاوی کلیه فروع ادبیات ایران بمصداق جدید باشد متاسف بودند وبالاخره نگارنده

هم از این ماموریت کمال مباهات را دارد ومفتخر است که در آغاز هر ماه بهترین صحایفی را که از زیر قلم ادبای معروف طهران بیرون آمده است بخوانندگان عرضه دارد و بسهم خود از آقای محمد رمضانی که مخارج گران طبع و نشر این اوراق را هرماه بعهده میگیرند متشکر است • خط مشی این مجله ادبی ماهیانه بنا بر شوری که با فضلای طهران شده است وبتصویب ایشان رسیده آنستکه این مجله نماینده حال کنونی ادبیات ایران خواهد بود باین معنی که تحقیقات و تتبعات ادبی و تاریخی ادبای متجدد ایران انتشار خواهد داد وسعی خواهد کرد بدنیای معاصر ثابت کند که در زمان حاضر ادبیات ایران تمام فروع مصداق جدید را پذیرفته و ایرانی امروز درادبیات خود همان شور و دقتی را دارد که ملل متمدن در ادبیات خود دارند وآنعصریکه محققین در ادبیات و تاریخ ایران فقط عده معدودی ازمستشرقین بودند سپری شده وامروز ایران بدان‌مرحله رسیده است که مستشرقین هم باید ازتحقیقات ایرانیان بهره مندشوند دراین ضمن چون محققین ایرانی در حد خود محتاج بارائه طریق و استناد از کتب و رسائل میباشند وظیفه دیگری که بمجله شرق رجوع شده آنستکه مطالب مهم کتب ومجلات زبانهای بیگانه را که تا بحال بزبان فارسی در نیامده بمرورردرصحایف خود ترجمه کنند و از اینراه محققین ایرانی‌راازدانستن چندین زبان بیگانه و داشتن کتب بیشمار که شاید یافتن اغلب آنها دشوار باشد بینیاز کنند • وظیفه سوم مجله شرق آنستکه ارکان زبان فارسی را مطابق اصول قیاسی وسماعی وسوابق ادبی این زبان مخصوصا درنثر استوار سازد وبی آنکه قواعدی بدست دهد و دررد و قبول اصولی وارد هنگامه شود و دوست و دشمن را مورد مدح وقدح قرار دهد فقط از راه سرمشق عملی و بوسیله مندرجات خود که یك سطر آن از اسلوب پیشینیان و قواعد مسلم فصاحت زبان فارسی خارج نخواهد بود نویسندگان ایران را بدان شیوه مسلم عادت دهد • این مجله در آغاز هرماه شمسی با همین دستور انتشارخواهد یافت و بجای دو شماره آخر هرسال کتابی جداگانه در زمینه مرام خود بخوانندگان خواهد داد و از خدای ایران یاری میخواهد درانجام این خدمت و اعاده دوره مجد و بزرگی زبان فارسی یاوری بیند • طهران . اول آذر ماه ۱۳۰۹ . سعید نفیسی»

شماره اول مجله و همچنین بقیه شماره های آن برطبق وعده ای که دراین‌مقدمه داده شده مشتمل برمقالات نفیس تاریخی ، ادبی وعلمی بقلم نویسندگان ودانشمندان مبرز سید جلال‌الدین طهرانی ؛ اقبال آشتیانی ، ملك‌الشعرای بهار ؛ دکتررضا زاده شفق ، رشید یاسمی ، نصرالله فلسفی ، میر محمد حجازی و سعید نفیسی و امثالهم ، نتشار یافته • علاوه براین درام معروف (ماری استوارت) نگارش شیلر تآتر نویس مشهور آلمانی ؛ ازشماره اول مجله ، بقلم عبدالحسین میکده ترجمه و طبع شده • این ترجمه بتدریج درشماره های مجله‌چاپ‌وبشماره دوازده‌صفحه۷۵۷ ختم گردیده است •

آقای رمضانی موسس مجله وموسسه خاور درمجموعه که بنام (کتاب)منتشر نموده شرحی راجع بمجله شرق و فهرستی از نویسندگان ومقالات مهم مجله ذکر کرده که برای مزید اطلاع خوانندگان ازمندرجات مجله لازم است عین آنرا نقل نمائیم :

« مجله شرق ـ از آغاز تا سیس موسسه خاور صاحب آن پیوسته مایل بود که مجله سودمندی منتشر کرده باین وسیله خدمات معارفی خویش را تکمیل نماید . موسسه خاور درسال ۱۳۰۳ مجله ای بنام شرق تاسیس نمود وشماره اول آنرا که حاوی آثار قلم بهترین نویسندگان معاصر و دارای مقالات مهم ادبی وعلمی واجتماعی بودمنتشر ساخت . متاسفانه مشکلات و موانعی که برای اینگرنه اقدامات وجود دارد نگذاشت که این مجله دوام یابد و دوسال میان‌شماره اول و دوم آن فاصله یافت . در۱۳۰۵ مجددا موسسه خاور بانجام این مقصود همت گماشت وباز موانعی پیش آمد و این منظور بعهده تعویق افتاد . بالاخره درسال ۱۳۰۹ ناشرین مجله بر مشکلات فائق آمدند ومجله مزبور یکسال تمام با بهترین طرزی انتشار یافت . مجله شرق دارای مطالب سودمند و نویسندگان آنها ازبهترین و زبردست ترین نویسندگان آنروز انتخاب شده اند معهذا موسسه خاور بدین حد قانع نیست ومصمم است که درسال‌دوم بیش ازبیش قابل استفاده بشود و رای انجام این منظور مهلتی لازم است بنابراین‌وعده میدهیم که از آغاز سال ۱۳۱۱ مجله شرق بهترین وجه منتشر شود . (متاسفانه این منظور صورت عمل بخود نگرفت ومجله با انتشار شماره های ۱۱ و ۱۲ سال اول خاتمه پیدا کرد و دیگر منتشر نشد . مولف) دوره کامل مجله شرق حاوی ۱٤شماره بقیمت ۳۵ قران در کتابخانه خاور بفروش میرسد» (نسخ این مجله فعلا کمیاب و شاید بچند برابر قیمت‌اصلی نیز یافت نگردد . مولف)

نویسندگان ومقالات مهم مجله شرق

۱ ـ سعید نفیسی . (۱۹ مقاله)کاروان ثروت . مجله شرق . منابع‌تاریخ‌ایران. ابوالموید بلخی . نوروز در زمان ساسانیان . ابوالعلای ششتری . مضحکات تاریخی. قدیمترین کتب لغت درایران . خطبه ابن سینا و ترجمه آن ازعمر خیام . در باب اشعار فارسی عمر خیام . شهره آفاق . دو تقریر ازعمرخیام . یوسف عروضی . جاب مهاجرین اروپائی در شش مقاله . ۲ ـ اقبال آشتیانی (۹ مقاله) عماوه‌مروزی قدیمترین آثار مفقوده . ایمان شاگردومعلم بعام . زندگی عجیب یکی ازخلفای عباسی ملاحظات درباب انتقادات . احوال حکیم عمر خیام . درباب انتقاد چهار مقاله امام حسن قطان مروزی . ابوالمظفر . ۳ ـ رشید یاسمی (٦ مقاله و چهار قطعه شعر) ارسطو و فلسفه او . شوپنهاور در دومقاله . احوال تولستوی در سه مقاله . دل افسرده . اخلاف دلها . جام عشق . زندانی . ٤ ـ نصر الله فلسفی (۱۰ مقاله) سرطان . مجله شرق . از کتاب امیل روسو . دریای شمال . سلطنت قباد و ظهور مزدك در ٦ مقاله . ٥ ـ میر محمد خان حجازی (۷ مقاله) مجلس عیادت .تنبلی کشف ادبی . تفرج نوروز . رابورت ژاپونی . شاعر شوریده . شوخی بیمزه ٦ـ مسعود فرزاد . (۸ مقاله) رویای شاعر . آخرین سواری . اندوه جاودانی . من. السیتورا. گرفتاردزدان شد . ای‌باد مغربی . عشاق . اوتوس خواران. ۷.عبدالحسین میکده (۱۲ مقاله) سلطان سلیم اول . ماری استوارت در ۱۱ مقاله۸. سلطان قهرمانی (۹ مقاله) فرخی . جریان ادبیات در دو مقاله . یك سلسله اسناد تاریخی در سه مقاله

۹ ، آقا بزرگ علوی • حماسه ملی در ٦ مقاله • گوته و ایران - ۱۰ پژمان بختیاری • لامارتین در ٤ مقاله . ۱۱ • دشتی • چرا مجله شرق پیدا شد • برهان و عقیده • ۱۲ • محیط طباطبائی • کارنامه انوشیروان در سه مقاله ۱۳ • شادمان • تمدن قدیم • گفت و شنید • ١٤ - سید عبدالله سیار • شامکار نویسنده • گیاهیکه سرفه میکند • یك نکته علمی • تامین زندگی - ۱۵ گلشائیان • سون هدن در سه مقاله ١٦ سید محمد صادق طباطبائی • فتح خراسان درچهار مقاله ۱۷ رهنما • وحشی اینجا • امید • ۱۸ خانم پروین • جوان وپیر • زاغ و طاوس (شعر) ۱۹ .مرزبان رازی • منوچهری دامغانی • تحقیقات در احوال عمر خیام ۲۰ . میرزا محمد خان قزوینی • راجع بامام حسن قطان • ۲۱ ملك الشعرا بهار . راز طبیعت (شعر) ۲۲ دکتر رضا زاده شفق . نفوذ فارسی درعربی . ۲۳ محمود خان عرفان . تاریخ فلسفه ٢٤ . حیدر علی کمالی . ای طبیعت (شعر) ۲۵ . صدیق اعلم • آیا میتوان پیر برا مبدل بجوانی نمود • ٢٦ سید جلال الدین طهرانی • هیرشل • لوریته . ۲۷ دهخدا • یك صفحه از کتاب لغت • ۲۸ عبدالرحمن فرامرزی . علمای ایران در اسلام . ۲۹ بدیع الزمان • آسمان پیما . (شعر) ۳۰ محمد سعیدی • لرد بایرون • ۳۱ امیر حمزی مکتوب • ۳۲ . بهجت : مکتوب • ۳۳ دفتر کاویان • یك صفحه از فاوست - ٣٤ سید جمال الدین اسد آبادی سه مقاله • ۳۵ روزبه • ازتغزلات شکسپیر . ٣٦ فاخته دختران دریا . ۳۷ متفرقه •

این بود اسامی نویسندگان و مقالات مجله شرق . در نقل این فهرست دو مقصودومنظوراصلی واساسی بود• یکی اطلاع برمندرجات و مقالات ادبی و تاریخی وعلمی مجله شرق • و دیگر پاسخ بانتقادی که پس از انتشار جلد اول ودوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران شده است • توضیح آنکه بعضی ازفضلا و منتقدین اظهار نظر نموده که چرا فهرست مقالات مهم جراید و مجلات درکتاب حاضر بطبع نرسیده است نگارنده که خود در ابتدای امر چنین اندیشه ای را داشتم و درصدد بودم در ضمن مرور بجراید ومجلات فهرستی ازمقالات آنها تهیه و در ذیل هرکدام بطبع برسانم هنگام عمل محقق گردید که انجام این کار وقت وحوصله بسیار لازم دارد زیرا چه بسا جراید و مجلاتی که چند سال و گاهی هم از ده سال متجاوز منتشر گردیده • و اگر فهرست یکساله مجله شرق چند صفحه کتاب را فرا میگردد فهرست چندساله فلان مجله یا روزنامه بطور قطع ده یاپانزده صفحه کتاب را اشغال خواهد نمود و این کار با گرانی طبع وکاغذ نه فقط ممکن بود بلکه محال و غیر ممکن بنظر میرسید کسانیکه با کار طبع و نشر کتاب سر و کار ندارند دستی از دور برآتش دارند • درکشوریکه حد اکثر از یك کتاب مفید بیش ازیکصدجلد آن بفروش نمیرسد انتظار این قبیل فداکاریها خارج از انصاف و عدالت است •

فهرست یکشماره ونیم اولیه مجله

با اینکه درضمن فهرست مذکور ، فهرست مقالات مهم یکشماره ونیم اولیه مجله نیز نقل گردید ولی بی مناسبت نیست آنرا جداگانه هم ذیلا نقل نمائیم

شماره اول سنبله ۱۳۰۳ شمسی . چرا مجله شرق پیدا شد . (علی دشتی) برهان وعقیده (علی دشتی) ازعقاید مصریان قدیم (ترجمه) ارسطو و فلسفه او (رشید یاسمی) حفظ اصوات در تلفن (ترجمه) تاریخ فلسفه (محمود عرفان) ای طبیعت (حیدر علی کمالی) . کاروان ثروت (سعید نفیسی) . بزرگترین ساعت های دنیا (ترجمه) آیا میتوان پیررا مبدل بجوانی نمود (صدیق اعلم .) دختران دریا (فاتحه) سرطان (نصرالله فلسفی) حبشه (ترجمه) علمای ایران در اسلام . (عبدالرحمن فرامرزی)

شماره اول فروردین ۱۳۰۵ شمسی. مجله شرق (نصرالله فلسفی) از تغزلات شکسپیر (روزبه) از کتاب امیل روسو (نصرالله فلسفی) بزرگترین پل دنیا (ترجمه منوچهر دامغانی (مرزبان رازی) احصائیه تلفن درممالك اروپا (ترجمه) دریای شمال (نصرالله فلسفی) آسمان پیما (بدیع الزمان خراسانی) لرد بایرن (سعیدی) آسمان مصنوعی (ترجمه) . سلطان سلیم اول (عبدالحسین میکده) .

مجله شرق همانطور که قبلا یاد آور شدیم با انتشار شماره یازدهم و دوازدهم مورخ بهمن ماه ۱۳۱۰ شمسی ، (این دو شماره با هم یکجا منتشر شده است)برای همیشه تعطیل گردیده وعلت عدم انتشار مجله درسال دوم عدم تکافو دخل و خرج مجله بوده وچنانکه در پایان سال اول بحساب مجله رسیدگی شده قریب هزار تومان ازسرمایه خاور در آن راه صرف گردیده و درعوض مقداری از دوره‌های مجله باقیمانده است گرچه در روی جلد ۱۱ و ۱۲ مجله وعده داده شده که اگر پانصد نفر مشترك نقد که هریك یکتومان وجه اشتراك را قبلا بپردازند برای مجله پیدا شوند . سال دوم مجله وضع آبرومندی با بدایره انتشار خواهد گذاشت ودراین قسمت حتی مزایای سال دوم را نیز ازقبیل زیبائی کاغذ و طبع و اشتمال بر قسمت های علمی و ادبی و شرح حال مشاهیر و اختراعات و اکتشافات ، درج کرده ولی همه اینها بیش از وعده چیز دیگری نبوده وازعالم خیال قدم بعرصه وجود نگذاشته است . شماره های مجله صفحه شمار مخصوص ندارد و روبهمرفته ۱۲ شماره در ۷٦۰ صفحه بقطع کوچك خشتی ، با چاپ سربی (مطبعه خاور) طبع وتوزیع گردیده است . مجله شرق دراول هرماه منتشر میشده وقیمت اشتراك آن یکساله ۳۰ قران . ششماهه ۱٦ قران . تك شماره ۲ قران است . محل اداره : طهران . کتابخانه‌خاور خیابان لاله زار .

موسسه خاور = موسسه خاور درطهران بسرمایه شخصی آقای محمدرمضانی صاحب امتیاز مجله ، درمهرماه ۱۳۰۲ شمسی تاسیس شده ودرطی مدتی که از تاسیس آن میگذرد تاکنون باهمه مشکلاتی که برایش پیش آمده موفق گردیده که کتب بسیاری را طبع ومنتشر سازد . ازنشریات مفید این موسسه یکی همین مجله شرق دیگر مجموعه کتاب است . علاوه براینها متجاوز از ۲۰۰ مجلد کتاب سودمندطبع نموده و دردسترس عموم گذارده است .

آقای سعید نفیسی = آقای سعید نفیسی ازخانواده های معروف ایران و

از اولاد حکیم برهان الدین نفیسی صاحب شرح اسباب میباشد که بزرگان زیادی از میان آنها بیرون آمده اند . آقای سعید نفیسی در سال ۱۲۷٤ شمسی متولد شده تحصیلات ابتدائی را در دبستان شرف و دوره اول متوسطه را در دبیرستان علمیه باتمام رسانیده . در سال ۱۳۲۷ قمری باروپا عزیمت نموده و دوره متوسطه را در سویس بپایان رسانیده و تحصیلات عالی را درپاریس نموده‌اند . در ۱۲۹۷ بایران مراجعت کرده و تا سال ۱۳۰۰ رئیس اداره فلاحت ومدیر مجله فلاحت و تجارت بوده از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰٤ رئیس اداره امتیازات و اداره راه دماوند و از ۱۳۰٤ تا ۱۳۰۷ رئیس اداره استخدام وزارت فلاحت وبعد رئیس مدرسه عالی تجارت شدند . از سال ۱۳۰۸ وارد خدمت وزارت فرهنگ شده و تا سال ۱۳۱۱ در دوره دوم دبیرستانها و از آن ببعد در دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات بتدریس پرداخته‌اند . اکنون استاد تاریخ ایران در دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان میباشند



آقای سعید نفیسی

آقای سعید نفیسی از فضلا و دانشمندان معروف کشور و در ادبیات فارسی آثار بسیار از خود بیادگار گذاشته اند مقالات اجتماعی وادبی وتاریخی بیشمار در جراید ومجلات مهم نوشته و تالیفات بسیار گرانبها کرده اند که در اینجا بذکر کتبی اکتفا میشود که بطبع رسیده : ۱ ـ آخرین یادگار نادر شاه . ۲ـ احوال و اشعار خواجوی کرمانی . ۳ ـ احوال و اشعار افضل‌الدین کرمانی . ٤ ـ احوال و اشعار رودکی . (دو جلدآن بیشتر چاپ نشده) ٥ ـ فرهنگ بزرگ فرانسه بفارسی در دو جلد . ٦ ـ یزدگرد سوم. ۷ ـ فرنگیس . ۸ رباعیات خیام ۹ ـ شیخ زاهد گیلانی . ۱۰ ـ صنعت تخم نوغان ایران . علاوه بر اینها آقای سعید نفیسی کتاب جامعی درلغت فارسی موسوم به (فرهنگ نامه پارسی) تالیف نموده که جلد اول آن مشتمل بر (آ ـ اس) ازطرف دبیرخانه فرهنگستان طبع گردیده و الحق برای لغات معمول ومتداول فارسی کتابی بس مفید و گرانبهاست .

(۶۹۱) شرق ایران

روزنامه شرق ایران دو هفته یکمرتبه بمدیری آقای (رفعت التولیه) درسال ۱۲۹۷ شمسی منتشر شده این روزنامه در مطبعه (طوس) طبع و هر نوبت ۳۰۰ نسخه از آن منتشر گردیده است .

(۶۹۲) شرق نزدیك

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه شرق نزدیك درطهران بمدیری (میرزا اسدالله خان خوئی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته و هفته سه بار منتشر شده است .

(۶۹۳) شعاع

روزنامه شعاع در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۶۹۴) شعله

شماره اول سال اول روزنامه شعله روی یك ورق بزرك با چاپ سربی در طهران طبع و در تاریخ دو شنبه ۲۰ رمضان ۱۲۴۱ قمری مطابق ۱۷ ثور ۱۳۰۲ شمسی بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (م - ی - طهرانی زاده)منتشر شده است . درعنوان روزنامه شعله بدینقسم معرفی شده : (روزنامه ایست اجتماعی طرفدار زحمتکشان) و در زیر نام آن (شعله) این عبارت درج است : (برای آتش زدن خرمن ارتجاع است .) قیمت روزنامه یکساله داخله ۸۰ قران؛ خارجه ۹۰ قران ششماهه ۴۵ قران و ۵۰ قران برای زحمتکشان یکساله ٤ تومان؛ ششماهه ۲۵ قران تك شماره ٦ شاهی.مقاله افتتاحی شعله تحت این عناوین است : انتخابات !! حکومت نظامی - دسایس اجنبی . مندرجات شماره اول اخبار داخله بتفصیل است .

(۶۹۵) شفق

روزنامه شفق در شهر تبریز بمدیر مسئولی (ح . ا . رضا زاده) تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . شماره اول شفق در تاریخ ۲۷رمضان و نمره ۱۱ آن در چهار صفحه بقطع وزیری بزرك با چاپ سربی در مطبعه (امید) طبع و در تاریخ سه شنبه ۳ ذیحجه الحرام ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است . در این شماره پس از مقاله اساسی نامه های مختلف وتلگرافات و اخبار محلی و در پاورقی صفحات دوم و سوم ترجمه کتاب (فتاة غسان) درج شده . پاورقی مذکور با نشر شماره ۱۲ خاتمه پیدا کرده و از شماره ۱۳ طبق اعلانی که در این شماره چاپ شده . بواسطه درج اخبار لازم دیگر روایت (فتاة غسان) طبع نشده است . از نمره ۱۶

سال اول آقای غنی زاده بعنوان عضو هیئت تحریریه و مدیر مسئول معرفی گردیده و در ستون اول نمره مذکور تحت عنوان اخطار شرحی راجع بمعرفی آقای غنی‌زاده بدین قسم ذکر شده است :

« اخطار ـ گمان میکنم که از قارئین محترم کمتر کسی است م • غنی‌زاده با آن مسلك تحریر و اسلوب بیان نشناخته باشد • آنکه سالها برغم اینهمه فقدان وسایط با آن مشکلات و موانع پنجه در پنجه گذاشته وخودرا از خدمتگذاران صمیمی عالم مطبوعات معرفی نموده اینك درهیئت تحریه روزنامه شفق داخل میگردند • افکار و نیات ما را که درمقیاس بس وسیع دایر بر قسمت اخباری این روزنامه دا ئتاً وبارها اظهار نموده ایم قارئین محترم مسبوقند • اکمال و تنظیم این قسمت مهمه را نیز م غنی زاده در عهده داشته فلهذا دایر باستخبارات اوضاع و حوادث داخلی روسای محترم ادارات و مخابرین معظم ولایات درمحاوره و مکاتبه مستقیما بایشان طرف خواهند بود • رضا زاده • »

از نمره ۲۸ مورخ سه شنبه ٤ ربیع الاخر ۱۳۲۹ قمری درعنوان روزنامه (سر دبیر ح • ا • رضا زاده) و در انتهای صفحه ٤ مدیر مسئول (م • غنی زاده) درج گردیده است • همکاری آقایان غنی زاده و رضا زاده در کار اداره روز نامه شفق تا نمره ٤٥ سال اول روزنامه بیشتر طول نکشیده و از آن هنگام آقای غنی زاده بریاست عدلیه سلماس منصوب گشته و از تبریز خارج و بدانصوب عزیمت نموده است • درنمره ٤٥ سال اول شرحی بقلم م • غنی زاده بعنوان (وداعنامه من) نوشته که خلاصه آن این است که ضروریات خانزاده مرا مجبور کرد بسلماس بروم وبنا براین مدیریت روزنامه شفق کماکان بعهده این ناچیز است وجناب فاضل محترم آقای ح • رضا زاده سردبیر این روزنامه وکالت نامه ازطرف این جانب داشته که بایشان رجوع شود • م غنی زاده

درذیل شرح مذکور روزنامه شفق اینطور اظهار عقیده نموده : « آقای غنی زاده بسمت ریاست عدلیه سلماس که شغلی مهم است بوطن مالوف خود سلماس رفته و اعضاء شفق خاصه این نگارنده را غرق حسرت نمودند • » بااینکه ازاین پس آقای غنی زاده درامور روزنامه دخالتی نداشته معذالك درنمرات بعد نیز سردبیر وصاحب‌امتیاز ح • ا • رضا زاده ومدیر مسئول م • غنی زاده نوشته شده است •

سال اول روزنامه شفق بانشر نمره ٤٨ خاتمه یافته وسال دوم آن بنمره ٤٩ • مورخ پنجشنبه ۱٦ رجب ۱۳۲۹ قمری شروع گردیده • مقاله افتتاحی این شماره تحت عنوان (رجعت استبداد) است • عنوان بعضی از سرمقاله های نمرات سال اول‌عبارت است از : (اتحاد اسلام) ؛ (حکومت ملی) ؛ (مسئله انتخابات) ؛ (اختیارات تامه جلسه ۲۱۳ پارلمان ایران) و (اعتدال و انقلاب) سال دوم روزنامه شفق بانشر نمره ٤٣ مورخ دو شنبه ۲٦ ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۹ قمری خاتمه یافته و از آن پس باپیش آمد عاشورای ۱۳۳۰ قمری و قتل عده زیادی از آزادیخواهان آذربایجان بدست روسها شفق برای همیشه تعطیل گردیده و نام آن ضمیمه اسم آقای (دکتر رضا زاده شفق) گردیده است • سرمقاله آخرین شماره روزنامه بعنوان (وفات وقد ثلمت فی الاسلام)

وراجع بفوت مرحوم آخوند خراسانی است •
عنوان مراسلات و تلگرافات : تبریز اداره روزنامه شفق • محل اداره : دروازه مهادمهین‌دربند • حیدر علیخان • نمره ٥٤٥ • مکتوبات بی تمبر وامضا قبول نخواهد شد • اداره در درج مکاتیب و مقالات مختار است • طرز انتشار شفق در ابتدا هفته‌یك بار طبع وتوزیع میشده و از نمره ٣٦ سال اول هفته دوشماره روزهای یکشنبه‌وپنجشنبه چاپ شده است • وجه اشتراك : سالیانه تبریز ٧ قران • ششماهه ٣ قران • و لایات داخله ١٠ قران ، ٦ قران • ممالك خارجه ١٤ قران ؛ ٨ قران یك نمره در تبریز ٣ شاهی ، ولایات داخله ٤ شاهی • قیمت اعلانات سطری دهشاهی • در صفحه آخر ٥ شاهی • وجه اشتراك پیشکی دریافت میشود • در باره مسلك شفق ؛ این سطر در زیر عنوان هر شماره درج است : « این روزنامه طرفدار استقلال ایران وحافظ حقوق ایرانیان است • » روزنامه شفق مشتمل برمقالات تند و زننده برعلیه سیاست روسیه درایران است وسهم بزرگی درتشویق مردم تبریز برضد روسها داشته وازاین جهت با پیش آمد کودتای روسها درتبریز این روزنامه نیز تعطیل شده است • روسها درتبریز برای‌اینکه اساس مقدس آزادی را بکلی برچینند دست باقدامات شدیدی زده ودر روز عاشورای سال ١٣٣٠ قمری عده ازمجاهدین و آزادیخواهان را بدار زده و ٧٥ نفر از اهل محله حکم آباد را سربریده وبعد بدار آویختند • من جمله ازمجاهدین وآزادی خواهان که در روز مذکور بدارزده شدند : ١ ـ ثقةالاسلام ٢ ـ شیخ سلیم ٣ ـ ضیاء العلما ٤ ـ صادق‌الملك ٥ و ٦ دو پسران مشهدی معروف بسیو ٧ ـ میرزا احمد • ٨ ـ حاجی علی دوا فروش •

میرزا علی آقای تبریزی ملقب به ثقةالاسلام فرزند حاجی میرزا موسی‌ازمشاهیر علمای آذربایجان وصاحب تالیفات عدیده است • نامبرده بجرم آزادیخواهی در سن ٥٣ سالگی در تبریز دردهم محرم ١٣٣٠ قمری بدست روسها بدار آویخته شد •

آقای دکتر شفق — (ح • ا • رضا زاده) ، حاجی آقا رضا زاده معروف به دکتر رضا زاده و یا دکتر شفق از فضلا و دانشمندان ایران ودر فنون مختلف شعر و ادب سر مد اقران است • نامبرده دوره ابتدائی ومتوسطه را درتبریز بپایان رسانیده وبعد برای فراگرفتن زبان وعلوم جدید بمدرسه امریکائیها رفته ودرنهضت آزادیخواهی که در آذربایجان پیش آمده دخالت مهمی داشته است • پس ازکودتای روسها در آذربایجان وقتل آزادیخواهان وتعطیل روزنامه شفق بترکیه مسافرت کرد ودر دبستان ایرانیان اسلامبول معلم فارسی وتاریخ ادبیات ایران بوده وبعد رابرت کالج استانبول‌را تمام وباخذ درجه اس• بی نائل شده و سه سال درهمان مدرسه بمعلمی مشغول بوده اند سپس بایران آمده وسخنرانیهائی دردارالفنون ایراد ومقالات اجتماعی درجراید انتشار داده‌اند • آقای رضا زاده شفق برای تحصیلات عالی بالمان رفته وبعد از شش سال باخذ دکتری درعلوم فلسفی بادرجه تحسین از دانشگاه برلین نائل گردیده‌اند • آثار و تالیفات ایشان علاوه برمقالات ادبی وفلسفی وتاریخی که درمجلاتی مانند ایرانشهر و ارمغان ومهر و آرمان وشرق وغیره منتشر نموده ومقدمه هائی که بربعضی از رسالات

منطبعه برلین نوشته چند کتاب نیز تالیف و طبع کرده‌اند : ۱ ـ ترجمه تاریخ مختصر ایران از آلمانی تالیف (هرن) با الحاق حواشی و تتبعات ۰ ۲ ـ تاریخ ادبیات ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر برای دوره دوم دبیرستانها ۰ ٤ ـ یك روز اززندگانی داریوش ترجمه ۰ ٤ ـ مجموعه اقتصاد ۰ شامل تاریخ مختصری از پیدایش علم اقتصاد و ترقی و تکامل آن و علمای علم اقتصاد این کتاب درسال ۱۳۰۱ شمسی در مطبعه باقر زاده در ٦۸ صفحه بستی طبع شده است ۰ ۵ مضرات الکل ۰ متن کنفرانسیت که که آقای دکتر درکالج امریکائی ایراد نموده ودرسال ۱۳۱۰ شمسی درمطبعه سیروس از نشریات روزنامه کوشش در ٥٤ صفحه بستی طبع شده است ٦ راه رهائی ۰ این کتاب اوضاع ایران را از اول مشروطه تا سال ۱۳۰٤ تشریح نموده و پس از ذکر معایب راه رهائی را ذکر کرده کتاب مذکوردرمطبعه ایران در ۷٤ صفحه کوچك طبع شده است ۰

آقای دکتر شفق از سال ۱۳۱۳ شمسی دردانشسرای عالی ودانشکده ادبیات بتدریس فلسفه و علوم تربیتی و زبانهای قبل از اسلام اشتغال وسمت استادی دردانشگاه داشته و علاوه بر این عضو پیوسته فرهنگستان ایران بوده اند ۰ پس از وقایع شهریور و در دوره چهاردهم و پانزدهم مجلس شورایملی بنمایندگی مردم طهران انتخاب کردیده و در اواخر دوره پانزدهم بامریکا عزیمت نموده ، بنمایندگی دولت ایران در سازمان ملل متفق شرکت جسته و بالاخره دراولین دوره مجلس سنا ، بسناتوری درمجلس مذکور انتخاب گردیده اند ۰ شرح احوال همکار ایشان مرحوم غنی زاده مدیر جریده فریاد و بوقلمون در جای دیگر کتاب ذکر شده است ۰

(٦۹٦) شفق

روزنامه شفق منتشره در خوی، با چاپ ژلاتین طبع وظاهرا در سال ۱۲۹۰ شمسی منتشر شده است ۰ و جای بسی تعجب است که مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان ذکری ازاین روزنامه بمیان نیاورده برون نیز در تاریخ مطبوعات فقط بذکر اسم روزنامه قناعت کرده و از سال انتشار آن چیزی ننوشته است ۰

(٦۹۷) شفق سرخ

روزنامه شفق سرخ درطهران بمدیری آقای (علی دشتی) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است شماره اول شفق سرخ در تاریخ ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۰ انتشار یافته و در سنوات اول و دوم و سوم روزنامه هفته سه شماره و از تاریخ شنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۰٤ شمسی ، اواخر سال سوم روزنامه مبدل بیومیه شده و هفته ای ۵ شماره منتشر شده است ۰ سال اول انتشار شفق سرخ در تاریخ ۱۱ حوت ۱۳۰۱ شمسی پایان یافته و برای تنظیم امور داخلی روزنامه مدت یك هفته تعطیل بوده و مجددا دو تاریخ یکشنبه هفته بعد انتشار یافته و ازاین تاریخ سال دوم روزنامه شروع گردیده است ۰ روزنامه ایران مورخ ۲٤ حوت ۱۳۰۱ شرحی تحت عنوان (سال دوم روزنامه شفق سرخ)

بدینقسم نوشته : « جریده شریفه شفق سرخ سومین شماره سال دومش شروع شد . دوره یکسال گذشته این نامه را وقتی از نظر بگذرانیم در خلال مقالات وسبك وروبه آن یك روح فاضلانه و با مزیتی را مشاهده میکنیم که موجد آثار مزبوره بوده‌است شفق سرخ درردیف همان جراید بوده است که همیشه نویسنده اش در موقع انتشار روزنامه مبداء فکری و سبك و رویه خودرا نسبت باشخاص و عقاید ازدست نداده و برای همین است که شفق سرخ جلب توجه و علاقه مندی فضلا را بخود نموده‌وامیدواریم در سال آتیه خدمات بیشتری نماید و موفقیت آقای دشتی را خواهانیم . »

در حقیقت همانقسم که در روزنامه ایران اظهار نظر شده منظور عمده از سر مقاله های روزنامه شفق سرخ تولید انقلاب افکار وتهییج روح وبیداری جامعه بود . و آقای دشتی درمقالات خود حتی‌الامکان در ترویج مدنیت غرب و آگاهی و آشنائی مردم بتمدن وترقی عصر حاضر کوشیده است . قسمت عمده مندرجات آن مقالات ادبی وعلمی است وبهمین جهت روزنامه از بدو تاسیس مورد توجه قرار گرفته است . وقتی آقای دشتی نتوانست آنطور که میخواهد افکار ونظریات خود را در روزنامه منعکس نماید از شغل روزنامه نویسی کناره گرفت وامور روزنامه را چنانکه بعدا یاد آورمی شویم بعهده آقای مایل تویسرکانی واگذار کرد . شفق سرخ از جمله روز نامه ها ی معدودیست که در تغییر افکار مردم موثر بوده وقلم جذاب ونیش دار آقای دشتی در مخالفت با دولتهای وقت رل عمده ای را بازی میکرده است مقالات تند ونافذ روزنامه سبب شد که چند بار توقیف مجددا منتشر گردد . در سال ۱۳۰۱ شمسی در کابینه قوام‌السلطنه روزنامه شفق سرخ نیز مانند سایر جراید توقیف ومجددا منتشر شد . در بارهٔ این توقیف شرحی بعنوان (تکذیب) ازطرف رئیس‌الوزرای وقت در روزنامه ایران مورخ ۲۳ جدی ۱۳۰۱ چاپ شده که آنرا عینا نقل مینمائیم : «درشماره ۱۰۷ روزنامه عصر انقلاب شرحی راجع بتوقیف جریده شفق سرخ درج واظهار شده‌است که ازقرار معلوم دولت علت توقیف جریده مزبوره را بتمایلات بندگان اعلیحضرت‌اقدس شاهنشاهی منسوب نموده است لزوما اظهار میشود که توقیف شفق سرخ فقط از نقطه نظر مخالفت با قانون مطبوعات بوده است . ریاست وزراء . »

قبل از این تاریخ نیز یکمرتبه موضوع روزنامه شفق سرخ بهیئت وزراء کشیده شده و این بار مات مقاله بوده که راجع بانتظام‌الملك معاون وزارت‌خارجه نوشته بوده است . روزنامه ایران مورخ ۹ عقرب ۱۳۰۱ شمسی درضمن اخبار داخله تحت عنوان (کمیسیون درهیئت وزرا) خبرمذکور را چنین نوشته است : « بطوریکه قبلا اطلاع داده بودیم کمیسیون منعقده‌درهیئت وزراء عصر روز دو شنبه گذشته برای رسیدگی بمندرجات جریده شفق سرخ نسبت‌بآقای انتظام‌الملك معاون وزارت امور خارجه مشغول مذاکره و تبادل افکار بوده و در نتیجه راپرتی تهیه نموده بمقام ریاست وزراء تقدیم داشته و خواستار شده اند که ازطرف دولت بآقای مدیر شفق سرخ اخطار شود که نویسنده مقاله را بدولت معرفی نمایند تا با حضور خود صاحب مقاله رسیدگی وتحقیق بعمل‌آید ونویسنده‌مقاله اسنادودلایل خودراابراز واظهارات خودراتوضیح دهد»

و اما مقاله ایکه در روزنامه شفق سرخ برعلیه آقای انتظام الملك طبع شده ، ومنتهی بتشکیل کمسیون گردیده شرحی است که در شماره ۷۹ روزنامه مورخ ۴۴ میزان بامضای (ت . ف) درج شده و خلاصه آن عبارت از چند فقره اتهام بانتظام الملك میباشد که یکی راجع بتلگرافات رمزیست که بین وثوق‌الدوله ونصرت الدوله شده و دومیه این تلگرافات نزد متهم بوده و تلگرافات را حواسته اند . نویسنده مقاله آقای مشیرالدوله را شاهد قضیه آورده است . اتهام دوم در باره از بین بردن نامه وزارت امور خارجه راجع بعملیات مرحوم محقق الدوله در رشت است که نویسنده مقاله مدعی است که این دو نامه را انتظام‌الملك از بین برده است . لازم بیاد آوریست که در همین ایام یعنی در میزان ۱۳۰۱ شمسی است که قانون موقتی هیئت منصفه در باره مطبوعات درمجلس شورایملی طرح شده است . لایحه مذکور بامضای « احمد قوام رئیس‌الوزراء » و مشتمل بر سه ماده است که ماده سوم آن این است . « ماده سوم پس از تصویب قانون هیئت منصفه این قانون منسوخ و ازدرجه اعتبارساقط خواهدبود.» ابتدا فوریت لایحه مطرح میشود و شاهزاده سلیمان میرزا وحائری زاده مخالف با فوریت بوده و پس از بیانات رئیس‌الوزراء ومختصر اختلافی که بین مدرس وسلیمان میرزا پیش می آید بفوریت لایحه رای گرفته میشود و تصویب نمیگردد مجلس برای‌چند دقیقه تنفس داده میشود ومجددا تشکیل‌میگردد . اینلدفعه باز رئیس‌الوزرا شروع بصحبت مینماید و مطالب خودرا بدینقسم شروع میکند :« گمان میکنم اصرارهای من را جمع بتقاضای فوریت لایحه هیئت منصفه کافی نبود این است که خواستم مجددا توضیحاتی عرض کنم .» قوام‌السلطنه پس از آنکه مطالبی راجع بفوریت لایحه ابراد میکند ، دنباله طلب را بدینقسم بیان مینماید : « ... بواسطه تندرویها وزیاده رویهائی که بر خلاف نص قانون جراید مرتکب میشوند دراین چند وقت هیئتهای مختلفی از هر طبقه آمده‌اند و بدولت تظلم کرده اند ، ازطرف علما تظلم شده است که نسبت بدیانت توهین میکنند ، ازطرف ذاکرین تظلم شده است که نسبت بتعزیه داری توهین میکنند نسبت بپادشاه مملکت که بایستی اورا مطابق قوانین اساسی محترم شمرد توهین میکنند بمردم توهین میکنند نسبت بوزراء توهین میکنند ؛ نسبت برئیس دولت ازهیچ نوع هتك شرفی فروگذار نمیکنند مابین وزراء ؛ تفتین میکنند اینها را بعرض میرسانم و ابدا واهمه ندارم که درجراید مرا مورد حمله قراردهند ؛ من وقتی میگویم که دولت دو چار مشکلاتی شده وشما اعتماد نمیکنید «ازطرف یکعده ما اعتماد داریم » حالا لازم می دانم که راپرتی که الان در اطاق‌تنفس رسیده است قرائت نمایم . الان راپرت‌رسید که امشب درمنزل امام جمعه روضه بوده آقای ... واعظ راجع بمندرجات جراید که درحدود دیانت مینویسند اظهاراتی کرده وبعلماحمله کرده اند بعد ازآن علمااجتماعی کرده و رای داده‌اند که مدیران میهن و پژوهش مهد و رالد هستند وقرار شده‌است که فردا بازارها را به بندند .»

هیچ لازم نبود که من این راپرت را بخوانم ولی چون اظهار عدم اعتماد می کنند مجبور شدم که این مطالب را بعرض برسانم و هیچ غرضی هم ندارم و البته باز

بسته برای آقایان است.» نقل از صورت مذاکرات جلسه روز چهارشنبه ۱۵ میزان ۱۳۰۱ شمسی از شماره ۱۲۴۰ سال ششم روزنامه ایران .

در ۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی یعنی پس از چند روز بعلت فشار علما دولت مجبور میشود لایحه‌ای تحت سه‌ماده بمجلس شورای ملی تقدیم کند و این لایحه بوسیله منصور السلطنه معاون وزارت عدلیه در تعقیب مذاکراتی که دولت با آقایان علما کرده بمجلس داده میشود مقدمه این لایحه اینطور تنظیم شده است : « مقام محترم مجلس شورایملی شیدالله ارکانه . چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است از چندی قبل آقایان حجج اسلام طهران مطالبی را از هیئت دولت تقاضا نموده اند مطالب مزبور بطور اجمال بدو موضوع است یکی راجع است بموضوع جراید ومطبوعات که اخیرا در بعضی جراید مطالبی بر خلاف اصول مذهب و دیانت انتشار یافته وآقایان حجج اسلام نظر باصل بیستم قانون اساسی اظهار مینمایند اینگونه مطالب باید قبلا بوسیله اشخاص خبره و بصیر در امور شرعیات مداقه شود بعد از آنکه عدم مخالفت آن با موازین شرعی تصدیق شد اجازه طبع وانتشار داده شود وهرگاه مدیران جراید و یا نویسندگان مقالات یا طبع کنندگان مطبوعات بدون مراجعه بمقامات شرعیه مطالبی برخلاف مذهب و دین اسلام طبع ونشر نمایند اوراق مزبور جمع آوری و توقیف شده و مدیر روزنامه و نویسنده وطبع کننده مطابق قانون مطبوعات مجازات شود . مطلب دیگر راجع بموادی است که در غیاب مجلس شورایملی باسم قانون جزای عرفی تدوین شده و بموقع اجرا گذارده شده است ..»

از سه ماده پیشنهادی دولت دو ماده آن که راجع بمطبوعات بود درجلسه یوم پنجشنبه ۱۰ عقرب ۱۳۰۱ تصویب گردید و ماده سوم آن راجع بالغای قوانین عرفی رد شد .

آقای علی دشتی در سال ۱۳۰۹ شمسی ازعالم مطبوعات کناره گرفته و مدیریت و سردبیری شفق سرخ را بآقای مایل تویسرکانی واگذار نموده است . از این وقت دیگر آقای دشتی در کار روزنامه دخالتی نداشته و اداره روزنامه مستقیما باآقای مایل تویسرکانی است . شفق سرخ از اول فروردین ۱۳۱۳ شمسی وارد سیزدهمین سال خدمت خود شده وشماره ۲۸۹۵ سال سیزدهم آن که صاحب ومؤسس آن(ع.دشتی) و مدیر مسئول و سردبیر آن (مایل تویسرکانی) معرفی شده ، در چهارصفحه بقطع بزرك باچاپ سربی در(چاپخانه اتحادیه) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۱۳ مطابق ۱۳ ذیحجه ۱۳۵۳ قمری، و ۱۹ مارس ۱۹۳۵ میلادی منتشر شده است . محل اداره : خیابان فردوسی (علاءالدوله) نزدیك میدان سپه . نمره تلفن ۱۳۸۵ . قیمت اشتراك داخله : یکساله ۹۰ ریال ؛ ششماهه ۴۵ ریال . خارجه یکساله ۲۰۰ ریال تکفروشی درطهران ۵ شاهی . درشهرها ٦ شاهی . مندرجات شفق سرخ پس از درج سرمقاله عبارت ازمقالات مختلف و سخنرانیهای دانشمندان واخبار داخله ومذاکرات مجلس شورایملی بتفصیل واخبار وتلگرافات خارجی است . صفحه چهارم روزنامه مخصوص درج اعلانات است . در پاورقی روزنامه رمانهای مفیدی طبع شده . و در

در شماره نمونه ترجمه رمان (آشیانه عقاب) چاپ شده است . بر واضح است که اوضاع و احوال مملکت ازمدتی قبل از آنکه روزنامه بعهده آقای مایل تویسرکانی واگذار گردداجازه نمیدادمقالات انتقادی‌وتند درروزنامه درج گردد ولذا روزنامه شفق سرخ از این حیث خیلی خشك و کم مغز وبیشتر باخبارداخلی وخارجی‌روزنامه اهمیت داده شده است .

آقای علی دشتی — آقای علی دشتی صاحب امتیاز وموسس روز نامه شفق از نویسندگان مبرز و سیاستمداران معروف بشمار میروند . شرح احوال ایشان در بازیگران عصر طلائی بتفصیل نوشته شده و ما در اینجا اجمالا یاد آور میشویم که آقای دشتی چند دوره نماینده مجلس شورایملی بوده و در زمان اعلیحضرت فقیدمدتی منزوی، و خانه نشین بود . پس از وقایع شهریور دومرتبه بنمایندگی مجلس انتخاب شد و فعلا هم با سمت سفیر کبیری در قاهره پایتخت مصر بسر میبرد . آقای دشتی کتابی بنام ایام محبس تالیف نموده و در آن وضع زندگانی خویش را در زندان شرح داده است . آقای دشتی علاوه برمعلومات قدیمه از زبانهای فرانسه وعربی بهره ور وکتب نفیسی تالیف و ترجمه نموده . کتبی که مشارالیه ترجمه وطبع نموده است:

۱ ـ اعتماد بنفس تالیف اسمایلز . این ترجمه آن در ایران خیلی شهرت پیدا کرده قبل از آقای دشتی باز هم بطور ناقص ترجمه شده بوده (رجوع شود بجلد اول کتاب ذیل مجله آفتاب) وترجمه آقای دشتی یك مرتبه درسال ۱۳۰۵ شمسی بطبع رسیده و بار دیگر در سال ۱۳۰۸ در ۱۸٤ صفحه در مطبعه شفق طبع گردیده . مندرجات‌اعتماد بنفس پس از شرح حال اسمایلز ومقدمه مترجم عبارت است از : اعتماد برنفس . ارباب سعی و کوشش ـ مخترعین و مکتشفین ـ سه چینی‌گر بزرك ـ سعی وثبات . تصادف و فرصت ها ـ نقاشان و حجاران ـ طبقه اشراف وکار ـ پشتکار و شجاعت . تاآخرکتاب

۲ — تفوق انگلوساکسن ـ این کتاب را یکنفر فرانسوی راجع بعلل برتری نژاد انگلوساکسون نوشته و آقای دشتی آنرا بفارسی ترجمه نموده است . ترجمه آقای دشتی یك مرتبه در ۱۳۰۳ شمسی درمطبعه باقر زاده در ٤۰۹ صفحه خشتی چاپ شده وقیمت آن یکتومان است بعد نسخ آن نایاب گردیده و بار دیگر درسال ۱۳۱۱ بطبع رسیده است .

۳ — نوامیس روحیه تطور میل . تالیف گوستاولوبن ترجمه علی دشتی‌درسال ۱۳۰۲ درمطبعه قشون در ۲٤۲ صفحه پستی طبع شده . این کتاب درموضوع سر تطور ملل نوشته شده است .

آقای میرزا یدالله خان مایل تویسرکانی — پس از آنکه آقای دشتی از کار روزنامه شفق سرخ کناره گرفت آقای مایل تویسرکانی که قبلا مدت دوسال سر دبیری روزنامه یومیه ستاره ایران را عهده دار بود ، شفق سرخ را عهده دار گردید ومدت چند سال روزنامه بمدیری نامبرده منتشرمیشد . آقای مایل که بتحصیلات قدیم و جدید وزبان فرانسه وعربی آشنا بودبیشترعمرخودرا درخدمت بفرهنگ گذرانیده ومن جمله مدرسه‌ملی تویسرکانی ازکارهای فرهنگی‌ایشان‌است . قریب‌سه سال‌مدرسه‌اتحادایرانیان

بادکوبه) را اداره میکرد و درحدود متجاوز از سه سا ریاست معارف ایالتی مازندران را داشته ؛ سپس بریاست معارف استراباد و صحرا منصوب گردید • پس از وقایع شهریور نیز چندی فرهنگ کرمان را عهده دار بود و زمانی هم در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ کار میکرد تا بالاخره در تیرماه ۱۳۲۹ شمسی درطهران زندگانی را بدرود گفت • مرحوم مایل علاوه برنویسندگی شاعری زبردست بود و اشعار او در مجلات مختلف بطبع رسیده است •

(۶۹۸) شکر

روزنامه‌شکر در شهر تبریز بمدیری (محمد علی‌عبدالمناف زاده) تاسیس‌وبطور هفتگی ؛ با چاپ سنگی منتشر شده است . مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه شکر مینویسد : « روزنامه هفتگی منتشر درتبریز بمدیریت محمدعلی عبدالمناف زاده در ۱۳۲۵ قمری .» برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (ص۱۱۱) پس از آنکه شرح بالارا نوشته اضافه میکند که من نمره سوم این روز نامه را دارم و این نمره درتاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری در چهار صفحه بقطع ۶ و سه‌چهارم در ۱۱ و سه چهارم اینچ طبع و منتشر گردیده • این شماره با چاپ سنگی و خط تعلیق ریز وبزبان ترکی آذربایجانی است • وجه اشتراك سالیانه روزنامه در تبریز ۵ قران . در سایر شهرهای ایران ۷ قران و در روسیه دو منات است •

(۶۹۹) شکوفه

دومین روزنامه که در طهران بدست بانوان نوشته ومنتشر شده روزنامه‌شکوفه است • روزنامه مصور شکوفه که بمنظور بیداری توده نسوان تاسیس یافته در سال ۱۳۳۱ قمری بمدیریت‌خانم (مزین‌السلطنه) رئیس مدرسه مزینیه منتشر شده است این روزنامه بصاحب امتیازی‌ومدیره مسئوله (در عنوان روزنامه اینطور است) مزین السلطنه ؛ صبیه مرحوم آقا میرزا سید رضی رئیس‌الاطباء تاسیس وشماره چهار سال اول آن در چهار صفحه باچاپ سنگی طبع ودرتاریخ ۱۱ شهر ربیع الاول ۱۳۳۱ قمری انتشار یافته و صفحه چهارم آن مخصوص کاریکاتور عروس و داماد ومادر عروس است• محل اداره روزنامه : طهران • خیابان ماشین نمره ۴۱ • محل توزیع خیابان ناصریه کتابخانه ترقی • اسم روزنامه (شکوفه) بخط نسخ نوشته شده وبالای آن این شعر درج است : (باد آمد و بوی عنبر آورد ٭ بادام وشکوفه بر سر آورد •)

قیمت اشتراك روزنامه : طهران یکساله ۵ قران • ششماهه ۲ قران • تکنمره همه جا صد دینار • سایر ولایات یکساله ۸ قران • خارجه یکساله ۶ فرانك اعلانات درستون اول سطری دهشاهی درستون آخر پنجشاهی • روزنامه شکوفه ، درزیرعنوان درضمن دو سطر ، بدینقسم معرفی شده : « روزنامه ایست اخلاقی ادبی ، حفظ الصحه اطفال ، خانه داری بچه داری مسلك مستقیمش تربیت دوشیزگان وتصفیه اخلاقی زنان راجع بمدارس نسوان • فعلا ماهی دو نمره طبع میشود •» بیشتر مندرجات و مقالات

شکوفه راجع بمدارس نسوان و طرز امتحانات آنها و سایر امور مربوط بنسوان و دوشیزگان است . سرمقاله شماره پنجم بعنوان (مدرسه چه نام است) نوشته شده . سال اول با انتشار شماره ۱۷ خاتمه پیدا کرده و تمام نمرات این سال درصفحه چهارم دارای کاریکاتور است .

سال دوم شکوفه بشماره ۱۸ مورخ ۲٦ ذیحجه ۱۳۳۱ قمری شروع گردیده و این شماره با چاپ سربی طبع شده است . شماره اول سال سوم در چهار صفحه با چاپ سربی طبع و در تاریخ ٦ محرم ۱۳۳۳ منتشر گردیده ، مقاله افتتاحی این شماره بدین عنوان است : « کوشش بی فایده است وسمه بر ابروی کور » . در این شماره مقاله بقلم مرحوم ادیب الممالک راجع بتدبیر منزل درج است . شماره اول سال چهارم بهمان سبك و قطع سال سوم در غره شهر صفر ۱۳۳٤ قمری منتشر شده وشعر زیر درضمن قصیده‌ای از مرحوم ادیب‌الممالك راجع بماده تاریخ سال چهارم شکوفه درج است ماده تاریخ شکوفه .

گفتم با دیب بهر تاریخش زیبا و ستوده مصرعی بر گو
افزود یکی برآن سپس گفتا گیتی شده ازشکوفه‌چون‌مینو ۱۳۳٤

شماره ۱۱ سال چهارم شکوفه در تاریخ ٥ شنبه غره ذیقعده ۱۳۳٤ قمری نشر شده و محل اداره آن در مدرسه مبارکه مزنیه طهران . خیابان ماشین ، در خیابان اسدالدوله نمره ۲۱ معین گردیده است .

در دیوان ادیب‌الممالك چاپ وحید ص ٤۷۸ دو فرد شعر زیر بعنوان (تقریظ جریده شکوفه) چاپ شده .

فروغش گر بتابد برشکوفه شود روی زمین یکسر شکوفه
گل‌ازخارآورد درسنك‌خارا برارد چون زخاك تر شکوفه

و نیز درصفحه ٤٤٤ دیوان مذکور قصیده مفصلی از ادیب‌الممالك تحت عنوان « درآغاز سال چهارم شکوفه ۱۹ محرم ۱۳۳٤ » درج است که مطلع وچند شعرآن چنین است .

گیتی شده از شکوفه چون مینو از لاله لعل واز گل خوشبو
این سال چهارم است کامد باز گل‌درصف‌باغ وآب اندرجو
. . . .
گر شیر شود حسود نتواند زین نامه دقیقه‌گرفت آهو
زیب از قلم مزینی دارد این نامه نغز دلکش دلجو
خاتون بزرگوار با فره بانوی سروشیار با نیرو

(۷۰۰) شمال غرب

روزنامه شمال غرب درشهر تبریز بمدیری آقای باقر نطاق تاسیس‌ومنتشرشده است . مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان راجع باین روزنامه مینویسد :
« روزنامه هفتگی شمال غرب منتشر درتبریز با چاپ سربی بمدیریت و نویسندگی باقر

نطاق درسال ۱۳۰۷ » آقای باقر نطاق علاوه‌براین روزنامه روزنامه‌های، دیگری‌بنام کلید نجات ؛ عنکبوت و روزنامه طلیعه سعادت را درتبریز منتشرنوده است وما‌درمحل خود از یك یك این جراید گفتگوخواهیم کرد•

(۷۰۱) شمس

قبل ازآنکه بذکرخصوصیات روزنامه شمس منتشره دراسلامبول بپردازیم،شرحی راکه مرحوم کسروی درجلد سوم تاریخ مشروطه ایران راجع باین روزنامه نوشته نقل میکنیم . مرحوم کسروی در باره روزنامه شمس دراسلامبول مینویسد : « یکی‌ازکارهای ایرانیان دراستانبول ابودکه روزنامه بنام شمس با زبان فارسی بنیاد نهادندکه اگرچه ناشایندگی ازخود نمود ؛ وهمانا دارنده ونویسنده‌آن (سید حسن تبریزی) زود فریب میخورده و بپاس خواهش یا بچشم داشت سود ازهرکسی بستایش میپرداخته با این‌حال درآن هنگام دراستانبول بیك روزنامه فارسی نیاز بسیارمیبود و این روزنامه نیزیاوری به پیشرفت‌کار تبریز کرده است• ص۱۹۷ کتاب مذکور•» اکنو نکه بنا برنوشته مرحوم کسروی محقق شد که روزنامه شمس درخارج ایران کمك بزرگی بتاسیس مشروطیت ایران نموده بذکرخصوصیات آن میپردازیم

شماره اول روزنامه شمس بمدیری (سید حسن) درهشت صفحه بقطع پستی‌بزرك ٦ونیم در ۹ اینچ با چاپ سربی (مطبعه جهان ـ سید حسن) طبع و درتاریخ ۸ شعبان ۱۳۲٦ قمری مطابق ۲۲ اغتوس ۱۳۲٤ منتشرشده است • دراین شماره قبل ازسرمقاله عکس شهیدحریت‌آقامیرزا نصرالله‌ملك‌المتکلمین چاپ شده‌ودرزیرآن‌مقاله‌افتتاحی‌روزنامه بدینقسم شروع میگردد : « بنام یکتا نه بیچون ستایش مر اورا سزاست‌که دراین مشت خاك روان پاك دمیده و برهمه آفریدگان خود برگزیده• خرد وهوش بخشیده تانیك را از بد وخوب را از رد توانند شناخت • هر آنکو ره براستی پوید رستگار شود وکسی که‌کجی پیشه سازد سرنگون وگرفتارآید •••• (پس از اینمقدمه مینویسد) ما بنشر روزنامه هفتگی‌که از منافع ونشرمقاصد ملی در او ذکر شود مبادرت ورزیده و بدیهی است‌که با فداکاری یك تن این‌مقصد مقدس حاصل نخواهد شد لهذا از پیشگاه منزه وجدان خداوندان افکارصائبه کمك میطلبیم •»

پس از سرمقاله مذکور ، مقاله دیگری بعنوان (مقاله مخصوص) و بعد مقاله (ایران و ایرانیان) سپس‌اخبارداخله وتلگرافات‌مربوط بایران چاپ‌شده‌است •درشماره دوم‌که در۱٤ شعبان ۱۳۲٦ قمری نشرشده عکس مرحوم‌سید جمال‌الدین واعظ‌اصفهانی درصفحه اول این شماره طبع گردیده است •

طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در بدو تاسیس هرروزجمعه و بعد روزهای پنجشنبه طبع وتوزیع میشده •کلیه امور اداره و تحریریه با مدیر روزنامه (سید حسن تبریزی) ولی مدیرمسؤل (محمد توفیق) است‌که نامش درانتهای صفحه‌آخردیده‌میشود قیمت اشتراك سالانه روزنامه دراسلامبول ٦۰ غروش ، در ممالك عثمانیه ۷۵ غروش • درایران ۳۵ قران• درروسیه ٦ منات• دراروپا ۱۷ فرانك •قیمت‌یك‌نمره‌یك‌غروش‌است.

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی و مقالات مختلف بیشتر وقایع مربوط بایران و یا ترجمه مطالب و اخباریست که روزنامه های خارجی در باره ایران نوشته اند وچون روزنامه در خارج ایران منتشرمیشده ونویسنده آن فکری باز وقلمی آزادداشته ازاین جهت بدون پروا و مانع در قضایا بحث وگفتگو مینماید و ازخائنین ودرباریان بدگوئی میکند . همین حقیقت‌نویسی و بی باکی مدیر شمس سبب گردیده که‌روزنامه از همان ابتدا طرف توجه ایرانیان قرار گیرد وبرای قرائت مطالب آن روزنامه دست بدست بگردد . دراین باره در شماره ۱۹ سال دوم بعنوان عرض تشکر و اعتذار این طور مینویسد : « در این اواخر ازهم وطنان محترم ومعزز مکاتیب عدیده و اصل و این خادم ملت را نهایت مرتبه بغیر لیاقت تلطیف و مورد انواع محبت فرموده اند اداره شمس از ادای تشکر آنها عاجز است . هموطنان محترم در باره روزنامه شمس در زمان اندك حسن ظنی که حاصل نموده وبخلاف مامول نائل رغبت و مظهر توجه عامه فرموده اند مارا درتوسیع دائره خدمت بوطن نازبانه غیرت خواهد شد . » در جای دیگر همین شماره مینویسد: « دراثر توجه عامه مردم بقرائت روزنامه شمس کار بجائی رسیده که بعضی نمره های آن در طهران و شهرهای دیگر بقیمت یکتومان و زیاد تر خرید و فروش شده است . » و این خود اهمیت روزنامه شمس را در بین مطبوعات فارسی میرساند .

اسم روزنامه (شمس) بخط نسخ درشت واین عبارات درزیر عنوان روزنامه درج است : « دراین جریده هرقسم مقالات تاریخی وسیاسی وعلمی و ادبی درج واز منافع دولتی و مملکتی بحث میشود و کلیه مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و در انتشارش روزنامه آزاد است . قیمت اعلان عادی سطری ۳ و اعلان بانك و امور صرافی ۵ اعلانات مخصوصی‌که در جای حوادث درج شود سطری ۱۵ غروش است.» دربعضی‌شماره های شمس تصاویر سران مشروطیت وعکسهای جمعی چاپ شده که منجمله در صفحه اول شماره ۱۲ سال دوم مورخ ۲۸ شول ۱۳۲۷ قمری تصویر جمعی ازسران مشروطه طبع گردیده است : (مهندس الممالك ؛ جناب سپهدار ؛ عین‌الدوله ، حضرت عضدالملك پرنس فرمانفرما ؛ مستوفی‌الممالك ، سردار اسعد .) درشماره ۱۳ تصویر (تالار بزرك عمارت بهارستان) چاپ شده . درشماره ۱۹ سال دوم مورخ ۱۶محرم ۱۳۲۸ تحت عنوان (اتحاد روسها با رحیم خان) دوعکس که دریکی تصاویر « رحیم خان ضرغام ـ بلیانف نایب قنسول روس درتبریز » نمره‌گزاری شده ، طبع گردیده است قسمتی ازسرمقاله شماره ۱۳ سال دوم شمس که باعث توقیف روزنامه درسرحد ایران وجلوگیری ازآن گردیده چنین است :« افتتاح مجلس شورایملی ـ صورت تلگرافیست که ازطهران بسفارت کبری رسیده ـ روزدوشنبه غره ذیقعده دوساعت از ظهر گذشته مجلس‌شورایملی درحضور اعلیحضرت همایونی ونایب‌السلطنه وخانواده سلطنت کورد دیپلوماتیك ، علما وزراء ؛ امراء مفتوح خواهد شد. لازم است در آنموقع رسم قبول داده شود . علاءالسلطنه».

اساس مقدس مشروطه وقانون اساسی را مرحوم خلدآشیان مظفر الدین شاه

وار نمود و وی فرزند ناخلف اومحمد علی میرزا قدر این نعمت جهان قیمت را ندانسته
نکه پس ازامضای قانون مشروطیت ولایتعهدی او از طرف ملت شناخته شده بودوبعد
وت مرحوم مظفرالدین شاه مجدداًسوگند یاد نمود وامضاگذارد تاملت اورابپادشاهی
رفتند ولی همینکه بجای پدر براریکه سلطنت قرارگرفت کجی اندیشه و نادانی و
وت پرستی وفریب برخی مردمان نفس پرست کم خرد بیدانش که در دور او گردآمده
بودند اورا برآن داشت که قدر این نعمت بزرك که برایگان اورا دست داده بود تقدیر
ننموده بمخالفت ملت برخواسته و در صدد اختلال این اساس مقدس مشروع بر آید شیخ
ری و کوراملی وشیخ‌مردودوراميني‌نیزمو‌يد خیالات‌او گردیدند وبرگمراهی اوافزود..»
اقسم که یادآورشدیم نمره ۱۳ وهمچنین ۱۲ سال دوم روزنامه‌از ورود بخاك ایران
نوع گردید و دریکی از شماره‌های بعد خطاب بعلاء السلطنه راجع بتوقیف روزنامه
طور مینویسد : « حضرت علاء السلطنه ! از قراریکه درچند مکاتیب نوشته اندگویا
ره‌های ۱۲ و۱۳ روزنامه شمس را امر بتوقیف داده‌اید نمیدانم دراین زمان آزادی و
روطیت باکدام قانون وکدام وجدان و باحکم کدام محکمه این امراستبدادی ازاداره
آنحضرت صادرشده » مقاله مذکور باین جملات ختم میشود (بلی آشکارا میبینم که‌مارا
جبور خواهید ساخت که چنانکه امیل زولا درمسئله دریفوس با عنوان (ژاکوز)تمام
خفایای اکابر واعیان فرانسه راکشف نمود ماهم پرده را از روی‌کار برداشته وکشف
حقایق نمائیم .)

روزنامه حکمت منطبعه مصر درنمره ۹۲۴ مورخ ۱۵ ذیقعده ۱۳۲۶ قمری پس از تمهید مقدمه مبنی براینکه اساس آزادی برروزنامه و مدرسه است در باره طلوع وزنامه شمس اینطورمینویسد : « مارا هم تا جمادی‌الاولی دلخوشی که در جهان بود ان اول مجلس شورایملی بود و دوم فراوانی روزنامه های فارسی در داخل و خارج که بنا گاه بارانی وزید ومجلس شورایملی خراب وجریده نگاران برخی‌شهید و بعضی‌نایاب شدند تا ناگهانی درهفته‌گذشته سه شماره (۹ر۱۰ر۱۱) شمس از افق استانبول‌تابیده و باداره حکمت رسید لهذا صاحب امتیاز جریده شمس (آقای سید حسن خوی) صاحب کتابخانه شمس را تبریك مینمائیم و بقاءآنرا خواهانیم .»

۷۰۲) شمس

روزنامه شمس درطهران بمدیری وصاحب امتیازی (میرزا سلیمان‌خان‌خسروی) تاسیس ودوسال ۱۳۰۱ شمسی منتشرشده‌است . آغاز انتشارشمس‌درسرطان سال مذکور بوده و شماره اول سال دوم‌آن درچهارصفحه بقطع بزرك ، با چاپ سربی؛ درمطبعه (سعادت) طبع ودرتاریخ پنجشنبه ۲۵دلو ۱۳۰۲ مطابق ۷ رجب ۱۳۴۲ قمری‌منتشرشده مندرجات روزنامه شمس پس ازدرج مقاله اساسی عبارت ازمقالات مختلف واخبارولایات ومرکز میباشد ومن‌جمله مقاله اساسی شماره اول سال دوم تحت عنوان (فکر اساسی کنید) ومقاله دیگرآن بقلم (محمد علی‌اطمینان) تحت عنوان (انقلاب . انقلاب در زمینه اقتصاد) نوشته شده است .

طارز انتشار شمس هفتگی قید شده و آیه‌الشمس تجری لمستقرلها . بالای اسم روزنامه بعنوان شمار درهرشماره طبع گردیده‌است . قیمت اشتراك درهمه‌جا یکساله وشش ماهه ٤ تومان و نك نمره باکاغذ معمولی شش‌شاهی . اعلانات ولوایح بقیمت مناسب پذیرفته میشود . محل اداره روزنامه: طهران .بالاخانه شمس‌العماره . شماره دوم سال دوم شمس درتاریخ چهارشنبه ۸ حوت ۱۳۰۲ چاپ وتوزیع شده است . در شماره ٦ سال دوم مجله الکمال‌منطبعه خراسان ؛ مورخ ۲٥ سرطان ۱۳۰۱ شمسی شرحی بعنوان (طلوع دیرین درطهران) راجع بروزنامه شمس وروزنامه خورشید نوشته که خلاصه از آنچه راجع بروزنامه شمس است ذیلا نقل مینمائیم :

« درموقع تیرگی افق سیاست و پراکندگی افکارعمومی خورشید جهان افروز جریده فریده شمس که درخاتم سلیمانی نقش نگین خسروانی داشت ازافق طهران طالع. جریده مزبور بقلم ادیب دانشمندآقای میرزا سلیمان‌خان خسروی که در مطبوعات عدیده آثار قلمی ایشان یادگارگذاشته شده نگاشته میشود وموقتاً بطور هفتگی طبع و سالی پنج تومان وجه اشتراك دارد . مقاله شماره اول آن جریده تحت این عنوان است : نهضت اسلام ـ قدم اول) »

(۷۰۳) شمس طالع

روزنامه شمس طالع درطهران در سال ۱۳۲٥ قمری منتشرشده است . برون که شرح مذکور را نوشته (ص ۱۱۲ کتاب مطبوعات‌وشعرفارسی)اضافه میکندکه نمونه‌ای از این روزنامه را در دست ندارم.

(۷۰٤) شورای ایران

روزنامه هفتگی‌شورای ایران‌درتبریز ازطرف (انجمن مشورت) تاسیس ودرسال ۱۳۲٦ قمری‌منتشرشده است . نمره دوم این روزنامه درتاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی سال‌مذکور انتشار یافته ومسلك آن سیاسی وطرفدارآزادی ومساوات است. موسسین و نویسندگان اصلی روزنامه سه‌نفرآزادیخواه مقتول مرحومین (میرزاسعید سلماسی ـ سید حسن‌شریف زاده و حاجی‌علی دوا فروش) میباشند. (تاریخ مطبوعات برون ص ۱۱۲). مرحوم تربیت درفهرست جرایدآذربایجان راجع‌بشورای‌ایران بطوراختصار یادآورشده مینویسد: « روزنامه هفتگی منتشر در تبریز باچاپ سربی ازطرف انجمن مشورت در ۱۳۲٦ . »

سید حسن شریف‌زاده ـ مرحوم سیدحسن شریف‌زاده که ازموسسین‌ونویسندگان شورای‌ایران بوده فرزند مرحوم سیدمحمد شریف‌العلمای تبریزیست. نامبرده‌ازمجاهدین بنام مشروطیت در تبریزاست. پس‌از بمخاطره افتادن مشروطیت و اختلاف بین محمدعلی میرزا و وکلای مجلس شریف زاده از آزادیخواهانی بودکه بیش از سایرین مردم را بحفظ مشروطیت وقانون اساسی تشویق میکرد و با نطقهای آتشین شور آنان را دوصد چندان مینمود. پس ازاعلان مشروطیت ازطرف اهالی تبریز بعضویت انجمن ایالتی‌تبریز منتخب شد و بالاخره در روز ۲۷ رجب ۱۳۲٦ قمری، موقعیکه از انجمن بخانه میرفت

هدف گلوله چند تن قرار گرفت وچون بسختی مجروح شده بود پس ازچند ساعت در گذشت. شرح احوال مرحوم شریف زاده بتفصیل در تاریخ مشروطه کسروی و شماره دهم سال سوم مجله یادگار مذکوراست •

(۷۰۵) شورای بلدی

روزنامه هفتگی شورای بلدی در۱۳۲۵ قمری درطهران منتشر شده است• برون که نام این روزنامه‌راضبط کرده (ص ۱۱۲ کتاب برون) اضافه میکند که من نمونه آن را ندیده‌ام •

(۷۰۶) شوش

درتاریخ ۲٤ تیرماه ۱۳۰٤ امتیاز روزنامه شوش درخوزستان بمدیری (میرزا هدایت‌اله فلسفی)از تصویب شورایعالی معارف گذشته است • روزنامه شوش که‌صاحب امتیاز ومدیر آن (ه. فلسفی‌شیرازی) ثبت شده درشهر محمره از بلاد خوزستان‌انتشار یافته ونگارنده چند شماره‌آنرا که متعلق بمهرماه ۱۳۰۵ شمسی بود سابقاً دیده‌ام ولی فعلا نمونه‌ای ازآنرا دردست ندارم •

(۷۰۷) شوری

روزنامه شوری درطهران بمدیری(ناصرالاسلام گیلانی) تاسیس ودرسال۱۳۳۲ قمری هفته سه بارمنتشرشده است • روزنامه چهره‌نما ، درشماره ۸ سال ۱۱ مورخ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ قمری راجع بانتشار روزنامه شوری اینطورنوشته است:«گرامی‌نامه روزنامه نامی‌شوری منطبعه طهران ازکلک یگانه فاضل دانشمند عزیز وفرزانه‌کامل‌بی نظیرآقای ناصرالاسلام رشتی است که سالهای متمادیست درطریق حفظ استقلال ایران و آزادی ایرانیان بانواع مخاطرات وزحمات خودرا دچار ساخته که ما بموقع خود ذکر اعمال غیرت اشتمال ایشان را درصفحات گذشته چهره‌نما نموده‌ایم•»

درکتاب مختصر تاریخ مجلس ایران از انتشارات کاوه صفحات ٦۷ و۷۹راجع بمدیر روزنامه شوری مینویسد ؛ سید یحیی رشتی ملقب بناصرالاسلام پسر سید حسن نمامانی مدیر روزنامه شوری منطبعه تهران در دوره دوم مجلس شورایملی که‌ازتاریخ دوم ذیقعده ۱۳۲۷ قمری تا ۳ محرم ۱۳۳۰ دائر بوده وکیل (فومن و شفت وگسکر) بوده ومسلك اعتدالی داشته است • دردوره سوم مجلس که تاریخ افتتاح آن ١٦محرم ۱۳۳۳ قمری و تاریخ انفصال آن ۷ محرم ۱۳۳٤ قمری بوده مجدداً ازطرف اهالی فومن وشفت وگسکر انتخاب شده ومسلك اعتدالی داشته است•

مرحوم ناصرالاسلام یکمرتبه درسال۱۳۳۰ قمری از طرف روسها زندانی گردید بدینقسم که روسها درسال مذکور پس ازوقایع تبریزوگلوله بستن بحرم حضرت رضا ، درطهران قریب پنجاه نفررا حبس وزندانی‌نموده که من‌جمله سیدعلی‌یزدی ؛ ناصرالاسلام رشتی ، سید محمدرضا مساوات ؛ شریف‌زاده ورفیع‌زاده وسلیمان میرزا بودند روزنامه

شوری در۱٦ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری، سال دوم انتشارش بوده ومرحوم ناصرالاسلام درسال ۱۳۰۱ شمسی درنظرداشته است مجدداً روزنامه را درطهران منتشر نماید ولی نگارنده از انتشارمجدد آن اطلاع قطعی ندارم . طلوع مجدد شوری را در شماره ٦ دوره پنجم روزنامه نوبهار مورخ سه شنبه ۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی بدینقسم خبرداده است : « بقرار اطلاع اخیرروزنامه شوری که ازجراید قدیمی وازموسسات ملی ومهم ویکی ازیادگارهای درخشان دوره سوم مجلس شورایملی است، درتحت مدیریت عنصر آزادیخواه وفاضل آقای ناصرالاسلام مدیرسابق شوری ونماینده دوره سوم مجلس بزودی منتشرخواهدشد. »

(۷۰۸) شهاب

روزنامه شهاب در طهران بمدیری و مؤسسی (فخرالدین وفا) تاسیس و درسال ۱۳۰۱ شمسی منتشرشده است . شماره ۷٤ شهاب باقطع بزرك وباچاپ سربی بمؤسسی ونگارندگی (فخرالدین وفا) طبع و در تاریخ ۱۳ شعبان المعظم ۱۳٤۱ قمری انتشار یافته . شهاب روزنامه ایست اخباری و پس ازدرج سرمقاله راجع باوضاع روز ، مقالات مختلف واخبار بتفصیل درآن درج است . درشماره ۷٤ درضمن اخبار روزنامه مینویسد: « آقای میرزا محمد علیخان جاهد که یکی از جوانهای تحصیل کرده است از طرف اعلیحضرت همایونی بلقب بنیل امیرجاهد مفتخر گردید. »

در دوره پنجم مجلس تقنینیه چهارده نفر ازنمایندگان که با رویه سردارسپه مخالف بوده دسته اقلیت را تشکیل میدادند. پیشوای اقلیت درمجلس مرحوم سیدحسن مدرس بود درخارج مجلس نیزعده ازمدیران جراید وابسته بدسیاه اقلیت بوده ومدیران جراید اقلیت عبارت بودند ازآقایان رسا مدیر روزنامه قانون ؛ عباس اسکندری مدیرروزنامه سیاست رحیم زاده صفوی مدیر آسیای وسطی و فخر الدین وفا مدیر روزنامه شهاب . مدیران جراید وابسته باقلیت پس ازقتل میرزاده عشقی بعنوان نداشتن تامین جانی از حکومت وقت درمجلس شوری تحصن اختیار کرده ونامه ای برئیس مجلس نوشته‌اند .مدیرروزنامه شهاب علاوه برامضای نامه مدیران جراید اقلیت ، ورقه بعنوان ضمیمه شماره ۱۳۳روزنامه شهاب مورخ دوشنبه ٤ ذیحجه ۱۳٤۲ قمری طبع ومنتشر کرده . دراین ورقه مقاله شیوائی بعنوان (مرك شاعر- خون بیگناه) نوشته شده وآن راآقای علی اکبر سلیمی درمقدمه دیوان عشقی منطبعه سال ۱۳۲٤ شمسی نقل کرده با این تفاوت که رباعی زیر بعنوان ماده تاریخ مرك عشقی درمقاله مندرج درمقدمه دیوان چاپ نشده ودرورقه ضمیمه موجوداست:

رباعی

دیومهیب خودسری چون زغضب گرفتدم ... امنیت از محیط ما رخت به بست و گشت گم
حربه وحشت وترور کشت چومیرزاده را ... سال شهادتش بخوان : عشقی قرن بیستم.
(۱۳٤۲)

رباعی مذکور اثرطبع شهید راه آزادی فرخی یزدی مدیرروزنامه طوفان است. ازروزنامه شهاب فعلا تا شماره ۱۳٦ سال سوم مورخ سه شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳٤۲ قمری دردست است .لازم است یادآورشویم که پس از مدتی که ازنشر روزنامه شهاب گذشته

آقای فخرالدین و فاموس و آقای علی افضلی بعنوان مدیر معرفی شده اند درآخرین شماره کا از روزنامه در دست است نیز آقای علی افضلی مدیر روزنامه معرفی شده است • آقای فخرالدین و فا همان کسیست که مدتی روزنامه رسمی را عهده داربوده و برای اطلاع از این جهت بحرف ر کتاب رجوع شود •

۷۰۹) شهاب ثاقب

روزنامه شهاب ثاقب درطهران بمدیری (میرزا احمد نراقی) تاسیس ودرسال ۱۳۳۳ قمری منتشرشده است • شماره اول سال اول شهاب ثاقب درهشت صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۵ محرم الحرام ۱۳۳۳ قمری مطابق ۲۲ قوس ۱۲۹۲ شمسی و۱٤ دسامبر ۱۹۱٤ میلادی انتشار یافته • دراین شماره صاحب امتیاز ومدیرمسئول (آقازاده نراقی) ومحل اداره : طهران . جلوخان شمس‌العماره و عنوان تلگرافی : طهران شهاب ، معین گردیده است . طرز انتشار روزنامه هفته‌سه‌نمره وقیمت تك نمره چهارشاهی است • در عنوان روزنامه ، شهاب (روزنامه فارسی ملی مستقل‌الافکار)معرفی گردیده ومندرجات آن پس ازدرج مقاله اساسی ، اخبارداخله وبیشتر وقایع واخبار مربوط بجنك بین‌المللی‌است •

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان(پروگرام دولت ایران بمناسبت افتتاح دوره سوم پارلمان) استو بعد متن نطق اعلیحضرت و سپس خلاصه ازمذاکرات مجلس‌شورای ملی وحوادث اخیره جنك بین‌الملل مندرجات شماره اول شهاب ثاقبرا تشکیل میدهد• قبل از آنکه شماره اول روزنامه طبع و توزیع گردد (بیان نامه) از طرف اداره روزنامه شهاب ثاقب دردوصفحه چاپ ودر تاریخ پنجشنبه ۲۱ محرم ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است •

مندرجات بیان نامه بدینقسم شروع میگردد : « روزنامه شهاب ثاقب درهفته آتیه بیاری خداوند متعال با امیدواری بغیرت وحمیت و معارف پرستی هموطنان عزیز درساحت اظهار عامه معروض میگردد • دراین ورقه برای روشن شدن‌مقصد ومرام‌خود نکات زیررا یادآورشده اولا سعی خواهیم‌کرد روزنامه دراوقات معینه منتشر شود ثانیاً عجالتا باکمی‌کاغذ بواسطه جنك بین‌المللی هفته سه نمره طبع میکنیم ثالثا منظور تقویت حکومت ملی‌است ٤ تقویت حکومت ایران ٥ انبساط روح عدالت‌وحسن جریان ٦ تحصیل اخبارمعتبره •» شماره اول روزنامه درمطبعه ایران طبع شده و همانقسم‌که یادآور شدیم قسمت مهم مندرجات آن وقایع واخبارجنك بین‌المللی‌است •

آبونه سالیانه یکصد و پنجاه نمره درطهران ٤٥ قران ، ولایات داخله ٥٠قران قیمت اعلانات سطری سه قران • صفحات دیگرسطری سی‌شاهی• تك‌نمره پنجشاهی • ازروزنامه شهاب ثاقب فعلا تا شماره ٤٤ مورخ یکشنبه ۲٦ جمادی‌الاول ۱۳۳۳ قمری مطابق ۲۱حمل دردست است •

ولی بطور قطع‌روزنامه تا ذیحجه سال مذکور منتشرمیشده است• قطع وسایر روزنامه درتمام شماره ها مانند شماره اول است

(۷۱۰) شهامت

روزنامه شهامت درشهرمشهد بمدیری وصاحب امتیازی (محمد رضا ــ رهنما) تاسیس ودرسال ۱۳۰۶ شمسی منتشرشده است ۰ امتیاز روزنامه درتاریخ۲۳فروردین ۱۳۰۶ بنام (میرزا محمد رضای رهنما خراسانی) در خراسان از تصویب شورایعالی معارف گذشته است و درهمان سال انتشار یافته ۰ طرز انتشار روزنامه ابتدا هفتگی و بعد یومیه بوده ودر مطبعه (حسنی) طبع شده است ۰

شماره ۶۳ سال دهم روزنامه یومیه شهامت بصاحب امتیازی وموسسی (م.رهنما روی یك ورق بزرك درمطبعه سربی (حسینی) چاپ ودر تاریخ شنبه چهارم ذیحجه الحرام ۱۳۵۶ قمری مطابق ۱۶ بهمن ۱۳۱۶ شمسی و ۵ فوریه ۱۹۲۷ میلادی منتشر گردیده ۰ جای اداره . خیابان خسروی ۰ آدرس تلگراف : مشهد ۰ شهامت نمره تلفون ۸۰ ۰ بهای روزنامه : یکساله ۰ داخله ۵۰ ریال ؛ خارجه ۷۰ ریال . ششماهه داخله ۳۰ ریال ۰ خارجه ۴۰ ریال ۰ تکشماره ۲۰ دینار ، پس از دو روز ۵۰ دینار ۰ ارزش آگهی : صفحه اول سطری دو ریال ۰ صفحه دوم سطری یك ریال ۰ شماره مسلسل نمره ۶۳ سال دهم ؛ ۲۶۸ است ۰ هرصفحه روزنامه پنج ستون و مندرجات آن مانند سایر جراید محلی عبارت ازاخبار داخله ومحلی و مختصری از اخبار خارجه و تعداد زیادی آگهیهای ثبتی و غیره است ۰

(۷۱۱) شهربانی

مجله شهربانی در طهران بمدیر مسئولی (سلطان پارسا) تاسیس وشماره اول سال اول آن در ۶۴ صفحه بقطع بغلی درمطبعه سربی (فردوسی) طبع و در تاریخ دیماه ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده است ۰ نامه شهربانی مجله ایست ماهیانه و مشتمل‌بر مطالب (فنی ــ علمی ــ ادبی) راجع بعلت پیدایش ونشرمجله شرحی در ضمن مقاله مقاله افتتاحی تحت عنوان (ترقی و تکامل) ذکر کرده که ما برای مزید اطلاع خوانندگان قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« در سایه توجهات عالیه شاهنشاهی و در پرتو اشعه زرین همان آفتاب عالم افروز بر گیاهها و گلهای پژمرده بوستان ایران طراوت وروانی تازه بخشیده‌زمستان سرد فساد و خرابی مبدل بهار جانفزای عمران و آبادی گردید ۰ درقلیل زمانی تمام تشکیلات اداری و اجتماعی ما عوض شده و در کلیه مظاهر زندگانی فروغ ترقی و تعالی و اصلاح تابیدن گرفت ۰۰۰ ازجمله موسسات اداری اداره کل شهربانی است که کارکنان آن باعشقی سرشار در انجام وظیفه محوله کوشیده وسعی میکنند دراین جنبش تکاملی از سایرین عقب نمانده خدمت و فداکاریهای خودرا قابل جلب توجه شاهنشاه عظیم‌الشان خویش بسازند ۰ البته در این موقع که روح تکامل وعلاقه بترقی در کالبد مامورین شهربانی حلول کرده باین درجه کوشش اکتفا ننموده و جدیت‌خواهیم نمود بکمال مطلوب خویش نائل گردیم ۰۰۰ ضمن اصلاحاتی که روسای‌وقت اداره کل

شهربانی در نظر گرفتند درداخله خود عملی نمایند تاسیس مجله پلیس بود . اینک نظر باینکه تشکیلات پلیس تمام ممالک متمدنه دارای مجلات مخصوص هستند ووجو د مجله مزبور برای آشنا نمودن مامورین شهربانی باصول جدیدی که در دنیا بمنظو ر کشف جرائم و جنایات معمول و مجری میگردد از جمله واجبات و ضروریات ا ست ادا ر ه کل شهربانی در نظر گرفته مجله فوق‌الذکر را که سابق براین همه ماهه مر تباطبع و منتشر نمیگشت منظما طبع و منتشرسازد(۱) منتهی برای‌اینکه‌مورد توجه واستفاده واقع گردیده و وظایف محوله را کماهوحقه ادا نماید تغییراتی در وضع آن داده خواهدشد اولا باسم نامه شهربانی نامیده خواهد شد . ثانیا درقطع و طرز چاپ آ ن دقت مخصوص بعمل خواهد آمد . ثالثاحاوی مسائل پلیسی ؛ جنائی ؛ معرفت النفسی روان شناسی و یك سلسله مباحث علمیه مهمی بوده و مطالعه آن وسیله فزونی ا طلاعـات خوانندگان خواهد گشت . در خاتمه تذکر داده میشود مقداری از اوراق ا ینشماره چندی قبل و پیش از تصویب کلمات و اصطلاحات اخیر بطبع رسیده و نظر با ینکه تجدید آن موجب خسارت عمده بود بحال سابق باقی ماند والبته ازشماره آینده این منقصت موجود نخواهد بود . ع . پارسا . »

نامه شهربانی همه ماهه مرتبا در ٦٤ صفحه بقطع پستی با کاغذی خوب وطبعی مرغوب و گراورهای متعدد ومطالب بسیار مفید فنی وجنائی منتشر گردید . و شماره ۱۲ سال اول آن در آذر ماه ۱۳۱۵ شمسی در ٦٤ صفحه بقطع مذکو ر انتشار یافته است . مجله شهربانی دنباله نشریه اداره کل شهربانی بنام مجله پلیس است که‌متجاوز از یکسال و نیم تعطیل بوده ومجددا باین نام منتشر شده است وما بتفصیل د ر حرف پ کتاب از تاریخچه مجله پلیس گفتگو کرده ایم .

مند ر جا ت مجله شهر بانی عبار ت از مسائل و حوا د ث جنا ئی و اخبار جاسوسی و قوانین و نظامات جنائی‌وغیر جنائیست که درهر شماره بمناسبت این‌وقایع گراورهای متعددی نیز درج شده وفهرست مندرجات درهرشماره درقسمت دا خلی پشت جلد مجله طبع گردیده است . وجه اشتراك مجله : یکساله داخله ٦٠ ریا ل . خا ر جه ۹۰ ریال ، ششماهه ۳۵ ریال و ۵۰ ریال . درمورد بانوان و دانش آموزان سالی ده ریال تخفیف منظور میشود . نسبت بمامورین شهربانی طبق مقررات متحدالمآل نمره ۱۲ است . مجله شهربانی تاکنون هم بوضع بهتر و بامطالب مفید تری درهر نوبت یکهزار نسخه از آن که قیمت هر نسخه یك ریال است منتشر میگر دد .

پاسیار دوم علی پارسا ــ شرح احوال آقای علی پارسا مد یر مسئو ل مجله شهربانی بدینقرار است : « یکساعت بعداز ظهر روز جمعه سی ام د ی ۱۲۲۲ شمسی آقای پاسیار ۲ علی پارسا رئیس شهربا نی مشهد پس از چند روز کسالت درسن ۵۰

---

(۱) مجله ا ی که در ا ینجا اشاره نموده مجله پلیس است که درجلد دوم کتاب درحرف پ بتفصیل از آن گفتگو کرده‌ایم . خوانندگان گرام میتوانند بدا نجا مراجعه فرمایند .

سالکی درگذشت و جنازه با تشریفات و احترامات لازمه بخاك سپرده شد • مرحوم پارسا که از پایوران فاضل و دانشمند اداره کل شهربانی بشمار میرفت پس از اتمام تحصیلات ابتدائی خود در کاشان بتهران عزیمت نموده و درمدرسه الیانس بتحصیل پرداخت متاسفانه بعلت آلودگیهای زندگی وتعهدات وجدانی که برای اداره عائله و برادران کوچك تر از خود بگردن داشت ، ناچار بترك تحصیل شد و در اداره‌شهربانی کل کشور بخدمت مشغول گردید و باحقوق ناچیزی سرپرستی عائله خودرا بعهده گرفت ولی دست از ادامه تحصیل بازنداشت وبمطالعه درعلوم تاریخ ؛ جغرافیا وفلسفه و السنه خارجه پرداخت • پاسیار پارسا مدت سی سال و اندی در دوائر مختلف شهربانی‌مشغول خدمت بود ودرسالهای اخیر درضمن تصدی مشاغل مهم و ریاست دوائر وادارات تنظیم نامه شهربانی را بعهده داشت که دوره چند ساله آن بهترین نمونه ذوق ودانش اوبود.

مرحوم پارسا علاوه برمدیریت‌این مجله نفیس تالیفاتی نیز ازخود بیادگار گذاشته که غالب آنها از زبان‌خارجی ترجمه شده ومشتمل بریك سلسله رمانهای جالب از قبیل (می پرست) ، (شهوت پرست)(مهمانخانه مرك) ، (دست جنایتکاران) ؛ (شبح‌مرموز و (واترلو) میباشد • این مرد دانشمند دررشته های پلیسی وجنائی نیز مطالعات زیاد داشت واغلب‌پایوران جوان شهربانی ازمحضر درس او درآموزشگاه پایوری برخوردار شده اند •

مرحوم پارسا علاوه برمقام علمی ازمکارم اخلاقی نیز بهره فراوان داشت ویکی‌از صفات بارز وی حس تعاون وشفقت اوبود . ازبینوایان دستگیری میکرد واز اطفال خویشا و ندان فقیرش درمنزل خود پرستاری مینمود وگرچه ظاهرا بنظر عصبانی میآمد لیکن آنهائیکه ازنزدیك با اوتماس داشته اند میدانند که وی، مردی خوش مشرب و مهربان بود وبهمین جهت دوستان صمیمی بسیار داشت • بهرحال پارسا یکی از خدمت گذاران برجسته وفعال شهربانی ومردی دانش دوست واهل قلم ومطالعه بود وهمواره خدماتش مورد توجه قرار میگرفت • شماره ۱۴ سال‌سوم اطلاعات هفتگی مورخ بهمن ۱۳۲۲ • »

(۷۱۲) شیپور

درتاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شورایعالی معارف امتیاز روزنامه شیپور را در شیراز بنام آقای « میرزا منصور خان خشنود » تصویب نموده است •

(۷۱۳) شیخ چغندر

روزنامه شیخ چغندر درطهران بمدیر مسئولی (حاجی نصرت‌الله ابو المعالی) و سردبیری و صاحب امتیازی « میرفتحعلی » تاسیس و درسال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است • شماره اول سال اول این روزنامه درچهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی در مطبعه « طهران . باغ مروی مطبعه میرزا علی اصغر » طبع ودرتاریخ چهارشنبه دهم شوال‌المکرم ۱۳۲۹؛ قمری منتشر گردیده . اسم روزنامه « شیخ چغندر » بخط نستعلیق

درست درعنوان روزنامه چاپ شده و عنوان مراسلات : طهران ۰ کوچه پهلوان یزدی نمره ۱۱ معین شده است ۰ طرز انتشار روزنامه هفتگی وقیمت اشتراك آن بدینقرار است : طهران سالیانه ۱۲ قران ، ششماهه ۷ قران سه ماهه ۵ قران ۰ ولایات بترتیب ۲۰ قران ، ۱۲ قران ، ٦ قران ۰ خارجه ۳۰ قران ، ۲۰ قران ؛ ۸ قران ، تکنمره طهران صد دینار ۰ مندرجات صفحه اول وچهارم عبارت ازمقالات اساسی و اخبارمتفرقه و صفحه دوم وسوم مشتمل بر کاریکاتور است بنابراین شیخ چغندر روزنامه ایست مصور هفتگی ، کمیك ۰ مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (وطن در چه حال است) وبدین قسم شروع میگردد :

« از ابتدای دوره مشروطیت تا کنون کسانیکه اوضاع مملکت را مرتبا تعاقب کرده میدانند که این وطن بلادیده ما دوچار چه صدمات شده و جسد نجیبش هدف گلوله های خارجی وداخلی گردیده است ۰ ازهمه بالاتر این بود که تمام زخمها تیکه بواسطه اغراض (!) و جهالت ابناء ناخلف این مملکت به بدن ما در وطن رسیده هر یك ازدیگری کاری تر ودرموقع بروز هریك ازبس مرض مزمن بوده دردهای پیدرما ن گذشته بکلی فراموش وتوجه عامه بآن مرض آخری جلب میشود ۰۰۰ (در اینمقاله شرحی راجع بعلت انتشار ومسلك روزنامه ننوشته است ۰» پس ازسرمقاله مذکور چند سطری بعنوان (اوضاع فلکی) بدینقسم نوشته است : « اوضاع کواکب دراین ما ه دلالت دارد بر ترقی عناصر فاسده وملایمت هوا و گرانی ارزاق وپریشانی رعیت و رنجبر وملحق شدن سالارالدوله برشید وارشد وانتظار محمد علی میرزا اقدامات فرمانفرمای آذربایجان را ۰» و اما دوصفحه کاریکاتور این شماره . در یك صفحه کاریکاتور (شعاع‌السلطنه و سالارالدوله وارشدالدوله وصمد خان ومجلل » رسم‌شده که پشت سرهم عقب سر یك نفر اروپائی ایستاده اند و اروپائی بآنها میگوید « اخ دربرو از توکه کاری ساخته نشد من حالا فارس رابکار آوردم » صفحه دیگرقضایای مربوط به بمباردمان تبریز است ۰

شماره سوم روزنامه نیز مانند شماره اول درچهار صفحه طبع و در تاریخ یکشنبه ۲۸ شهر شوال‌المکرم ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته ازاین شماره درزیر عنوان روزنامه این سطر اضافه شده است : « جریده ایست مصور طرفدار استقلال ایران جریده آزاد است درهرنمره تاریخ زندگانی معروفین را درج مینماید ۰» مندرجات این شماره قسمتی از آن مطالب جدی وقسمتی فکاهیست واین قسمت تحت عنوان «خواب دیدن شیخ چغندر» نوشته شده ۰ یك صفحه کاریکاتور این شماره تصویر دونفر اروپائیست که این مذاکرات بین آندو ردو بدل میشود ، مسیو شما اهل کجا هستید ؟ من اهل تازه عالم ۰ اینجا چه میکنی ؟ آمده ام برای جمع آوری بیت‌المال ۰ بمرغ من هم دانه میدهی ۰ « تو ضیح آنکه جلوی یکنفر مرغی و جلوی دیگر سگی است » آری ۰ شما که باشید ؟ من اهل هند ۰ زبان انگلیسی میدانی ؟ رعیت انگلیس هم هستم ۰ البته من شما را و مرغهای شما را از خود راضی میکنم ۰ ازروزنامه شیخ چغندر تاشماره سوم دردست است وبرون همین شماره رافقط دردست داشته ولی نگارنده شماره اول آنرا نیز دردست دارم چنانچه فوقا خصوصیات آن نقل شد

(۷۱٤) شیدا

روزنامه شیدا بزبان فارسی و ترکی در شهر استانبول تاسیس ودر سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . شیدا روزنامه ایست مصور و نیمه فکاهی وهرپانزده روز یکبار منتشر میشده . مدیر روزنامه (محمد ضیاءالدین) بوده و روزنامه بوسیله چند تن ازمحصلین ایرانی اداره میشده . منجمله صاحب امتیاز ونویسنده آن (حاجی حسن خان جعفر زاده) و مدیر اداره (مظفرخان اسماعیل زاده) وتصاویر روزنامه بوسیله (میرزا عبدالحسین خان طاهر زاده) رسم شده است . شماره اول روزنامه شیدا درچهار صفحه بقطع ۱۳وسه چهارم اینچ طبع ودر تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده وصفحات اول و چهارم مخصوص رسم کاریکاتور است . اسم روزنامه شیدا بخط نستعلیق درشت ودر دوطرف آن خصوصیات روزنامه نوشته شده و در زیرعنوان این عبارت درج است : « روزنامه ایست فارسی وترکی مسلك اش بیان حقیقت است . » عنوان مراسلات اسلامبول . محمود پاشا . وجه اشتراك درایران سالیانه ۱۵ قران . در اسلامبول ۳۰ غروش . قیمت یك نمره پنجشاهی . (نسخه سی ۲ پاره) . از روزنامه شیدا جمعا پنج شماره نشر شده وشماره پنجم آن مورخ بتاریخ یکشنبه دوم محرم ۱۳۳۰ قمری است . کاریکاتور صفحه اول این شماره راجع باولتیماتوم دوم روس است که در زیر آن این مذاکرات بین یکنفر روسی وایرانی رد وبدل میشود : «روس این اولتیماتوم دوم را هم قبول کنید دیگر دوستی ما برقرار خواهد بود . دیگر حال تحمل نداریم . شیدا ـ قدری بایست که جوابش را آوردم . »

مرحوم تربیت بطور اختصار راجع بشیدا اینطور مینویسد : « روزنامه نیم ماهه هزلی منتشر دراستامبول بمدیری حاج حسن جعفر زاده تبریزی در ۱۳۲۹ . »

(۷۱۵) شیراز یا اخوت شیراز

روزنامه شیراز درشهر شیراز تاسیس ومنتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۳) مینویسد من نمونه این روزنامه را دردست ندارم وبا وجود این سال انتشار شیراز را ۱۳۲۸ قمری ضبط کرده درصورتیکه سال مذکور اشتباه است وسال تاسیس وانتشار روزنامه شیراز قبل از شوال ۱۳۲۷ قمری است . مدیر روزنامه حبل المتین خبر انتشار دو روزنامه دار العلم وشیراز را در شماره ۱۸ سال هفدهم مورخ ۲٤ شوال ۱۳۲۷ قمری روزنامه حبل المتین بدینقسم نوشته است : « دواخبار یکی بنام دارالعلم ودیگری باسم شیراز دائر شده خیلی مایه امیدواری گردیده است . » بنابراین مسلم است که شیراز قبل ازشوال سال مذکور انتشار یافته روزنامه دارالعلم نیز بقسمیکه درحرف دال کتاب بتفصیل یادآور شده ایم در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است .

بعقیده نگارنده اسم اصلی وصحیح این روزنامه اخوت شیراز میباشد و اشتباها برون آنرا بنام شیراز ضبط کرده است وجای آن داشت که ما درجلد اول کتاب در

درحرف الف تفصیل این روزنامه راذکر کرده باشیم ولی برای رفع این اشتباه و اینکه تصور نشود شرح روزنامه (شیراز) ازقلم افتاده باین مجلد موکول کردیم اکنون بتفصیل خصوصیات روزنامه(اخوت شیراز) میپردازیم :

روزنامه اخوت شیراز درشهر شیراز بمدیری (خادم استان فقرای نعمت اللهی عبد الکریم معروفعلی) و معاونت (میرزا سید حسینخان طهرانی دبیر تاج الشعرا) بطور هفتگی تاسیس و شماره اول آن باچاپ سنگی در (مطبعه اسلامیه) طبع و در چهار صفحه بقطع وزیری در تاریخ ۱۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ قمری توزیع گردیده است • اسم روزنامه (اخوت شیراز) با خط نسخ درشت نوشته شده و در بالای آن تصویر دو دست که جمله (یدالله فوق ایدیهم) زیر آن چاپ گردیده ، رسم شده است • عنوان مراسلات : انجمن اخوت شیراز • قیمت اشتراك سالیانهٔ شیراز ۱۵ قران ؛ سایر بلاد ایران ۱۷ قران • خارجه قیمت پست اضافه میشود •

مقاله افتتاحی روزنامه که در شماره اول طبع گردیده بدینقسم شروع میشود: « بر اخوان بصیر و دانش پژوهان روشن ضمیر که روی گفتار ما با آنان است پوشیده و پنهان نیست که سبب ترقی هرمملکتی ازممالك متمدنه نعمت و علت نشر جراید با فواید و افکار بکار صاحبان اخبار است که بدون غرض ومرض مطالب‌مهمه را که مبتنی بر ترقی وطن و رفاهیت ابناء زمن است اشاعه دهند ••• » درشماره‌اول علاوه بر سرمقاله مذکور اخبار شیراز تحت عنوان (ورود موکب فیروزی کوکب مسعودی) و نیز اخبار دیگر شهری، راجع باداره نظمیه و غیره وهم چنین در صفحه ۴ مطالبی تحت عنوان (سئوال و جواب) بامضای «معروفعلی» درج است • شماره دوم اخوت شیراز در تاریخ جمعه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر شده وازشماره سوم تصویر (تبرزین وکشکولی) درعنوان روزنامه اضافه گردیده است • ازروزنامه اخوت شیراز نگارنده فعلا تا شماره پنجم‌آنرا در دست دارم •

(۷۱۶) شیرکوه

روزنامه شیرکوه در شهر یزد بصاحب امتیازی ونگارندگی « شیخ احمد مدیر » تاسیس و در ذیقعده ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است• اسم روزنامه «شیرکوه» بخط نستعلیق در وسط مربعی چاپ و در چهار زاویه آن کلمات (رنجبر ـ کارگر دهقان ـ زارع) درج شده است • شیرکوه روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سنگی (مطبعه شیرکوه یزد) طبع میشده • قیمت اشتراك سالیانه آن یزد ۳۰ قران سایربلاد اجرت پست اضافه میشده است تك نمره ۷ شاهی • قیمت اعلانات سطری دو قران و لوایح و مکاتیب خصوصی در حکم اعلان است . محل اداره : یزد . اداره شیرکوه ،

شماره ۱۲ سال دوم شیرکوه روی یك ورق بزرك با چاپ سنگی طبع و در تاریخ ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۶ برج عقرب تنگوزئیل ۱۳۰۲ شمسی‌انتشار یافته سرمقاله این شماره تحت عنوان « تصورات باطل » بدینقسم شروع میگردد «ممکن است بعضی از افراد ملت تصور کنند که فقط لفظ مشروطه درهرمملکتی بزبان ملت‌جاری

شد باید کمال امیدواری را درحسن استقبال و خیر عاقبت آنملت حاصل‌نموده خوش‌حال شد که در آن مملکت اساس مشورت بر پا و آثار قانون پیدا میشود وبرای سعادت آن ملت و ترقی آن مملکت دیگر جای شبهه باقی نیست .... » علاوه بر سرمقاله مذکور (اخبار تلگرافی رویتر) و (اخبار داخله) و اشعاری بعنوان (گل زرد) از م .نجاتی و نیز چند خبر راجع بشهر یزد درج شده . این رباعی نیز از مدرس یزدی درصفحه اول چاپ گردیده است .

افسوس که دربی هوا وهوسیم		وز جهل گرفتار بهر خارو خسیم
دردا که همیشه‌ازنادانی‌خویش		چون مرغ گرفتار بر نج قفسیم

روزنامه شیرکوه در اوائل سال ۱۳۰۶ شمسی پس ازمدتها تعطیل مجددا پا بدایره انتشار گذاشته وشماره اول آن که مصادف با ششمین سال تاسیس روز نامه است در اردیبهشت سال ۱۳۰۶ منتشر گردیده است.شماره ششم سال شش شیرکوه درچهار صفحه بقطع کوچك خشتی با چاپ سربی طبع وبصاحب امتیازی ومدیر مسئولی شیخ‌احمد مدیر در تاریخ ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . دراین نوبت روز نامه همه هفته روزهای شنبه توزیع میشده ووجه‌اشتراك سالیانه آن‌بسه تومان ترقی‌داده‌شده است . دراینشماره سرمقاله آن بعنوان مرك وحیات وباین عبارات شروع میگردد :«حب حیات وارتقاء یکی ازصفاتی است که درو جود بشرمنحصر بلکه درحیوان ونبات هم هویدا است ... » مندرجات اینشماره علاوه برسرمقاله عبارت ازمقاله (حفظ‌الصحه) دنباله شماره قبل ویك مکتوب واخبار واشعاریست تحت عنوان قسمت ادبی مطلع اشعار چنین است :

عقل مسجد رود و عشق رود میخانه		عشق عاقل بود و عقل بود دیوانه

علاوه برقسمت ادبی این رباعی نیز درصفحه اول چاپ شده است :

دل آتش‌غم‌برسرخود بیخته دید		درکوی توصدهزار خون‌ریخته‌دید
در زلف تو رفت تا پناهی‌طلبد		آنجا دوهزار چون‌خودآویخته‌دید

روزنامه استقامت چاپ کرمان درشماره ۹ سال سوم خود مورخ ۷ ارد یبهشت ۱۳۰۶ طلوع مجدد شیرکوه را بدینقسم یادآور شده است .« جریده شریفه شیر کوه منطبعه در یزدکه مدتها گرفتار محاق تعطیل شده بود اینك از تعطیل بیرون آمده و شماره اول آن باداره ما رسیده است . موفقیت مدیر وکارکنان آن را از خداوند عالم خواهانیم .»

(۷۱۷) شیر وخورشید سرخ ایران

مجله شیر وخورشید سرخ ایران که ازتاسیسات جمعیت شیر و خور شید سرخ درطهران بوده درسال ۱۳۰۴ شمسی‌بمدیر مسئولی « آقای میرزا علیمحمد خان‌اویسی» انتشار یافته وشماره اول آن در ٤٤ صفحه بقطع خشتی کوچك درمطبعه سر بی مجلس طبع ودرتاریخ خرداد ماه ۱۳۰۴ شمسی توزیع گردیده است . شیر و خورشید سرخ ایران مجله ایست ماهانه ووجه اشتراك آن سالیانه ۲۰ قران وتك شماره دو قران است شمارمجله که روی جلدهرشماره طبع گردیده عبارت ازتصویر شیر وخورشید برنك سرخ

(همان شعار انجمن) میباشد و در بالای آن این آیه قرآن (تعاونوا علی البر) بخط نسخ و در قسمت پائین تر این شعر شیخ سعدی نوشته شده است : بنی آدم اعضای یکدیگرند ☆ که در آفرینش ز یك گوهرند • چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار ☆ تو کز محنت دیگران بیغمی ☆ نشاید که نامت نهند آدمی . (سعدی)

وچون علامت مخصوص شیر وخورشید هر مملکتی عبارت از زمینه سفیدی است که روی آن شعار مخصوص هر مملکتی نصب شده باشد چنانچه از آن ممکت ترکیه بیرق سفیدیست که روی آن هلال احمر نقش شده و از آن مملکت ایران زمینه سفید یست که روی آن شیر و خورشید درفش ایران نقش شده است •

ازاینرو انجمن شیر و خورشید سرخ ایران نیز پشت جلد تمام شماره های مجله را کاغذ سفید قرار داده که روی آن شیر و خورشید سرخ رسم شده است و این نیز شعار مخصوص موسسه شیروخورشید سرخ را میرساند • علاوه بر این خصوصیات شعار مجله در داخل مربع مستطیلیست که اضلاع آن ازخطوط قرمز رسم شده است •

مجله شیر و خورشید سرخ برای نشر عملیات وافکار جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران تاسیس شده توضیح مطلب اینکه دولت ایران پس از قبول و امضاء معاهده بین المللی شیر وخورشید سرخ در ژنو ؛ درسال ۱۹۰۲ میلادی تشکیلات جمعیتهای خیر یه شیروخورشید سرخ را رسما درمملکت خود بذیرفت ولی بهمان امضای خالی قناعت کرد و جز اسمی در اوراق رسمی وزارت خارجه چیزی درمیان نبود تا اینکه در سال ۱۳۲۷ قمری برای اولین دفعه بیرق شیر و خورشید با متن سفید باهتزاز درآمد و با جدیت آقای دکتر امیر اعلم رئیس صحیه قشون آن تاریخ مریضخانهای سیاری درتحت لوای شیروخورشید سرخ درجنگهای مختلف پس ازمشروطیت خدماتی بمجروحین جنك می نمود تا اینکه موضوع مهاجرت پیش آمد و کم کم باز اسمی زیادتر ازشیر و خورشید سرخ باقی نمانده بود • درتاریخ جدید ایران اولین مرتبه که اعضای موسسه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران موفق گردید مجمعی تشکیل دهد درتاریخ پنجم برج اسد ۱۳۰۲ شمسی بود که درعمارت گلستان طهران در تحت ریاست والاحضرت اقدس ولایت عهد (برادر احمد میرزای مخلوع) انجمنی باحضور شاهزادگان عظام وهیئت محترم دولت و جمعی ازاشراف واعیان ومبرزین انجمنی تشکیل یافت وپس ازایراد نطق های افتتاحیه جمعیت هیئتی باسم کمیته مرکزی شیروخورشید سرخ بترتیب زیرانتخاب نمود•

اعلیحضرت پادشاه فقید که در آن وقت باسم سردار سپه و رئیس الوزراءوفرمانده کل قوا بودند بسمت ریاست هیئت برگزیده شدند واعضای دیگر بدینقرار بودند :

۱ ـ آقای دکتر امیر اعلم • نایب رئیس اول • ۲ ـ آقای دکتر سعید خان مالك (لقمان الملك) نایب رئیس دوم ۳ ـ آقای میرزا محمود خان جم • خزانه دار ۴ ـ میرزا مجید خان آهنی • منشی ۵ـ میرزا علی محمد خان اویسی• محاسب ۶ ـ عباسقلی خان قریب (مترجم الممالك) منشی •

این هیئت دراولین جلسه خود لوازم کار ازقبیل اثاثیه و اوراق وملزومات را

معین نموده و بعداً تشکیل جمعیت را بولایات وایالات ابلاغ نمود وسپس تشکیلات خودرا بکمیته بین المللی صلیب احمر اطلاع داد واز این موقع شیروخورشید سرخ رسما درمملکت ما دایر گردید و درهمان سالهای اولیه اعانه‌های زیادی جمع آوری نمودوتوانست قدمهای بزرگی به بیماید چنانچه کمکهای گرانبهائی بآسیب دیدگان ترت و بجنورد و رشت که در سال ۱۳۰۳ شمسی دوچار زلزله و سیل شده بودند نمود و نیز در ولایات مدارس و و مریضخا نه هائی از قبیل مدرسه رضوی در خراسان و یکباب مریضخانه در شهر تبریز تاسیس نمود •

منجمله از تصمیمهای انجمن شیروخورشید سرخ تاسیس مجله بود بنام انجمن که همه ماهه برای نشریات و تبلیغات خود در داخله و خارجه و نیز برای اطلاع اعضاء جمعیت ازعملیات واقدامات هیئت عامله طبع ومنتشرشود وموضوع انتشارمجله در ص۲۷ و ۲۸ شماره اول سال اول‌درضمن‌مقاله‌ای که راپورت سالیانه جمعیت شیر وخورشید سرخ (از تاریخ هفتم اسد ۱۳۰۲ تاهفتم اسد ۱۳۰۳) نوشته شده است بدینقسم ذکرشده‌است:

تدوین مجله ـ چون لازم بود اعضاء جمعیت شیر و خورشید سرخ از عملیات واقدامات هیئت عامله استحضار حاصل نمایند و بعلاوه جمعیت برای نشریات وتبلیغات‌خود چه درداخله و چه‌درخارجه احتیاج بنشرمجله داشت درهمان جلسات اولیه تصمیم گرفته شد که شرحی بوزارت معارف نوشته شده وامتیاز نشر مجله مزبور تقاضا شود ونظر باینکه امتیاز مزبور بنام آقای دکتر امیر اعلم خواسته شده وایشان هم درطهران نبودند ، صدورامتیازچندی بتاخیرافتاد ـ باینکه برحسب تصمیم هیئت عامله قرارشد امتیاز مجله باسم آقای اویسی خواسته شود • این بود که ایشان بسمت مدیرمسئول معرفی شده واز طرف وزارت جلیله معارف امتیاز طبع مجله بعنوان ایشان صادرگردید و برای شرکت درامور تحریریه مجله برحسب تصویب هیئت عامله ـ آقایان‌دکترجلیل خان ندیم‌السلطان کی استوان و میرزا علیخان معتمدی و آقای امیر احتشام دعوت‌گردیدند که در ترتیب مقالات وتحریرات شرکت داشته باشند و پس از اینکه مقدمات‌کار فراهم شد شروع به نشرمجله گردید •

این بود شرح مختصری از تاریخچه پیدایش مجله شیر وخورشید سرخ ایران که ضمناً توضیح مختصری ازتاریخ پیدایش شیروخورشیدسرخ درایران نیزد آنذکرگردید•

اماراجع بمندرجات‌مجله علاوه برآنچه ازمطالب بالا معلوم‌گردید بهتراست‌شرحی که درصفحات ۱ و ۲ شماره اول تحت‌عنوان (افاده مرام) نوشته شده در اینجا نقل‌کنیم وچون قبل از این شرح مقدمه کوچکی که خالی از لطف ادبی نیست درصفحه اول مجله درج شده مناسب است‌آن مقدمه را نیزنقل‌نمائیم :

بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ تعاونوا علی‌البروالتقوی• حمد بیحدوثنای بیعدخداوندی را سزدکه مشتی خاك را از نفخه (نفخت فیه من روحی)گذرگاه جان پاك قرارداده و از پرتو انوار وجود مسعود خواجه‌کائنات و سرورموجودات سید رسل وهادی سبل محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات عرصه گیتی‌را روشن‌گردانیده ـ شرافت انسان وسعادت هردوجهان‌را دراطاعت احکام وپیروی شریعت وی بودیعت نهاده چه علم

خاتم رسالت عقل را از ازل‌الازال زیبا ترین پیرایه وعقل او علم را تا ابدا لاباد نیکو ترین سرمایه است •

مهین وخشوری که صدای صدق فحوای (وما ینطق عن الهوی ان هو ا لا وحی یوحی) در شش‌جهت‌آفاق وانفس انداخته ـ گوش هوش بنی نوع بشررا از ابیض واسود واحمر طراً بدر فوایدآبدار و غرور فرائد معجزآثار مخزن گوهرهای اسرار ساخته و هم‌چنین جواهرصلوات بی‌شمار تا بروز شمار نثار ارواح مکرم‌آل واولاد اطهاراو باد که برگزیدگان آدمیان ورحمت عالمیانند• (افاده مرام)

مجله شیر وخورشید سرخ که امروز پای بعرصه وجود نهاده و منتشر میشود ناشر افکار جمعیتی است که در تحت همین نام در سال گذشته تاسیس یافته واکنون میخواهد بدینوسیله خاطرعامه را ازعملیات خودمرتباًمسبوق ومستحضر بدارد•

جمعیت شیروخورشید سرخ بطوریکه درصفحات بعد بنظرخوانندگان گرام‌خواهد رسید (خلاصه از تاریخچه‌آنرا قبلا یادآور شده‌ایم •) نظیر مجامع صلیب احمر وهلال احمراست که ازسالیان دراز درممالك اروپا وامریکا وعثمانی ومصروهندوستان تاسیس یافته وماننده مجامع مزبوره ساعی خواهد بود که درایران نیز نوع پروران‌وخیرخواهان ملت را تحت لوای واحدی درآورده و بکمك ومساعدت عامه وظائفی‌را که داردانجام دهد• این‌جمعیت نوع‌پرور براثرفکر بلند ومساعی ارجمند دانشمند معظم آقای‌دکتر امیر-اعلم رسما تاسیس شده و افتخاردارد که درتحت ریاست فائقه حضرت اشرف‌آقای رضاخان پهلوی رئیس‌الوزراء و ریاست عالیه کل قوای دفاعیه و تامینیه دامت عظمته عملیات خودرا دوام داده و امید میرود که بزودی مقام شایسته درجامعه ملل احراز کند•

مجله شیروخورشید سرخ که درهرماه یکمرتبه طبع وتوزیع میشود اصولامتضمن مسائل ذیل خواهد بود :

۱ـ راپرت عملیات جمعیت شیروخورشید سرخ •

۲ـ اطلاعات راجعه بمؤسسات صلیب احمر و هلال احمر •

۳ـ اخبار راجعه بشیروخورشید سرخ

۴ـ مباحث واطلاعات صحی ۵ ـ صورت مطبوعات واصله ۶ـ صورت محاسبات جمعیت و ثبت اسامی اعضاء و اعانه دهندگان از خداوند منان مسئلت مینمائیم که مارا درایفای این وظیفه یاری فرموده وموفقیت حاصل شود• درخاتمه از دانشمندان و بلند همتان متمنی هستم که همواره این جمعیت نوع پروروم‌جله را بمساعدتهای مادی ومعنوی خود مستظهرومساعدت فرمایندومصداق کلام شیخ‌راهمواره‌درنظرداشته‌باشند که میفرماید:

بنی‌آدم اعضاء یکدیگرند — که درآفرینش زیك گوهر ند — چوعضوی بدردآوردروزگار دگرعضوهارا نماند قرار — تو کز محنت دیگران بی‌غمی — نشاید که نامت‌نهند آدمی•

درشماره اول سال اول مقاله مفیدی بعنوان (شیروخورشید چیست ؟) بقلم‌دکتر امیر اعلم ازص ۴ تا ۲۱ مجله درج شده ونویسنده مفصلا تاریخچه پیدایش شیروخورشید دردنیا و درعثمانی ودرایران را شرح داده است • واز صفحه ۲۲ تا ۳۰ راپورت سالیانه جمعیت درج شده • مندرجات صفحات دیگر عبارت ازجریانات انجمن شیر و خورشید و

اسامی اعضاء و اعانه دهندگان بانجمن میباشد ۰

چهار صفحه کاغذ رنگی ضمیمه مجله است که اعلانات گوناگون صحی درآنها درج است ۰ اداره مرکزی جمعیت و مجله : خیابان ناصریه ۰ طهران و عنوان تلگرافی : شیر و خورشید سرخ ۰ طهران ۰ معین شده است ۰ قیمت اعلانات در مجله سطری ۳ قران و درصورت تکرار تخفیف داده خواهد شد ۰

مدیر داخلی مجله دکتر علیخان فرهمندی (علیم‌الملك) و منشی مجله آقای میرزا جوادخان مولوی معین گردیده اند ۰

حرف الصاد

(۷۱۸) صاعقه

روزنامه صاعقه در طهران درداو ۱۳۰۰ شمسی تاسیس وبطور هفتگی منتشر شده است ۰ در شماره ۹ این روزنامه که درحوت سال مذکور انتشار یافته مقاله تحت عنوان (لوح قبر من) درج گردیده که باین‌عبارات شروع میشود : « ایکه برتربت من میگذری دیده گشای ☆ که بخاك قدمت چشم تری دوخته ایم ۰ ای بازرگان کالای بیهوده ، ای فروشندگان مال‌التجاره نا ستوده ، من چون تو برك و بری‌داشتم و با خود نبردم ۰ ای توانگر سرمایه دار ۰ در آن دیار که تو را چون من گذاری است سرمایه و تجملی جز سربلندی از نام نیك بکار نیاید ۰۰۰»

(۷۱۹) صاعقه شرق

روزنامه صاعقه شرق در شهرمشهد بمدیری (میرزا علی آقا ملکانی) تاسیس و منتشر شده است شورایعالی فرهنك درتاریخ ششم خرداد ۱۳۰٤ شمسی امتیاز روزنامه صاعقه شرق را تصویب نموده و روزنامه دررجب ۱۳٤٤ قمری انتشار یافته است ۰

روزنامه اختر مسعود درشماره ۲۵ سال ششم مورخ ۱۱ شعبان ۱۳٤٤ قمری‌تحت عنوان (طلوع صاعقه شرق) خبر نشر روزنامه را اینطور نوشته: « جریده شریفه صاعقه شرق که در تحت مدیریت و نگارندگی یگانه دانشمند فرزانه آقای (ع) ملکانی جدیدا از افق مطبوعات خراسان طلوع نموده این اوقات کارکنان اخترمسعود بزیارت شماره های اول ودوم آن نامه مفتخر شده اند ۰»

(۷۲۰) صبح امید

روزنامه صبح امید درشهر اصفهان بمدیری و محرری (محمد تقی‌ادیب‌خراسانی) تاسیس و در سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است ۰ شماره اول این روز نامه در چهار صفحه بقطع بزرك با چاپ سربی درمطبعه (حبل‌المتین) طبع و در تاریخ ۱۰ رجب المرجب ۱۳۳۹ قمری مطابق ۳۰ برج حوت ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است ۰ اسم روزنامه (صبح امید) بخط نستعلیق درشت و در داخل آن سال تاسیس روزنامه ودر زیر این کلمات که حکایت ازمرام و مسلك روزنامه مینماید درج است : « روز نامه سیاسی ، اجتماعی ، علمی ، تاریخی ، ادبی ، اخلاقی ۰ » محل اداره : اصفهان ۰

چهارباغ • قرائتخانه ملی• قیمت اشتراك داخله یکساله ٥٠ قران •شش ماهه ٣٠ قران خارجه بترتیب ٦٠ قران و ٣٥ قران • لوایح خصوصی و اعلانات سطری دوقران • بکسبه وزارعین تخفیف داده میشود . طرزانتشار صبح امید ابتدا هفتگی بوده ولی پس از مدتی بطورغیرمرتب انتشار یافته است • درشماره اول پس ازآنکه عید سعیدنوروز سلطانی را تبریك گفته مینویسد این روزنامه که حاوی مطالب مهمه است هفته یك بار منتشرمیشود قیمتش خیلی ارزان است جمع کنید کتاب کنید در آخرسال یك کتاب جامعی خواهید داشت•

مقاله افتتاحی روزنامه که قسمت عمده صفحه اول شماره اول را فراگرفته تحت عنوان (اهمیت مقام جریده نگاری) و قسمتی ازآن بدینقرار است : « روزنامه نویسی یکی ازصناعات مهمه و دردنیای امروزی از بزرگترین مشاغل ارباب سیاست وصاحبان علم و ادب است• مقام یکنفر محررسیاسی در صورتیکه صلاحیت این مقام را حقاً احراز کرده باشد خیلی ارجمند است یعنی او راهنمای ملت و هادی قوم و جماعت شمرده میشود • روزنامه کرسی خطابه . منبرموعظه ، مدرسه علمی، مکتب اخلاقی است وصاحبان آن آموزندگان علم وادب ومربیان اخلاق راست کننده کجیها وناهمواریها هستند• وعلاوه برمقامات علمیه و براعت درصنعت انشاء و نگارش بایستی خود نمونه صفات حسنه و قدو اخلاق پسندیده باشند • تا ملت هم ازتحریرات آنها استفاده های علمی کند ،درس های سیاسی و اجتماعی بیاموزد و هم از رفتار و اعمال آنها سرمشق های اخلاقی فرا گیرد•••••• چطوراست که هرگزدیده نشده بدون مقدمه وسابقه آموزگاری یکنفر دکان نجاری بازکند یا خودرا درمعرض کار بستن عملیات میکانیکی درآورد یا کسی که صنعت خیاطی را فرا نگرفته خویشتن را خیاط معرفی کند •گویا مسئله خلق الساعه مخصوص صناعت روزنامه نگاری است وبس• مشاهده این سوابق موجب گردیده که هر قدر دوستان بمن تکلیف میکردند که تاسیس یك جریده بکنیم با اینکه تقریباً بیست سالست که دراین صناعت زحمت کشیده و کوششهای عملی کرده ام همه وقت امتناع میورزیدم و باخود میگفتم دیگران هرقدر میخواهند این کار را سهل و کوچك پندارند من که بر اهمیت آن واقف هستم چرا خودرا داخل این شغل خطیر کنم ویك مسئولیت سنگینی بر دوش خود بگذارم••• بالاخره اصرار دوستان واظهارحسن ظن ایشان موجب گردید که دراین ورطه خطیر وارد شوم ودراین کارنخست بجز تاییدات حضرت رب الارباب و توجهات حضرت ختمی مرتبت سیدانبیاء وآل اطهار و اصحاب کبار علیهم السلام و بعد مساعدت هواخواهان معارف پشتیبان ندارم •••»

درشماره اول پس ازسرمقاله مذکور ، مقاله اجتماعی وبعد علمی واخلاقی و در صفحه سوم مقاله ادبی ومکاتبی درج است • بعد از این مقالات اخبار خارجه و مقاله درباره اصول تعلیم که همه این مقالات بقلم مدیر روزنامه تهیه شده درج گردیده • است

پاورقی روزنامه که تحت عنوان (عقل و برد باری) بقلم شیخ محمد حسین قمشه ای نوشته شده درصفحات دوم وسوم روزنامه طبع شده؛ از اینها گذشته متن تلگراف سید ضیاء الدین رئیس الوزراء راجع بباغ هشت وبهشت در همین شماره درج است وما از

لحاظ اهمیت ذیلاآنرا نقل مینمائیم :

اداره مالیه . کپیه حکومت جلیله - کپیه اداره ژاندا رمری - نظر براینکه باغ و عمارت هشت بهشت که از ید غاصبانه سردار اعظم انتزاع گشته یادگاردوره مجدوعظمت ایران است واینکونه آثارتاریخی که مشاهده آنها احساسات وطن پرستی درخاطرفرزندان مملکت ایجاد مینماید از ذخائری هستند که عامه ملت باید از آنها بهره مند گردند نه اینکه ملك اختصاصی شود لازم است فوراً باغ مزبور را تفرج گاه عمومی قرار داده و بوسیله جشن باشکوهی این نیت دولت را باهالی اصفهان اعلام دارید و برای اینکه باغ هشت بهشت از حالت ملك اختصاصی درآید و بعلاوه عابرین خیابان از مناظر باغ بهره مند شوند تمام دیوارطرف چهارباغ رابرداشته و درعوض بتوسط جمع‌آوری اعانه طارمی‌چوبی نصب نمایند عمارت محوطه باغ هشت بهشت را پس از شروع بتشکیلات و اصلاحات بلدی ممکن است موزه آثار نفیسه قرار دهند و برای اداره مالیه محلی معین نموده تلگراف خواهد شده سواد این تلگراف در اعلانی که منتشر خواهید کرد درج نمائید ۲۹ حوت ۹۹ ۰ نمره ۱۲۷۰۷ ۰ سید ضیاء الدین طباطبائی ریاست وزراء

موضوع ملی‌شدن باغ هشت بهشت که‌ازبناهای معتبرزمان صفویه بوده ازمدتها قبل مطمح نظرآزادیخواهان و مدیران جراید اصفهان بود تا اینکه همانقسم که درتلگراف مذکورملاحظه میفرمایند این کار در زمان ریاست وزرائی آقای سید ضیاءالدین انجام گرفت ونگارنده خوب بخاطردارم که عصرها مردم بداخل عمارت رفته ودر باغ آنجا گردش و تفرج مینمودند ۰ دسته موزیك نیز بترنم نواهای‌گوناگون مردم را مشغول میکرد ولی دیری نپائیدکه دومرتبه وضع عوض شد و سردار اعظم باغ را تصرف کرد و برای اینکه مبادا بار دیگر چنین پیش آمدی بنماید آنرا قطعه قطعه نموده‌وبصورت خانه‌های کوچك درآورده قسمت مرکزی باغ اکنون محل عمارت بانك‌کشاورزی‌است روزنامه صبح امید پس‌از مدتی تعطیل مجدداً درشوال ۱۳۴۵ قمری مطابق بهمن ۱۳۰۵ شمسی منتشرگردیده و بطور غیرمنظم مدتی باز انتشار یافته‌است۰ خبرطلوع مجددصبح امید را درشماره ۹ سال هشتم اخترمسعود بدینقسم نوشته‌است : «گرامی‌نامه مقدس ملی صبح‌امید که چندی بود درمحاق تعطیل بود دو مرتبه منتشر ودو شماره آن بقلم متین آقای ادیب طوسی باداره ما رسیده ما موفقیت آنرا خواهانیم۰» ونیزروزنامه ارژنك مورخ ۳۰ بهمن۱۳۰۵ تجدید انتشارصبح امیدرا تبریك گفته است ۰ طلوع مجددروزنامه دوامی نکرده وتعطیل شده است ۰

میرزا محمدتقی ادیب خراسانی - میرزا محمد تقی معروف بادیب خراسانی برادر مرحوم صدرالافاضل مردی ادیب ودانشمند و مورخ وگوشه نشین بود ۰ کمتر با مردم معاشرت مینمود ولذا شهرتش بیشترنزد خواص بود تا عوام۰ مرحوم ادیب از اول مشروطیت بعالم مطبوعات خدمات زیادی نموده‌و علاوه بر روزنامه صبح امیدکه مستقلا آنرا منتشرساخته ، زمانی هم روزنامه زاینده رودرا مینوشت‌ونمرات این‌روزنامه‌بهترین گواه شجاعت و شهامت اوست۰ وی علاوه بر روزنامه نویسی ناطقی زبردست بود و وخطابه غرائی که درروزاولتیماتوم روس تزاری درچهلستون ایراد کرد وروح‌مردم‌اصفهان

را منقلب ساخت بهترین شاهد مدعی است • صدای مرك یا استقلال در پایا ن نطـق موثر او از حاضرین بلند شد • روزنامه صدای اصفهان پس از آنکه شر ح مفصلی در باره خدمات آنمرحوم بآزادی نوشته اینطور اظهار عقیده مینماید : « ادیب خرا سا نی یکتا مرد آبرو دوست و مجسمه متانت و عزت نفس است بدلیل اینکه د ر چند ین سال روزنامه نگاری و ایراد نطق وخطابه درمجامع ملی واظهار تهور و رشادت در میتینك های عمومی مسلك خودرا بعقلا فهمانید » نگارنده کرارا اورا در اصفهان ملاقات نموده مردی خلیق و بی آزار و دانشمند بود • وفاتش در اواخر سا ل ۱۳۲۱ یـا اوایل سال ۱۳۲۲ شمسی و قبرش درتخت فولاد اصفهان است •

(۷۲۱) صبح سعادت

روزنامه صبح سعادت در شهر رشت دراوائل سال ۱۳۳۶ قمری منتشرمیشده‌است. اسم این روزنامه در فهرست جرایدو ولایات در شماره ۵۲ سال پانزدهم چهره نما مورخ غره جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ قمری ضبط گردیده است •

(۷۲۲) صبح صادق

روزنامه صبح صادق درطهران بمدیری و صاحب امتیازی (مرتضی قلیخان مو بد الممالك) تاسیس ودرسال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است • شماره اول صبح صادق در چهارصفحه بقطع وزیری بزرك (٦ سه چهارم در ۱۱ سه چهارم اینچ) با چا پ سر بی در مطبعه (شاهنشاهی بمدیری عبدالله قاجار) طبع ودر تاریخ یکشنبه ۲۳ صفر ۱۳۲۵ قمری مطابق ۷ آوریل ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده ا ست • قسمتی ا ز مقاله افتتاحی روزنامه در نمره اول وبقیه تا نمره چهار طول کشیده ، آ نچه در نمره اول درج شده ذیلا نقل مینمائیم .

« صبح صادق ـ نحمدك لله یا من دلع لسان الصبا ح بنطق تبلجه • صبح شد ا ی صبح را پشت وپناه . هزاران شکر خداوند متعال را که در هنگام طلوع فجر سعا د ت و ندای اتحاد بین دولت و ملت که هنگام بیداری از خواب گران وطلوع آفتاب تو فیق اهالی ایران است مجله (صبح صادق) ازافق سعادت طالع گردید وجهانیان را بشاهراه صداقت و راستی و وظیفه خدا شناسی ووطن پرستی و اطوار دیانت و درستی و ر سید ن به نتیجه و فائده خلقت و هستی با ناطقه عزم و همت و بارقه سعادت ارشاد و هدایت می نماید وموجبات ترقیات دنیوی و رسیدن بنقطه علم و آگاهی واشاعه خدمت بابناء وطن و رفع امراض حاصله از بطالت وحزن وتکمیل نواقص معیشت وتحصیل ملکات انسانیت و مدنیت را با بیانی فصیح و روشن میسازد ازخداوند قادر مهربان و دا نا ی ظا هر و نهان با نهایت عجز و مسکنت و افتقار و استکانت خواهنده ایم که آنچه مصالح خیر وترقی دنیوی‌واخروی‌برادران‌عزیز وطن‌ماست‌برقلم نویسنده این روزنامه جا ر ی فرماید و برروی نظارگان و خوانندگان آن ابواب صبح سعادت گشا ید و همه ر ا ا ز خو ا ب گران بیدار کند وازغفلت شام جهالت هشیار نماید انه خیر موفق ومعین والحمد لله الذی

هدانا لهذا و ماکنا لنهتدی لولا ان هدانا الله .»

سرمقاله نمره دوم روزنامه دنباله همین مقاله وتحت عنوان (بقیه صبح صادق) است . و هم چنین در نمرات سوم و چهارم دنباله همین مقاله است . مندرجات شماره اول پس از سرمقاله (اخبار داخله) و (اخبار خارجه) ویك جدول توقیعات و جدول دیگر (ورود وخروج پستهای ولایات) و جدول دیگر تحت عنوان (نرخ ارزاق ولوازم معیشت) است . در این جدول نرخ گندم ؛ جو ؛ برنج . روغن و غیره بخروار و من تبریز معین گردیده . درصفحه چهارم پس ازیك جدول (صرافیه) که قیمت مسکوکات طلا در آن نوشته شده ، اعلانی راجع بطرز چاپ اعلان درروزنامه ونیز اعلان دیگر راجع به (اسامی وکلای روزنامه درمحلات)چاپ شده است .

صبح صادق یکی از روزنامه های بسیار مفید آغاز مشروطیت بوده و بغیر از جمعه هرشب طبع وصبح توزیع میگردیده است . عنوان یومیه بودن آن در بالای اسم روزنامه (صبح صادق) قید شده وعلاوه براین عبارت (هوالمؤید) که بمنظور استمداد ازخداوند وضمنا اشاره بلقب مدیر روزنامه (مویدالممالك) است در بالا و جمله (صبحکم الله بالخیروالعافیه) در زیر اسم روزنامه چاپ گردیده . اداره مرکزی روزنامه در طهران . خیابان لاله زار شرکت اتفاق ووجه اشتراك آن بدینقرار است: طهران . سه ماهه ۱۲ قران . ششماهه ۲٤ قران . یکساله چهار تومان پنجهزار . در سایر ولایات اجرت پست علاوه میشود . درطهران قیمت یك نسخه یکصد دینار . در سایر ولایات سه شاهی . درباره مندرجات ومرام ومسلك روزنامه این سه سطر در زیر عنوان درهرشماره درج است : « این روزنامه آزاد ملی ازحوادث اتفاقات یومیه ومطالبی که راجع بفواید ومنافع عامه است ذکر میکند ومذاکرات مجلس شورایملی‌را هرروز بمشترکین محترم بطور خلاصه بفاصله یك‌شب میرساند . اخبار تلگرافی خارجه روز بروز درج خواهد شد نرخ ارزاق واجناس را هفته یکمرتبه معین میکند توقیعات ورود وخروج پست طهران را یومیه مینویسد اعلانات ازهرقبیل پذیرفته مقالات عام المنفعه با امضا قبول خواهد شد .»

درحقیقت همانطور که قبلا هم یاد آور شدیم مندرجات صبح‌صادق پس ازسر مقاله عبارت ازیکی دومکتوب واخبارداخله ومخصوصا مذاکرات مجلس شورا یملی و اخبار خارجه است . صبح صادق از دوجهت کمال اهمیت را دارد یکی ازلحاظ انتشار مرتب آن که همه روزه صبحها منتشر میشده ودوم ازجهت ذکر وقایع ودرج خلاصه مذاکرات مجلس شورایملی است . برای اطلاع ازسبك مندرجات روزنامه بهترآنست که عنوان بعضی ازسرمقاله های آنرا وهمچنین یکی ازاخبار مجلس شورایملی را نقل نمائیم .

عنوان سرمقالات : (مستبد کیست علامات وصفاتش چیست . .) شماره ٤۲ . (اخبارات شیراز) شماره ٤٥ . (اصلاح امور مملکت وترقی دولت وملت) شماره ٤٦ در اینجا بدنیست خوانندگان گرام ازاعتذاریکه مدیر روزنامه قبل ازسرمقاله شماره ٤۸ سال‌اول نوشته اطلاع حاصل نمایند : « اعتذار - چون درنمره چهل وهشت روز نامه صبح صادق لایحه منسوب بجناب حاجی شیخ فضل‌الله درج شده بود که‌درج وانتشار آن بدون اطلاع

مدیر روزنامه بوده واجزاء اداره بمقتضای خبرنگاری آن لایحه را درضمن روزنامه‌درج کرده‌اند اینك محض اطلاع مشترکین مینگارد که این نمره چون بخلاف وظیفه وترتیب اداره روزنامه درج شده ومدیر اداره ازآن بکلی بی‌خبر وبی اطلاع بوده است لهذا آن نمره را بکلی ساقط وباطل کرده نمره چهل وهشت را تجدید کردیم وازسهو و اشتباه اداره از آقایان معذرت میخواهیم »

نکته شایان توجه این است که درجه بغض و کینه مردم نسبت بمستبدین تا بدین درجه رسیده که مدیر روزنامه ناچار میشود ازشماره که مقاله شیخ فضل‌الله نوری در آن بچاپ رسیده صرف نظر نماید. دنباله عنوان سرمقالات : « العلم علمان علم الابدان وعلم‌الادیان » شماره ٤٩. (اتفاقات عجیبه یا بد بختی ملت ایران) شماره ٦١ (مملکت بی ثروت قالب بی روح) شماره ٦٦ (انجمن محترم تجار) شماره ٧٩ (بانك آلمان) نمره ٩٨. یك قسمت‌عمده ازسرمقاله های روزنامه (اخبار مجلس) است که در حقیقت اخبار مجلس جای سرمقاله را گرفته است، و اما نمونه از اخبار مجلس روزنامه. « مذاکرات یکشنبه ١٣ ربیع‌الثانی ١٣٢٥ قمری» شب یکشنبه ١٣ تا پنج ساعت ازشب گذشته مجلس منعقد بود ومردم با اجتماع فوق‌العاده رفتند جناب مستطاب آقا سید عبدالله را که بواسطه کسالت مزاج بستری بودند بانهایت ضعف بمجلس آوردند در ورود بمجلس شرحی اظهار داشتند که کسی تصور نکند درموقعیکه برادران ما درخون خود میغلطیدند ماها آسوده نشسته باشیم بلکه باکمال تاسف همدردی خود را با برادران آذربایجانی خود اظهار میداریم مختصرا اشخاصیکه مامور بودند که خدمت جناب وزیر داخله بروند رفتند با جناب محتشم‌السلطنه مراجعت نمودند واینطور خبر آوردند که دردوائر دولتی ازاین اخبار چیزی انتشار ندارد ومنشاء و محرك این اعمال را نمیشناسند و ذات اقدس شاهنشاه بانهایت ملاطفت برای حفظ امنیت آذربایجان وسرکوبی اشرار حاضرند واقدامات لازمه شده است وتقریبا بعدازمذاکرات زیاد استدعا کردند شخص رحیم خان‌را که درطهران‌است گرفتار نموده حبس نمایند تا پسرش را هم بیاورند وبمظالم آنها رسیدگی نمایند.»

نمره دوم صبح صادق بهمان قطع و سبك نمره اول در تاریخ دوشنبه ٢٤ صفر ١٣٢٥ قمری منتشر شده وسرمقاله آن (بقیه صبح صادق) است که با بن شعر شروع میگردد :

هنگام سپیده دم خروس سحری	دانی که چرا همی کند نوحه‌گری
یعنی که نمودند در آ ئینه صبح	کز عمر شبی گذشت وتو بی‌خبری

ازنمره دوم است که (اجمال مذاکرات مجلس ملی بتاریخ ٢٢ شهر صفر) نوشته شده و از آن پس مرتبا خلاصه مذاکرات درج گردیده است؛ ازنمره ١٧٥ سال اول (مرتضی قلیخان موید‌الممالك) بعنوان « مدیر کل وصاحب امتیاز » ونگارنده « میرزا علیخان‌زنجانی» معرفی شده. این شماره درتاریخ پنجشنبه ٧ شهر شوال‌المکرم ١٣٢٥ قمری انتشار یافته وسرمقاله آن پس ازچند سطر بعنوان « اخبار مسرت آثار »

عبارت ازصورت خطابه محمد علیشاه درمجلس شورایملی و بعد صورت قسم‌نامه اوچاپ شده است. از نمره ۲۱۰ سال اول مورخ چهار شنبه ۳ ذی‌الحجة الحرام ۱۳۲۵ قمری مدیر روزنامه به (مهدیقلیخان موید دیوان) تغییر کرده ولی نگارنده همان میرزاعلیخان زنجانی است. در این شماره قبل ازسر مقاله شرحی راجع بتغییر مدیر روزنامه بعنوان (اخطار اداره صبح صادق) نوشته که عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم.

«خدمت عموم مشترکین محترم وخوانندگان جریده صبح صادق با کمال احترام تصدیع داده میشود که چون این بنده مرتضی‌قلی موید‌الممالک صاحب امتیاز جریده صبح صادق بر حسب صلاحدید جناب مستطاب اجل مخبرالسلطنه وزیر عدلیه اعظم دام اقباله بسمت حق گذاری محکمه تجارت انتخاب شده لهذا از تاریخ امروز مدیری اداره صبح صادق را بجناب مهدیقلی خان موید دیوان برادر خویش که مردی تحصیل کرده وبا اطلاع است واگذار نموده ومسلم است که جناب معظم له نیز لازمه مراقبت ودقت را در صحت مطالب ومنظم بودن وبموقع رسانیدن جریده خواهند نمود واز طرف خود این بنده نیز لازمه مواظبت وتوجه باین اداره خواهد گردید خاطر محترم خوانندگان محترم ازاین جهت آسوده باشد که نقصانی ازاین تبدیل برای اداره حاصل نخواهد شد»

نگارنده مجموعه کاملی ازروزنامه صبح صادق از نمره یك تا نمره ۲۲۸ مورخ یکشنبه ۲۸ ذی حجه‌الحرام ۱۳۲۵ قمری دردست دارم که الحق مجموعه بسیارنفیس و عالی است وحتی یکشماره هم کسرندارد. ظاهراً صبح صادق بهمین شماره خاتمه پیدا میکند زیرا مجموعه ازاین روزنامه که درکتابخانه مجلس شورایملی است نیز بهمین نمره ختم گردیده است. شرح‌احوال وعکس مرحوم مرتضی‌قلیخان موید‌الممالك بتفصیل در جلد دوم کتاب درذیل روز نامه پلیس ایران طبع گردیده خوانندگان گرام برای اطلاع ازآن میتوانند بدانجا مراجعه نمایند.

(۷۲۳) صبح صادق

روزنامه صبح صادق درشیراز بمدیری (سید جوادخان بهشتی) تاسیس ودرسال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است .درچهارم قوس ۱۳۰۳ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روز نامه صبح صادق را بنام سید محمد جواد بهشتی تصویب نموده ولی روزنامه تا پایان سال مذکور منتشر نشده وطلیعه آن در اول فروردین ۱۳۰۴ نشر شده و بنا بمندرجات سالنامه فارس جریده مزبور چند ماه منتشر و بعد تعطیل شده‌است ولی درنامه‌ای که برادر آنمرحوم‌ازشیراز بنگارنده نوشته‌وذیلا آنرا نقل‌مینمائیم انتشارروزنامه را برای مدت یکسال قید کرده است والله اعلم

آقای محمد رضا دستغیب بهشتی کارمند فرهنك فارس برادرارجمند مرحوم‌جواد بهشتی مدیر وصاحب امتیاز روزنامه صبح صادق شرح احوال برادرخودرا برای‌نگارنده بدینقسم نوشته‌اند : « مرحوم سید جواد خان بهشتی (صبح صادق) فرزند مرحوم سید محمد باقر درسال ۱۲۵۷ خورشیدی درشیراز متولد شده ـ فارسی ومقدمات عربی را درشیراز فراگرفته درسن هیجده سالگی برای اکمال تحصیلات ویژه منطق و حکمت

بتهران رهسپار و در آنجا مشغول تحصیل و برای امرار معاش بتجارت اشتغال ورزیده در سن ۲۵ سالگی بقصد تکمیل فقه و اصول بنجف اشرف و کربلای معلی رفته پس از سه سال تحصیل درعتبات از آنجا ببندر عباس نزد عموی خود مرحوم حاج سید محسن مجتهد میرود پس ازفوت مرحوم حاج سید محسن از بندر عباس به بمبئی مسافرت نموده درآنجا بتجارت ودرضمن بموعظه ومنبر میپردازد از بمبئی سفری بمدرس و کلکته رفته با مرحوم سید جلال الدین مدیر روزنامه حبل المتین ملاقات ومدتی مشغول نوشتن مقاله برای روزنامه نامبرده بوده واز کلکته بافغانستان مسافرت وبا امیر افغان ملاقات ویك سالی بتدریس فرزندان خاندان سلطنتی مشغول بوده سپس ازافغانستان بکراچی آمده و در سمت مدرسه اسلامی کراچی بتحصیل وتکمیل زبان انگلیسی میپردازد پس از فراغ ازتحصیل از کراچی ببندر عباس آمده مدیری مدرسه جاوید آنجا را عهده دار میشود پس از دوسال مدیری مدرسه جاوید هنگام تشکیل قشون جنوب درایران بسمت منشی گری ومترجمی درآن اداره استخدام شده پس از انحلال قشون جنوب بنمایندگی حکومت آباده اقلید انتخاب وپس ازکناره گیری ازآن سمت در دادگستری شیراز مشغول کار وکالت میگردد درسال ۱۳۰۳ امتیاز روزنامه صبح صادق را گرفته اول فروردین ۱۳۰۴ طلوع آنرا بشارت داده ویکسال جریده را منتشر ساخته و پس از یکسال بواسطه زیادی کار وکالت وخستگی دماغ و مقتضیات زمان قلم را کنار گذارده بهمان شغل وکالت با پایه یك اکتفا مینماید ۰ دردیماه ۱۳۱۷ در کازرون برحمت ایزدی میپیوندد رحمة الله علیه ۰»

(۷۲٤) صبحنامه

روزنامه هفتگی صبحنامه درطهران با چاپ ژلاتین بمدیری ونویسندگی (سید محمد رضا شیرازی) تاسیس و درسال ۱۳۲٤ قمری منتشر شده است ۰ برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی (ص ۱۱٤) پس از آنکه توضیح مذکور را در باره این روز نامه مینویسد اضافه میکند که این روزنامه قبل از اعلام مشروطیت وکمی بعد از آن منتشر گردیده وچون درکمال خفا و پنهانی دست بدست میشده بیش از هیجده یانوزده شماره از آن نشر نگردیده سبك روزنامه انقلابی وسیاسی بوده است ۰

سید محمد رضا شیرازی ـ مدیر ونویسنده روزنامه صبحنامه سید محمد رضا شیرازیست که بعدا بمناسبت انتشار روزنامه مساوات معروف بمساوات شده مرحوم کسروی درجلد سوم تاریخ مشروطه ایران درباره مرحوم مساوات مینویسد سید محمد رضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات مردی بی باك وخیره سری میبود و درنوشتن این روزنامه نیزبی باکی وخیره سری از خود مینمود این نیز همچون مدیر روح القدس شاخ بشاخ محمد علی میرزا انداخته زور بتند نویسی میزد چنانکه دریکی ازشمارهای روزنامه خود داستان لوی شانزده پادشاه فرانسه وگریختن او ازپاریس را نوشته است ۰ شرح زندگانی مرحوم مساوات مفصل وداستان مهاجرتش ازایران بقفقاز مبسوط است که امید است بتفصیل آنرا در جلد چهارم کتاب درذیل روزنامه مساوات ذکر نمائیم ۰

(۷۲۵) صحبت

روزنامه صحبت درشهرتبریز بزبان ترکی بمدیری (سید حسین عدالت) تاسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . این روزنامه چنانچه یادآورشدیم بزبان ترکی بوده و با چاپ سنگی منتشر و پس از نشر چهار شماره توقیف گردیده است. مرحوم تربیت درفهرست جرایدآذربایجان در باره علت‌توقیف صحبت مینویسد :«روزنامه صحبت بواسطه نشریك مقاله بطورلطیفه درشماره چهارم بعنوان (دنده کج) در باره تسترنسوا ن ولزوم اصلاح حال آنان مورد غیظ روحانیون و عوام‌گشته توقیف گردیده است » عنوان ترکی مقاله که باعث توقیف روزنامه شده و مرحوم تربیت‌آنرا دنده کج ترجمه کرده (کج کبور گه) است .

سید حسین عدالت - سید حسین‌مدیرروزنامه صحبت علاوه براین روزنامه،روزنامه های عدالت ، الحدید و خبر واناديلي راکه روزنامه اخیر نیز بزبان ترکی آذربایجانی است در تبریز منتشر نموده ومرحوم کسروی در چند جای کتاب تاریخ مشروطیت ایران نام اورا ذکر کرده منجمله درجلد اول کتاب (ص ۵۸) درجائیکه ازفزونی‌روزنامه‌های مشروطیت گفتگومینماید مینویسد : الحدید، نویسنده‌آن سید حسینخان از نیکا نست و درروزنامه‌اش نیز که سپس‌آنرا بنام‌عدالت نوشت ازچاپلوسی خودداری کرده‌وگفتارهای سودمندی مینوشت در جای دیگر همین مجلد (ص ۲۰۷) که ازکوشندگان مشروطیت تبریز نام میبرد اسم میرزا سید حسنخان عدالت را بپهلوی اسامی تقی‌زاده ، سید محمد شبستری ومیرزا محمد علیخان تربیت ذکرکرده و او را درجزو کوشندگان تبریز یاد کرده است . و باز درص ۳۷۳ همین کتاب مینویسد : میرزا سید حسینخان دارنده عدالت که روزنامه اش تا پس ازچند ماه از آغازمشروطیت بیرون‌آمد روزنامه کوچکی بزبان ترکی بنام (اناديلي) بیرون داد که‌آنهم زود ازمیان رفت .

(۷۲۶) صحت

روزنامه صحت درسال ۱۳۲۵ قمری درطهران منتشرشده‌است.(کتاب‌مطبوعات وشعر فارسی ص ۱۱٤)

(۷۲۷) صحت

درسال ۱۳۰۳ شمسی مجله‌صحت درخراسان بطورماهیانه تاسیس‌ومنتشرشده‌است

(۷۲۸) صحت

مجله صحت درشهراصفهان بمدیری (میرزاحسین خان صحت) تاسیس ودرسال ۱۳۰٤ شمسی منتشرشده است . شماره اول این مجله در بیست صفحه بقطع خشتی و با چاپ سربی بمدیری وصاحب امتیازی (ح.صحت) طبع ودر تاریخ فروردین ۱۳۰٤ شمسی انتشار یافته است.مقاله افتتاحی مجله صحت بدین‌قراراست«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم.

طلیعه مجله صحت که چندی پیش انتشار یافت برای تعیین مشی و مرام این مجله کافی است . باحتمال اینکه از نظرها محو نشده باشد برخی خصوصیات آن تکرار میشود . مجله صحت هرچه مینویسد باعبارات ساده ونزدیك بفهم عموم است محتویات این مجله محصور درمطالبی است که بحال طبقات سوم و افراد جوان و ابناء ایران مفید وپس ازمطالعه نتیجه و فائده معنوی از آن بدست میتواند آورد . ایران محتاج تربیت است از میان اقسام تربیت د در میا ن انبوه عوامل ...ت کننده نشریات ساده مفید بیشتر د ر اعماق جمعیت نافذ است اقتصادیات ما که ا مروز روح و حقیقت جامعه شده است بازهرچه باشد باانتشار حقایق راجع باینموضوع میتواند یك قدم بطرف تعالی پیش بگذارد همین قدر میتو انیم گفت با اینکه تازه بعالم صحافت قدم گذاشته ایم ولی با ملاحظه اوضاع نگارندگی و با تجربیانی که دیگران آموخته وماهم پندگرفته ایم باین امرمهم اقدام نموده ومیخواهیم تا اندازه ای که ممکن است محتویات مجله صحت را سودمند ومفید قرارداده تا حتی الامکان بخد متگذاری بافکار عمومی اندك حقیقت و معنی بدهیم چون مجله برای نگاهداشتن وازآن استفاده کردن است لذا مطالب آن باید قابل حفظ واستفاده بوده و کهنگی برآن مستولی نشود . محتویات مجله صحت نیز باکوشش واقدامی که بعمل آمده است شامل همین خصوصیت گردید و کهنگی برآن فائق نمیشود و اگرهم بشود باز چندی را درحال جوانی ونشاط میگذراند . درطبع آن نیز سعی لازم بعمل آمده است که خوانا و بی غلط وروشن باکاغذهای مرغوب و خوش سلیقه طبع شود . درقیمت اشتراك نیز باز رعایت حال طبقات سوم شده و با ارزانترین قیمتی که ممکن بوده است

صفحه (۵٦۷)   نمره (۱۰)

سال دوم — اشتراك سالیانه

مجله ملی ماهانه — همه جا ۹۳ قران

صحت

مدیروصاحب امتیاز. حسین صحت

اعلانات سطری یکقران

علمی ادبی سیاسی اجتماعی — برای مشترکین

اقتصادی – وغیره — اعلانها تاد وسطرمجانی

اصفهان دی ماه ۱۳۰۵

قالی ایران

(۲)

رنك های طبیعی علاوه برآنکه براهمیت قالی میافزاید از نقطه نظر اقتصادی نیز استعمالش نافعتر است زیراکه یك قسمت عمده این الوان در خود مملکت تهیه شده وبمقدار زیاد یافت می شوند –

چون اهمیت استعمال الوان طبیعی ذکر شد لازم است که اسامی آنها وطرق استفاده شان را بیان نمود

بطور کلی رنگهای طبیعی بردوقسمند

۱ – رنگهای نباتی

۲ – رنك حیوانی

یك صفحه از مجله صحت

آبونمان قرار داده شده • خوانندگان محترم از این قسمت اخیر بیشتر استفاده نموده بمطالعه این مجله بیشتر رغبت مینمایند• در قسمت ترجمه های این مجله ملاحظاتی بعمل آمده است که هر ترجمه از آن که قابل جمع آوریست در یك کتابی مدون گردد و این نکته در هنگام طبع وتجلید رعایت شده است••

چنانچه از مقاله افتتاحی مذکور واز مطالعه مندرجات شماره‌های دو ساله مجله معلوم میگردد؛ محتویات مجله صحت بیشتر ترجمه‌های خارجی ومقالاتیست درباره ترکیبات غذا وحفظ الصحه بدن وطرز جلوگیری ازامراض مختلف وخواص شیمیائی ادویه واجسام و از این نظرتا اندازه مندرجات مجله با اسم آن مطابقت دارد• مضافا باینکه شغل مدیر مجله دوا فروشی بوده وبا این مطالب کمال تناسب را داشته است• مقالات مربوط بتجارت نیز گاهی در مجله چاپ شده • گرچه درعنوان مجله؛ صحت مجله علمی؛ ادبی سیاسی اجتماعی ،اقتصادی وغیره معرفی شده ولی قسمتهای ادبی وسیاسی واجتماعی کمتر در آن دیده میشود•

از مختصات مجله صحت قسمتی است که در هر شماره تحت عنوان (ملانصرالدین قرن بیستم) بصورت مذاکره با ملا نوشته شده ومن‌جمله در شماره ششم ملاقات ملا را با علی‌ورجه بدینقسم آورده است:

ملا - السلام علیکم - آعلی ورجه مدتی بود کجا تشریف داشتید • علی ورجه مسکو رفته بودم • ملا - واقع بگو ببینم مسکو چطور جائیست؟ علی‌ورجه مسکو مثل بهشت شده‌است• (دراینجا دوقسمت دیگرهست که با جوهر خط زده شده‌است)

قسمتی از مقالات مجله صحت بقلم آقایان اطباء اصفهان از قبیل مرحوم میرزا مسیح خان حافظ الصحه، ودکتر میرزا احمد خان وغیره میباشد وبقیه بقلم آقایان ضیا و جناب - امیر قلی امینی (مدیر روزنامه اخگر) -عنایت‌الله‌خان،سهراب ، جلال‌الدین‌همائی غلامحسین زیرك‌زاده تدوین شده • برای مزید اطلاع خوانندگان عنوان بعضی‌ازمقالات مجله را نقل مینمائیم: شیر - ویتامین -- فواید میوه - فواید شیر - سیاه زخم ومعالجه آن میخچه ها - عرق ها - هانگر - تعریف قالی - پشم -تغذیه - علم اقتصاد - تداوی روحی•

شماره دوم مجله در اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی وشماره سوم در خرداد وچهارم آن در تیر ماه سال مذکور منتشر گردیده و بنا بر این طرز انتشار مجله ماهانه بوده است نشر شماره نهم سال، مصادف با جلوس اعلیحضرت پهلوی فقید یعنی آذر ۱۳۰۴ شمسی بوده وبهمین مناسبت در صفحه اول شرحی تبریك بعنوان (طلوع سعادت) نوشته است• سال اول مجله با انتشار شماره ۱۲ در ۲٤ صفحه بهمان قطع شماره اول در اسفند ۱۳۰٤ بپایان یافته واین شمارة در مطبعه سربی (شرکت اتحاد) چاپ شدة است • تمام‌شمارة های سال اول دارای‌یك قطعه وبا چاپ سربی روی کاغذ خوب طبع گردیدة است •دو شمارة اول ودوم سال دوم متعلق بفروردین واردیبهشت ۱۳۰۵ یکجا در ٥٦ صفحه بقطع خشتی طبع و منتشر شدة و سال دوم با انتشار شماره نهم که باشمارة هشت در یك

مجله است در آبانماه ۱۳۰۵ منتشر گردیده و دوره مجله صحت خاتمه پیدا کرده واز آن پس تبدیل بروزنامه شده است. وجه اشتراك مجله همه جا ۳۶ قران قیمت اعلانات سطری یك قران وبرای مشترکین تا دو سطر مجانیست . محل اداره: اصفهان . خیابان خوش دوا خانه صحت. آدرس تلگرافی : صحت .


شاهنشاهی ایران

نهم ابان ماه

دوره پهلوی

صحت

شماره نهم بتاریخ آذر ماه ۱۳۰۴

وجه اشتراك

یکساله همه جا ۳۶ قران

مدیر و صاحب امتیاز ـ حسین ـ صحت

عنوان مراسلات

اصفهان خیابان خوش دواخانه صحت

آدرس تلگرافی

صحت

اصفهان مطبعهٔ شرکت اتحاد

نمونه از مجله صحت

(۷۲۹)

صحت

دنباله انتشار مجله صحت روز نامه صحت است که در سال ۱۳۰۶ شمسی مجله عنوان روزنامه پیدا کرده و بصورت روزنامه منتشر شده است بنا بر این روزنامه صحت در شهر اصفهان بمدیری (حسین صحت) تاسیس ومنتشر شده است. آنچه در صورت امتیازات وزارت معارف راجع بتصویب امتیاز مجله صحت در جلسه ۵ مهر ۱۳۰۶ شورایعالی معارف ضبط شد مربوط بهمین روزنامه صحت است .

شماره ۱ سال او روزنامه صحت روی یك ورق بقطع وزیری بزرك با چاپ سربی (اصفهان مطبعه اتحاد) طبع ودر تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است. پس از تبدیل مجله بروزنامه؛ مدیر روزنامه (حسین صحت) وسردبیر (ریشو) معرفی شده

وتصوير ريشو يعني مرديكه داراى ريش بلنديست در سر لوحه روزنامه چاپ شده ، اسم روزنامه بخط نستعليق درشت ودر بالاى آن (السلام‌عليكم) و آيه (افوض امرى الى الله) طبع

ورق صفحه از روزنامه صحت

— محل اداره —
اصفهان ـ جنب دواخانه صحت
قيمت ساليانه همه جا بيست قران
از معارف خواهان ده قران علاوه گرفته ميشود

تك نمره ٥ شاهى

اجرت اعلانات ازمفت ارزانتر است

السلام عليكم

افوض امري الي الله

صحت



مدير . حسين صحت   سردبير ريشو

نمره ٤   ١٧ بهمن ماه   سال اول

عيد سعيد ولادت حضرت ولى عصر عجل الله فرجه رابعموم شيعيان دنيا تبريك ميكوئيم

عجل على ظهورك يا صاحب الزمان
از بسكه فتنه كشت و آشوب در جهان
رفته برون حقيقت و انصاف از ميان
با آنكه گفته احمد مرسل بهر زمان
فرض است كسب علم بمردان وهم زنان
بگشت خلق جاهل و بيچاره هم نادان
عجل على ظهورك يا صاحب الزمان
مردم چه كور كر همه از علم بى خبر

گل باشيد

از دوستانيكه براي صحت مبارك باد نوشته اند و از نويسندگانيكه با نوشته جات خودمارا تبريك گفته اند ممنون و سپاسگذاريم   صحت

اكادمى ريشو

— بشارت —
قبوض اشتراك جريده صحت با نمره پنج فرستاده مى شود
دفتر صحت

— بى سيم ريشو —
معدن پادشاه . افتان ١٢٥ هزار فرانك بفقراى پاريس و لهستان وسيدن مساعده .

گرديده است محل‌اداره‌روزنامه: اصفهان ، جنب‌دواخانه‌صحت‌وقيمت ساليانه‌همه‌جا بيست‌قران و از معارفخواهان ده قران علاوه گرفته ميشود ، تك نمره ٢ شاهى ، اجرت اعلانات ازمفت ارزانتر است ، مندرجات روزنامه صحت پس از درج مقاله اساسى عبارت ازاخبار محلى و داخله و خارجه و اعلانات است ، بخصوص اعلانات ثبتى در روزنامه زياد است درشماره نمونه بعوض سرمقاله (لايحه انحصار ترياك) طبع گرديده درصفحه دوم آگهى هاى ثبتى و تجارتى چاپ شده است ، روزنامه صحت بطور غير مرتب طبع وتوزيع مى شده وظاهرا دوهمين سال هزار وسيصدو هفت شمسى بانتشار آن خاتمه داده‌شده است

ميرزا حسين خان صحت ـ آقاى حسين صحت از خانواده‌هاى گمنام اصفهانست كه درائر لياقت و جديت و پشتكار توانسته است درميان همشهريان خود مقام ارجمندى را حائز گردد؛ نامبرده مدتى در پليس جنوب مشغول خدمت بود و پس از آن بشغل دوا سازى و دوا فروشى مشغول گرديد وبعد وارد تجارت شده است واكنون ازسرمايه

بزرك اصفهان محسوب است • آقای صحت برخلاف اغلب همشهریان خود که پس از رسیدن بجاه و مقام دوچار غرور و نخوت و کبر میگردند؛ مردی ساده وبدون آلایش و با همه کس نشست و برخاست مینماید • آقای حسین صحت در بدو تاسیس مدرسه صارمیه با اینکه هنوز ثروتمند نشده‌بود مختصر علاقه ملکی خودرا وقف کتابخانه‌مدرسه مذکورنموده وهمیشه‌این‌موضوع را جزوافتخارات خود محسوب میدارد • از آثار خیر آقای‌صحت مدرسه ایست که ازپول خود درمحله شمس آباد مقابل شاهزاده ابراهیم بنـا نموده ومدتی است محصلین در این مدرسه بفرا گرفتن علوم‌جدیده مشغولند • آقای صحت دراغلب انجمنهای شهری شرکت دارد و از اینراه بشهر وهمشهریان خود خدمت مینماید • مدیر مجله و روز نامـه صحت مردی است خوش مشرب‌وهمیشه خانه اش مرکز اجتماع دوستان و آشنایان است وی بخصوص به اهل فضل و دانش علاقه وافری دارد و بیشتر اوقات خودرا با نان بسر میبرد •



آقای حسین صحت

(۷۳۰) صحت ایران

روزنامه صحت ایران در سال ۱۳۰۱ شمسی درطهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۷۳۱) صحت نمای ایران

مجله صحت نمای ایران در طهران بصاحب امتیازی و موسسی (دکتر امپراتور محمد علی توتیا) تاسیس و درسال ۱۳۱۲ منتشر شده است • شماره اول این مجله در ۲٤ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (دانش) واقع در خیابان ناصریه طهران طبع و در تاریخ فروردین ۱۳۱۲ منتشر گردیده • مندرجات مجله صحت نمای ایران چنانچه از اسم آن نیز پیداست و درعنوان هر شماره نیز معرفی شده (مجله صحی : اخلاقی ، طبی) عبارت از مطالب صحی . اخلاقی و طبی است که برای تندرستی و تکثیر وازدیاد نفوس نوشته میشد ••

در شماره اول پس از درج تمثال اعلیحضرت رضا شاه فقید‌مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (مرام ما) راجع به پیدایش و مندرجات مجله نوشته شده که ما برای مزید اطلاع خوانندگان قسمتی از آنرا نقل مینمائیم • قبل ازنقل مقاله افتتاحی چند سطریکه در ذیل تصویر اعلیحضرت فقید‌چاپ شده نقل مینمائیم تا خوانندگان به بیگناهی کسانیکه این قبیل اشعار را سروده اند اذعان و اعتراف نمایند :

(نه کرسی فلك نهد اندیشه زیر پای ☆ تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد)

آقای مدیر مجله صحت نمای ایران در زیر تصویر شاه فقید این سطور را نوشته است: « این نامه که مشحون بمطالب صحی و تعلیمات گرامی مربوط بحفظ صحت عمومیست بنام نامی اعلیحضرت اقدس همایون پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه بتمثال بی مثال ایشان که بتدابیر علمی جسم علیل این مملکت را که سالیان دراز در اثر امراض سیاسی دوچار نا توانی بود و بعقیده اطباء ماهر بنبض شناس سیاست مجال برء و بهبودی برای آن متصور نبود بطور محیرالعقولی بسلامت وصحت سوق داده و ازهرگونه خطری نجات بخشید شروع میشود • و امیدوار است همانطور که جسم علیل مملکت را ازناتوانی رهائی بخشود با اندك توجهی وسائل صحی افراد اهالی مملکت را نیز بیش از آنچه هست امر بتامین فرموده از این حیث هم مملکت باستانی را قوی وتوانا فرمایندوعامه را مرهون این بذل توجه سازند •» و اما مقاله افتتاحی مجله :

« مرام ما — بسیار خوشوقت و مسروریم که بعدازیکسال زحمت و مجاهدت بالاخره موفق بتوزیع و نشر اولین نسخه مجله صحت نمای ایران شدیم و اینك در سر لوحه اولین شمارهٔ آن ، مرام ؛ مقصد ، مسلك ؛ هدف و کمال مطلوب خودرا برای استحضار خاطر خوانندگان بیان مینمائیم : صحت نمای ایران چنانکه از عنوان آن مستفاد میگردد مجله ایست طبی که کلیه مندرجات آن در دائره این سه موضوع ومسائل مربوط بانها محدود و با سیاست و پلتیك که بنیان و پایه جراید یومیه را تشکیل میدهد سرو کاری نخواهد داشت • منظور ما ازانتشار صحت نمای ایران این نیست که تنها مجموعه ای از تحقیقات علمی و تطبیقات صحی ازخود باقی بگذاریم بلکه ما میخواهیم نتایج و تجربیات وتدقیقات مسلم مدت متمادی را مطابق آنچه برای العین دیده وازطرف مولفین مختلفه متفقا قبول شده است درطی صفحات این مجله بعرض خوانندگان برسانیم کمال مطلوب و امید قلبی ما این است که با ارائه طرق علمی وسهل العبور دوازده ملیون جمعیت علیل وناتوان کنونی را درمدت قلیل مبدل بملتی بیست ملیونی متین عاقل سالم تندرست نموده وبقدر قوه و درحدود توانائی خویش برای جلوگیری از فساد نسل از بذل هیچگونه مساعی وفداکاری دریغ نداریم •» دراینجا مدیر مجله شرحی ازاین که مصمم است تا آخرین حد امکان درمنظور خود ایستادگی نماید واینکه ایران کنونی تا چه اندازه محتاج بافراد تندرست وتکثیر نفوس میباشد شرح داده وپس از آن مقایسه مختصری بین جمعیتهای ایران وممالك فرانسه ؛انگلیس،آلمان،ایطالیا نموده وتوضیح داده که تاچه اندازه جمعیت فعلی ایران نسبت بان ممالك کم است بعد دنباله مطالب و مقاله را اینطور مینویسد : « صحت نمای ایران مصمم است که تمام علل وموجبات این وقفه را که بطور قطع ومسلما ناشی ازعدم رعایت حفظ الصحه است یکی یکی ارائه داده و راه علاج قطعی آنرا نشان دهد • بنابراین وظیفه صحت نمای ایران عبارت خواهد بود ازفهماندن معنای حقیقی و راه حصول عملی صحت حقیقت وماهیت علت ومرض و ارائه طرق عملی وسهل برای جلوگیری از آن • صحت نمای ایران میخواهد علم مجاهدت به

دست گرفته وبرای تامین صحت عمومی با امراض خصوصا امراض تناسلی که از هر بلای آسمانی هم خطر ناکتراست اعلان جهاد بدهد زیرا ایمان قطعی آن این است که با وضعیت فعلی و برای مشتی مردم علیل و نا توان مراعات صحت از رعایت روزه و نماز واجب تر است زیرا اداء این فرایض بدون داشتن صحت امکان پذیر نتواند بود ۰۰۰ درقسمت طبی این مجله آخرین کشفیات جدید طبی را با زبانی ساده مشاهده و مطالعه خواهید نمود صحت نمای ایران تمام دکترهای حاذق ایران رابوسیله گراور کردن عکسهای آنها بهمه معرفی نموده و وظایفی را که آنها نسبت به خود و نسبت بعموم دارند با بیانی صریح و آشکار تذکر خواهد داد ۰ صحت‌نمای ایران بنوبه خود طرقی را که برای اکمال و ترقی مدرسه طب دارد نشان خواهد داد ۰ صحت نمای ایران برای تعیین وظایف حتمی و ضروری والدین نسبت باطفال خود ، برای تامین صحت عمومی وبرای‌جلوگیری از انحطاط سریع خواهد کوشید و برعله فساد اخلاق که یکی ازعوامل شیوع امراض مسریه است فداکاری‌خواهد نمود ۰۰۰۰ ۰ سرمقاله مذکور که اصول مطالب آنرا نقل کردیم شش صفحه مجله را اشغال کرده وپس از آن مقاله شرح حال زکریای رازی بتفصیل تاصفحه ۱۲ مجله سپس مقالات کوچك دیگر از قبیل اوضاع مدرسه طب ایران وشخصی که یك عمل جراحی در باره خود نموده است و در(قسمت طبی) مقاله ای تحت‌عنوان (سل‌قابل شفاست یانه) چاپ شده است ۰

طرز انتشار مجله ماهانه بوده و وجه اشتراك آن سالیانه ۱۲ ریال ؛ ولایات ۱۴ ریال ، خارجه یك دولار وبهاء تکشماره یکریال معین شده است ۰ دفتر اداره : میدان پهلوی ، مریضخانه توتیا ۰ اطاق صحت نمای ایران ۰ آدرس تلگرافی :توتیا ۰ مجله صحت نمای ایران از حیث طبع وکاغذ وجلد بسیار زیبا وخوب است گرچه تعداد صفحات آن کم میباشد ولی درهمین مختصر دقت زیاد بکار برده شده است شماره دوم آن بهمان قطع وسبك شماره اول‌در اردی بهشت ماه ۱۳۱۲ منتشر شده ومختصر تغییری که‌دراین‌شماره‌داده‌شده عبارت از این است که فهرست مندرجات دریکطرف‌روی جلد فارسی وطرف دیگر بفرانسه نوشته شده ۰ درشماره دوم گراور این آقایان پزشکان (دکتر امیر اعلم ؛ دکتر محمدخان علاء ، دکتر لقمان‌السلطان) طبع گردیده و نیزعکس مدیر مجله درهمن شماره گراور شده است ۰

آقای دکتر محمد علیخان توتیا ـ آقای دکتر توتیا مدیر مجله و رئیس مریضخانه توتیا علاوه برطبع ونشر مجله این کتب را نیز تالیف وطبع نموده اند : ۱ امراض زهروی (مقاربتی) دراین کتاب از تدابیر احتیاطی برای مبتلی نشدن بامراض سوزاك و سفلیس وطرزمعالجه قطعی این دومرض گفتگو نموده ۰ کتاب مذکور درسال ۱۳۱۰ شمسی درمطبعه (فردین وبرادر) در ۱۷۴ صفحه بستی طبع شده ۰ قیمت آن هفتریال است ۰ ۲ ـ استمناء بالید واستشهاء بالید ومعالجه آن (جلق) کتاب مذکور در سال ۱۳۱۰ شمسی در چاپخانه اتحادیه در ۱۰۱ صفحه بستی طبع شده ۰ قیمت آن سه قران است ۳ ـ مالش وتماس ۰

آقای دکتر توتیا درسال ۱۳۰۹ شمسی درطهران مریضخانه بنام (بیمارستان توتیا) در تحت ریاست خود تاسیس نموده و این عملیات در آنجا اجری میشده است : جراحی وعملیات کبیره ـ معاینه ومعالجه برق ـ امراض مقاربتی امراض زنانه و قابلگی زایشگاه خصوصی ـ دارالتجزیه .

(۷۴۲) صحیه‌وامور خیریه

مجله صحیه وامور خیریه که از انتشارات (وزارت صحیه وامور خیریه) است درطهران چاپ ومنتشر شده . شماره اول این مجله در ۳۴ صفحه بقطع کوچك در مطبعه سربی (فاروس طهران) طبع ودراسد تخاقوی ئیل ۱۳۰۰ شمسی مطابق ذیقعده ۱۳۳۹ قمری انتشار یافته است .

شعار مجله تصویر شیروخورشیدی است که علامت دولتی بودن مجله است و درزیر آن جمله (وزارت صحیه و امور خیریه) چاپ شده . ودریکطرف آن تصویر (ابوبکر محمدبن زکریا الرازی وفات ۳۲۰ هجری) درحالیکه با قرع وانبیق مشغول آزمایش میباشد و درطرف دیگر تصویر (الشیخ‌الرئیس ابوعلی سینا وفات ۳۷۹) است این تصاویر روبهمرفته شعار مجله را تشکیل میدهد . در بالای اسم مجله عبارت (نعمتان مجهولتان الصحة والامان) و در زیر آن فهرست مندرجات هر شماره طبع گردیده است . مقاله‌افتتاحی مجله که بعنوان (مجله صحیه وامور خیریه) نوشته شده بدین قرار است :

« وزارت صحیه‌وامور خیریه که بعون‌وباری خداوند قادر متعال ودر تحت‌توجهات عالیه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداه برای برآوردن یکرشته از حوائج روحانی وجسمانی این کشور جدیدا تاسیس‌شده است درمراحل اولیه حیات خویش ایجاد یك مجله صحی را بر ذمه خود لازم شمرد وابنك شماره نخستین آنرا منتشر میسازد .

این مجله چنانکه اسم آن بخوبی میرساند دردو رشته مهم حفظ صحت عامه و امور خیریه بحث خواهد کرد یکی ازمباهاتی که برای خود قائل میباشد این است که موضوع مندرجات آن تفسیر یك قسمت ازکلام حکیمانه وحدیث یگانه است که میفرماید : نعمتان مجهولتان الصحه والامان ... درقسمت دوم از وظایف خود یعنی درامور خیریه این مجله برعهده‌خود میداندازاقداماتی که درمعاونت عمومی ازقبیل‌تاسیس دارالعجزه ودارالمساکین وسایر تاسیسات خیریه وعام‌المنفعه و غیره میشود خوانندگان خودرا آگاه سازد و ازنتایج وفواید این اقدامات عموم را واقف نماید . چون بدایت هرکار خالی ازنقصت وقصوری نیست البته خوانندگان این مجله مترقب و منتظر نخواهند بود که مندرجات آن‌ازقدم اول خالی ازهرگونه نقص و بکلی جامع و حاوی اطراف وجوانب‌باشد ... ازیزدان توانا موفقیت خودرا درپیشرفت مقصود آرزوداشته و تنها معاضدتی را که ازخارج چشم دارد حسن توجه اهالی مملکت است که بهترین پشتیبان برای نگاهداری وپیشرفت این مجله خواهد بود . وزارت صحیه وامور خیریه »

درشماره اول پس از سرمقاله مذکور ، مقاله دیگر بعنوان مرض ماریا یا (نوبه) درج

است • فهرست مندرجات این شماره بدین قرار است : مجله صحیه و امور خیریه - مرض مالاریا یا نوبه - حفظ الصحه یومیه دهان - مرض گریپ .. تعیین جنس نرینه و مادینه - جلوگیری از حصبه - اخبار صحیه مرکز و ولایات - مریضخانه دولتی - مریضخانه نسوان - مرض مصری درسرخس - احصائیه نفوس شهر تهران - احصائیه آبله کوبی شهر تهران - احصائیه آبله کوبی اطراف طهران •

وجه اشتراك مجله در داخله سالیانه ۲٤ قران • ششماهه دوازده قران • در خارجه سالیانه ۳۰ فرانك • ششماهه ۱۵ فرانك • قیمت اعلانات سطری یك قران و در صورت تکرار تخفیف داده میشود • قیمت تکنمره دوقران • خصوصیات دیگر مجله روی جلد بعنوان (اخطار) اینطور ثبت شده است : یك - مجله صحیه وامور خیر یه محتوی مقالات عام المنفعه راجع بحفظ الصحه عمومی ومقالات علمی راجع بطب وجراحی وبیطاری و احصائیه و راپورتهای ولایات وغیره ماهیانه یکبار نشر وفعلا برای اغلب آقا یان اطبا ارسال گردیده است • دو - آقایان دکترها و اطباء محترمیکه مایل باشند ممکن است مقالات مفیدی بوزارت صحیه و امور خیریه ارسال دارند مقالات آنها با قید امضا درمجله صحیه درج خواهد گردید • سه - کلیه مراسلات راجع بمجله باید بعنوا ن وزارت صحیه وامور خیریه باشد •

(۷۳۳) صداقت

روزنامه صداقت در طهران با چاپ سنگی تاسیس ودر سال هزار وسیصد وبیست وشش قمری منتشر شده است • (کتاب مطبوعات وشعر فارسی بر و ن ص ۱۱۵)

(۷۳٤) صداقت

روزنامه صداقت در شهر شیراز تاسیس و درسال هزار و سیصد و پنج شمسی بطور هفتگی منتشر شده است •

(۷۳۵) صدای اسلام

روزنامه صدای اسلام درطهران بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (افتخار اشتیانی) تاسیس ودرسال هزار وسیصد ویك شمسی منتشر شده است • شماره اول سال اول صدای اسلام در چهار صفحه بزرك با چاپ سربی درمطبعه برادران باقر زاده طبع و در تاریخ سه شنبه بیست ودو رجب المرجب ۱۳٤۱ قمری مطابق ۲۲ حوت هزار و سیصد ویك شمسی و ۱۳ مارس ۱۹۲۳ میلادی انتشار یافته • سرمقاله شماره اول و بامقاله افتتاحی آن تحت عنوان (مقصد و مرام ما) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : « در وقتیکه احترام قلم و اعتبار مطبوعات که یکی از عوامل مهمه اصلاحات مملکتی است بد بختا نه در ایران لکه دار گردیده است ما برای چه مقصود متحمل زحمت انتشار جریده صدای اسلام شده ؛ چه محرك واحساسی ما رابا بن مقصد واداشته است • »

در شماره اول پس ازسرمقاله مذکور ؛ مقاله ای بعنوان (یادداشتهای اجتماعی)

ودر صفحه دوم اخبار دارالشورای ملی و در پاورقی صفحات دوم وسوم ترجمه کتاب (برژیا تالیف الکساندر دوما پر ۱۵۰۷-۱۴۹۲ مترجم آقا میرزا ابوتراب خان نظم الدوله) چاپ شده و نیز اخبار داخله وخارجه در روزنامه درج است • طرز انتشار صدای اسلام هفته دو بار در روزهای سه شنبه و جمعه بوده • محل اداره : طهران • خیابان علاءالدوله . آدرس تلگرافی : صدای اسلام ، آبونمان : طهران ۸ تومان • داخله ۹ و خارجه ۱۰ تومان ، تکشماره تا سه ماه پنجشاهی • شماره دوم روز نامه بعلت تصادف پنجشنبه با روز مبعث وتعطیل مطبعه بتاخیر افتاده وجمعه منتشر نشده است • شماره هشتم سال اول در تاریخ جمعه ۸ شوال ۱۳۴۱ قمری مطابق جوزای ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده واین تاریخ میرساند که روزنامه مرتب هفته دو شماره نشر نشده است • سرمقاله شماره اخیر بعنوان (آقای مستوفی‌الممالك)است •

شورایعالی معارف در جلسه هفدهم خرداد هزار وسیصد و شش شمسی تصویب نمود که اسم جریده صدای اسلام به (نامه امروز) تغییر یابد و بنابراین صدای اسلام بعدا باین نام منتشر شده است

(۷۳۶) صدای آسیا

روزنامه صدای آسیا درسال هزار وسیصد و یك شمسی درطهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است •

(۷۳۷) صدای اصفهان

روزنامه صدای اصفهان بمدیری وسردبیری (میرزا محمد علی مکرم) در شهر اصفهان تاسیس ودرسال هزاروسیصد وسی ونه قمری منتشر شده است • شماره اول این روزنامه بقسمیکه درعنوان هر شماره قید شده درجمادی‌الثانی هزار سیصد و سی و نه انتشار یافته و طرز انتشار آن غیر مرتب گاهی هفتگی و زمانی پانزده روز یکبار ومدتی هم هرچند ماه یکمرتبه منتشر گردیده است • قبل ازانتشار صدای اصفهان طلیعه روزنامه دردلو هزار ودویست و نود و نه شمسی با مطالب زیر انتشار یافته :

« طلیعه صدای اصفهان - بمشیت وخواست خداوند یکتا وتوسل بائمه هدی و امام عصرواجازه مقام‌منیع وزارت جلیله معارف ومعارف‌پرورا نقریبا روزنامه صدای اصفهان تحت نگارش این بنده منتشر خواهد شد • پروگرام جریده مذکوربقرار ذیل است ؛ ۱ -یك قسمت‌این روزنامه راجع باخبارات خارجه و داخله است بطور خلاصه ۲ -مسلك جریده مرقومه طرفداری مظلومین وتقاضای اجرای قانون و قت است بطورمساوات ۳- بهیچ وجه من‌الوجوه نثرا وشعرا درشخصیات و نسبت حرفی و کلمه درج نمیشود٤- یکقسمت دیگر این روزنامه از ادبیات واشعار وسرود های ملی اثر طبع خوداین جانب است • توضیحا اشعار شعرای دیگر هم درج میشود • میرزا محمد علی مکرم حبیب آبادی » صدای اصفهان روزنامه (اخلاقی ، ادبی ، اخباری فکاهی) معرفی شده ولی قسمت عمده مندرجات آن مبارزهائیست که‌مدیر روزنامه بر

ملا نماها وخرافات و موهومات نموده و آنها را بصورت نظم و نثر در روزنامه بچاپ رسانده است • با همه نفوذ روحانیون در اصفهان آقای مکرم با کمال شهامت و شجاعت و بدون واهمه وترس برضد اوهام وخرافات مذهبی مقالات و اشعار متعددی در روزنامه درج نموده و بهمین جهت هم یکبار ازطرف روحانیون مورد سوء قصد قرار گرفت و یکی دو بار تعزیر شد مع‌ذلك از رویه و سبك خود در نگارش دست بر نداشت و تا کنون هم همان روش را ادامه داده است •

مندرجات صدای اصفهان از دو قسمت متمایز تشکیل میگردد اول مقالات فکاهی و غیر فکاهی و اشعار و دوم اخبار محلی که غالبا جنبه تعریف دارد •

من جمله از مقالات روزنامه مقالاتیست بعنوان (زیج) که ازجملات فارسی و عربی تلفیق شده و رعایت سجع در آنها گردیده‌است• برای نمونه یکی از این نوع مقالات را نقل مینمائیم . (زیج)

« اوضاع الفلك الدوار فی تلك الهفوات والاسابیع الکرار تدل علی رفورم شدن مدرسه سلطانی وشاد شدن روح مرحوم بانی از اخراج آخوند ملاهانی واستحکام فصول و مبانی و رواج منطق ومعانی واضمحلال اصول تعلیمات ممقانی ومحترم شدن عالم ربانی و مضمحل شدن غول بیابانی ـ قال‌الله تعالی کل شیئی فانی ـ ویبقی وجه‌الربانی وحی السبحانی الالعنته‌الله علی کل لاط وزانی من‌الان الی یوم دارالثانی ـ ظاهر شدن توفیر و فرق میان سیمهای برق ولایکون ذلك‌البرق فی‌الغرب‌والشرق ـ شدست میان امواج برق مکرم غرق ـ علاج نیست که ابن موج غم گذشته زفرق ـ فراوان شدن اجناس الامتقال والکرباس لانما من الوسواس الخناس ـ الذی یوسوس فی صدورالناس ـ من الجنته والناس ـ نشستن فنی بجای وسواس وتلؤلؤ شیشه بجای الماس مضمحل شدن قبضهای بی اساس وشایع شدن آقای اسکناس ـ مگردر جیب این احقر البنهاس ـ الهم ارزقنی ذلك القرطاس بحق ابی‌الفضل‌العباس ـ الهم‌التماست هذاالالتماس ـ بعد غسل الارتماس یاموسس کل اساس ـ اسسنی‌اساس الاسکناس خارجا عند الحد والقیاس وخلصنی من الافلاس بحق قل اعوذ رب الناس معاینه مومنین ومومنات وظاهر شدن بثورات‌وجراحات ومصرف شدن محلول پرمنگنات و اشتباه شدن بعضی از معاینات وبکار افتادن ازیکانور جهت بعضی از جهات ـ وپشت هم افتادن چهارلکات ـ وخاموش شدن بعضی ازاصوات ـ ومتروك شدن آواز بیات ـ انماالاعمال بالنیات ـ برمحمد وآل او صلوات ـ بکارافتادن اعضای بلدیه وجریان امور ازروی رویه ـ وظاهر شدن امور خفیه و تاسیس شعبه نشریه وتنظیم شدن نظامنامه نقلیه ـ ومعمول شدن شیوه مرضیه ـ برطرف شدن قضایای فرضیه وظاهر شدن علامات حتمیه ـ الهم ارزقنی مسکوك‌الذهبیه ـ بحق یا دائم‌الفضل علی‌البریه تحریرا فی شوال الفشنا — من‌الهجریه النبویه = صل‌علی محمد واله خیر الوری سجیه »

نقل ازشماره ٤ سال ١٢ نمونه ازفکاهیات مذهبی روزنامه :

« وزوجنی من الحور العین ـ درخیلی از ادعیه نوشته شده که هرکس فلان دعا را بخواند چنین و چنان میشود جمله وزوجنی‌من‌الحورالعین هم درآندعا اشاره شده است این دعا را وابن خواهش وزوجنی من‌الحورالعین را هرمرد مسلم و هر زن

مسلمه میخواند ولی تا حال کسی این سئوال را از دعا نویسها نکرده است واینك بنده میپرسم زنها که میگویند وزوجنی من الحورالعین زن حوری میخواهد چه کند در هیچ خبری نیست که زن در بهشت مرد میشود ومرد در بهشت زن میشود ودر بهشت هم زن اززن استفاده نمیبرد وفعل حرام آنجانیست پس این دعا باید تصحیح شود که مرد بگوید وزوجنی من الحورالعین وزن بگوید وزوجنی من الغلمان » ونیز ازفکاهیات روزنامه است:

«اختراع ثانی - یکی از مخترعات دیگر این شخص(منظور عطاء الملك دهش موسس چراغ برق اصفهان است)ازین این است که گاهی اوقات میشود چراغهای چهار باغ تا محاذی مدرسه چهارباغ روشن ولیکن چراغهای زیر دست مدرسه بدون قطع شدن سیم خاموش میشود قوه قطع البرق بنظر بنده کمتر از طی الارض نیست یاصاحب الزمان بظهورت شتاب کن - این برق بی تقلب ما را خراب کن.»

روزنامه صدای اصفهان معمولا در چهار صفحه بقطعهای مختلف با چاپ سربی در مطابع مختلف اصفهان از قبیل حبل المتین؛ عرفان، سعادت وغیره چاپ شده. اموراداره روزنامه مدتی بعهده میرزا باقر و زمانی بدست محمد حسین کامیاب و چندی هم بعهده عباسعلی محب بوده است . محل دفتر روزنامه : اصفهان خیابان خوش - قیمت اشتراك در اصفهان ٦٠ قران. در خارج شهر ٧٠ قران . اعلانات سطری یك قران وتك شماره سیصد دینار است . امتیاز روزنامه صدای اصفهان بمدیری (میرزا محمدعلی مکرم)یك مرتبه در تاریخ ٨ آذر ١٣٠٤ شمسی ازتصویب شورایعالی معارف گذشته واین تصویب البته پس از آن بوده که مدتی روزنامه منتشر میشده است. بار دوم نیز پس ازوقایع شهریور در کابینه قوام السلطنه که تمام امتیازات لغو شد ومدیران جراید ناچاربتجدید امتیاز گردیدند؛ شورایعالی فرهنگ دو مرتبه امتیاز صدای اصفهان را تصویب نموده روزنامه صدای اصفهان تا حین تحریر این سطور بطور غیر مرتب هرنوبت دویست تا سیصد شماره منتشر میگردد. شرح احوال آقای مکرم بضمیمه عکس ایشان در حرف سین کتاب ذیل (سپاهان) طبع گردیده خوانندگان بآنجا مراجعه فرمایند.

(٧٣٨) صدای ایران

روزنامه صدای ایران درطهران بصاحب امتیازی وموسسی (نیرالسلطان) و مدیری (اجلال السلطان) تاسیس و شماره ٦٤ سال اول آن در چهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سنگی (طهران - مطبعه دولتی) طبع ودر تاریخ چهارشنبه ١٩ ذیحجة الحرام ١٣٢٥ قمری منتشر شده است. صدای ایران، از روزنامه های ورق بزرگی است که مانند وطن، کوکب ایران؛ ستاره ایران ، وعد ایران دارای سرمقالهای انتقادی و اخبار خارجه وداخله درآن بتفصیل نوشته شده واز حیث مندرجات درردیف بهترین جراید آن ایام است بخصوص که تمام اخبار راجع بجنك اول وحوادث داخلی در آن درج گردیده است. چنانچه پس از تشکیل کابینه عین الدوله جراید تهران مانند ستاره ایران وهمین صدای ایران از عدم تجانس وزراء کابینه بنای نقادی گذاردند و کابینه جدید عین الدوله متزلزل شد وقوام السلطنه استعفا نمود وچهار روز کابینه در بحران افتاد

وجراید هر یك مقالاتی نوشتند. آخرالامر روزنامه (کوکب ایران) و(وطن) و(رعد) که از جراید بزرك مرکز بودند از کابینه تقویت کردند وقرار شد وزراء از عین الدوله درخواست سفر نمایند ولی عین‌الدوله این درخواست را نپذیرفت ومثمر ثمر نشد تا اینکه متفقا پیش شاه رفتند وکابینه کما کان برقرار ماند.

توقیف صدای ایران - پس از آنکه هیئت‌وزراء از نزد شاه مراجعت کردند جلسه تشکیل داده وباکثریت آراءوروزنامه‌صدای‌ایران توقیف گردید پس‌ازنشرشماره۷۳ مورخ دو شنبه دهم صفر ۱۳۳۶ قمری بود که بدون محاکمه و بازپرسی از مدیران هیئة وزراء امر بتوقیف روزنامه داده.

شماره ۶۰ صدای ایران در تاریخ دو شنبه۱۲ ذیحجةالحرام ۱۳۳۵ قمری‌منتشر شده ومندرجات این شماره عبارت از یك سرمقاله تحت عنوان (هرج ومرج ماراتهدید میکند. نقشه چیست؛ نتیجه کدام است؟) ومقاله بعنوان (نزاکت ما را کشت) و بعد (اخبار طهران) و(تلگرافات خصوصی) و(اخبار داخله)و(آژانس‌رویتر) و(مطبوعات خارجه) و(مقالات متنوعه) است. از مندرجات صدای ایران اخبار خصوصی اسم که‌تحت عنوان (اژانس غیبی) نوشته شده وابتدای آن مینویسد: (توسط تلفن بی سیم اطلاع مید هد که...). غزلیاتی نیز از خواجه وسعدی درصفحه چهارم روزنامه گاهی‌درج است. پاورقی روزنامه که معمولا در صفحات دو وسه و چهار چاپ شده یك قسمت (پلیس سری امریکا ترجمه میرزا اسحق‌خان کرمانی) وقسمت دیگر وزمان یا داستان (نتیجه سوء اخلاق) تالیف غلامحسین کاشف است.

در عنوان روزنامه صدای ایران؛ نامه ملی که (برای خدمت باین آب و خاك تاسیس شده است) معرفی شده وطرز انتشار آن هفته سه نمره روزهای دو شنبه ؛ چهار شنبه وجمعه بوده است.محل اداره : طهران . خیابان ناصریه . عنوان تلگرافی:طهران صدای ایران. قیمت‌اشتراك: طهران یکساله ۶۰ ریال . شش‌ماهه ۳۵ ریال . سه‌ماهه۲۰ ریال . داخله بترتیب : ۶۵ . ۳۸ ، ۲۲ ریال وخارجه نیز بترتیب ۷۰ ریال و۴۰ ریال سه ماهه ندارد تك نمره هشت شاهی . بعدازیك هفته یکقران .قیمت اعلانات صفحه‌اول سه قران و دوم وسوم دوقران و چهارم یکقران . کلیه اعلانات راجع بمعارف نصف گرفته میشود .

آقای مصطفی نوائی ملقب به نیرالسلطان - آقای نیرالسلطان ازمردان شریف ونیکخواه وازخدمتگذاران صدیق دولت بوده . نامبرده دردوره دوم مجلس شو رایملی سمت نمایندگی را داشت . چندی هم کفیل وزارت کشور ومدتی در وزارت فوایدعامه سابق وبعدا بفرمانداری گیلان اشتغال داشت . هنگامیکه نیرالسلطان حکومت گیلان را داشت جمعی علم مخالفت برافراشتند ودرجراید مطالبی برعلیه او نوشتند . درشماره ۱۶ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۱۸ میزان هزار وسیصد و یك شمسی تحت عنوان (نیرالسلطان را بشناسید) شرحی درباره خدمات اونوشته کهچون تااندازه مارا به زندگانی‌او آشنا میسازد خلاصه آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

« نیرالسلطان با یك متانت و شهامت اخلاقی قبلا علل بدبختی ونکبت یکجامعه را حس کرده برای بسط وتوسعه معارف بتاسیس وافتتاح مدرسه سیروس قیام و اقدام نمود • این مدرسه متوسطه شامل دوقسمت فرانسه و فارسی وهم شبانه روزی بود • محصلینی که آنوقت در این مدرسه تحصیل مینمودند بخوبی از پروگرام وتنظیم دروس آن مطلع ولی بالاخره این محیط جهل پرور جز هفت هزار تومان ضرر فایده دیگری عاید موسس آن مدرسه نگردید • دو سه سال پس از تاسیس مدرسه نیرالسلطان برای خدمت بفکر و رشد جامعه روزنامه صدای ایران را منتشر ومندرجات بی آلایش آن روزنامه پاکدامنی وعدم بستگی باجانب را برای مدیران مجل ومقید نمود از این مدرسه نیز انتفاع نیرالسلطان قریب سه هزار تومان خسارت بود • در کابینه وثوق الدوله نیرالسلطان را با یك عده دیگر بقزوین تبعید نمودند • سه ماه در قزوین بود و از آنجا با زحمات بسیار موفق شد که باقیمانده ایام تبعید را در اروپا بسر برد • یکمرتبه دیگر در واقعه اخیر مشارالملك حرضمن دستگیری اشخاص دیگر نیر السلطان را بیگناه تعقیب و توقیف نمودند • بالاخره باتحمل اینهمه خسارات و صدمات پس از مدتی مدید بیکاری و انزوا یکبار وزارت فواید عامه بایشان محول گردید از موقعیکه بحکومت گیلان رفته اند تا کنون که قریب سه ماه است جز رعایت قوانین و اجرای اصول مشروطیت خلاف قانونی از ایشان مشهود نشده • در ذیل این شرح اداره روزنامه طوفان اینطور اظهار نظر کرده است: « آزادیخواهی آقای نیرالسلطان بر احدی پوشیده نیست و قولیست که جملگی برآنند •»

مرحوم نیرالسلطان در تاریخ سوم فروردین ۱۳۲۰ شمسی در طهران فوت نمود و از او چند فرزند بنامهای آقایان غلامعلی نوائی، جعفر قلی نوائی و حسن نوائی باقیمانده است •

(۷۳۹) صدای ایران

روزنامه صدای ایران بزبان فارسی وترکی درشهر باکو بمدیری (خدا داد عزیز) در حدود جمادی الاخر ۱۳۳۸ قمری تاسیس و منتشر شده است . روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان در شماره ۱۳ سال اول خود مورخ ۸ شعبان ۱۳۳۸ قمری بعنوان تقریظ راجع بروزنامه صدای ایران اینطور مینویسد : « گرامی نامه صدای ایران که با طرز خوب وعبارتی مرغوب بلسان فارسی وزبان ترکی در مطبوعات بادکوبه طبع و بولایات ایران و قفقاز و بلاد دیگر ارسال داشته میشود این اوقات با دار ه ما واصل و از طلوع این کوکب درخشان فوق العاده مسرت حاصل گردید .» نگارنده بیش از این فعلا راجع بروزنامه صدای ایران اطلاعی ندارم.

(۷۴۰) صدای جنوب

درسال ۱۲۹۹ شمسی آقای (شیخ محمدامین)طلیعه روزنامه صدای جنوب را در شیراز انتشار میدهد ولی موفق بطبع ونشر روزنامه مزبور نمیگردد (سالنامه ۱۴ ـ ۱۳۱۵ معارف فارس •)

(۷٤۱) صدای رشت

روزنامه صدای رشت بمدیر مسئولی (ع. احمدزاده) در شهر رشت تاسیس ودر سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. شماره ۱۹ سال اول این روزنامه در چهارصفحه با چاپ سربی (رشت. مطبعه سعادت) طبع ودر تاریخ یکشنبه دوم شهر ربیع‌الثانی ایت‌ئیل ۱۳۲۹ قمری توزیع گردیده . عنوان مراسلات: رشت اداره صدای رشت . آبونمان: رشت سالیانه ۲۵ قران. ولایات داخله ۳۰ قران . ولایات خارجه ۳۵قران تك‌نمره در همه جا سه شاهی . قیمت اعلانات صفحه اول سطری یك قران. صفحه آخر سطری دهشاهی. طرز انتشار روزنامه هفته دو نمره طبع ونشر میشده و پس از ارسال سه نسخه وجه آبونه دریافت میشده است.

در عنوان هر شماره در زیر اسم روزنامه این سه کلمه (حریت. مساوات. عدالت) هرکدام جداگانه درمربعی طبع شده ونیز این عبارات درطرف راست عنوان هرشماره درج است: (مکاتیب بی امضاء . روف درج نخواهد شد. اداره در جرح و تعدیل مکاتیب ومقالات آزاد است . درصورت عدم درج بصاحبش مسترد نخواهد شد.)

هرصفحه روزنامه صدای رشت مشتمل برسه ستون ومعمولا نام مدیرمسئول (ع احمد زاده) درانتهای صفحه چهار درج است .

مندرجات روزنامه علاوه بر سرمقاله، مقالات مختلف و اخبارمحلی گیلان است قبل ازنشر روزنامه، مدیرروزنامه خیرالکلام منطبعه رشت در شماره ٥٥ سال سوم مورخ ۷ شهر محرم ۱۳۲۹ قمری طاوع روزنامه را تحت عنوان (معارف خواهان را بشارت) بدینقسم خبرداده است: «جریده‌ای باسم صدای رشت بهمت جمعی از احرار دایر شده‌است عنقریب بطلوع‌خود روز معارف خواهان را روشن خواهدنمود»

برون که شرح مختصری ازاین روزنامه نوشته (ص ۱۱٥ کتاب برون) مینویسد شماره اول صدای رشت درتاریخ ۱٥ محرم ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته و من ازشماره یك تا ۱٦ آنرا دردست دارم ولی همانقسم که درابتدای این‌شرح یادآورشدیم‌نگارنده نمره ۱۹ آنرا نیز دردست دارم .

(۷٤۲) صدای شرق

روزنامه ملی صدای شرق درشهرمشهد بموسسی ونگارندگی (س.م‌خواجوی) تاسیس ودرسال ۱۳٤۲ قمری منتشرشده است. شماره ۲۰ سال هفتم صدای شرق‌روی یك‌ورق بقطع وزیری بزرك درمطبعه سربی (مشهد ـ مطبعه ایران) طبع ودرتاریخ چهارشنبه بیستم جمادی‌الثانی ۱۳٤۹ قمری‌مطابق بیست و یك ابان۱۳۰۹شمسی‌توزیع گردیده است. در زیر اسم روزنامه که بخط نستعلیق درشت نوشته شده سال تاسیس روزنامه (۱۳٤۲ـ طبع گردیده ونمره مسلسل شماره مذکور ۲۹٦ است و بنا بر این روزنامه صدای شرق درمدت هفت سال بیش‌از۲۹٦ شماره منتشرنشده‌است.

روزنامه صدای شرق هفتگی بوده و قیمت اشتراك آن که نوشته است قبلا دریافت میشود بدینقرار است : داخله سالیانه ۵۰ ریال . خارجه ٦٠ ریال و ۳۰ ریال اعلانات صفحه اول سطری دو قران ، صفحات بعد سطری یك قران . تك نمره ۸ شاهی محل اداره : مشهد . سرای وزیر نظام . عنوان تلگرافی : صدای شرق . مند رجات صدای شرق مانند سایر جراید محلی پس از درج سرمقاله عبارت از اخبار محلی خراسان و مختصری اخبار داخله و خارجه است . آگهیهای ثبتی و غیر ثبتی نیز در روزنامه درج است .

(٧٤٣) صدای طهران

روزنامه صدای طهران بصاحب امتیازی و مدیری « سید محمد تدین » در طهران تاسیس ودرسال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است . شماره اول روزنامه صدای طهران در چهار صفحه بقطع بزرك در مطبعه سربی « طهران » طبع ودر تاریخ دو شنبه ۲۲ ربیع‌الاول ۳۳۸ قمری مطابق ۲۸ قوس ۱۲۹۸ شمسی انتشار یافته . مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد :

« خدا ما را کمك کند ــ در این لحظه که برای خدمت بافکار عامه حاضرشده و قلم برداشته ایم متاسفانه طغیان هولناکی در فکر و تعقل انسان پدیدار گشته و بر اثر غلیان وجدان و عاطفه های عمومی یك جریان سخت وتندی در مرکز مهمه عالم حکمفرماست . » درشماره اول پس از سرمقاله مذکور اخبار داخله و بعد تلگرافات داخله و همچنین اخبار رویتر چاپ شده . در پاورقی صفحات دوم وسوم ترجمه کتاب « درروح حکومت دموکراسی تالیف الف پرنس بلزیکی » طبع و این ترجمه چندی بعنوان پاورقی روزنامه چاپ شده است .

مندرجات صدای طهران را علاوه برمطالب مذکور مقالات و ترجمه های متعدد تشکیل میدهد . شماره دوم روزنامه در تاریخ جمعه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۸ قمری مطابق ۲۹ قوس ۱۲۹۸ منتشر گردیده .

طرز انتشار صدای طهران ابتدا روزهای دو شنبه و جمعه منتشر میشده و پس از مدتی هفته سه شماره روزهای دوشنبه ، چهار شنبه وجمعه انتشار یافته است . محل اداره روزنامه : طهران . خیابان علاءالدوله . نمره تلفون ۲۲٤ آدرس تلگرافی : صدای طهران . قیمت اشتراك : یکساله داخله ٦٠ قران خارجه ۷۰ قران ، ششماهه بترتیب ۳۵ قران و ٤٠ قران . تك نمره با کاغذ زردشش شاهی . درعنوان هر شماره درزیراسم روزنامه سال تاسیس (۱۳۳۸) و بالای آن « خدا و قانون » چاپ شده است .

صدای طهران از روزنامه های خوب ومفید وکثیرالانتشار است و نگارنده فعلا تا شماره ٦٠ سال اول مورخ چهارشنبه ۲۷ شوال مطابق ۲۳ سرطان ۱۲۹۹ آنرا در دست دارم . صدای طهران قبل از این تاریخ یعنی دربرج اسد سال مذکور یکبار از طرف دولت توقیف گردیده وروزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان ازتوقیف آن اظهار تاسف نموده‌است . مدیر مجله ادبی طلوع صدای طهران‌را درشماره چهار سال سوم

مجله بدينقسم ياد آور شده است : « شماره اول جريده فريده صداي طهران كه بمديريت وكيل محترم طهران آقاي ميرزا سيد محمد تدين زينت بخش عالم مطبوعات شده است بما رسيده ما يكدنيا اميدواري بدان نامه ملي داشته وموفقيش را صميمانه از درگاه حضرت احديت مسئلت مينمائيم . » قبل از آنكه شرح راجع بروزنامه صداي طهران را خاتمه دهيم لازم است از روزنامه بهمين نام (صداي تهران) كه در نجف اشرف بمديري (ميرزا حسين تهراني) منتشر ميشده ياد آوري نمائيم . شرح اين روزنامه در اطلاعات هفتگي متعلق بخرداد ماه ١٣١٦ شمسي چاپ شده بانجا مراجعه فرمايند .

سيد محمد تدين - آقاي تدين از اهالي بيرجند خراسان وازسياستمداران معروف ايران بشمار ميروند . نامبرده تحصيلات خودرا در خراسان بپايان رسانيد ودر آغاز مشروطيت بطهران آمد و چند دوره بنمايندگي مجلس انتخاب گرديد . قسمت عمده زمان شاه فقيد را خانه نشين بود و بهمان تدريس در دانشرايعالي قناعت ميكرد . درهمين ايام بود كه نگارنده مدتي درنزد ايشان تلمذ مينمود . آقاي تدين در دانشسرايعالي استاد زبان وادبيات عرب بودند تا پس از وقايع شهريور كه د و مرتبه بكار هاي مهم كشوري ازقبيل وزارت ونمايندگي مجلس سنا مشغول گرديدند ودر حين تحرير اين سطور ايشان سناتور خراسان درمجلس سنا ميباشند . آقاي تدين با همه گرفتاريهاي سياسي چند كتاب نيز تاليف ومنتشر نموده اند : ١ - بلبر در ١٧٢ صفحه پستي براي كلاسهاي ٥ و٦ ابتدائي . ٢- جامع محمدي در ١٠٣ صفحه كوچك براي ٥ و ٦ ابتدائي ٣- تعليمات مدني در٥٤ صفحه كوچك براي كلاس ششم ابتدائي ٤- رساله تحقيقي در فن خطابه .

(٧٤٤) صداي كرمان

روزنامه صداي كرمان بمديريري آقاي (آقا ميرزا عباس سعيد ملا باشي) در شهر كرمان تاسيس ودرسال ١٣٠٥ شمسي منتشر شده است . شورايعالي معارف امتياز اين روزنامه را در تاريخ ٥ بهمن ١٣٠٤ بمديري ميرزا عباس ملا باشي تصويب نمود . و روزنامه از فروردين ١٣٠٥ شمسي نشر گرديده . شماره ٣٥ سال هفد هم اين روز نامه روي يك ورق با چاپ سربي طبع و درتاريخ ٢٦ ديماه ١٣٢٢شمسي توزيع گرديده صداي كرمان روزنامه اجتماعي . ادبي ، سياسي ، فكاهي معرفي شده ومندرجات آن پس از يك سرمقاله ، اخبار كرمان وايران ومقالات مختلف و اعلانات است . سرمقاله شماره نمونه تحت عنوان (فداكاري) و باين عبارات شروع ميگردد : (يگانه جوانمرد يكه به فداكاري خود جهاني را متزلزل وعالمي را مضطرب نموده وملت بزرگي مانند ملت اسلام بلكه عالم اديان را ازمحو ونابودي نجات داده وحقيقت فداكاري وجوانمردي وعزت نفس و علو همت را درگيتي نشان داده حضرت حسين است ...) درصفحه او ل علاوه بر اين سرمقاله ،اخبار كرمان ،اخبار كشور واخبار جنك چاپ شده ودر گوشه چپ صفحه، مستطيل كوچكي سفيد گذاشته شده وبالاي آن نوشته است(اصلاحات) وبدين ترتيب نشان داده كه اصلاحاتي

در کشور صورت نگرفته است . در صفحه دوم یك مقاله انتقادی تحت عنوان (وقتیکه گدا بودم) بامضای (بیکس و بیجا) و نیز اشعاری بعنوان (اشعار زمان جنك) اثر طبع آقای حایری وهم چنین قانون کیفر گرانفروشان درج شده است . در همین شماره چند اعلان حصر وراثت درج است .

طرز انتشار صدای کرمان مانند جراید محلی دیگر مرتب نبوده وچون بشرحی که بعدا یاد آور میشویم مدیر روزنامه در مهرماه ۱۳۲٤ فوت کرده لذا انتشار روزنامه در اواسط سال نوزدهم برای همیشه موقوف گردیده و تعطیل شده است .

محل اداره روزنامه : عمارت فوقانی دبستان ملی سعید . عنوان تلگرافی : صدای کرمان . بهای اشتراك روزنامه ابتدا : شش ماهه ۲۵ ریال و سالیانه ٤۰ریال تك شماره ۵۰ دینار ؛ پس ازمدتی وجه اشتراك سالیانه بیکصد ریال ترقی داده شده است .

آقا میرزا عباس سعید — آقای عباس سعید در پاسخ نامه نگارنده راجع بشرح احوال ایشان در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۱۸ شمسی شرح زیر را که پس از حذف تعارفات آن بعینه نقل میگردد ارسال داشته اند .

نام و نشان وزایچه = عباس سعید متولد سال ۱۲۷۰ خورشیدی پسر مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم ملا باشی ساکن بخش دو . در سن بیست سالگی ازتحصیلات قدیمه در کرمان فارغ‌التحصیل وبا داشتن اجازه ازعلماء مرجع تقلید نظر به بستگی خانوادگی با مرحوم میرزا خان شهیر کرمانی وآشنائی بامکاتبات و معارفه با رفقه این مرد نامی داخل اجتماعات اصلاحی و از ۱۳۲۲ قمری درطبقه آزادیخواهان خود را مفتخر ساختم . ازسوم اسفند ۱۲۹۹ دراثر تعقیب ازمرام اصلی خود درکوران‌جریانات اصلاحی بامواجهه بامشکلات آن دور خودرا مفتخر دانسته وبرای شکر گزاری ازنیل بمرام قبول نمایندگی موسسان را درملازمت جناب آیة‌الله کرمانی (آقای حاج میرزا محمد رضا کرمانی) یگانه روحانی ایران وآقای یحیی روحی نجل مرحوم بحرالعلوم و برادر زاده مرحوم شیخ احمد روحی کرمانی افتخار خود دانستم .

ازسال ۱۳۰۵ روزنامه صدای کرمان را فقط برای وسیله نشر واشاعه اصول اصلاحی تاسیس وباهرمشکلاتی تاامروز با همان روش ثابت منتشر ودائر داشت . نظر باینکه یکی ازمهمترین عوامل پیدایش افکار وزراعت بذر اصلاحات را درموسسه تعلیم و تربیتی دانسته درسال ۱۳۱۶ دبستان سعید را شخصا افتتاح وتاحال هم دائر میباشد)

این بود متن نامه آقای سعید . نامبرده چنانکه درهمین نامه مذکور افتاده‌علاوه برانتشار صدای کرمان . دبستان سعادت کرمان‌را نیز تاسیس ودائر نموده که تاکنون هم برپاست . مرحوم سعید پس‌از نوزده سال خدمت بعالم مطبوعات وفرهنك‌درتاریخ پنجشنبه ۵ مهرماه ۱۳۲٤ شمسی درتربه ماهان کرمان بدرود زندگی گفت .

ازهمکاران صمیمی مرحوم‌سعید آقای‌حسین عبدالرحمنی است‌که درزمان حیات آن‌فقید بسردبیری‌روزنامه ومدیریت‌داخلی‌دبستان‌سعید مشغول‌کار بوده‌است .

ازمرحوم‌سعیددوعکس‌یکی‌باعمامه‌ودیگری باکراوات نزد نگارنده موجوداست‌که بعلت‌تهیه نشدن کلیشه‌عکس‌ازچاپ‌آن صرفنظر گردید .

(۷۴۵) صدای مازندران

در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روزنامه صدای مازندران را بمدیری (میرزا غلامحسین خان وحیدی) درمازندران تصویب نمود است.

(۷۴۶) صراط الصنایع

روزنامه صراط الصنایع در طهران درسال ۱۳۲۶ قمری طبع ومنتشر شده است .
(کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون ص ۱۱۵)

(۷۴۷) صراط المستقیم

روزنامه صراط المستقیم در شهر تبریز در سال ۱۲۲۴ قمری طبع ومنتشرشده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۵) مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان بطور اختصار راجع روزنامه صراط المستقیم اینطور مینویسد : « روزنامه منتشر در تبریز با چاپ سنگی درسال ۱۳۲۶ قمری .» بنا بضبط تربیت انتشار روزنامه دو سال بعد از تاریخی است که برون ثبت نموده است.

(۷۴۸) صراط المستقیم

روزنامه صراط المستقیم در شهر طهران در سال ۱۳۲۵ قمری طبع ومنتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص۱۱۶) برون در باره هرسه این روزنامه ها مینویسد نمونه از آنها را ندیده ام .

(۷۴۹) صلاح

روزنامه صلاح یکمرتبه ظاهرا در ۱۱۹۸ شمسی در طهران تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴شمسی نیزشورایعالی معارف امتیاز روزنامه‌صلاح را بمدیری (میرزااحمد خان شیرازی) تصویب نموده و درسال مذکور روزنامه صلاح مجددا پا بدایره انتشار گذاشته وهفته دو مرتبه منتشر شده است . متاسفانه نگارنده با همه جدیتی که نمودم تا کنون نمونه از آنرا بدست نیاورده ام .

(۷۵۰) صلاح بشر

روزنامه صلاح بشر در طهران بصاحب امتیازی مجابی ومدیر مسئولی( )حجازی تاسیس و در سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . شماره اول روزنامه صلاح بشر که در آن علاوه برصاحب امتیاز ومدیر مسئول . آقای حافظی بعنوان مدیر داخلی معرفی شده ، درچهار صفحه بقطع بزرك با چاپ سربی طبع ودر تاریخ یکشنبه ۵ شهر شوال المکرم ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۲ ثور ۱۴۰۳ شمسی منتشر گردیده ، سرمقاله اینشماره و یا مقاله افتتاحی روزنامه تحت‌عنوان (هوالقادر) نوشته وبااین عبارات شروع‌شده‌است:

« ما هم آمدیم . خواست خداوند و حوادث جاریه ما را از مامن و مسکن و رویه اولیه خودمان بازداشت . دست و چنگال قوی طبیعت گریبان ما را گرفت. ما میخواهیم بگوئیم آنچه را انبیا بموجب اوامر لازم الاطاعه گفته اند واقـو یا مانع از رسیدن آن احکام به بشر ضعیف بوده اند ما برسانیم... » پس از سر مقاله مذکور ، مقاله دیگری بعنوان (صلاح اسلام . قابل توجه مسلمین عالم) چاپ شده. قسمتی از تفسیر قانون اساسی و مطالبی بعنوان (زیچ) و اخبار داخله و در صفحه چهار چکامه اثر طبع آقای ملک‌الشعرای بهار ؛ تمام مندرجات شماره اول را تشکیل میدهد . چکامه آقای بهار باین شعر شروع میگردد :

صاحب خانه اگر باز نبندد در خویش　　گله ای نیست اگر دزد در آید از

درصفحه اول شماره دوم مقاله ای بعنوان (آخرین علاج) عقیده ما باید تابع قرآن شد ، با حروف درشت چاپ شده . مقالات صلاح ایران بامضای (حجازی) و صلاح اسلام بامضای مجابی است . از روزنامه صلاح بشر بطور نمونه تا شماره سوم در دست است . محل اداره روزنامه : خیابان شاه آباد . قیمت روزنامه : سالیانه ۸ تومان . تکشماره ۷ شاهی . لازم است یاد آور شویم که در مجله معارف درجزو روزنامه های قزوین اسم روزنامه صلاح بشر را نیز ذکر کرده در شماره ۱۱ سال سوم دوره پنجم مورخ مرداد ۱۳۰۸ مینویسد« چیزیکه خیلی مایه تاسف استمطبوعات قزوین بی اندازه رو بضعف و انحطاط گذاشته فقط دوروزنامه یکی بازپرس ودیگری نوروز منتشر میشود و روزنامه رعد که یکی ازمطبوعات مهم ایران بشمار میرود تعطیل است و هکذا جراید دیگر از قبیل دنیای امروزه ، تمدن اسلام ، صلاح بشر ، وغیره » از اینجا معلوم میشود در شهر قزوین نیز روزنامه بنام صلاح بشر منتشر میشده است . ولی نگارنده تا کنون نمونه آنرا بدست نیاورده ام وظاهراضبط اسم این روزنامه در جزو جراید قزوین اشتباهاست .

(۷۵۱) صنایع آلمان وشرق

مجله صنایع آلمان و شرق در شهر برلین بموسس ومدیر مسئولی «سیف آزاد» تاسیس وشماره اول آن در ماه مه ۱۹۳۱ میلادی، بزبانهای فارسی ، عربی ، ترکی هندی و آلمانی نوشته شده، همه ماهه یك شماره از آن با کاغذ وچاپی بسیار عالی طبع و انتشار یافته . مجله صنایع آلمان وشرق درهر شماره زیر اسم مجله ، بدین قسم معرفی شده « مجله ایست مصور برای معرفی تجارت صنایع و فابریکهای مهم دنیا و آلمان باهل مشرق زمین و معرفی مواد خام مشرق برای فابریکهای آلمانی و رابطه بین تجار محترم مشرق وآلمان . مقالات سیاسی وعلمی ادبی و تفریحی را هم دارا خواهد بود » همانقسم که درسطور فوق ذکر شده مجله صنایع آلمان وشرق دردرجه اول بمنظور معرفی کارخانه های آلمان واروپا باهالی مشرق زمین تاسیس یافته وبهمین جهت درهر شماره علاوه براعلانات بزرك ورنگی راجع بمحصولات کارخانه‌های مهم

آلمان؛ شرح مفصلی از این کارخانه‌ها و صنایع اروپا و آلمان ذکر گردیده وبرواضح است که این قبیل مقالات محتاج بتصاویر مختلف مربوط بموضوعات میباشد. از باب مثال، یاد آور میشویم که شرح تشکیلات وعظمت کارخانه لوکوموتیو واتومبیل سازی هنشل وبسران درآلمان ونیز تفصیل کارخانه «آئه گه» در آلمان قسمی از مندرجات این مجله راتشکیل میدهد. بعدا در جائیکه فهرست مندرجات دو سه شماره مجله را نقل مینمائیم این قسمت بیشتر واضح میگردد. و نیز چنانکه یاد آور شدیم علاوه بر این نوع مقالات مقالات اجتماعی وعلمی گاهی در مجله چاپ‌شده است. بطور کلی باید در باره انتشار این مجله ونظایر آن در نظر داشت که آلمانها بعد از جنك اول دست بکار یك رشته تبلیغات دامنه‌دار ووسیعی برای معرفی صنایع خود بدنیا وبشرق زدند ویکی از طرق تبلیغات نشر همین مجله بوده‌است. مجله‌صنایع آلمان‌وشرق بمدیری سیف آزاد ظاهرا در اواسط سال ۱۳۰۲ تاسیس شده ومدت‌چندسال‌یعنی تاسال ۱۳۰۵ دوام داشته منتهی مرتب همه‌ماهه‌منتشر نمیشده‌است. در باره‌تاسیس ونشر مجله‌درسال‌مذکور اعلانی درشماره ۹سال‌اول روزنامه طلوع مورخ ۲۹دلو ۱۳۰۲ شمسی بدینقسم طبع گردیده : « مجلهٔ صنایع آلمان وشرق‌ونامه‌آزادی‌شرق که در برلن باکاغذهای خیلی اعلا ومصور طبع وبایران‌می‌آید در رشت وکالت آن راجع باین بنده است. کسانیکه مایل باشتراك آنها میباشند‌باین باین جانب رجوع کنند. ابوالقاسم کسمائی» از اعلان مذکور ثابت میشود که مجله در سال ۱۳۰۲ منتشر میشده است.

مجله صنایع آلمان وشرق از حیث ظرافت و زیبائی طبع وکاغذ وتصاویر دست کمی از مجلات خارجی ندارد واکنون با اینکه بیست وچند سال از انتشار آن‌میگذرد هنوز نظیر آن در بین مطبوعات فارسی نیست. شماره ٦۵ سال ششم مجله دارای عدهٔ صفحات اصلی وچند صفحه اعلا نات رنگی ، بقطع خشتی، در ماه دسامبر ۱۹۲٦میلادی مطابق سال ۱۳٤۵ قمری منتشر شده. مندرجات این شماره بیك مقاله تحت عنوان «صناعةاللبنی ودره نواسطه الطرق الفنیه‌الحدیثه» بقلم دکتر مارتینی شروع میگردد پس از آن مقاله‌اهمیة اقتراب‌المریخ من‌الارض‌والاکتشافات‌التی تربتت‌عن‌ذلك» وصفحات ۱۱ و ۱۲ مجله که قسمت عربی آن خاتمه پیدا میکند «احصائیات‌واخبار صناعةمتنوعة» چاپ شده است. از صفحه سیزدهم مجله قسمت فارسی آن شروع میشود واین‌قسمت با «ترجمه مکتوب مدیر مجله صنایع آلمان وشرق بآقای دکتر اشترزمان وزیر امور خارجه آلمان» آغاز میگردد. پس از آن مقاله « اهمیت وفواید راه آهن برای تجارت وواردات صادرات‌ایران . بقیه از شماره قبل بقلم . مدیر جریده‌استخر» ومقاله (تجارت وطرز ساخت کبریت جدید) و مقاله «مجمع اطلاعات نیسه » و مقاله «طرق موتور کار در داخله آسیا» ومقاله « بقیه از شماره قبل مجمع از تشکیلات وعظمت کارخانه لوکوموتیو واتومبیل سازی هنشل وبسران در آلمان» ومقاله «تفصیل کارخانه آئه گه در آلمان» ومقاله (طوفان در یکی از بهترین شهرهای قشنك امریکا» ومقاله « دخالت شخصیت در اکونومی و خانه داری امریکائی » وقسمت «مرامنامه اطاق تجارتی آلمان» ومقاله « مدرسه اتحادیهٔ ایرانیان در بحرین »ومقاله

«تولیدالکتریسته بوسیله موتورهای بادی» بقیه از شماره قبل » مجموع این مقالات تا صفحه ۲۴ مجله قسمت فارسی آنرا تشکیل میدهد •

پس از آن قسمت ترکی مجله (ترکچه قسمی) وبمقاله (آلمان اوطومبیل‌سر کیسی) شروع میگردد • مقالهٔ دوم قسمت ترکی مجله تحت عنوان (نوربز غـه •) (شوان) قورشون قلم قا بریقه سنی زیارت ایدن محرریمزك‌انطباعاتندن) میباشد و بهمین مقاله قسمت ترکی مجله پایان یافته است • بعد از قسمت ترکی ، قسمت (هندوستانی) مجله و باین مقاله (کوتله پکهلا تی کی ایجاد) شروع میگردد • مقاله دوم تحت عنوان مفید کهره ومقاله سوم تحت عنوان (جزائر هند) نوشته شده است • بقیه مندرجات مجله بزبان آلمانی است که احتیاجی بنقل عناوین مطالب آن نیست •

اعلانات مجله که اغلب همراه با تصویر است و گاهی تمام‌یانصف صفحه‌مجله‌را گرفته بزبانهای آلمانی و فارسی و عربی است • درباره اعلان و قیمت آن در مجله روی جلد مجله اینطور نوشته است : « هرگاه مایلید که تجارتخانه های خودتان را بفابریکهای آلمانی معرفی نمائید ؛ هرگاه مایلید اجناس و مواد خام خودرا مستقیما بتجارتخانه های بزرك و فابریکها بفروشید درمجله صنایع اعلان کنید • مجله صنایع را برای هزار و پانصد فابریك و تجارتخانه های عمده میفرستیم وکوشش ما این است که تا سال آینده دو هزار فابریك وادارات و تجار بزرك مجله صنایع را آبونه شوند قیمت اعلانات :یك صفحه ٦ لیره انگلیسی • نیم صفحه سه لیره ونیم • چهار یك صفحه یك لیره ونیم • هشت یك صفحه یك لیره •» قیمت وجه اشتراك سالیانه در ایران سه تومان ، سایر ممالك ۳ دولار ؛ برای معلمین ومحصلین وکارگران زار عین دو دولار • محل اداره : برلین • و ٥٠

سیف آزاد ـــ آقای سیف آزاد مدیر مجله وروز نامه ایران باستان شرح احوال‌ایشان را بتفصیل در جلد اول کتاب ذکر کرده ایم • خوانندگان برای اطلاع بذیل روزنامه ایران باستان مراجعه فرمائید •

(۷٥۲) صور اسرافیل

روزنامه صور اسرافیل در طهران بمدیری (میرزا جهانگیرخان شیرازی ومیرزا قاسم خان تبریزی) تاسیس ودرسال ۱۳۲٥ قمری منتشر شده است • شماره اول صوراسرافیل درهشت صفحه بقطع وزیری باچاپ سربی درمطبعه (پارسیان) طبع‌رسیده ودر تاریخ پنجشنبه ۱۷ ماه ربیع‌الاخر ۱۳۲٥ قمری مطابق ۱٤ دی‌ماه سال ۱۲۷٦ یزدگردی پارسی و ۳۰ ماه‌مه سال ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است •

صور اسرافیل معمولا درهشت صفحه بقطع وزیری وبا چاپ سربی مطبعه‌پارسیان طبع گردیده و سرلوحه آن که برنگهای مختلف قرمز ، آبی . سیاه وغیره چاپ شده عبارت از فرشته آزادیست که درصور میدمد وگروه انبوهی اورا بیکدیگر نشان می

دهند • در داخل سرلوحه اسم روزنامه (صور اسرافیل) بخط نسخ درشت و با خط ریز کلمات (حریت-مساوات - اخوت) نوشته شده • در بالای سرلوحه آیه (و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون) و در پائین آن آیه (فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم) درج گردیده • و نیز خصوصیات روزنامه دوزیر سرلوحه بدینقسم ثبت شده است : قیمت اشتراك سالیانه طهران ۱۲ قران • سایر بلاد ایران هفده قران • ممالك خارجه دو تومان • قیمت تك نمره طهران ٤ شاهی • سایر بلاد ایران ۵ شاهی • عنوان مراسلات . میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسمخان تبریزی • طهران • خیابان ناصری • کتابخانه تربیت • هفتگی • سیاسی • تاریخی اخلاقی • مقالات و لوایحی که موافقت بامسلك ما داشته باشد با امضا پذیرفته میشود در طبع وعدم طبع اداره مختار است •

روزنامه صور اسرافیل یکی از روزنامه‌های مهمی است که در آغاز مشروطیت ایران تاسیس شده و با مسلك و روش انتقادی خود کمك بزرگی بی بیداری وآزادی ایرانیان نموده است • روزنامه هفتگی صوراسرافیل روزنامه ایست سیاسی ، تاریخی اخلاقی و بیشتر سرمقاله های آن مربوط باوضاع سیاسی و انتقاد شدید از اوضاع استبدادی دربار است • ازلحاظ ابتکار سبك جدید نثر فارسی که در ستون مخصوص بعنوان (چرند وپرند) بقلم (دخو) دراین روزنامه چاپ شده ، تاکنون نیز نظیر آن درجراید فارسی دیده نشده است . برون مستشرق معروف در کتاب تاریخ ادبیات ایران « جلد چهارم ص ۳۱۵ ترجمه » روزنامه صور اسرافیل را یکی از بهترین و مفید ترین جراید بعد از انقلاب دانسته ومخصوصا از این جهت که درستونهای چرند و پرند آثار بسیار خوب ومفید ازنثر فارسی درآن مندرج است . قبل از آنکه بتفصیل در باره این نثر ابتکاری وستون چرند وپرند صور اسرافیل گفتگو نمائیم لازم است مقاله افتتاحی روزنامه را بعینه نقل نمائیم :

« بسم الله الرحمن الرحیم •حمد خدیرا که ما ایرانیان ذلت ورقیت خودرا احساس کرده و فهمیدیم که باید بیش از این بنده عمر وزید ومملوك این و آن نباشیم که تما قیامت بارکش خویش و بیگانه نباید بود . لهذا بایك جنبش مردانه درچهاردهم جمادی الاخر سال ۱۳۲٤ هجری قمری مملکت خویش را مشروطه و دارای مجلس شورایملی (پارلمان) نموده . وبهمت غیورانه برادران محترم آذربایجانی ما دربیست وهفتم ذیحجه ۱۳۲٤ دولت علیه ایران رسما درعداد دول مشروطه وصاحب کنستیسیون قرار گرفت • دوره خوف ووحشت باخر رسید وزمان سعادت وترقی گردید عصرنکبت وفترت منتهی شد وتجدید تاریخ واول عمرایران گشت . زبان وقلم در مصالح امور ملت و ملت آزادشد وجراید ومطبوعات برای انتشار نیك و بد مملکت حریت یافت • روزنامه های عدیده مثل ستارگان درخشان بامسلکهای تازه افق طهران را روشن کرد . وسران معظم بنای نوشتن و گفتن گذاشتند • ما نیز باعدم لیاقت وبضاعت مزجات قلم بر داشته که بخواست خدا شاید بتوانم بدین ودولت‌ووطن وملت خود خدمتی کنم وبابنای

این آب و خاك موروثی که با خون پدران و نیاکان ما عجین و سرشته است ابـراز ارادتی نمائیم . درتکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورایملی و معـا و نت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین امیدواریم تا آخرین نفس ثابت قدم باشیم . و از این نیت مقدس تا زنده ایم دست نکشیم و با صدای رسا بگوئیم که ز تهدید و هلاکت بیم و خوفی نداریم و بزندگی بدون حریت و مساوات و شرف وقعی نمیگذاریم و بجز ذات پروردگار و احکام الهیه و قوانین ملکیه از احدی نمیترسیم و ازاین عقیده راسخ و محکم تخطی نمیکنیم . تملق ازکسی نمیگوئیم . و برشوه گول نمیخوریم . قدح ومدح بیجا ازهیچکس نمیکنیم و اغراض نفسانی بکار نمیبریم بعبارةاخری در ابد وخوبراخوب مینویسیم . درنگارش این روزنامه انتفاع وجود شخصی را منظور نمینمائیم و این کار را کسب و شغل خود قرار نمیدهیم وبفریاد بلند بتمام برادران ایرانی وارانی نژاد خود عرض میکنیم که اگر خدای نخواسته ازما نسبت بوطن خلافی مشاهده فرمایند ما را متنبه نموده و از راه کج باز دارند و تاخیر آنان را میخواهیم ما را از خوددانند بمنه وکرمه والصلوه والسلام علی محمد واله الطاهرین المعصومین . »

در شماره اول پس از سرمقاله مذکور بمقاله بعنوان (دو کلمه خیانت) و بعد مقاله (شورش مهاجات) و مقاله (ایران تغییر کرده) ومقاله (مـو ایت قلم) و در ستون دوم صفحه پنجم خلاصه(نطق جناب حاج میرزا نصرالله ملك‌المتکلمین اصفهانی در انجمن اتحادیه طلاب) و ستون چرند وپرند بقلم دخو ودرپایان مقاله(حرف گفتنی) ودو اعلان درج است .

ستون چرند وپرند روزنامه = از ابتکاراتیکه در روزنامه صور اسرافیل بکار رده شده درج ستون چرند و پرند است که درهرشماره با امضای دخو که نام‌مستعار آقای میرزا علی اکبر دهخدای قزوینی‌است درج شده . در ستون چرند و پرند صور اسرافیل بزبان فکاهی و با آوردن امثال وحکایات بشدت از اوضاع اجتماعی و نا عدالتی های آن انتقاد نمود ه و با کمال بی باکی بمعایب اوضاع بدگوئی کرده است . از لحاظ نثر فارسی ستون چرند وپرند خیلی تازگی دارد وچنانکه برون درجلد چهارم کتاب تاریخ ادبیات فارسی در جائی که از بهترین جریده بعد از انقلاب گفتگو نموده ص۳۱۵ مینویسد از نمونه های ابتکاری نثر فارسی است . عبارتی که برون نوشته چنین است « درستون چرند وپرند صوراسرافیل هم نمونه های بسیار خوب ومبتکری ازنثر فارسی مندرج بود که ذیلا چند سطری ازآنرا نقل میکنیم « بعدازچندین سال مسافرت هندوستان و دیدن ابدال .. » زیرا که من تا بحال نظیری برای آن درایران ندیده ام . این‌قطعه درنمره یك صوراسرافیل چاپ شده‌است . ونیز برون درصفحه ۲۱۷ همین کتاب‌تحت عنوان « ابتکار دخو درنظم ونثر » نوشته است : این مقالات هرچند با مضاهای مجهول ومختلف است اما گمان میکنم تمام بقلم دهخدا باشد وبعقیده من دهخدا را باستثناد همین آثار قلیل نثری وچند قطعه شعری قطعه‌ای که برگشتش آکبلای‌است ومرثیه ای که برای‌میرزا جهانگیرخان سروده هردوخوب‌است خاصه مرثیه‌اخیر الذکر که در زیبائی

و تاثیر قلیل النظیر است) که از او بنظر رسیده بایستی در رتبه نخستین ادبا و نویسندگان معاصر ایران جایداد .»

و چون ممکن است خوانندگان گرام برای قرائت یکی از ستونهای چرند و پرند دسترسی بنمونه های صور اسرافیل نداشته باشند . ما ذیلا یکی از آنهارا بدون تفحص در انتخاب آن نقل مینمائیم . در اینجا باید اذعان کرد که اگر خواننده ستون های چرند و پرند بخواهد یکی را انتخاب کند دوچار حیرت وسرگردانی میگردد چه همانقسم که یاد آور شدیم همه آنها نمونه نثر ساده و فصیح زبان فارسی است .

چرند و پرند

« مکتوب شهری - کبلائی دخو . توقدیمها گاهی بدرد مردم میخوردی ، مشکلی بدوستانت رو میداد حل میکردی . این اخرها که سر وصدائی ازتو نبود می گفتم بلکه تو هم تریاکی شده ای . درگوشه اطاق پای منقل لم داده ای اما نگو که تو ناقلای حقه همان طور که توی صور اسرافیل نوشته بودی یواشکی بی خبر نمیدانم برای تحصیل علم کیمیا و لیمیا و سیمیا گذاشتی در رفتی بهند . حکما گنج نامه هم پیدا کرده ای . درهرحال اگر سوء ظنی درحق تو برده ام باید خیلی خیلی ببخشی عذرمی خواهم . باز الحمد لله بسلامت آمدی جای شکرش باقی است چرا که خوب سروقتش رسیدی . برای اینکه کارها خیلی شلوق وپلوق است .

خدا رفتگان همه را بیامرزد خاك براش خبر نبرد . درقافازان مایك ملاابنکعلی داشتیم روضه خوان خیلی شوخ بود . حالا نداشته باشد بامن هم خیلی میانه داشت وقتی که میرفت روضه بخواند اول یك مقدمه دورودرازی میچید . هرچند بی ادبی است می گفت مطلب اینطور خرفهم ترمیشود درمثل مناقشه نیست بنظرم می آید برای شما هم محض اینکه درست بمطلب پی ببرید یکمقدمه بچینم بد نیست .

درقدیم‌الایام دردنیا یك دولت ایران بود درهمسایگی ایران هم دولت یونان بود . دولت ایران آنوقت دماغش پرباد بود. ازخودش خیلی راضی بود . یعنی بی ادبی میشود اولهنگش خیلی آب میگرفت . کبادهٔ ملك‌الملوکی دنیا را می کشید . بلی آنوقت در ایران معشوق‌السلطنه . محبوب الدوله . عزیزالایاله . خوشگل خاوت . قشنگ حضور . ملوس‌الملك نبود . درقصرهاهم سرسره نساخته بودند . ملاهای آنوقت هم چماق‌الشریعه حاجب‌الشریعه . پارك الشریعه نداشتند . خلاصه آنوقت کالسکه‌الاسلام . میز وصندلی المذهب . اسب روسی‌الدین وجود نداشت . خوش آنروزها واقعه که درست عهدپادشاه وزوزك بود . مخلص کلام . یکروز دولت ایران لشکرهای خودش را جمع کرد یواش یواش رفت تا پشت دیوار یونان . برای داخل شدن ونان یکراه بیشتر نبود که لشکر ایران حکما باید از آن راه عبور کنند . بلی پشت این راه هم یك کوچه آشتی کنان مسجد آقا سید عزیزالله یعنی یکراه باریك دیگر بود ولی لشکر ایران آن راه را بلد نبود همینکه لشکرایران پشت دیوار یونان رسید این یونانیهای بدذات هفت خط با قشون جلو راه را گرفته‌اند . خوب‌حالاایران چه خاك بسرش کند ؟ برود جلو برود برگردد چطور برگردد مانده سفیل وسرگردان خدارحمت کندشاعررا خوب گفته است

نه درغربت دلم شاد و نه روئی در وطن دارم الخ . از آنجا که باید کار ها راست بیاید یکدفعه لشکر ایران دیدند یواشکی یکنفر از آن جعفر قلی آقا ها پسر بیگلر آقا هـای قزاق یعنی یکنفر غریب نواز یکنفر نوع پرست یکنفر مهماندوست از لشکر یونان جدا شد . وهمه جا پاورچین پاورچین آمد تا اردوی ایرانی ها وگفت سلام‌علیکم خیر مقدم خوش آمدید صفا آوردید سفر بی‌خطر ضمنا آهسته با انگشت شهادت آن کوچه آشتی کنان را بایرانیها نشان داد گفت ما یونانیها آنجا لشکر نداریم اگر شما از آن راه بروید میتوانید مملکت مارا بگیرید وایرانیها هم قبول کرده و از آن راه رفته داخل خاك یونان شدند . حالا مطلب اینجا نیست . راستی تا یادم نرفته اسم آن غریب نواز را هم عرض کنم : هرچند قدری بزبان ما سنگین است اما چه میشود کرد . اسمش (افیالتس) بود خدا لعنت کند شیطان را نمیدانم چرا هر وقت من این اسم را می شنوم بعضی سفرای ایران یادم می افتد . باری برویم سرمطلب در آن وقت که جناب چکیده غیرت نتیجه علم وسیاست معلم مدرسه قزاقخانه جناب میرزا عبد الرزاق خان مهندس بعد ازسه ماه پیاده روی نقشه جنگی مازندران را برای روسها کشیدند ما دوستان گفتیم چنین آدم با وجود حیف است که لقب نداشته باشد بیست نفر سه شبانه روز هی نشستیم فکر کردیم که چه لقبی برای ایشان بگیریم چیزی بعقلمان نرسید حالا ازهمه بدتر خوش سلیقه هم هستند . میگویند لقبی که برای من میگیرید باید بکر باشد یعنی پیش ازمن کس دیگر نگرفته باشد . ازمستوفی ها پرسیدم گفتند دیگر لقب بکر نیست کتابهای لغت‌را باز کردیم دیدیم در زبان فارسی عربی ترکی فرنگی ازالف تایاء یك کلمه نیست که اقلا ده دفعه لقب نشده باشد . خوب حالاچه کنیم یعنی خدا را خوش میاید این آدم همین طور بی لقب بماند .

از آنجا که کارها باید راست بیاید یکروز من درکمال اوقات تلخی کتاب تاریخی که جلوی دستم بود برداشتم که خودم را مشغول کنم همینکه کتاب را باز کردم در صفحه دست راست سطر اول دیدم نوشته است (از آن روز به بعد یونانی ها به افیالتس خائن گفتند و خونش را هدر کردند) ای لعنت بشما یونانی ها مگر افیالتس بشما چه کرده بود که شما اورا خائن بگوئید . مگر مهمان نوازی درمذهب شما کفر بود . مگر بغریب پرستی شما اعتقاد نداشتید؟ خلاصه همینکه این اسم را دیدم گفتم هیچ بهتر از این نیست که این اسم را برای جناب میرزا عبدالرزاق خان لقب بگیریم . چرا که هم بکر بود هم این دو نفر شباهت کامل بهمداشتند . این غریب نواز بود او هم بود . این مهمان پرست بود او هم بود . این میگفت اگر من اینکار را نمیکردم دیگری نمیکرد، او هم میگفت تنها یك فرق در میانه بود که تکه های سرداری افیالتس از چوب جنگل وطن نبود . خوب نباشد این جزئیات قابل ملاحظه نیست . مخلص کلام . ما دوستان جمع شدیم یك میهمانی دادیم شادیها کردیم فورا یك تلگراف هم بکاشان زدیم . که پنج شیشه گلاب قمصر و دو جعبه جوز قند زود بفرستند که بدهیم لقب را بگیریم . درهمین حیث وبیث جناب حاجی ملك‌التجار راه آستارا بروس ها واگذار کردند نمیدانم کدام نامرد حکایت این لقب راهم باو گفت و پاش را

توی یك کفش کرد که از آسمان افتاده ام این لقب حق و مال من است . حالاچند ماه است نمیدانی چه الم سراتی راه افتاده از یکطرف میرزا عبدالرزاقخا ن بقو ه علم هندسه • از یك طرف حاجی ملك‌التجار بزور فصاحت و بلاغت و شعرهای ا مر لقیس و ناصر خسرو علوی کبلائی دخو نمیدانی در چه انشر ومنشری گیر کرده‌ایم •
اگر بتوانی ما را از این بلیه خلاص کنی مثل این است که یك بنده در راه خدا آزاد کرده خدا انشاءالله پسرهات را ببخشد •
خدا یك روز عمرت را صد سال کند • امروز روز غیرت است د یگر خودمی دانی زیاده عرضی ندارم خادم با وفای شما • «خرمگس»

توقیف صور اسرافیل

قبل ازآنکه بشرح توقیف روزنامه بپرداز یم لا ز م است از تغییرا تی که د ر اداره روزنامه پیش آمده شده یاد آور شویم • روزنامه صور اسرافیل از شماره اول تا شماره هفتم و هشتم که یکجا طبع ومنتشر شده تحت نظرو بمدیری میرزا جهانگیر خان شیرزای و میرزا قاسمخان تبریزی بوده است وهردو نفر مدیر و موسس ودخیل در انتشار روزنامه بوده اند • ازشماره هفتم و هشتم تا شماره پانزدهم اسم جها نگیر خان شیرازی از عنوان روزنامه حذف شده ومدیر فقط (میرزا قاسمخان تبریزی) معرفی شده است • علت این تغییر یعنی حذف اسم جهانگیرخان درصورتیکه نامبر د ه درحقیقت همه‌کاره روزنامه بوده برنگارنده مجهول است •
ازشماره ۱۵ مجددا نام هردو (میرزا جهانگیر خان ومیرزا قاسمخان) ذکر شده و علاوه اسم (میرزا علی اکبر خان قزوینی) بعنوان دبیر ونگارنده • در عنوان روزنامه اضافه شده است • واین وضع تاآخرین شماره منتشره‌یعنی شمار ه ۳۲ سال‌اول ادامه داشته است • در باره محل اداره صوراسرافیل در بدو تاسیس طهران ؛ خیا با ن ناصری کتابخانه تربیت و مدتی خیابان علاءالدوله ، محاذی مهمانخانه مر کـز ی و د ر اواخر انتشار محل اداره : طهران • نزدیك امامزاده یحیی کو چه مسجد فاضل خلخالی بود است •

احضار مدیر صور اسرافیل در دارالفنو ن

پس ازنشر شماره اول صوراسرافیل ودرج مقاله (مسئو لیت قلم) که د ر آن نویسنده باداره‌انطباعات حمله سخت نموده‌و آنرا یك اداره‌بوسید قلمداد کرده وتفتیش درمطبوعات را مخالف با آزادی ومشروطیت دانسته . از وزارت معارف و اوقاف‌اداره جراید، اخطاری بدینقسم برای مدیر صور اسرافیل فرستاد شده است :
« نمره۱۷ ، مورخه ۱۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ • جناب میرزا جهانگیر خا ن مدیر روزنامه صور اسرافیل دام مجده لزوما زحمت میدهم صبح یکشنبه بیستم د ر مـدرسه مبارکه دارالفنون تشریف بیاورید که ملاقات شما لازم است • مخبر سلطنه » پس از دریافت اخطاریه مینویسد : « چهارساعت قبل ازظهر یکشنبه وارد مدرسه شر یفه د ا ر الفنون‌شده و باطاق کوچك مخصوص وزارت علوم و اوقاف که درضلع شمالی و متصل بدالان زاویه شمال شرقی مدرسه است داخل گردیده •جمعی ازسادات قمی د ر خصو ص

عمل موقوفات قم صحبت میکردند. بعد از لمحه جناب وزیر علوم با بگارنده بنای صحبت را گذاشتند که بعرض خوانندگان محترم میرسد ۰
سوال - من دیروز رفتم بمجلس شورامِلی و درخصوص جریده صور اسرافیل صحبت کردم وقرار شد شما را سیاست کنیم ۰ ولی بشمامیگویم کهبعد از این اینطور چیز نوشتن را ترك کنید ۰
جواب - همان آن که در مجلس خصوصی صحبت شد رجال الغیب و ارواح مجرد صورت مجلس را بجهت بنده نقل کردند. چیزی نوشته نشده که سیاست بشوم و در راه آسایش و آزادی ملت وخیرخواهی دولت اگرهم سیاست بشوم کمال‌افتخار را دارم جریده ما تاریخی استآنچه نوشته شده ازوقایع مهمه عالم است ۰
سوال - از این ماده میگذریم چرند و پرند یعنی چه ؟
جواب - چرند پرند قسمت اخلاقی صور اسرافیل است ۰
سوال - مگر اخلاق را نمیشود بطرز دیگر نوشت ۰
جواب - اخلاق را بطرزهای مخصوص نوشته و مینویسند طباع بشری باینگونه سخنان بیشتر راغب است ۰
سوال - در اینخصوص هم خود دانید ۰ مطلب دیگر راجع بمسئولیت قلم است من اگر چه خوب نخوانده ام ولی شنیده ام که چه نوشته‌اید ونمیدانم در کدام ستون درج شده (هفتگی صور اسرافیل را به بنده دادند) پیدا کنید. ستونی را که مقصود بود خواندم که دیو سیاه گنده مهیب بازوی مرا گرفت وگفت شیرینی مرا بده ۰
سوال - برای چه نوشته اید شیرینی خواستند مگر ازشما یاسایر مدیران‌جراید چیزی گرفته شده ۰ ۰ »
این سوال وجواب مفصل و تمام صفحات هفت وهشت شماره دوم را فرا گرفته است. برای اطلاع از تمام آن بخود شماره دوم مراجعه شود ۰ پس از انتشار شماره ۱۴ سال اول مورخ پنجشنبه ۱۰ شعبان ۱۳۲۵ قمری صور اسرافیل برای مدتی توقیف و شماره ۱۵ درتاریخ چهارشنبه ۲۹ رمضان۱۳۲۵ قمری منتشر گردیده است ۰ علت‌توقیف روزنامه ارتباطی با شماره ۱۴ نداشته وبلکه بعلت درج سرمقاله شماره ۱۲ بوده است۰ این سرمقاله تحت عنوان « آیا برای کمال وترقی بشری سرحدی هست ؟ آیا درمراتبه ازمراتب کمال انسان متوقف میشود ؟ آیا میتوان گفت خط سیر فرزند آدم بفلان نقطه منتهی خواهد شد؟ » نوشته شده وقسمت اول آن چنین است :« موافق عقاید کهنه پرستان مملکت یعنی آن دسته ازمردم که اوهام آباء کرام خودرا بهر درجه از کثافت که باشد دو دستی چسبیده وحفظ آنرا از وظایف مقدسه خود میشمارند نقطه عزیمت انسان چند سال بیش ازیعرب بن قحطان با تسخیر وتصرف رمه های گوسفند وشتر و خانه بر دوش ایلات وقبائل نواحی بین‌النهرین‌شروع شده وبکسالت و تنبلی و تن‌پروری و بیعاری کنونی ایران منتهی میشود۰ مقصودقدرت کلیه از اختراع این آخرین شاهکار کارخانه هستی ۰ خلقت اشرف مخلوقات ، ایجاد مسجود ملائك ، وابداع مصادیق(انا خلقنا الانسان فی احسن‌التقویم) فقط عرض یك جنگل هرج ومرج ویك مزبله اوهام و

خرافات در نمایشگاه دنیاست ۰۰۰»

انتشار مقاله مذکور که با اصول مسلم ادیان مخالف است جار و جنجالی در محافل مذهبی طهران برپا نمود بقسمیکه مدیر روزنامه در شماره بعد (شماره ۱۳) تحت عنوان (اخطار) ناچار بعذرخواهی گردید.

در این اخطار مینویسد: «بنا بر مذکور جمعی از برادران دینی واخوان اسلامی ما در مندرجات مقاله اول نمره ۱۲ سوء ظنی برده و العیاذبالله در سطورات آن بواسطه ابهام واغلاق پاره از کلمات وعبارات یا بعلت تازگی مسلك اشاء حسن نیت خودشان را از ما سلب فرموده ونسبت خطای فکر یا عقیده بنگارنده داده‌اندرر صورتیکه ما کرارا شرح عقاید حقه اسلامیه‌خود را داده و تا آن حد که اسقاط‌تکالیف شرعیه خون ایمانی ما نسبت بما بشرد تصریح بمعتقدات حقه خود کرده‌ایم درهرحال توضیح مبهمات این مقاله را انشاءالله برای نمره بعد کاملا بعهده میگیریم ودر این‌نمره فقط ثبت شکوای خود را بندای اسلام مینمائیم.» با این اخطار ومعذرت طلبی‌همان قسم که یاد آور شدیم روزنامه متجاوز از یکماه توقیف بوده وپس از خروج از توقیف ونشر شماره ۱۵ قبل از سرمقاله بعنوان (تشکر) اینطور مینویسد: «از عموم برادران وطنی که در موقع توقیف روزنامه اظهار همراهی فرموده‌اند کمال امتنان را حاصل نموده و مخصوصا از اخوان غیور آذربایجانی وگیلانی و کرمانی وفارسی خود و پاره انجمنهای محترمه پایتخت که اجازه اقدامات مجدانه در رفع‌توقیف‌اوراق نالایق صور خواسته بودند نهایت متشکر و ممنونیم‌ولی همانطور که کتبا و تلگرا فا خدمت همه معروض داشته ایم چون حکم ازمجلس مقدس شوری صادر شد بود و امر مجلس عجالتا درحکم قانون است مخالفت با آن با تقوای دوره آزادی مباینت دارد و حب قانون و وطن راهی برای تشبثات مخالفانه نمیگذارد.»

از روزنامه صور اسرافیل مجموعا ۳۲ شماره‌منتشر گردید و آخرین شماره آن در تاریخ شنبه ۲۰ جمادی اولی ۱۳۲٦ قمری یعنی سه روز قبل از فاجعه مشر وطیت و خرابی مجلس شورایملی توزیع شده و سرمقاله این شماره تحت عنوان « ملت و دربار» نوشته شده وقبل از درج سرمقاله این اعلام چاپ گردیده است : اعلام .

۱ - ضامن وجوه آبونه مشترکین صور اسرافیل در بلاد داخله و خارجه‌وکلای محترم اداره اند . ۲ - اجرت اعلان سطری دوقران. درصورت تکرار تخفیف‌داده‌میشود

مدیر صور اسرافیل اعلام مذکور را در شماره اخری روز نامه چاپ کرد . غافل از اینکه چه سرنوشت شومی در انتظار خود او و روز نامه اش میبا شد . سر مقاله آخرین شماره روزنامه خیلی تند و شدید نوشده و با کمال خشونت بدربار حمله شده است . قسمت اول این سرمقاله چنین است : « چند نفر درد پیاله وجود و سفل ثمرات هستی یعنی معدودی از روسی نژادان که ملت آدم پرست روس نیز وجودآنها را ننك هیئت و لکه دامن قومیت خود میشمارد چنان دوردربار دولت‌ایرانرا احاطه کرده اند که برای نفوذ کمترین رائحه احساسات انسانیت سرسوزنی هم منفذ و مدخل با قی

نمانده است ۰۰۰۰ » درهمین سرمقاله بشدت بقزاقان روسی حمله کرده مینویسد :
« دولت روس آندسته ازقزاقها را که درجلو آزادی ملت خود سد قرار میداد درمیا ن رختخوابهای فواحش روسی تخم گیری کرده وازنطفه های سر راه تربیت نموده بود قزاق روسی پدر خودرا نمیشناخت قزاق روسی دین وآئین خودرا نمیدانست! قزا ق روسی خدای آسمان وزمین امپراطور را تصور میکرد ۰۰۰۰ » و شاید همین اهانتها و بدگوئیها ازقزاقان روسی سبب عداوت(شاپشال)بامدیرصور اسرافیل گردیده و این سرکرده قزاقان روسی کینه وعداوت میرزا جهانگیرخان را دردل گرفته است خود شاپشال بیکی ازمحترمین گفته بود شاه باصرار من میرزا جهانگیرخان و ملك المتکلمین را کشت ۰ بعضی نوشته‌اند « کتاب حکومت تزار ومحمد علی میرزا ص۱۰٦ » صور اسرافیل گفته بودشاپشال یهودی است وازاین جهت کینه او را در دل گرفته بود ۰

مندرجات صور اسرافیل بغیرازسرمقاله وستون چرندپرند عبارت از مقالات مختلف و اخبار مرکز وولایات است ۰

مرحوم کسروی در باره روزنامه صوراسرافیل اینطور مینویسد : «اما صور اسرافیل آنرا میرزا قاسمخان تبریزی و میرزا جهانگیر خان شیرازی بنیاد نهادند و میرزا علی اکبرخا ن قزوینی (دهخدا) یکی از نویسندگان او بود . این روزنامه هم با کاغذ حروف خوب چاپ میشد و راهبران آن مایه میداشتند و تا زما ن توپ بستن مجلس برپا میبود ۰ در این روزنامه یك بخش شوخی آمیزی زیر عنوا ن (چرند پرند) نوشته میشد که دهخدا آنرا مینوشت و از اینرو صور اسرافیل بملا نصر الدین و آذربایجان مانندگی پیدا میکرد ۰ خوانندگان باین بخش بیشتر رومیآوردند و انگیزه رواج روزنامه بیش ازهمه این بخش می‌بود ۰

صور اسرافیل بآرزوهای مردم نزدیك میشد و در پیش آمدها با بمیان نهاده گفتار ها مینوشت ؛ همان بخش چرند وپرند آن بیشتر درزمینه پیش آمدها میبود مثلا درهمان روزها درتهران ، همچون تبریز ، نان کمیاب شده و مردم سختی‌میکشیدند و نان فروشان فرصت بدست آورده بآرد خاك می‌آمیختند ، صوراسرافیل این عنوان را کرده یك چرند و پرندی نوشت ۰ بازگردانیدن دختران قوچانی یکی ازآرزوهای آزادیخواهان بود ، صور اسرافیل آنرا شعر در آورده گفت : هفده وهیجده ونوزده چون نویسندگان آن آگهی از تاریخ اروپا وکشورهای آنجا داشته مطالب تازه راجع بمشروطه مینوشتند و برسر همین نو اندیشی دشمنیها با وی پدید آ مد تا آنجا که شاد روان طباطبائی از آن ازردگی نمود و یکبار نیز با دستور وزیر علو م جلو گیری از بیرون امدن ان شد ولی دوباره راه انرا باز نمودند (اشاره بتوقیف روزنامه است که انرا یاد اور شده‌ایم ۰ مولف) و صوراسرافیل می‌بود تا داستا ن توپ بستن بدارالشوری پیش امد ۰) صفحات ۳۸۲ و ۳۸۳ بخش اول تاریخ مشروطه ایران ۰

روزنامه که صبح بقیمت چهارشاهی منتشر می‌شد عصر بچند تومان خرید وفروش

می گردید ۰ در باره نفوذ و اهمیت صور اسرافیل شرحی از قول آقای دهخدا درشماره ۱۱ سال اول مجله اطلاعات ماهیانه ؛ در ضمن مقاله نوشته که عین آنرا نقل می نمائیم « آقای دهخدا نقل می کنند که در اداره روزنامه که دو اطاق بیشتر نبود روزی نشسته بودم که پیر مرد پارچه فروشی برای خرید روزنامه آمد ویك عباسی روی میز میرزا جهانگیرخان گذاشت و یکشماره روزنامه خرید ۰ من چون میدانستم این پیر مرد هر روز باپای سنگین خود ازپلههای بالاخانه بالا می آید دلم سوخت و گفتم شما زحمت نکشید ، خود من روزنامه را پائین آورده بشما میدهم پیرمرد با قیافه متاثری گفت (پس توابش چطور میشود) آقای دهخدا میگویند من هنوز نمیدانم آن پیر مرد چگونه فکر میکرد و شاید میپنداشت که خرید صور اسرافیل ازفرایض و واجبات است و مطالعه آن چون اقامه نماز ثوابی دارد ۰» همین نفوذ فوق العاده در میان طبقات مختلف بوده که محمد علیشاه را نسبت بمدیران بدبین ساخته بقسمیکه تصمیم بقتل وی و همکارانش گرفته بود ۰

راجع بعلاقه و اعتقاد مردم بروزنامه صور اسرافیل مرحوم دولت آبادی در کتاب حیات یحیی ص ۳۲٦ در جائیکه از میرزا اسدالله خان نامی که جوانی بیست و پنجساله است و با اصابت گلوله به پیشانی او در روز فاجعه بمباران مجلس از پا در می آید گفتگو میکند مینویسد : « میرزا اسدالله خان در ایام تحصن بهارستان اغلب با نگارنده بود ۰ روزها زحمت روزنامه صوراسرافیل تحمل میکرد و شب ها تا نزدیك صبح بنوبت در بالای بام کشیك میکشید شب دوشنبه ۲۲ جمادی الاول که نگارنده در بهارستان بودم این جوان را درنیمه شب دیدم خورجین بردوش دارد باطاقی که متحصنین درآنند وارد میشود دراین خورجین اوراق طبع شده روزنامه صور است که ازمطبعه گرفته آورده است دربهارستان توزیع کند واین آخرشماره صور است که در طهران طبع شده نگارندهاستراحت میکند وآن جوان به بستن بسته های روزنامه میپردازد تصور میشود باهمهزحمت وخستگی بعد از فراغتازکارروزنامه استراحتخواهد کرد ولی بین الطلوعین استنزدیك گوش من صدائی مرا بیدارمیکند که »ـ سانیکه تاریخ مشروطیت ایران رانوشته‌دربارهٔ گرفتاری‌وقتل مدیر صوراسرافیل کم‌وبیش مطالبی نوشته‌اند من جمله در کتاب زندگانی ملك‌المتکلمین ازصفحه ۲٦۲ آنطرف ونیز مرحوم کسروی ومرحوم حاج‌میرزا یحیی دولت آبادی هرکدام مطالبی نوشته اند که قتل آنمرحوم را روشن وآشکارمیسازد و ما ذیلا بنقل گفتار مرحوم کسروی و حاج میرزا یحیی دولت آبادی که دقیق تر از دیگران نوشته و درحقیقت خیلی ازمطالب هردو همشبیه بیکدیگر است میپردازیم مرحوم کسروی سرگذشت جهانگیر خان و دیگران را ازقول میرزا علی اکبرخان ارداقی ، برادر قاضی ارداقی ؛ که درقید حیات بوده بخلاصه اینطور مینویسد :« چون برادرم همراه میرزا جهانگیر خان وملك و دیگران شب وروز درمجلس مجازبست برای بردن ناهار و شام من در روز چند بار بآنجا میرفتم تا روز دوم تیرماه بشیوه هرروز روانه شدم ولی قزاقان مانع ورودم شدند ولی دراین بین درشگه بهبهانی آمد بهمراه او

وارد مجلس شدم و در آنجا می بودم تا جنگ آغاز شد و چون آقایان بیرون رفتند من نیز بیرون رفته ومارا یك بالاخانه درپارك امین‌الدوله جا دادند • امین الدوله نزد ما آمد و مهربانی کرد وچون رفت نوکرش آمد وگفت آقا میگویند چون ممکن است خبر شما برسد که اینجائید بهتر این است بجای دیگری بروید ازاینجهت ما را بنوکری سپرد • نوکر ما را تا دم در آورد ودر آنطرف خیابان عمارت‌نیمه سازی را نشان داد وگفت آنجا بروید • اینرا گفت ودر را روی ما بست • ماآهنگ عمارت نیمه ساز کردیم‌ولی آنجا که رسیدیم دیدیم همه جای آن باز است وهمگی مارا می بینند فهمیدیم مقصود امین‌الدوله بیرون کردن ما بوده • خانه سید حسن مدیر حبل المتین تهران درآن نزدیکی می بود ، کسی دنبال او فرستادیم . وچون آمد ما رادر آنحال دید سخت غمگین گردید وما را همراه برداشته بخانه خود برد در آنجا که اندك ایمنی پیدا کردیم ملك ومیرزا جهانگیر وبرادرم بچاره جوئی پرداختند ، هرکس چیزی میگفت . پس از گفتگوی بسیار اینطور بناشد که تاغروب آفتاب آنجا بمانیم وهنگام شب یکی‌یکی بیرون رفته ازخندق گذشته ازبیراهه بحضرت عبدالعظیم برویم و درآنجا بست بنشینیم ، اندکی آرام شدیم ، ولی چیزی نگذشت که هیاهو بلند شد وخبر آوردند که قزاقان اطراف خانه را گرفتند ؛ ملك ومیرزا جهانگیر خان وبرادرم گفتند اینها برای گرفتن ما آمده وروانیست بخانه بریزندوزنان‌وبچه هابلرزند ازاینجهت همگی برخاسته ازخانه بیرون شدند • سرکرده قزاقان امیر پنجه قاسم آقا بود دستور داد ملك ومیرزا جهانگیرخان وبرادرم هریکیرا یك قزاق بترك اسب خودسوار برگیرد ومارا پیادگانی سپرد وبدین ترتیب قزاقان با آن سه تن ازپیش وما با این دسته ازپشت سر ایشان راه افتادیم • درجلو سفارت انگلیس یکدسته ارمنی واروپائی ایستاده بودند • میرزا جهانگیرخان ایشانرا دیده خواست گفتاری راند ولی همینکه آواز ی برداشت « ما آزادی خواهانیم •••» قزاقی‌ازپشت سرشوشکه برپشت سراو فرودآورد که خون بشدت روان گردید و گفتار ناانجام ماند • بدین ترتیب مارا بقزاقخانه‌رسانیدند هنگامی بود که قزاقان کار مجلس‌راتمام کرده بآنجابرمی گشتند وچون خیلی تلفات داده بودند همینکه مارا دیدند باشوشکه های برهنه برسر آن سه تن تاختند ، قزاقانی که مارا آورده بجلوگیری برخاستند ولی کی میتوانست جلوی ایشان را بگیرند وهمه ریز ریز میشدیم اگرنبودی که‌سرکردگان‌ازاطاقها چگونگی را دیده خودرا بپائین رسانیدند و به قزاقان داد زدند (اینهارا اعلیحضرت خواسته باید بباغ شاه ببریم کاری نداشته باشید» ولی قزاقان دست برنداشته وپیوسته آزار رسانیده دشنام میدادند ، برادرم فریاد زد ما اداره قزاقخانه را مرتب ترین ادارات میدانستیم این بی‌ترتیبی برای چه مارا بفرمان شاه دستگیر کرده‌اید وبباغ شاه خواهید برد وما نمیدانیم شاه مارا خواهد کشت یا خواهد بخشید ، هرچه هست باشد • این را که بعضی ازسرکردگان شنیده قزاقان را از ما دور وپاسبان گماشتند ونیز کسانی آمده زخم سرمیرزا جهانگیرخان را که‌همچنان خون‌می‌آمدبستند ومهربانیها کرده . چای‌وسیگارآوردند ساعتها بدین سان گذشت ویکساعت بغروب مانده‌آمدندبرخیزید؛ شمارا بباغ شاه ببریم چون‌برخاستیم ما را

بمیان قزاقخانه بردند در آنجا توپهائی بود و مارا دو تن دو تن بر روی آنهاسوار کرده و زنجیرهای گردنما ن را بآنها بستند وقزاقها می گفتند با این توپ هامجلس را خراب کردیم و شما را نیز دم آنها خواهیم گذاشت • وقتی میخواستند ماراروانه کنند یك سرکرده روسی رسید برآشفت و دستور داد مارا ازروی توپ پائین آورنده با دستور او مارا بیك عده قزاق سپرده روانه کردند، ازخیابانها که میگذشتیم‌مردم دشنام داده آب دهان می انداختند خاکروبه می ریختند ، در باغشاه ما را بچادر ی رسانیدند که کسان بسیاری ازپیروان بهبهانی وطباطبائی و دیگران درآنجا می‌بودند ما نیز در میان ایشان جایگرفتیم ولی هیچکس با دیگری سخن نمیگفت و هر یکی بخود فرو رفته بیم جان خویش را میداشت . پس ازدیری که هوا تاریك شده بود کسی آمده ملك‌المتکلمین ومیرزا جهانگیر خان وبرادرم قاضی را جدا کرده برد • یقین کرده برای کشتن بردند و همه غمگین شدیم ولی سه ربع نگذشت که هر سه را باز گردانیدند • آنکس که ایشان را برده بود گفت فرمانده تیپ میگوید اینها گرفتار شده و اینجا در امان من می باشند وتیز میگویند کار این سه کس‌جداست و با دیگران یکجا نباشند •

دیری نگذشت که یکدسته قزاق آمد وما را بیك عمارتی درآنجا برد وسپس هرهشت تن را دریك زنجیر گرداگرد اطاق نشانیدمیخ ها را بمیان اطاق کوبیده و گفتند بخابید هر کس ازجای خود برخیزد با گلوله زده خواهد شد •

سید محمد رضا مساوات که گفتیم یکی ازهشت نفری بود که محمد علی شاه خواسته بود (درس ٢٤ کتاب مینویسد پس از آنکه مجلس انجمنها را پراکنده کرد تصور نمود شاه ازخشم فروآمده ولی او بگستاخی افزود و فردای آنروز بیرون کردن هشت تن ازسران آزادی را خواستار شد که یا از ایران بیرون رفته و یا سپردن بدست او میبود • از آن هشت تن یکی‌میرزا جهانگیر خان دیگری سید محمد رضا شیرازی مدیر مساوات ، ملك‌المتکلمین ؛ سید جمال واعظ بودند) واگر بدست افتادی بکیفر سخنان تند خرد شکنجه های سخت دیدی ، وی ازپیش ازجنك د ر جائی نهان شده بود وسپس بارخت ناشناس از راه مازندران خودرا بباکو میرساند که از آن جا نیز در تبریز آمد •

امروز (منظور روز چهارشنبه سوم تیر ماه مطابق ٢٤ جمادی الاولی است) ملك‌المتکلمین و میرزا جهانگیر خان را بی آنکه بازپرسی کنند و یا بداو ری کشند نابود گردانیدند • در این باره سخنان بسیار است ولی ماچون داستان را ازمیرزا علی اکبرخان ارداقی که خود در باغشاه باآن دوتن‌و با دیگران هم زنجیر بوده پرسیده‌ایم همان گفته های اورا می آوریم • میگوید :

شب چهارشنبه را که با آن سختی بسربردیم ، بامدادان از خواب برخاستیم و قزاقان هرهشت تن را که بیك زنجیر بسته بیرون می بردند وچون آنها را می‌آوردند هشت تن دیگری را می بردند وچون اندکی گذشت دوتن فراش برای بردن ملك‌و میرزا جهانگیرخان آمدند وایشان را ازقطار بیرون آورده بگردن هر یکی زنجیر

دستی (شکاری) زده گفتند : « برخیزید بیائید » گویا هردو دا نستند که برای کشتن میبرندشان • ملك‌دهدربا آواز دلکش و بلند این شعر را خواند : مابار که دادیم این رفت ستم برما ✿ بربارگه عدوان آیا چه رسد خذلان •

این شعررا خواند و پا ازدر بیرون گذاشت • ما همگی اندوهگین شدیم • و این اندوه چند برابر شد وقتی دیدیم آن دو فراش زنجیرهائی را که بگردن ملك و جهانگیر خان زده وبرده بودند برگردنیده درجلوی اطاق بر روی دیگر زنجیر ها انداخته و مابیگمان شدیم که کار آندو بپایان رسیده • این داستانیست که میرزا علی اکبر خان یاد می کند و ما از هرجهت آنرا درست می شماریم • ما مونتدف نیز مینویسد : سرگذشت این دو تن بسیار ساده بود • امروز ایشان را بباغ بردند و پهلوی فواره نگاه داشتند دو دژخیم طناب بگردن ایشان انداخته از دو سو کشیدند خون از دهان ایشان آمد و این زمان دژخیم سومی خنجر بدلهای ایشان فرو کرد مدیر روزنامه را هم‌بدینسان کشتند » بخش سوم تاریخ مشروطه ایران تالیف کسروی صفحات ۱۱٦ بآنطرف و اما آنچه مرحوم دولت آبادی در کتاب‌حیات‌من، فصل سی و ششم کتاب نوشته بدینقرار است : « درفصل سی وپنجم نوشته شد ملك‌المتکلمین‌وپسرش محمد علی و سید جمال‌الدین واعظ و میرزا جهانگیر خان و میرزا داودخان و قاضی قزوینی و برادرش و سید نورالدین و بعضی دیگر درخانه میرزا سید حسن کاشانی که متصل بپارك امین‌الدوله است مخفی میشوند اینك شرح گرفتاری آنها را مینویسم بعد از آنکه انجمع بخانه مزبور میروند مادر پیر میر سید حسن کاشانی بنای گریه و زاری را گذارده میگوید شما باین خانه آمده اید خانه ما را خراب خواهند کرداموال ما یغما میشود ملك‌المتکلمین بمیرزا جهانگیرخان میگوید مارا که دستگیر خواهندکرد بهتر این است که دل این زن را بدست آورده رفع اضطراب او را بکنیم چند نفر مخالفت کرده انجا مخفی میشوند بطوری که خود آن زن هم نمیدانسته است باین‌ترتیب که خودرا در آب انبار خانه انداخته درمیان آب چند ساعت میما نند تا شب میشود و فرار میکنند وازآنهاست‌میرزاقاسمخان تبریزی ازکارکنان روز نامه سور اسرافیل مابقی بیرون آمده وارد خیابان میشوند سید جمال‌الدین خودرا درخانه پنهان میکند و عاقبت کار او در جای خود نوشته میشود دیگران گرفتار میشوند باین ترتیب ملك المتکلمین چشمش درست نمی‌بیند قاضی هم نا بیناست هردو را باید عصاکشی نمایند از این جهت نمیتوانند فرار کنند بعضی دیگر هم آنها را متابعت مینمایند همینکه وارد خیابان‌میشوند قزاقان اول میرزا جهانگیر خان و بعد دیگران‌را دستگیر کرده آنها را بی نهایت کتك میزنند و مجروح ساخته سرو پای برهنه همه را بقزاقخانه میبرند در راه که این جمع را میبرند بعضی ازمردم نادان بآنها ناسزا گفته نسبتهای ناشایسته میدهند میرزا جهانگیرخان پی درپی نطق میکند و ازکتك و زخم کارد اندیشه نکرده میگوید ایمردم ما رفتیم اما شما دست ازمشروطه برندارید وبقزاقان میگوید ما مقصر پلتیکی هستیم کسی مقصر پلتیکی را آزار نمیکند این یگانه فدائی وطن از آن هنگام که گرفتارمی شود دست از جان شسته هرچه دردل دارد میگوید بلی روز اول آن مرد وطن پرست

جان عزیز را با قلم نگارش صور اسرافیل بکمرتبه بکف گرفته نوشت آنچه نوشتنی بود و اینك چند ساعت بقیه عمر خود را غنیمت میداند که ناگفته مانده ها را بگوید تا در خدمت بملت کوتاهی نشده باشد • همین حال آنها را میبرندتاولرد قزاقخانه می کنند و آنجا محبوس میشوند صاحب منصبان قزاقخانه پی درپی بمحبس آنها آمده آن ها را تحش داده آزار میکنند میرزا جهانگیر خان در این حال بازاز نطقهای وطن خواهانه دست بر نمیدارد و دقیقه آرام نمیگیرد بالاخره از بس حرف میزند محبس او را جدا میکنند • ملك المتکلمین گرسنه و تشنه است چون اورا برهنه نکرده اند پولی دارد یکی از قزاقان میدهد برای او نان و نان خورش و آبی بیاورد و خواهش میکند میرزا جهانگیر خان را هم بیاورند با او غذا بخورد میگویند او زیاد حرف میزند میگوید میسپارم حرف نزند اورا هم می آورند غذا خورده بجای خود بر میگردانند این چند نفر با جمعی دیگر که گرفتار شده اند یا بتدریج تا عصر گرفتار میشوند در قزاقخانه هستند طرف عصر آنها را بباغشاه میبرند و همه را در یك زنجیر میبندند در بردن آنها بباغشاه و هنگام ورود بمحبس و درمحبس آنها را آزار بسیار میکنند دست ملك المتکلمین جراحت برمیدارد شبانه پولکنیك لیاخوف و شاپشال و علی بیك بدیدن آنها میروند ملك المتکلمین به پولکنیك از با بت کتك بسیار که بآنها میزنند شکایت میکند و او میسپرد که دیگر آنها را نزنند شاپشال با ملك المتکلمین صحبت داشته میگوید چرا اینقدر ازمن بدگفتی میگوید شما رامی گویند بمصلحت روس و برضد صلاح دولت وملت ما کار میکنید بمیرزا جهانگیرخان میگوید تو ازکجا دانستی من یهودی هستم جواب میدهد اینطور شنیدم تکلیف روز نامه نویس این است هرچه بگویند بنویسند اگر دروغ است بعد تردید میکنند بالجمله شماتت بسیار بآنها میکنند و میگویند فردا شما را بدار خواهند زد و میروند دراین وقت میرزا محمد علی پسر ملك المتکلمین از پدرش دور است بعد از زمانی آنها را بیرون برده چون برمیگردانند اتفاقا اورا نزدیك پدر زنجیر میکنند ملك ازاین اتفاق مسرور است • محبوسین آنشب را با کمال سختی میگذرانند فردا صبح که میشود پاسی از روز برآمده دو نفر قزاق بمحبس آمده ملك المتکلمین ومیرزا جهانگیرخان را با زنجیر میبرند ساعتی طول نمیکشد که زنجیرهای آنها را آورده آنجا می اندازند • خلاصه آنها را میبرند درگوشه باغ شاه در میان فوج قزاق اول طناب به گردن ملك المتکلمین افکنده مدتی اورا عذاب میدهند و بالاخره میرغضبان با کاردروی شکم او افتاده شکمش را پاره میکنند وبسختی جان میدهد بعداز آن میرزاجهانگیر خان را می آورند چون کشتن رفیق خود را دیده است رمقی برای او باقی نمانده به پای خود نمی تواند بیاید اورا میآورند طناب برگردنش انداخته بفشار کمی جان میدهد نعش هردو را میان خندق شهر می اندازند نعشها آنروز وآنشب درخندق است و بعد بهمت یکی ازوطن‌خواهان هرچه از آن‌ها باقی مانده بخاك سپرده میشود •»

این بود شرحی که مرحوم دولت آبادی درصفحات ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ کتاب حیات یحیی دربارۀ قتل مدیر صوراسرافیل نوشته است •

قبرجهانگیرخان تا چندی زیارتگاه احرار و آزادیخواهان بود و مردم طهران برسرقبر این جوان شهید حاضرشده بیاد اومیگریستند .

روزنامه تمدن چاپ طهران مورخ سه شنبه ٥ شوال‌المکرم ۱۳۲۷ قمری جزو وقایع هفته ، در شماره ۱۳ سال سوم روزنامه مینویسد : « درعید سعید فطر اهالی طهران بعد از ادای مراسم وعبادت مقرره عید دوساعت ازروز گذشته الی غروب‌جمیع طبقات وادارات رسمی‌وغیره مثل وزیر عدلیه با اجزاء ورئیس نظمیه بااجزاء وامنیه با اجزاء باکمال شکوه ازقبیل دسته سینه زن و غیره بزیارت قبور مظلومین و مقتولین ظلم محمد علی‌میرزا اعنی ملك‌المتکلمین وجهانگیرخان صاحب صور ومیرزا اسمعیل‌خان وسایرین که در پشت باغ شاه مدفون بوده‌اند رفته مجلس ختم قرآن وروضه وموعظه ونطقهای موثر و قرائت لوایح مفصله که مافوق‌آن متصورنیست بعمل‌آمد وهرکس که میرسید احترام ظاهری با تقدیم دسته‌گل و باطنی بفاتحه خوانی مینمود . شیرینی‌صرف مینمودند وجمعیت غیرمحصور بود حتی کلیمیها وارامنه » .

میرزا قاسم خان تبریزی ـ همکارمیرزا جهانگیرخان میرزاقاسمخان‌تبریزیست که درضمن شرح حال مدیرصور یادآورشدیم که برای عدم گرفتاری خود چند ساعت در آب انبار بسر میبرد و بدین ترتیب نجات پیدا میکند . میرزا قاسمخان که بعداً نام خانوادگی صوراسرافیل را برای خود انتخاب نموده بود ، مردی کاردان وفعال و چندی وزیرواستاندار وشهردارطهران بود بخصوص خدماتش درموقع استانداری‌اصفهان شایان توجه میباشد . مردم اصفهان هنوز نام اورا بنیکی یاد میکنند . اغلب کارخانه‌های اصفهان بهمت او تاسیس و برپا گردیده هنگام عروسی اعلیحضرت فعلی با والاحضرت فوزیه صور اسرافیل شهردار طهران بود و پیش‌آمد خاموش شدن برق طهران در یکی ازشبها اورا درنظر شاه مبغوض نمود و ازآن پس خانه نشین شد و بعد از چند سال فوت نمود .

(۷٥۴)صوراسرافیل

پس ازآنکه میرزا علی‌اکبرخان دهخدا دبیرروزنامه صور اسرافیل ازایران باروپا رفت ، درشهر ایوردن از بلاد سویس روزنامه بنام صوراسرافیل نظیرروزنامه صوراسرافیل طهران ؛ تاسیس ومنتشرنمود . ازاین روزنامه صوراسرافیل مجموعاً چهار نمره که نمره اول آن در اول محرم ۱۳۲۷ قمری و نمره سوم آن در تاریخ ۱٥ صفر سال مذکور انتشار یافته است . قیمت اشتراك روزنامه در تبریز ۱٥ فرانك درسایر شهرهای ایران ۲۰ فرانك ودرممالك خارجه ۲٥ فرانك

روزنامه چهره نما منطبعه مصر در شماره ٦٤ سال پنجم خود مورخ ۲۰ ذیحجه ۱۳۲٦ قمری طلوع صور اسرافیل را بدینقسم اعلان نموده است : « اعلان روزنامه صوراسرافیل ـ گرامی نامه نامی وروزنامه گرامی صوراسرافیل که یکسال واندی باچهره معرفت پاش ودرخشنده ورخساری تربیت ریز و حریت بخشنده دروسط سمای‌آمال‌وامانی وطن پرتو فشانی مینمود وازدلهای جهالت مالامال ملت ستمدیده زنك بیدانشی میزدود

وگم گشتگان وادی غفلت را شاهراه ترقی و عمران مینمود تا در و مه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ در طهران نخستین مدیر صائب التدبیرش سرصف شهدای راه حریت و فدائی استقلال وطن و ملت (میرزا جهانگیر خان شیرازی) تنش بدار بیداد آویخته و خاك ندامت و حریت بر سر آرزومندانش بیخته شد و اوراق حیاتبخشش که اثر خامه مشکین ختامه یگانه دبیر دانا و فرزانه ادیب توانا میرزا علی اکبر خان قزوینی بود یکجا سوخت که حالا از آن دریای قضیه فاجعه نمی واز آن خرمن فجیئه کهی نتوانم نگاشت • عجالتا آنروز نامه گرامی (صور اسرافیل) مجددابا قلم همین میرزا علی اکبرخان کما فی السابق در شهر (ابوردون) که یکی ازشهر های سویس است رونق افروز میگردد • البته هموطنان گرامی قدر این در گرانبها را که بیادگار شهدای راه حریت علم میگردد مغتنم دانسته وبآدرس ذیل طلب فرمایند تا کامیاب گردند : ابوردون • سویس • اداره روزنامه گرامی صور اسرافیل •»

تفصیل تاسیس وانتشار و طبع روزنامه صوراسرافیل را در سویس :درضمن یك مقاله تحت عنوان (اقدامات مشروطه خواهان ایران درفرانسه و سویس) در مجله ماهانه اطلاعات ؛ شماره ۱۱ بهمن ۱۳۲۷ ؛ ذکر نموده که از آن مقاله آنچه مربوط باین موضوع است عیناً نقل مینمائیم :

« مرحوم معاضدالسلطنه (۱) پس از مراجعت از انگلستان بفکر می افتد که مرکزی برای قوای متشتت ملیون ایرانی که دراقطار واکناف دنیا پراکنده شده بودند فراهم نماید وبرای این منظور انتشار روزنامه ای را واجب می بیند بهمین نظر پس از مشورت با میرزا علی اکبر خان دهخدا شروع بکار مینمایند وتصمیم میگیرند که روز نامه صوراسرافیل را منتشر نمایند •••• مرحوم معاضدالسلطنه تصمیم گرفته بود که روزنامه را بهمان اسم صوراسرافیل منتشر کند و خواهیم گفت چگونه با مخالفت سیاسیون میانه رو مواجه شد • برای مرکز انتشار روزنامه ابتدا شهر پاریس را در نظرگرفتندولی روزی که بهمراهی آقای دهخدایست و دو مطبعه پاریس که حروف فارسی (باصطلاح اروپائیان حروف عربی) داشتند مراجعه نمودند هیچیك حاضر به طبع روزنامه نشدند وعلت آن این بودکه صمدخان ممتازالسلطنه سفیر ایران درپاریس با مراجعه بادارات دولتی فرانسه طوری ذهن فرانسویان را مشوب کرده و ایرانیان آزادیخواه را انارشیت جلوه داده بودکه دوائردولتی بتمام مطابع دستور داده بودند که از چاپ نشریه متعلق بآنها خودداری کنند • این یك سنك بزرگی بود که از بد خواهی ممتازالسلطنه درجلوی پای ملیون انداخته بود ولی هوش وسرعت انتقال یك ایرانی پاك و شریف این نقیصه را برطرف کرد بدین معنی که آقای شیخ محمد خان « علامه معاصر جناب آقای محمد قزوینی » (۲) که در آن تاریخ در پاریس بودند

«۱» نامبرده از کسانیست که باتفاق تقی زاده و دهخدا و مرحوم تربیت وحسین آقا از ایران تبعید شده و بپاریس رفته و پس از چندی آقایان تقی زاده و معاضدالسلطنه و تربیت بلندن رفتند •

«۲» این قسمت را مرحوم قزوینی دریکی دوشماره بعد مجله تکذیب نموده اند

پیشنهاد نمودند که چون دکتر جلیل خان « مرحوم دکتر جلیل خان ثقفی برادر مرحوم اعلم الدوله ثقفی » کتابی چاپ میکند قسمتهای مختلف روزنامه را بعنوان کتاب ایشان در همان مطبعه بچاپ برسانند این راه عملی بود چه صاحب مطبعه که فارسی نمیدانست ملتفت این تردستی و با هوشی ایرانیان نشد .

آقای معاضدالسلطنه مرکز کار روزنامه را بسویس در شهر کوچکی بنام ایوردن منتقل کرد چه با کیفیاتی که ذکر شد پاریس را برای مرکز فعالیت های ایرانیان تندرو صلاح نمیدانست . و علت این انتخاب این بود که ایشان چند وقت در آنشهر تمیز و بی سر وصدا اقامت کرده بودند و آن نقطه را بی مزاحم و بی‌دردسر را بهتر از هرجا میدانستند . بهمین جهت درهتل دولابرری همانجا که چند ماه محل سکونت اتابک بود چند اطاق برای آقای دهخدا وحاجی میر پنج برادر حکیم الملك و آقای میرزا قاسمخان « میرزا قاسمخان صور همکار میرزا جهانگیرخان در صور اسرافیل » بروزی پنج فرانك سویس معادل ۱۱ قران ایران تهیه و سالونی نیز برای دفتر کار روزنامه در همان هتل اجاره نموده و قرار شد که آقای دهخدا مطالب را تهیه و بتدریج بپاریس بفرستد تا بهمت و نظارت شیخ محمد خان باسم کتاب دکترجلیل خان بچاپ برسد . آقای دهخدا نویسنده مقالات معروف « چرند پرند » صوراسرافیل درپاریس بهسویس منتقل‌شده بودنده باید دا ـ ـ که مقالات چرند پرند ایشان انعکاس فراوانی در اروپا نموده بود وبطوری که ایشان خود میگویند آن مقالات در دو مجله عالم اسلامی و مجله دو دنیا ترجمه شده بود و درهمان ایام اقامت در پاریس نیز روزنامه های لوژورنال و پتی ژورنال وا کسلسیور از ایشان درخواست نوشتن چرند پرند را نموده بودند که در آن روزنامه ها ترجمه وطبع شود امامرحوم معاضدالسلطنه ایشان‌را ازاین‌کار باز داشته و بعنوان آنکه این فعالیتها باید در روزنامه صور اسرافیل شود ایشانرا بسویس بردند . اما اینکه چرا در لندن روزنامه را منتشر نکردند شاید غیر ازعلتی که در سطور گذشته نوشته شد عدم اطمینانی بود که آزادیخواهان ایران بدولت انگلستان داشتند ... پرفسور ادوارد برون سعی داشت در اینکه مرکز روزنامه در لندن باشد و حتی درمکتوبی که بعد از انتشار صور اسرافیل بمرحوم معاضد السلطنه فرستاده‌نوشته بودکه (در اینجا قسمتی ازنامه برون نقل شده که برای‌اطلاع‌ازآن باصل مجله مراجعه شود با این اصرار پرفسور براون معاضدالسلطنه ایوردون را ترجیح داد چه از دولت انگلستان ظنین بود ... انتشار صور اسرافیل در ایوردون وتجدید حملات سخت و تند بشاه چه درپاریس و چه در طهران ایرانیانی که هنوز امیدوار بودند با محمد علی شاه کنار بیایند یا آنکه وزارت وسفارت را بر اصلاح حال مردم ترجیح میدادند واداشت تا بدین کار اعتراض کنند وحتی اگر بتوانند مانع از انتشار آن شوندچه روزنامه صور اسرافیل در اندك مدتی انتشار فراوان یافت و ایرانیان از اطراف دنیا با این روزنامه مربوط شدند و سبك صوراسرافیل سویس همانبود که در زمان مرحوم جهانگیرخان بود وآقای دهخدا بتنهائی تمام مطالب روز نامه را تهیه مینمود و مقالات چرند پرند را نیز کماقی‌السابق بنام دخو مینوشت » علت آنکه

عمده این مقاله را از مجله اطلاعات ماهیانه نقل کردیم این است که نویسنده مقاله از مطلعین و کسانیکه دخالت در انتشار روزنامه داشته و با آن ایام در ارتباط بوده مطالبی شنیده و کسب کرده و از این جهت مقاله مذکور ازهر حیث قابل دقت است . نویسنده مقاله در این شماره وعده داده که « در شماره آینده خواهیم گفت که چگونه آزادیخواهان با همه اشکالتراشی معتدلین روزنامه را چاپ کردند و عمل آنها چه انعکاسی نمود ». خوانندگان برای مزید اطلاع میتوانند باصل شماره های مجله مراجعه فرمایند .

آقای میرزا علی اکبرخان دهخدا ـ نویسنده ستون چرند و پرند که ضمناً دبیر روزنامه نیز بوده آقای میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف بدهخدا است . نامبرده بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت پس از فاجعه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲٦ قمری و تخریب مجلس شورایملی و گرفتاری میرزا جهانگیر خان شیرازی وسایر آزادیخواهان ؛ از ایران بجانب اروپا فرار نمود و در آنجا درکشور سویس مجددا روزنامه صوراسرافیل رادایر کرد ؛ درهمین سفر بود که در مراجعت ؛ در اسلامبول به کمک جمعی دیگرازآزادیخواهان روزنامه هفتگی سروش را دایر نمود و ما شرح آنرا در حرف سین کتاب یاد آور شده ایم .

روزنامه چهره نما در شماره ۳ سال ششم خود مورخ غره صفر ۱۳۲۷ مقدمه روزنامه صور اسرافیل منطبعه ایوردن را بدینقسم نقل مینماید : « روزنامه صوراسرافیل پس از وقایع ۲۳ جمادی الثانیه و قبایح اعمال چنگیز عصر جدید و شهادت مدیر روشن ضمیر آنمرحوم میرزا جهانگیر خان طاب ثراه اینك با قلم دبیر سابق خود میرزا علی اکبر خان دهخدای قزوینی دنباله مسئولیت وطن خویش را ازنو گرفته وباقوتی ضعف قوای سابق برادران دینی ووطنی خودرا ازاین گوشه انزوای دنیا بانتقام خون پاك شهیدان راه حریت وترمیم خرابیهای قلمرو داریوش واردشیر صلا میزند واعانت وکمك برادران ایمانی خودرا (برخلاف سال اول) پس از آنهمه خسارتهای جانی و مالی امروز ازروی کمال ناچاری طلب میکند و امیدوار است که عن قریب بهمت شیر مردان آذربایجان دوره این دوری ومهجوری ازوطن نیز بسرآید و زردی چنانکه پیش آمد کار وعده میدهد کواکب مضاعف عموما واین شب تاب ضعیف نیز از افق طهران طلوع نماید و ازمزایای سال دوم روزنامه تزیینی آنست که هرهفته صورت یکی دونفر ازشهدای راه آزادی و پیشقدمان طریق حریت باشرح حال ودرجه خدمتشان تا حدی که در اینجا بدست آید وبعد مسافت و دوری ازمرکز ما را بدان مجاز نماید . و السلام » برگردیم بینیه شرح احوال دهخدا . ادوارد برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران صفحه ۳۱۷ تحت عنوان « ابتکار دخو در نظم و نثر » مینویسد : « این مقالات « منظور مقالات چرند وپرند صوراسرافیل است » هرچند بامضای های مجهول ومختلف است اما گمان میکنم تمام بقلم دهخدا باشد و بعقیده من دهخدا را باستثنای همین آثار قابل نثری وچندقطعه شعری(قطعه‌ای کهبر گشتنش آ کبلای است ومرثیه که برای میرزا جهانگیرخان سروده بود) خوب است خاصه مرثیه اخیرالذکر که درزیبائی و

تاثیر قلیل النظیر است ؛ که از او بنظر رسیده بایستی در رتبه نخستین ادبا و نویسندگان معاصر ایران جاداد . جای تاسف است که دهخدا با اینکه جوانست در این ده دوازده سال اخیر علی‌الظاهر هیچ اثری بمنصه ظهور نیاورده است . »

اظهار تاسف برون در باره آقای دهخدا چندان صحیح نیست زیرا که ایشان قسمت عمده اوقات خود را صرف تهیه وتدوین کتاب لغت جامعی بنام فرهنك دهخدا نموده و درحقیقت با نوشتن این کتاب دائرةالمعارفی برای زبان فارسی تنظیم نموده اند . لغت نامه دهخدا درچند مجلد نوشته شده وچون طبع کتاب مذکور از عهده مولف خارج بود و احتیاج بسرمایه فراوانی داشت طبق قانونی که ازمجلس شورای ملی گذشت وزارت فرهنك طبع آنرا بعهده گرفت و اکنون که چند سال ازتصویب قانون میگذرد شش جلد کتاب طبع ومنتشر شده است . این کتاب درچاپخانه مجلس طبع میشو و از این جهت از حیث طبع بسیار زیبا ولی قدری باکندی پیش میرود .

هنگامیکه درمجلس شورایملی ازطرف وزیر فرهنك پیشنهاد طبع کتاب دهخدا داده شد ؛ عده ازنمایندگان بتجلیل این مرد دانشمند پرداخته و باتفاق آراء چاپ کتاب او تصویب گردید . دهخدا علاوه برکتاب مذکور ، کتاب دیگری بنام امثال وحکم دهخدا نیز تالیف ومنتشر نموده است .

قطع نظر از فعالیتهای علمی وادبی دهخدا زمانی ریاست کابینه وزارت و چند سال متوالی هم ریاست دانشکده حقوق را بعهده داشت تاقضایای شهریور پیش آمد و دراواخر آبان ۱۳۲۰ شمسی از ریاست دانشکده حقوق کناره گرفت . آقای ملك‌الشعرای بهار در شماره ٤۲ سال چهارم نوبهار مورخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری موقعیکه آقای دهخدا بریاست کابینه وزارت معارف منصوب گردیده او را اینطور میستاید . « آقای میرزا علی اکبر خان ازفرزندان نجیب دانشور ایران است قلم آقای دهخدا را درعصر انقلاب ایران اثراتی است که از آفتاب روشن تر است اگر تاریخ ادبی و روحی انقلاب ایران را بنویسند خواهند دید که یك بند برجسته آن را مشعشع دارد و آن بند ، ؛ بند قلم دهخدا ست . »

صورت (۷۵٤)

روزنامه صورت درشهر رشت بمدیری و صاحب امتیازی (نیك روان) بطور هفتگی و گاهی تاسیس ودر سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . این روزنامه معمولا هر شماره آن در ۱۲ صفحه بقطع وزیری وبا چاپ سربی (شرکت چاپخانه جاوید) طبع و توزیع گردیده ووجه اشتراك درداخله سالیانه ٤۰ ریال ، ششماهه ۲۲ قران ، خارجه باضافه اجرت پست و تك شماره یکقران است . محل اداره : رشت . سبزه‌میدان عنوان تلگرافی : رشت . صورت .

صفحه اول روزنامه دارای سرلوحه بزرگیست که بدینقسم آنرا میتوان خلاصه نمود : درگوشه سرلوحه صورت خورشیدیست که در روی آن چشم وابرو ودهان انسان نقش شده و درنصف پائین سرلوله منظره دشت و کوهستان وغیره دیده میشود که در

گوشه از آن ارباب تنومندی نشسته و در مقابل او غلیانی گذاشته شده وبکشیدن آن مشغول است • در مقابل این ارباب نو کری که پیش از اسکلتی از او با قی نمانده ایستاده است • در وسط دشت وسیع نیز زارعی بصورت اسکلت دیده میشود که باگاو خود مشغول شیار کردن زمین است•

منظور از ترسیم سرلوحه مذکور انتقاد از سرمایه داری واصول مالکیت میباشد که چگونه مالك وارباب بافراغ خاطر وآسودگی خیال با لباسهای فاخر نشسته وبعیش ونوش مشغول است در صورتیکه کارگر و کشاورز با اندام لاغر وضعیف کمر خدمت او را بسته وآن یکی بکارخانه ودومی در دشت وصحرا مشغول بذر افشانی و خدمت بمالك است • وبادر نظر گرفتن باینکه در آن ایا م تبلیغات همسایه شمالی برضداصول سرمایه داری وتملك شخصی بشدت اجرا میشده معلوم میگردد که روز نامه صورت نیز بهمین منظور تاسیس ومنتشر میشده است• در عنوان روزنامه ، صورت بدینقسم معرفی شده : اخلاقی ، فکاهی ، اجتماعی؛ کاریکاتوری • ومندرجات آن بیشتر مطالب راجع باصول کار واینکه بالاترین ننگها بیکاریست ، میباشد علاوه براینها اخبار داخله و خارجه نیز در روزنامه درج است •

روزنامه صورت تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد متجاوز از شش سال منتشر شده وفعلاتا شماره ۵۷ سال‌ششم مورخ ۳۰ دی ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۳۰ شعبان ۱۳۴۹ قمری در دست است •

(۷۵۵) صیحه

در سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه صیحه در طهران بطور هفتگی تاسیس ومنتشرشده‌است

(۷۵۶)صیحه آسمانی

روزنامه صیحه آسمانی بمدیری آقای (محمد جناب‌زاده) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی بطور هفتگی‌منتشر شده است• آقای محمد جناب زاده از نویسندگان مشهور و کتاب اوراق پراکنده ایشان معروف است•

«۷۵۷» صیحه تمدن

سابقاً‌نمونه‌ای از این روزنامه را در دست داشته‌ام که مدیر آن (باقرجعفری) معرفی شده بود ولی فعلا برای نقل خصوصیات آن موجود نیست•

حرف الضاء

(۷۵۸) ضیاء شرق

روزنامه ضیاء شرق بمدیری (حسین ضیائی) تاسیس ومنتشر شده • انتشار این روزنامه بعد از جوزای ۱۳۰۳ شمسی بوده است•

حرف الطاء

(۷۵۹) طاق بستان

روزنامه طاق بستان در شهر کرمانشاه بطور هفتگی تاسیس و در سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است .

(۷۶۰) طب

مجله طب در سال ۱۳۰۱ شمسی در طهران بطور ماهیانه تاسیس و منتشر شده است . بار دیگر مجله طب در سال ۱۳۰۴ شمسی در طهران بطور پانزده روزه تاسیس و انتشار یافته و در این نوبت مجله بمدیری (میرزا احمد خان محصل طب) تاسیس شده و در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۷۶۱) طبابت

روزنامه طبابت در طهران بمدیری و نگارندگی میرزا ابراهیم خان (معتضد الاطباء) تاسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده ووجه اشتراك سالیانه باینقسم معین شده است : طهران ۱۴ قران . سایرولایات بعلاوه اجرت پست . وجه آبونه به سه قسط باید پرداخت شود . بعداز قبول دو نمره باید قسطاول رابپردازند . قیمت درطهران سه شاهی . درخارج چهار شاهی . عنوان مراسلات : خیابان جلیل آباد . قورخانه کهنه . جنب حمام آقا باشی . منزل نگارنده

روزنامه طبابت درهشت صفحه بقطع کوچك خشتی وبا چاپ سربی در مطبعه (دارالطباعه شرقی) بطبع رسیده و در هر شماره بالای عنوان آن این عبارت (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) درج است . اسم روزنامه « طبابت » بخط نسخ و بالای آن « مجلس طبی » نوشته شده است . در زیر عنوان درضمن یکسطر تاریخ انتشار و در زیر تاریخ انتشارروزنامه باینقسم معرفی شده : « این روزنامه مصور و علمی و صنعتی است دواسازی ومطالب حفظ الصحه و نطقهای مجلس طبی ونسخهای مفیده وتاریخ فلاسفه و مردمان بزرك درج میشود که درسال کتابی مفصل خواهدبود»

شماره دوم روزنامه طبابت با خصوصیات مذکور در تاریخ شنبه ۱۱ شهر صفرالمظفر۱۳۲۶مطابق۳ مارس ماه فرنگی ۱۹۰۸ انتشار یافته . مندرجات این شماره عبارت است از « اخطار واعتذار » راجع باغلاط نمره اول ومقاله « اشتباه دراوزان و « فریاد از دست وطن » و « بقیه از دواسازی » و بقیه مندرجات روزنامه عبارت است ازمذاکرات مجلس طبی متعلق به (دوشنبه ۲۸ محرم) و این مذاکرات بعبارات زیر خاتمه پیدا میکند :

« شرحی جناب مودب الدوله در باب ماست وکفیر و کمیز صحبت کردند گفتگو دراین بود که حالا ماست را از ماست میسازند آن ماست اول را از چه ساخته اند

گفته شد که وقتی هم مرحوم حکیم طولزان دربن باب کوشش داشته اند در مجلس حفظالصحه دولتی آنعهد که بوجود اطبای ایرانی و فرنگی آراسته بود بعضی گفتند که اگر مس یا نقره را در آتش سرخ کرده درظرف شیر بیندازند می بندد و چون او شیر بسته را مایه قرار داده سه دفعه شیر را تجدیدنمایند ماست حاصل میشود • برخی حکایت کردند که هم اکنون چوپانها در بیابان با علف موسوم بشیرواره شیرمایه کرده و ماست میسازند و هم گفته شد که چون شیر ترش شده و بسته را مایه قراردهندماست حاصل میشود • جناب نیرالحکما گفتند که هم اکنون هم درگروس و کردستان طرف های بزرك پر ازشیر را درتنور نهاده ودر بستن آنها بدون مایه ماست بدست می آورند»

جای بسی تعجب است که ادوارد برون نامی از این روزنامه در کتاب خود بمیان نیاورده و از آن ذکری نکرده است • دراینجا لازم است از آقای علی اکبر شیبانی که ازطهران نمونه ازاین روزنامه را برای اینجانب ارسال فرموده اند وهمچنین ازیاد آوریهای مفیدی که درضمن دونامه مرقوم داشته‌اند سپاسگذاری نمایم • بااینکه محضر ایشان را درك ننموده ام با وجود این چنانچه از نامه ها یشان مستفاد می شود احاطه ایشان از تاریخ روزنامه نگاری کمال اهمیت را داراست • قدرزرزرگر شناسد قدر گوهر گوهری •

طبق مرقومه آقای شیبانی ظاهرا ازروزنامه طبابت بیش از سه شماره منتشر نشده وشماره اول آن در ۲۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۶ قمری بوده است •

(۷۶۲) طب جدید

مجله طب جدید در سال ۱۳۰۲ شمسی درطهران بطور ماهیانه تاسیس ومنتشر شده است •

(۷۶۳) طبرستان

طلیعه روزنامه طبرستان در شهریور ۱۳۰۹ شمسی بصاحب امتیازی (صدرآراء) درشهر (بارفروش) که بعدا بنام آمل موسوم گردیده ؛ منتشر شده است • روزنامه ایران آزاد در شماره ۲۲ سال دهم خود مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۰۹ شمسی در جزو اخبار بار فروش اینطور مینویسد :« طلیعه جریده طبرستان که صاحب امتیاز آن (صدر آراء) است منتشر گردیده وعن قریب روز نامه مزبور منتشرخواهدشد» نگارنده از روزنامه طبرستان بیش ازاین اطلاعی ندارم •

(۷۶٤) طب کنونی

مجله طب کنونی درشهر مشهد بمدیری و صاحب امتیازی (دکتر فتحعلی خان مسیح‌السلطنه) تاسیس وشماره اول آن در ۳۱ صفحه بقطع خشتی کوچك ، در مطبعه سربی « مطبعه خراسان » چاپ ودرجمادی الثانی ۱۳۲۹ قمری منتشر میشده است.

وجه اشتراك مجله در تمام بلاد ایران سالیانه ۲٤ قران ؛ تك نمره دو قران ،
اعلانات سطری یکقران است . مطالب عام المنفعه مجانا قبول و درج میشود . مجله
طب کنونی که اسم فرانسه آن نیز در هر شماره در زیر اسم فارسی آن چاپ
شده در هرماه یکشماره از آن طبع و توزیع گردیده . در شماره اول این جمله
« قال رسول الله العلم علمان علم الابدان وعلم الادیان » و از شماره دوم بجای جمله
مذکور این دو شعر : « علم ابدان را بادیان داد سبقت زان رسول ٭ تا که تن آباد
گردد دین در او سازد مکان . » روی جلد مجله چاپ شده است .

در عنوان هر شماره ، طب کنونی بدین قسم معرفی شده : « مجله ایست علمی
و طبی . برای حفظ الصحه عامه و ترویج فنون جدید طب و جراحی و قابلگی وصنعت
معالجه و پرستاری مریضها و علم بچه داری و آنچه متعلق بصحت وجود و تربیت بدن
و روح انسان است . » قسمتی از مقاله افتتاحی مجله بدینقرار است :

« نظری بصحیه عمومی . همکاران محترم من . هموطنان عزیزم . تنها چیزی
که مرا بنوشتن این مجله واداشت همانا نواقصی است که در طبابت و حفظ الصحه
مملکت احساس نموده ام و بخیال اقدام با همان سرمایه طبی و عایدات طبابتی مجله
نوشته انتشار دهم تا خدمتی بعالم طب و طبابت و حفظ الصحه عمومی در ایران که
مملکت عزیز ماست کرده باشیم .

امراض وطن و امراض بدن - امراض وطن وامراض بدن ما زیاد است واسباب
زیادی امراض همانا زیادی امراض وطن است که ما را ناخوش و رنجور ساخته ما
اطباء باید زحمت زیاد با نداشتن اسباب لوازم جراحی امراض مملکت اسلامی خود
را تهیه نمائیم ... مجله طب کنونی کارکنان بعالم طبابت و خدمتگذاران بعالم
انسانیت و فداکاران را تشویق مینماید و مزد میدهد و بالعکس تنبلها و خود پسندها
و شارلاتانها را مجازات میدهد تا امراض مملکت نقصان یافته میکربها در ابدان
اهالی راهی نیابند .... طب کنونی بقارئین خود میفهماند که عدم رعایت قوانین
حفظ الصحه اسلامی موجب ضررهای عدیده و خودرا مسموم نمودن وخودرا کشتن است
... طب کنونی مطالب خودرا ازجراید طبیه و کتب علمیه اروپا اخذ نموده درایران
منتشر میسازد و هرنوع مطالب علمیه را که خدمت بطب و طبابت و صحت عمومی
باشد قبول و درج میکند وهرنوع اوایح طبی را میپذیرد و در انتشارش خود داری نمی
نماید . » این مقاله سه صفحه مجله را فرا گرفته که هرصفحه ازآن دوستون است .

طب کنونی مجله ایست بتمام معنی طبی برای مزید اطلاع خوانندگان
فهرست مندرجات شماره اول آنرا ذیلا نقل مینمائیم :

امراض وطن و امراض بدن - سلامتی وصدسال عمر -- آرزوی داشتن اولاد
حفظ الصحه - معالجه آبله با نور قرمز - مسمومیت و جنون بواسطه کوکائین ادرنالین
واثرات آن - معالجه امراض باسرم - سرم ضد شاربون - سرم ضد دیفتری - سرم ضد دب

نظری ـ سرم ضد سر سام ـ سرم ضد طاعون ـ سرم ضد بادسرخ ـ سرم ضد حمای نفاس سرم ضد کزاز ـ سرم ضد مار افعی ـ سرمهای خشك شده ـ سرم ضد فلج ـ سرم ضد قانقرایا ـ سرم طبیعی ـ سرم ضد بی خونی ـ معالجه امراض با سرمی که از خود ش گرفته میشود ـ سرم مصنوعی ـ معالجه امراض بوسیله واکسن ـ واکسن ضد طاعون واکسن ضد کلب الکلاب ـ واکسن ضد مرض حصبه ومطبقه ـ واکسن ضد آبله ـ مکتوب شهری شوخی ـ علم پرستاری ـ تکالیف پرستار ـ قابله ـ دختر حامله ـ اطباء جوان و دوا فروشان ـ دواهای تازه ـ قابلگی ومعالجه سقط بچه ـ عجائب طبیعت در مردان وزنان ـ قسمت غیر جدی

این فهرست از پشت جلد شماره اول مجله نقل شده وعناوین مطالب است ٠ در تمام شمارهها فهرست مندرجات پشت مجله چاپ شده است شماره دوم طب کنونی در تاریخ رجب المرجب ۱۳۳۹ قمری در ۳۲ صفحه بهمان قطع و نوع مطالب شماره اول منتشر گردیده وقسمتی از مقالههای شماره اول در شمارههای بعد دنبال شده است مندرجات مجله تمام بقلم مدیر مجله است ٠ از مجله طب کنونی فعلا تا شماره ٤ سال اول مورخ رمضان المبارك ۱۳۳۹ قمری در دست است ٠

در شماره سوم سال اول طب کنونی مورخ شعبان ۱۳۳۹ قمری شرحی راجع بیدایش مجلات طبی در ایران نوشته که گرچه تا اندازه اشتباه است اما بی‌مناسبت نیست برای اطلاع خوانندگان آنرا نقل نموده سپس بذکر مورد اشتباه بپردازیم٠ در شماره مذکور مینویسد: « وزارت صحیه ، چنانچه در نمره ثانی مجله طب کنونی تاسیس وایجاد وزارت صحیه را مژده داده وبقارئین محترم خود وعده کرده بودیم در این زمینه شرحی معروض داریم ٠ بدوا لازم است که اهالی را مستحضر نمائیم که آقای دکتر مودب الدوله وزیر صحیه ما که از علما واطباء جلیل‌القدر ایران واز خانواده طبابت میباشند اول شخصی هستند که در پانزده سال قبل در اولین دفعه برای خدمت بعامه یك مجله باسم حفظ الصحة چند ماهی در طهران تاسیس و تشکیل دادند و مخارج طبع آنرا از خود متضرر شدند وبعد از یازده سال مرحوم مزین السلطان موفق بنوشتن مجله ماهیانه طب مصور گردید ولیکن بواسطه عدم‌امدادی اهالی وهمکاران محترم هر دو مجلههای علمی تعطیل نمودند »٠ اشتباهی که در این تاریخچه رخ نموده این است که نویسنده آن روزنامه طبابت را که دومین روزنامه طبی بوده از قلم انداخته وبنا بر این طبابت دومین نشریه طبی است نه مجله طب مصور٠ (رجوع شود بکلمه طبابت) دکتر فتحعلی خان صبح السلطنه نامبرده تا سال ۱۲٤۳ قمری در شهر مشهد مشغول طبابت بوده و روزنامه آزاد چاپ خراسان از این پزشك عالیقدر اظهار قدردانی کرده است ٠

(۷٦٥) طب مصور

مجله طب مصور بمدیری وصاحب امتیازی آقای (مزین السلطان) درطهران تاسیس

و درسال ۱۳۳۵ قمری بطور ماهیانه منتشر شده است . این مجله بواسطه نا مساعدتی مردم پس ازچندی تعطیل گردیده است .

طبی (۷۶۶)

مجله طبی در طهران بمدیری (محمود خان علیم‌الدوله) تاسیس و منتشرشده است . روزنامه کاوه چاپ برلین در فهرست جرا ید و مجلا تیکه از اول سال ۱۳۳۸ قمری باینطرف ظهور کرده و یا دایر بوده ، نام این مجله را ضبط کرده و در مقابل ستون ابتدای انتشار خط افقی که علامت مجهول بودن آنست قرار داده است . این فهرست در شماره چهار سال دوم دوره جدید کاوه چاپ شده است .

طبیعت (۷۶۷)

روزنامه طبیعت‌درطهران‌بمدیری (میرزا تقی خان بهرامی)تاسیس ودرسال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه‌دربرج‌جدی‌وشماره دوم آن‌دربرج‌دلو۱۳۹۹ شمسی انتشار یافته و از اینروطرز انتشار آن ماهیانه بوده است . طبیعت پس از نشر چندشماره تعطیل میگردد ومجددا در جدی سال ۱۳۰۱ شمسی بکمك عده از جوانان تحصیل‌کرده بطور هفتگی با مندرجات جالب تری اشاعت می‌یابد . شرحی که ذیلا نقل میشود از شماره ٤ سال دوم و مربوط بایندوره است .

طبیعت که در عنوان آن موجد (تقی بهرامی) و سردبیر (سید علی آقای عظامی) و صاحب ومدیر ومسئول (ع . کافی) معرفی گردیده معمولا در چهار صفحه بقطع وزیری و با چاپ سربی (مطبعه سعادت) طبع و منتشر شده در سر لوحه روز نامه کلمه (طبیعت) با خط نسخ و در بالای آن آیه (هل یستوی‌الذین یعلمون والذین لایعلمون) و در زیر آن سال (۱۳۳۹) که‌سال تاسیس روزنامه است ، نوشته شده در دوطرف آن این‌دو فرد شعر : برك درختان سبز درنظر هوشیار * هر ورقش دفتر یست معرفت کردگار . درج گردیده است . وجه اشتراك روزنامه سالیانه ۷ تومان شش ماهه ٤ تومان . برای محصلین و کارگران قیمت نصف خواهد بود . تکشماره شش شاهی است .

سیاق مطالب روزنامه ادبی ومشتمل براشعار فکاهی نظیر (گل زرد) و (نسیم شمال) و (امید) است برای نمونه قسمتی از اشعار روزنامه را بنقل ازشماره چهار سال‌دوم مورخ یکشنبه۲٦ رمضان۱۳٤۱ قمری مطابق ۱٦ ثور ۱۳۰۲ شمسی‌ذکرمینمائیم

در این شماره درستون اول اشعاری‌تحت عنوان (عجل علی ظهورك یا صاحب الزمان) چاپ شده که چند شعر آن این است

بگرفت ظلم وجور سراسر همه جهان   رحمی نمانده بردل پیر و نه برجوان

بازآی ای‌شهنشه‌دین‌شاه‌انس وجان   آتش بزن زتیغ توبرخرمن خسان

عجل علی ظهورك یا صاحب‌الزمان

دو فرد آخر اشعار چنین است :

یارب بحق حرمت طه و بس   یارب بحق شاه‌زمان خسروزمین
برمن عیان نما توشهنشاه انس‌وجان   عجل علی‌ظهورك یاصاحب الزمان

اشعار مذکور بامضای « یوسف‌الحسینی » است . بعد ازاین اشعار ، اشعار دیگری بعنوان « مسجد شاه » چاپ شده که بیت اول آنها این است :

ساحت دلگشای مسجد شاه   باز شد خلق را تفرج گاه

این اشعار بامضای « خلیفه رضای کفاش » است . در ستون دوم صفحه درم اشعاری بعنوان « غوغای وکالت » چاپ شده که اینطور شروع میگردد ،

باز از بهر وکالت هر طرف غوغا شده   موقع آراء شده
انتخابات جدیدی بهر ما پیدا شده   موقع آراء شده

این اشعار نیز بامضای « یوسف‌الحسینی » است . اشعار دیگری درهمین شماره بعنوان حاجی آقا ورشکسته . بامضای عمو یادگار طبع گردیده . که قسمت اول آن ها چنین است :

حجره خودرا بسته   حاجی آقا ورشکسته   ازغم ورنج روزگار   دست‌کشیده‌زکار
رفته اندرین بهار   کنج سرا نشسته   حاجی آقا ورشکسته

علاوه براین اشعار چند اخطار مربوط بمعرفی اشخاص برای انتخابات مجلس شورایملی در این شماره درج است .

تقی بهرامی — آقای دکتر تقی بهرامی فرزند مرحوم دکتر مهذب السلطنه درجائی خودرا فارغ‌التحصیل دارالفنون معرفی نموده است . نامبرده در سال ۱۳۱۲ شمسی در تشکیلات اداره کل صناعت و فلاحت رئیس دایره موسسات فلاحتی بوده‌است .

(۷۶۸) طریقة الفلاح

روزنامه طریقة الفلاح درسال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است . (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون ص ۱۱۷)

(۷۶۹) طریق نجات

روزنامه طریق نجات در سال ۱۳۰۳ شمسی درطهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۷۷۰) طاوع

روزنامه مصور و کمیك طاوع بمدیری و موسسی (عبد الحمید خان متین السلطنه) در شهر بوشهر تاسیس و با چاپ سنگی طبع و در سال ۱۳۱۸ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۷) نوشته اضافه میکند که من نمونه این روزنامه را ندیده ام .

عبدالحمید خان متین‌السلطنه علاوه بر روزنامه طاوع روزنامه مظفری را در بوشهر و عصر جدید را در طهران تاسیس ومنتشر نمود لذا بمورد است که شرح احوال اورا بتفصیل دراین جا ذکر نمائیم .

عبدالحمید خان متین‌السلطنه — نامبرده فرزند حاجی میرزا عبد الباقی طبیب و برادر دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله است . در دوره دوم مجلس شورایملی از خراسان انتخاب شد و درمجلس مسلك هیئت موتلفه را داشت . در شماره ۱۰۳ سال اول روزنامه ایران نو مورخ یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۷ قمری بنقل از روز نامه طوس شرح احوال متین‌السلطنه را که در آنوقت وکیل خراسان بوده بدینقسم درج کرده است « جناب آقا میرزا عبدالحمید خان متین‌السلطنه از بدو طفولیت در طهران مشغول تحصیل مقدمات و در سنه ۱۳۰۸ عزیمت فرنگستان کرده درلندن مشغول تحصیل علوم عالیه بودند اقسام حکمت ریاضیه وطبیعیه را بادقت کامل تحصیل کرده‌اند ومخصوصا در علم حقوق دارای معلومات کامله میباشند . ازالسنه اروپائی انگلیسی وفرانسه را باادبیات آنها تکمیل کرده‌اند بعد از ۹ سال اقامت وتحصیل در اروپا در سنه ۱۳۱۷ قمری بایران مراجعت کرده بسمت معاون ریاست گمرکات بنادرخلیج‌فارس وامیرالبحری وریاست جهازپرسپلیس مقرر ومامور شدند درمدت اقامت در بوشهر مطبعه مظفری را تاسیس نمود و روز نامه طلوع را که اولین روزنامه کاریکاتور در ایران بود ومسلك آن با اصل استبداد آن دوره مبارزت مینمود تاسیس وانتشار دادند وجریده مظفری را موسس شدند چندی بعد معاون ریاست گمرکات خراسان گردیده ومدت پنج‌سال دراین سامان مشغول خدمات بزرك بملت بودند ازآنجمله تاسیس انجمن خیریه سعادت است که مدارس علمیه سعادت و (رحیمیه سعادت)و(اتحادیه سعادت) و(معرفت سعادت) ازماثر آن اداره خیریه است ومیتوان گفت مدارسیکه بتوسط اداره مزبوردائرشده منظم‌ترین‌مدارس‌بود تا زمانی که تشریف داشتند آنی غفلت ازترتیب مدارس نمیفرمودند .»

شرح‌حالی را که نقل کردیم‌مفصل‌تر ومبسوط تر دکترخلیل‌خان ثقفی اعلم‌الدوله برادر مرحوم متین‌السلطنه در کتاب صد و پنجاه مقاله نوشته و ما برای تکمیل اطلاعات راجع بمدیر روزنامه طلوع این شرح را نیز بعینه نقل مینمائیم : « متین‌السلطنه عبد الحمید خان ولد حاج میرزا عبدالباقی اعتضادالاطباء ابن حاج محمد اسمعیل بیك بن حاج آقا بابا بیك بن علی نقی بیك بن حسین بیك بن مختار علی بیك بن ابراهیم خلیل بن محمد جلال‌الدین بن جلیل بن خلیل بن اسماعیل بن ابراهیم بن احمد مختار جلال الدین بن عبدالحمید بن عبدالمجید بن مختار علی بن محمود کمال‌الدین بن اسماعیل بن‌اسدالله بن حسین بن ابراهیم بن حسن بن علی بن عبدالله بن اسد بن راشد بن احمد مختار بن ابو عبید ثقفی .

چهارمین برادر کوچکم متین‌السلطنه نایب رئیس مجلس شورایملی در سنه ۱۲۹۶ هجری در طهران متولد شد و در سنه ۱۳۳۵ در اول شب چهارشنبه غره شعبان در

طهران در اطاق دفتری که درمنزل خود روبروی مدرسه امریکائی داشت درسن سی و نه سالگی مف . . شده ازعالم جسمی بعالم روحی انتقال یافت •

عبدالحمید خان ازطفولیت دوطهران مشغول تحصیل شد در دارالفنون مقدمات علوم جدیده و درمدرسه امریکائی طهران زبان انگلیسی آموخته درسن سیزده سالگی بپاریس که من در آنجا بودم آمده وازآنجا بلندن رفت ومدت هفت هشت سال تحصیلات خودرا در لندن ادامه داد • درسن بیست سالگی ازلندن باستامبول رفت و در سفارت ایران بسمت مترجمی ونیابت سفارت برقرار گشت ، متین السلطنه علاوه بر آنکه زبان انگلیسی را خوب آموخته ودرلندن جزو نویسندگان جوان محسوب میشد زبان فرانسه را نیز صحیح حرف زده وصحیح مینوشت • عربی وترکی را نیز تا حدی تحصیل کرده بود . متین السلطنه درشعب علوم حقوقی وسیاسی ومالیه کار کرده از مدرسه اکسفرد انگلستان و غیره تصدیقنامه ها داشت • درلندن چند بازی بزبان انگلیسی که از تواریخ قدیم ایران اقتباس کرده بود ساخته وبعضی از آن بازیها را بمعرض نمایش در آورده در روزنامه های انگلیسی نیز بعضی مقالات قیمت دارمینوشت عبدالحمید خان از استامبول بطهران آمد و ازطهران بلا فاصله ماموریت گمرکات بنادر باو داده شد در آنجا مترجم و نایب رئیس گمرکات بود وکشتی دولتی ایران موسوم به پرسپولیس باو سپرده شد سمت امیرالبحری را داشت وباصطلاح دریا بیگی بود • برای آن کشتی دستجات نظامی وموزیك ترتیب داد وچند سفر مکرر برای تشکیل و اداره کردن گمرکات باطراف رفته بتمام بنادر مسافرت کرد بعض وسط رفته بااغلب روسا ومشایخ آن اطراف دوستی وخصوصیت داشت •

متین السلطنه در بوشهر اول روزنامه طلوع وبعد در اوایل ۱۳۱۹ روزنامه موسوم بمظفری را که ازحیث اقدمیت اولین روزنامه ملی داخلی ایران محسوب میشود تاسیس نمود . پس از چند سال بطهران مراجعت کرد ومامور گمرکات خراسان شد ودر مشهد راه شوسه عشق آباد را شروع نموده وبعضی مدارس ملی تاسیس کرده انجمن سعادت مشهد ازموسسات او بود . متین السلطنه در دوره دوم تقنینیه ازجانب اهالی مشهد بسمت نمایندگی انتخاب شده بطهران آمد ودرمجلس شورایملی از وکلای فعال و جزو بهترین نطاقها و نایب رئیس بود ، بعد از انقضاء مجلس دوسالی در خزانه داری بود ، مختصر شرح خاتمه این یکصد سال در شماره ۷۲ ازسال دوم روزنامه عصر جدید طبع شده است . متین السلطنه درسه سال آخرعمر روزنامه عصرجدید را تاسیس نمود . متین السلطنه چند جلد کتاب ترجمه وتالیف نموده بعضی ازآن کتب نیز بطبع رسیده ومنتشر شده است وی ازمعرفه الروح جدید یعنی معرفه الروح تجربتی بهره مند بود و محب علم و آگاهی وطن پرست وملیت دوست ودارای رشد سیاسی وجرائد بود دارائی ومتروکات او کمی بیشتر ازقروض او بود ؛ چهاراولاددوپسر ودودختراز او باقی ماند که درموقع قتل او کوچکتر تقریبا یکساله و بزرگتر هشت نه سال داشته جسد اورا در قبرستان ابن بابویه بخاك سپردند و تمام کسانیکه اورا میشناختند افسوس خوردند .»

پس از شرح مذکور مقاله ای که تحت عنوان (فداکاری درموقع سخت)در

شماره ۵۲ از سال دوم عصر جدید بتاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳٤ قمری نوشته ، نقل کرده و با این مقاله شرح حال خاتمه پیدا میکند ۰ در آخر کتاب صد وپنجاه مقاله عکس متین السلطنه گراور شده است ۰

(۷۷۱) طلوع

روزنامه طلوع در طهران بطور هفتگی تاسیس و در سال ۱۲۹٤ شمسی منتشر شده است ۰

(۷۷۲) طلوع

روزنامه طلوع در شهر رشت بصاحب امتیازی ومدیری (محمود ۰ رضا) و سر دبیری (ابراهیم فخرائی) تاسیس وشماره اول سال اول آن در چهار صفحه به قطع بزرك در مطبعه سربی « مطبعه عروة الوثقی رشت » طبع ودر تاریخ دو شنبه دوم جدی ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۱۵ جمادی الاول ۱۳٤۲ قمری منتشر شده است ۰

درعنوان روزنامه طرز انتشار طلوع را هفته دوبار روز های دو شنبه و پنجشنبه نوشته ولی درهمان شماره اول تحت عنوان (اخطار مهم اداری) اینطور یاد آورشده است : « چنانچه درسرلوحه روزنامه ملاحظه میفرمائید این روزنامه هرهفته در ایام دو شنبه و پنجشنبه منتشر میشود ولی نظر باینکه حسن جریان امور اداری گرفتاری های مقدماتی را در بر داشت این است برای مدت قلیلی هفته یك مرتبه انتشار خواهیم داد» ازاین جهت از شماره ده سال اول به آن طرف مدتی هفته دوشماره در روزهای مذکور روزنامه منتشر و مدتی مرتبه هفته یکشماره نشر یافته است و باستثنای دونوبت که روزنامه توقیف گردیده وبعدا راجع بتوقیف آن گفتگو خواهیم کرد . مرتبا طلوع روز های دو شنبه طبع و توزیع گردیده است .

راجع بسردبیر روزنامه ، آقای ابراهیم فخرائی نیز یاد آور میشویم که از شماره ٤۹ سال اول مورخ ۲۱ میزان ۱۳۰۳ شمسی تمام امور اداره روزنامه به عهده صاحب امتیاز و مدیر ، محمود ؛ رضا واگذار گردیده وآقای ابراهیم فخرائی چنانچه در همین شماره شرحی بعنوان اعتذار نوشته از سردبیری روزنامه کناره گرفته است در ذیل اعتذار اینطور مینویسد : « چون ایفای وظائف تدریسیه با دارا بودن سمت سر دبیری نامه طلوع خالی از اشکال نیست ازوما بخدمات اجتماعی خرد در قسمت تدریس اشتغال جسته و ازسمت سردبیری نامه طلوع معذور است . ابراهیم فخرائی »

اسم روزنامه طلوع بخط نسخ درشت چاپ شده ودریکطرف آن این شعر (چنان طلوع کند آفتاب هستی ما) ودرطرف دیگر ، فرد دوم شعر) که یادکس نکند اززمان پستی ما) درج است . وجه اشتراك روزنامه : داخله سالیانه ۵۰ قران . شش ماهه ۳۰ قران . خارجه بضمیمه اجرت پست . اعلانات صفحه اول سطری ٤ قران . صفحه دو سه قران ۰ سوم دوقران ۰ چهارم یکقران ۰ تك نمره شش شاهی است ۰

قسمتهائی ازمقاله افتتاحی روزنامه که تحت عنوان (ایران آزادی)نوشته

شده وچهارستون صفحه اول روزنامه را فرا گرفته بدینقرار است : « پرگار قدرت پروردگار از وقتیکه بادست طبیعت خطوط سرحدی این کشور را بر صفحه جنوب غربی آسیا مرتسم ساخت دشت پهناور آنرا با مقدرات حیرت انگیزی نقش و نگار داد . فرشته رحمت عفریت نقمت هر کدام بنوبه خود ساکنین آنرا دستخوش اندیشه های متباینه قرار دادند . از زمان پیدایش تاریخ ونزاع دیو وانسان ... بدبختانه در عصری داخل شدیم که با قرون ماضیه بسیار متفاوت و ترمیم عظمت ازدست رفته امری مشکل است اگر در ازمنه قدیمه نابغ و قائدی ما را از کابوس غفلت وسستی عنصری تکان میداد رشادت ملی ما میتوانست درمقابل دیگران عرض اندام یا غلبه جوید ولی امروز که دنیا شکل دیگر بخود گرفته و ترقیات محیرالعقولی را حائز گشته است آیا میتوان بوجود نابغی امیدوار بود آیا در حیز امکان نادر امروزی هست که در آن واحد خرسواری ما را بزندگانی و تجهیزات هوائی و زمینی وبحری و تحت الارضی مبدل نمود و در مقابل تعدیات خارجی چون نادر دیروزی احیا از موفقیت کند؟ آیا تشکیلات اقتصادی واجتماعی ما وجود خارجی یافته است؟ نه...... ماکه دربحبوحه این سفالت قلم بدست گرفته مجدد میرویم نبرد سیاسی را شعار خود قرار دهیم آیا میتوانیم هدایت افکار راعهده گرفته طریقی برای نجات مملکت ازفلاکت حاضره ارائه دهیم . ما نمیخواهیم قلم و فکر خود را بمعرض آزمایش ملت بگذاریم یا ادعاهای مندرسه معمولی را تکرار کنیم . زیرا زندگی هول انگیز وخواطره های تلخ ناگوار وقربانی های صمیمانه نیات صادقانه ما را بمورد عمل گذاشته ودیر زمانی است هویت خود را نشان داده ایم . ما بعد از عبور از مهالك و غور در مسالك وگذشتن از پیچ وخمهای سیاست متلونه داخلی وخارجی وگداخته شدن در کوره های آمال متنفذین ووجیه المله ها و سیادت بافان ، بدون غل وغش ازبوته امتحان در آمده اینك بر روی تجربیات خود استواریم . ما در مواقعی که با مرك سهمناك دست و گریبان بودیم دو گوهر نفیس را در زوایای قلب پرورانیده وجانهای خود را حرز آن قرار دادیم : ایران - آزادی ....» سر مقاله مذکور که چهار ستون صفحه اول روزنامه را فرا گرفته با این عبارات خاتمه پیدا میکند : «هر چه هست در ملت است وآنچه آرزوی ملت است این است . ایران - آزادی» مندرجات روزنامه طلوع در هر شماره پس از درج مقاله اساسی که معمولا دوسه ستون صفحه اول را گرفته وبیشتر راجع باوضاع سیاسی و اجتماعی ایران وگاهی راجع باوضاع سیاسی ممالك خارجی و کشورهای همسایه نوشته شده، عبارت از اخبار محلی گیلان ومختصری از اخبار خارجی که معمولا از روزنامه های خارجی ترجمه شده است در اغلب شماره ها مطالبی که در نوع خود تازگی داردوانتقاد از اوضاع اجتماعی است تحت عنوان «پیخ گوشی» درج گردیده وما برای مزیداطلاع خوانندگان یکی از این مقالات را از شماره اول روزنامه نقل مینمائیم.

«بیخ گوشی - پیر مردها ودنیا دیده ها آنهائیکه چندین پیراهن بیشتر از جوانها پاره کرده اند گاهگاه صحبتهای خیلی شیرین وخوش مزه ایراد میکنند . خاطر

های ایام گذشته وخوش مزه وتجارب فراوانی که در طی زندگی خود دیده اند حکایات وامثال جاذبی را در حافظه‌شان ذخیره نموده است‌هر چند که در موقع برخوردومکالمه چندان اختصار کلام را رعایت نمیکنند ومانند جوانها آنقدر مضر نیستند که بیک‌مرسی خشك وخالی یا یك قربان تو میان‌تو سر چشمه محبت را یك مرتبه کور کنندوباصطلاح امروز قمیش را بردارند ولی اگر دقیقانه توجه شود بیانات والفاظشان آمیخته بنصایح و اندرزهای دل چسبی است که چنانچه بامحك امتحان درست تشخیص شود و حقیقت آن گفتارها مبرهن خواهد گشت ٠ دائی رحیم یك سالخورده دنیا دیده است که‌غالبا مطالب مهم اخلاقی وسیاسی را بلباس مثل وحکایت آرایش داده برای دوستان خود نقل میکند ٠ صحبتهایش بفیلم سینما شبیه‌تر است تا بچیزهای دیگر زیرا در هر ثانیه ودقیقه موضوعی تازه وبکر از دولبش جاری میشود – جائی از ایران نمانده است که دائی رحیم‌قدم نگذارده ومردبی‌سراغ‌نمیرود که از کم و کیف‌احوال وطرز زندگانیشان اطلاع بهم نزده باشد ٠ دوازده ایالت قدیم مملکت را که از غم‌وغصه مشروطیت‌بچهار ایالت‌تحدیدشده مانند یك جغرافی‌دان متخصص مرتبا تشریح مینماید از کباب بره اصفهان حلیم کرمان وکله‌پاچه کرمانشاه ودم‌پخت طهران و دیزی زنجان و شله قلمکار قزوین بقدری گفتنی بخاطردارد که انسان هاج‌و واج شده متحیر میماند٠٠٠٠٠ دربارهٔ مندرجات روزنامه طلوع باید اضافه نمود که در بعضی از شماره‌های این روزنامه قطعات‌وغزلیاتی درج شده که از نظر اهمیت یکی دو تای آنها را نقل مینمائیم٠ من‌جمله قطعه‌ایست‌به‌بحر نامطبوع اثر طبع (ادیب‌السلطنه سمیعی) که در شماره ٨ سال اول‌مورخ ١٢ دلو١٣٠٢ شمسی طبع گردید ٠ وچون متجاوز از پنجاه شعر است قسمتی از آنرا ذیلا نقل‌مینمائیم

(ادبیات)

در دیده من عیب و علتی است — یا منظره ها را نقیصتی است
هر چیز که آید بچشم من — بینم که بنا خواه صورتی است

اشیاء همه بر رنك دیگرند٠ برحال طبیعی نمانده هیچ٠ هر صورت زیبا که بنگرم
گیتی بدگرگونه‌حالتی است ٠ یاذوق طبیعت طبیعتی است٠ گویم که نشان‌ازحقیقتی‌است
هر گفته شیوا که بشنوم٠ هرجا که شود مجمعی بپا٠ هر نامه که گردید منتشر
گویم‌که بیان نصیحتی‌است٠ گویم‌که بخیر جماعتی‌است٠ گویم‌که در آن‌حسن‌نیتی‌است
چون پرده برافتد زروی کار٠ گرنام از ایران‌کسی‌شنیده٠ پنداشت که این مرزوبوم‌نیز
بینم که تمامی فضیحتی‌است٠ کوراندازاین‌ملك‌خبرتی‌است٠ ملکی ودرآن ملك ملتی‌است
یا بهر نظامات داخلی ٠ یا در بسمدن اهل‌مملکت٠ یا در طبقات عدیده اش
قانونی‌وطرزحکومتی است ٠ روح‌ادب وخون غیرتی‌است٠ تمیزی و علمی وصنعتی‌است
یا مدرك و رجحان وامتیاز٠ یا مردم دانش پژوه راه یا اهل صلاح و صواب را
تقوی وصلاح فضیلتی است ٠ بر زمره نادان مزیتی‌است٠ در جامعه قدری و قیمتی است
یاآنکه‌کسی وادراین‌محیط٠ یا از مدنیت شبانه روز٠ یاجانب خیر و صلاح خویش

دردی و از آن دردزحمتی است. درحوضه اصحاب صحبتی است. کس را زهمه خلق رغبتی است
یا از پی بهبود مملکت. یا از بد و نیک گذشتگان. یا طایفه نیك بخت را
فکری و تلاشی و همتی است. در مردم آینده عبرتی است. بر زمره بد بخت شفقتی است
یا از پی هر کار اجرتی. یا بهر خطاهیچ کیفری است. هر کس که از ایران خبر نداشت
یا در پی هر رنج راحتی است. یا جائزه بهر خدمتی است. پنداشت که ملك و دولتی است
گویا که تصور نمیکنند. یا دیدن این هرج و مرج. یك مرد نباشد که یك قدم
بر عهده هر یك وظیفه ای است. و آرام نشستن خیانتی است. بردارد تا وقت و فرصتی است

ورنه بخدای رفع این عیوب　　　　گر مرد بود کار ساعتی است

و نیز در شماره ٤٧ سال اول طلوع مورخه دو شنبه ۹ سنبله ۱۳۰۳ شمسی =
استامبر ١٩٢٤ قصیده از لاهوتی معروف که هنگام توقفش در مسکو سروده درج نموده
که قسمتی از آنرا در اینجا نقل می کنم:

(قصر کرمل)

تا چند کنی گریه بر مسند نوشیروان　　　　درقصر (کرمل) ایدل اسرار نهان برخوان
در داخل هر دیوار با دیده سر بنگر　　　　پیکر بسر پیکر ستخوان بسر ستخوان
ازخون دل خلق است هر نقش دراین گنبد　　　　خاك تن مزدور است هر خشت دراین ایوان
از آه شهیدانست هر دوددراین بر پا　　　　از اشك یتیمانست هردر که درآن غلطان
این خانه بیداد است با دیده سر بنگر　　　　زیر پی هر پایه خون دو هزار انسان
این قصر که می بینی برروی تو میگرید　　　　بر کشته مظلومان بسیار شده خندان
اینجا و(مدائن) را مزدور بپا کرده　　　　این قصر (رمانوف) شد آن مسند(بن ساسان)
تا پایه هر برجی زین کاخ شود آباد　　　　صد سلسله شد معدوم صد ناحیه شد ویران
زاینجاست که میگردیدهرروز بنفع شاه　　　　بر قتل دو صد مزدور امضای دوصد فرمان
شهانه همین اینجاست کزخون بشر بر پا است　　　　بنیان وی از بیداد ارکان وی از عدوان
هستند بدین منوال دارای همین احوال　　　　گر قصر بریتان است یا قلعه واتیکان
از رنج کشاورز است آسایش هر دارا　　　　از کوشش مزدور است سرمایه بازرگان
ای دیده بیننده غافل منگر اینجا　　　　اشك است در این پایه خون است دراین پایان
دندانه هر برجی چشمی است که میگرید　　　　بر ماتم مزدوران بر ذلت دهقانان
تا منظر این درگاه دلخواه شهان گردد　　　　چندین تن مظلومان گردیده در آن بیجان
بسیار ستمکاران از رنجبران کشتند　　　　تا آنکه در این ایوان راحت بکند سلطان
آنان که بخون دل این کاخ بپا کردند　　　　یك آب ننوشیدند با راحت جان در آن
شوری ستم کشها فرمان حکومت را　　　　بنوشت بخط سرخ بر قلعه شادروان
ایدوده بذر افشان یکرنك شوید ایندم　　　　ایکومه زحمت کش همدست شوید الان
یکدسته نامردند زحمت ده و مستثمر　　　　یك کومه همدردند زحمتکش و بذرافشان
دین و وطن (دارا) سیم وزر مسکوك است　　　　دامی است وطن خواهی بر منفعت دونان

در روی زمین بیچیز نه دون نه‌وطن دارد زحمت وطن فعله است باز وی قوی ایمان
روزی که بپیروزی با مرکز امروزی یکرنگ شود گیتی هم سنگ شود دوران
جز رنگ نه کس‌آمر جز کار نه کس‌حاکم آدم شود آسوده عالم شود آبادان
جهل افتدو علم آید اقلیم بیار آید تن پروری و شاهی نابود شود انسان

(لاهوتی)• مسکو •

روزنامه طلوع در طول مدت انتشار یعنی تا شماره ٦٩ سال دوم آن مورخ پنجشنبه ٧ آبانماه ١٣٠٤شمسی = ١١ ربیع‌الثانی ١٣٤٤ قمری دومرتبه دوچار توقیف گردیده است• یك بار پس از انتشار شماره ٤٨ سال اول مورخ ١٦ سنبله ١٣٠٣ شمسی = ٧ صفر ١٣٤٢ که برای‌مدت خیلی کوتاهی یعنی تا تاریخ ٢١ میزان١٣٠٣ دوچار توقیف گردیده ودر تاریخ مذکور مجددا شماره ٤٩ سال اول آن منتشر شده است ودر همین شماره مقاله تحت عنوان (شوخی ناگوار) آورده که خلاصه آن اظهار تاسف از توقیف روزنامه طلوع است قسمتی از آن مقاله اینست :

«••• با چنین وضعیتی شماره ٤٨ طلوع دستخوش یك شوخی ناگوار گردیده‌واز تاریخ ٢٦ سنبله ١٣٠٣ علاقه‌مندان به خود را در حیرت وتعجب منتظر گذاشته است که برای چه این نامه محبوب به را کیمون و عکس العمل دچار وهنوز آملی از آمال ومرام خود را انجام نداده غروب نموده است• خوش بختانه دامنه قضیه کوتاه و شبهات قضیه مرتفع وخسارت وارده قابل جبران وایك نامه محبوب ما پس ازچندی تعطیل‌منتشر وبعلاقه مندان خود مژده‌خدمت میدهد»

بار دیگر پس از انتشار شماره ٦٨ سال دوم مورخه جمعه ٢٤ شعبان ١٣٤٣=٣٠ حوت١٣٠٣ روزنامه توقیف گردیده واین بار مدت ٧ ماه روزنامه‌توقیف بوده است‌وشماره ٦٩ سال دوم در تاریخ پنجشنبه ٧ آبان ١٣٠٤ = ١١ ربیع الثانی ١٣٤٤ قمری منتشر شده است•

عنوان مقاله افتتاحی این شماره (پس از هفت ماه) است که باین سطورشروع میشود: یك منظره فجیع و یك دوره مخوفی که از خاطر افسرده گیلانی محو شدنی نیست در هفت ماه قبل مارابمبارزه کشانید• آنروزهای سیاه و مهیب آن ایامی که قیافه‌های هول انگیز در محلها وکوچها طبل رعب وهراس کوفته•••

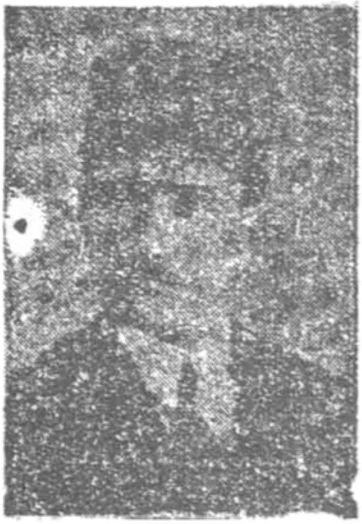
درهمین شماره تحت عنوان (تشکر) مدیرروزنامه از جراید محترم مرکزوایالات واحراروطبقات مختلفه محلی که از توقیف روزنامه طلوع اظهارهمدردی نموده‌اظهار تشکر نموده است •

نگارنده فعلا تا شماره ٦٩ سال دوم این روزنامه را در دست دارم و گویا تا همین شماره بیشتر منتشر نشده‌است •

محمودرضاطلوعـ شرح احوال مرحوم محمود رضا طلوع مشهور بطلوع در شماره ٣١١ سال بیستم دوره سوم روزنامه فکر جوان منطبعه‌رشت مورخ ٧ فروردین ١٣٢٣ شمسی بدینقسم نوشته شده است. « شادروان محمود رضا مشهور بطلوع فرزند

مرحوم حاج آقا رضا مجتهد معروف وآزادیخواه مشهوردر سال ۱۲۶۷ خورشیدی درشهر رشت متولد شد .

مرحوم طلوع از آزاد یخواهان حقیقی ویکی از فرزندان خلف انقلاب ایران میباشد که همیشه مبارزه با بیداد وستمگر واستبدادرا از وظایف اولیه خویش میدانست از روز های اول جوانی طلوع سری پر شور از عشق بآزادی ومیهن پرستی داشت واز اینرو از طرفداران جدی مشروطیت بشمار میرفت . در زمان روسهای تزاری بایران ودستگیری واعدام آزادیخوان در تبریز ورشت جلای وطن اختیار نموده باروپا حرکت کرده ومدتی در سر زمین آزادی پرور فرانسه وزمانی نیز در سویس و آلمان واطریش بسر برده بتحصیل ومطالعه مشغول بودتا در اوایل جنگ جهانی گذشته بایران بازگشت نموده اتفاقا



محمود رضا طلوع

بازگشت آنمرحوم مصادف با نهضت مقدس جنگل گردید و طلوع که از اول تشنه آزادی وحقیقت بود در صف مجاهدین قرار گرفت و از بدو ورود بواسطه حقیقتی که در وطن‌پرستی و آزادیخواهی از خود نشان داده بود از دوستان صمیمی وفداکار مرحوم میرزا بشمار آمد . وبعد از خاتمه نهضت جنگل و شهادت مرحوم میرزا بکمک چند تن از دو ستان آزادیخواه خویش موفق باخذامتیاز روزنامه‌ای بنام طلوع گردید که همیشه در ردیف بهترین روزنامه‌های وقت بوده .

علت اشتهار مرحوم رضا بطلوع نیز برای انتشار نامه طلوع بوده است . پس از مدتی در اثر ابراز حقایق ونشر افکار آزاد یخواهی مورد غضب حکومت وقت واقع واز انتشاد روزنامه اش جلوگیری و مشارالیه را تبعید کردند . مرحوم طلوع درزمان تغییرسلطنت بنمایندگی در مجلس موسسان انتخاب شدودر طهران دوستان آزادیخواهش او را متقاعد ساختند که سردار سپه منظوری جز خدمت بایران و ملت ایران ندارد از اینرو نظر موافقت او را نسبت برضاخان جلب کردند .

طلوع در ازای خدمتی که طی چند سال زندگی اجتماعی بمردم قدرشناس گیلان کرده بود در دوره ششم بنمایندگی پارلمان انتخاب شد وچون عملیات وحرکات دولت وقت را مخالف شئون آزادیخواهی دید از در مخالفت با دولت درآمد ومبارزه سختی بین او وحکومت مستبده پهلوی در گرفت . در دوره هفتم نیز علیرغم تمایل دولت باتکاء میل مردم وفداکاری طرفدارانش از حوزه لاهیجان انتخاب و بمجلس ملی رفت در این دوره مخالفت خود را شدیدترنمود تا اینکه باهم فکری وکمک شاد روان فرخی یزدی اقلیت خطرناک مجلس را دو نفره تشکیل دادند وتا آخرین روز نمایندگی وظیفه

واقعی یك نماینده ملت را بتمام معنی انجام داده و دردوره هشتم نیز باز ازطرف مردم نامزد نمایندگی بود که تهدید ها و مخالفتهای دولت اورا مجبور ساخت تا انصراف از نمایندگی را اعلام و ازموکلین خود بعذر بیماری معذرت بخواهد وچون زندگی مرحوم طلوع تحت نظر مامورین مخفی شهربانی بوده است و از طرف دیگر میل بخدمت خلق آنمرحوم را دقیقه ای راحت نمیگذاشت باصرار مرحوم داور و چند تن از دوستان پروانه وکالت دادگستری گرفته و از اینراه توانست هم بامردم آمیزش کند و هم خدمتی بخلق نماید . تا اینکه در روز ۱٦ دی ماه سال ۱۳۱۹ بدون مقدمه بیماری بتغییر حالت نا گهانی درگذشت ومستبعد نمیدانیم که بدست عمال حکومت جنایتکار رضا خان و کارکنان روسیاه شهربانی مختاری مخفیانه شهید شده باشد .»

روزنامه اطلاعات مورخ ۱٦ دیماه ۱۳۱۹ شمسی تحت‌عنوان (فوت تاثر آور) مینویسد : « موافق تلگرافی که امروز از نماینده اداره دررشت رسید آقای محمودرضا طلوع دیروز غروب غفلتا بمرض سکته دارفانی را وداع گفته اند . مرحوم محمودرضا طلوع صرفنظر از اینکه مردی روشن فکر ، میهن پرست بود ، دارای صفات اخلاقی بسیاری بود که ازهر حیث او را شایستگی داده بود .»

(۷۷۳) طلوع ایران

روزنامه طلوع ایران در سال ۱۳۰٦شمسی درطهران‌بطور هفتگی تاسیس ومنتشر شده است .

(۷۷٤) طلیعه آئینه افکار

روزنامه طلیعه آئینه افکار در طهران بمدیری (علیمحمد خان فخام السلطان مستوفی) تاسیس و منتشر شده است . موقعیکه مرحوم فرخی شماره ۳۷ سال سوم‌طوفان را منتشر نمود بعلت مقاله که در آن تحت عنوان(امنیت چیست ؟) درج شده بود ،طوفان توقیف گردید.وچون مرحوم فخام‌السلطان امتیاز روزنامه طلیعه‌آئینه افکاررا در اختیار مرحوم فرخی گذاشته بود ، این روزنامه‌را بجای طوفان منتشر ساخت سرمقاله روزنامه طلیعه افکار ، مقاله شدیداللحنی برعلیه دولت وقت (کابینه سردار سپه بوده است) و تجاوزات غیر قانونی این دولت میباشد و انتشار همین مقاله باعث تبعید مرحوم فرخی به کرمان گردید وسبب شد که روزنامه توقیف وصاحب امتیازآن نیز حبس موقتی گردید مقاله افتتاحی طلیعه افکار تحت عنوان «حکومت فشار » و باین عبارات شروع میگردد « بر اعمال نا مشروع و خلاصه قانونهای صریح و روشن خود لباس قانون نپوشانیدزیرا که آنوقت ما و دیگران را با شما بحثی نیست ... » مقاله مذکور باین جملات پایان میباید « این بود عقاید ما و مطالبی را که لازم میدانیم قبل ازانتشار روز نامه تقدیم افکار آزاد بنمائیم و البته اگر روزگار مجالی دادوباااین‌عقایدی که حاضریم برای اثبات آن در هر محکمه قانونی حاضربشویم ما را بحال خود گذارند ازاین پس هر هفته

سه شماره در مباحث عمیق تری داخل خواهیم شد • مدیر مسئول علیمحمد خان نظام السلطان مستوفی • »

آقای حسین مکی در مقدمه دیوان فرخی یزدی مینویسد پس از نشر مقاله فوق فرخی را گرفتند و بکرمان فرستادند • بمحض ورود بکرمان در سرباز خانه کرمان ویرا زندانی کردند • تقریبا مدت دو ماه در زندان کرمان بسر برد • (برای اطلاع مفصل از شرح احوال فرخی بحرف ط کتاب کلمه طوفان رجوع فرمائید •»

(۷۷۵) طلیعه سعادت

رزونامه طلیعه سعادت در سال ۱۲۹۰ شمسی در طهران بطور ده روزه تاسیس ومنتشرشده است•

(۷۷۶) طلیعه سعادت

روزنامه چهره نما درفهرستی که از جرائد ایران در سال ۱۳۳۶ قمری منتشر نموده نام روزنامه طلیعه سعادت را که در کرمانشاه منتشر میشده ضبط کرده ولی نگارنده تا کنون نه نمونه آنرا دیده و نه خبر انتشار آنرا خوانده ام • چهره نما درهمین فهرست اسمی از روزنامه طلیعه سعادت برده که در اصفهان منتشر میشده • و تصور میکنم آنهم اشتباه باشد ودرسال مذکور که مصادف با قحطی اصفهان بوده • چنین روزنامه ای منتشر نمیشده است •

(۷۷۷) طلیعه قدس

روزنامه طلیعه قدس در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر رشت بطور هفتگی تاسیس ومنتشر شده است •

(۷۷۸) طنین

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی شورایعالی معارف امتیاز روز نامه طنین را در طهران بمدیری « میرزا فتح‌الله خان قزل ایاغ » تصویب نمود است •

(۷۷۹) طوس

روزنامه طوس در شهر مشهد بمدیری « میرزا هاشمخان قزوینی » وسردبیری « شیخ ابوالقاسم نحوی » در بدو تاسیس هفته دوبار طبع ومنتشر گردیده و شماره اول سال اول آن در تاریخ شنبه ششم ذیقعده ۱۳۲۷ قمری مطابق ۲۰ نوامبر ماه ۱۹۰۹ میلادی در مطبعه سربی « مطبعه طوس بمدیری میر مرتضی الموسوی » طبع و توزیع گردیده است •

روزنامه طوس ازشماره اول تا شماره ۹۸ بقطع بزرك انتشار یافته • محل تحریر و اداره روزنامه : مشهد مقدس • بالا خیابان • عنوان تلگرافی «جریده‌طوس

است . شرایط اشتراك روزنامه بدینقرار است : مشهد مقدس ۳۰ قران ، سایر ولایات داخله ۳۵ قران . قفقاز و روسیه ۷ منات ، مخارج پست همه جا بعهده اداره است ، تك نمره سه شاهی درعنوان روزنامه بالای کلمه طوس این جمله « درظل حمایت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا » و در زیر آن سال تاسیس روزنامه « ۱۳۲۷ » نوشته شده ونیز در زیر عنوان، در ضمن يك سطر ، روز نامه طوس بدینقسم معرفی گردیده. «روزنامه آزاد سیاسی؛ اخباری، اقتصادی؛ تاریخی ؛ تلگرافی؛ طرفدار ترقی ایران.»

مقاله افتتاحی روزنامه با این عبارات شروع میشود: «بنام خداوند روان بخش و آفریننده دوگیتی . ستایش ونیایش ویژه بزرگ دادارپست که هردو جهان رابی‌استعانت ومعاونت از کسی خلق فرمودوبهر يك از مخلوق‌خود درخوراستعدادوماهیتش‌ماموریتی بخشود. پس برای انتظام عالم ویژه برای تربیت زندگانی بنی آدم پیغمبران فرستاد که این يك مشت ظلوم وجهول را هادیان سبل گردند قامت با قابلیت پیغمبر ما محمد مصطفی را بخلقت زیبای ماکان محمداباًاحد من‌رجالکم ولکن‌رسول‌الله وخاتم‌النبیین‌مخلع وتاج افتخار مرسلین نمود. درود نامعدود بر اولاد طیبین وطاهرینش باد که راسخون فی‌العلم وروح معانی وبیانند......»

مندرجات روزنامه طوس پس ازدرج سر مقاله عبارت از وقایع مملکتی بطور اختصار وگذارشات خراسان مخصوصا مشهد مقدس میباشد . من‌جمله‌از مندرجات‌روزنامه (ترجمه حال وکلای خراسان) است که در بعضی از شماره‌های روزنامه چاپ شده. برای نمونه ترجمه حال آقا میرزا محمد صادق طباطبائی مدیر روزنامه مجلس را بنقل از شماره ۱۸ سال اول طوس نقل مینمائیم: «در سال ۱۲۹۷ در طهران متولد شده درسال ۱۳۰۰ با خانواده خود بعتبات مشرف وده سال در سرمن رای در حجر والد ماجدش تربیت شده . در سال ۱۳۱۱ با خانواد خودشان بطهران معاودت کرده علوم ادبیة و مقدمات را در سرمن رای وحساب‌هندسه وجغرافی رادرطهران تحصیل نموده .معلومات کافیة در فقه واصول را نزد پدر بزرگوارش حجةالاسلام طباطبائی و سایر اساتیدطهران تلمذ نموده‌اند. زبان فرانسه را بقدر لزوم بطور مخفی تحصیل کردند. زبان سریانی و مقداری از زبان عبری نزد فخرالاسلام آموخته‌اند همواره در امور سیاسی و تمدنی و مخالفت با اساس استبداد در محافل سری و علنی مذاکره میکردند برای اشاعه معارف اقدامات عالیه نموده‌اند. مدرسه اسلام در سال ۱۳۱۷ بتایید وتحریك ایشان واقدام‌والد ماجدش تاسیس شده . در ۱۳۱۸ کارخانه قالی بافی،عبابافی در طهران تاسیس کرده در سال ۱۳۱۹ شرکت منسوجات وطنیة را دایر وتاسیس نمود که فعلا هرسه کارخانه دایر است ونیز در همین سال مجلس از آخه شبهات دینیه باسم حوزه اسلامیة تاسیس کرد تالیات متعدد از این مجلس بیاد گار باقی است. در سال ۱۳۲۳ با والدش در زاویه عبدالعظیم متحصن ودر سال ۱۳۲٤ بهبلده قم مهاجرت نمودند واز آنجاجزو نمایندگان

آقایان برای پیشنهاد مقاصد ملت خواهانه نزد مرحوم مظفرالدین شاه فرستاده‌شد در سال ۱۳۲۵ روزنامه مجلس را تاسیس نمود. ایجادو ابتکار روز نامه یومیه و ترتیب آن بطرز ممالك خارجه ونشر روزنامه بوسیله اطفال در کوچه وبازار ازآثار ایشان است در سال ۱۳۲۶ با جمعی از علما از طرف لشگر استبداد دستگیر و چند روز در باغ شاه حبس وچند روزی در شمیران توقیف ومورد صدمات اشرار بود تا اینکه بامر محمد علی‌میرزا از ایران‌تبعید شده یکسال‌در ممالك خارجه درجمعیتهای ایرانی وغیر ایرانی شامل و مشغول خدمت بود در سال ۱۳۲۷ مقارن فتح طهران از راه روسیه بایران معاودت ودر مشهد مقدس بخانواده خود ملحق شده چند روزیهم‌در مشهد بخدمات ملیه اشتغال داشت و بعد از فتح طهران باخانواده خود بطهران مراجعت نمود بعد از ورود بطهران از طرف اهالی خراسان بسمت وکالت انتخاب و شامل اعضاء محترم مجلس شورایملی گردیدند. مزید توفیقات ایشان راخواستاریم.» شماره‌ای که‌شرح حال مذکور را از آن نقل کر دیم شماره ۱۸ سال اول و بتاریخ ۵ شنبه ۱۵ محرم ۱۳۲۸ قمر یست .

سبك روزنامه در طول مدت انتشار بیك نحو است. از روزنامه طوس جمعا ۵۸ شماره منتشرشده‌وآخرین‌شماره منتشره آن‌شماره۵۸درتاریخ‌پنجشنبه۱۹شعبان‌المعظم۱۳۲۸ بوده است. برون درکتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص۱۱۷)آخرین شماره منتشره طوس را شماره ۵۷مورخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۸ ضبط کرده درصورتیکه طبق نمونه‌موجود آخرین شماره نمره۵۸است. پس از نشر شماره۵۸روزنامه ظاهرا بدستور حکمر ا ن خراسان ، شاهزاده نیرالدوله توقیف گردیده ودر هنگام بمباران‌مشهد از طرف‌روسهای تزاری طوس توقیف بوده ومنتشر نمیشده است. (واقعه بمباران صحن وحرم حضرت رضا علیه‌السلم در سال ۱۳۳۰ قمری بوده است).

روزنامه طوس تا ربیع‌الاول ۱۳۳۲ قمری منتشر نمیشده ودر این سال مجدد ا پا بدایره انتشار گذاشته است. نگارنده نمونه از این دوره روزنامه طوس را در دست ندارم ولی روزنامه چهره‌نما مطبعه مصر در شماره ٤ سال۱۱ خود مورخ غره‌ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ قمری‌بعنوان تقریظ در باره تجدید انتشار طوس‌اینطور مینویسد:« روزنامه گرامی طوس منطبعه مشهد نگارش ارجمند یگانه دانشور فرزانه (م.هاشم) میباشد. این‌روزنامه نامی چند گاهی بود در سحاب عطالت رخسار معارف بار فرو برده بود وما در شما ره پنجم‌سال‌دهم‌چهره نماتحت‌عنوان (جرایدمظفری وطوس) ازحرمان او شطری‌نگاشتیم.»

آنچه مدیر چهره‌نما در شما ره مذکور نوشته این است : « جرا ید مظفر ی و طوس . هنوز جانها از فرقت حجاب احتجاب نامه نامی مظفری‌بوشهر در التهابست که میشنو یم روز نامه طو س هم در مشهد بحکم شاهزاده نیرالدوله توقیف گردیده. ما علت‌العلل توقیف این دو جریده را آنهم در این دو سرحد معتبر ندانسته‌ایم ازچیست‌و جلوگیرنده آنها کیست .» پس از تجدید انتشار،روزنامة طوس تا سال ۱۳۳٤قمری

منتشر میشده ودر این سال بزور روسهای تزاری طوس توقیف وبنام وطن انتشاریافته• در اواخر سال ۱۳۳٤ قمری وطن در مشهد تعطیل و پس از تبعید مدیر آن بطهران روزنامه در طهران منتشر شده است برای اطلاع از روزنامه وطن رجوع شودبحرف واو کتاب کلمه وطن•

میرزاهاشم‌خان محیط . میرزا هاشم خان محیط یکی از نویسندگان مبرز و از خدمتگذاران فرهنگ ومطبوعات ایران بوده• پس از صدمات وزحماتی که ازروسهای تزاری در خراسان متحمل شد بطهران تبعید گردید ودر طهران نیز در سال ۱۳۳۸قمری باتفاق برادرش آقای پاشاخان بزندان افتاد وپس از چندی آزاد گردید• نامبرده علاوه بر روزنامه طوس؛ در طهران نیز روزنامه یومیه وطن را منتشر میکرده بعدهم بانتشار روزنامه هفتگی (تشریق) پرداخت • در اواخر عمربنگارش تاریخی بنام تاریخ مشروطیت ایران مشغول بود • اجل او را مهلت نداد ودر هفته آخر بهمن ۱۳۲۱ شمسی درطهران دار فانی را وداع گفت • مجلس تذکری در مسجد محمودیه برای آنمرحوم بر پانمودند که عده از نویسندگان وکارکنان مطبوعات ودوستان آنمرحوم درآنجا حضورداشتند•

(۷۸۰) طوس

روزنامه طوس بصاحب امتیازی (مرتضی موسوی) ومدیری (حسن‌عمید) در شهر مشهد ؛ در سال ۱۳۱۳ شمسی تاسیس ومنتشر شده• اینروزنامه بطور هفتگی ودرمطبعه سربی (طوس) طبع وتك شماره آن ۳۰ دینار ووجه اشتراك سالیانه آن در داخله۶۰ ودر خارجه یکصدریال معین شده‌است• شماره اول روزنامه در مهر ماه۱۳۱۳ وشماره ۸۳ سال چهارم آن که دارای شماره مسلسل ٤۹۶ است، در چهار صفحه قطع بزرك در مطبعه سربی (چاپخانه طوس) طبع ودر تاریخ یکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۱۷شمسی مطابق ۲۳ صفر ۱۳۵۷ قمری و ۲٤ آوریل ۱۹۳۸ میلادی منتشر شده است • محل اداره: مشهد • بازار• چاپخانه طوس • وجه اشتراك : داخله ؛ یکساله ۶۰ ریال وخارجه یکساله ۱۰۰ ریال ، تك شماره ۵۰ دینار• بعد از سه روز یکریال • اعلانات صفحه اول سطری دوریال• باقی صفحات یکریال•

روزنامه طوس هفته سه شماره منتشر میشده ومندرجات آن مانند سایر جراید محلی آن تاریخ عبارت از اخبار محلی واخبار داخله ومختصری از اخبار خارجه است که پس از بازدید دقیق از طرف شهربانی محل اجازه طبع داده میشده • بیشتر صفحات سوم وچهارم روزنامه آگهیهای ثبتی است ودر بعضی از شماره‌های مقالاتی از زبانهای خارجی ترجمه وچاپ شده است•

روزنامه طوس سبك مذکور تا چهار ماه قبل از شهریور ۱۳۱۹ طبع وتوزیع میشده وپس از چهار ماه تعطیل که بمنظور تکمیل لوازم چاپخانه روزنامه بوده مجددا در دوم شهریور ماه سال مذکور پا بدایره انتشار گذاشته وتا سال ۱۳۲۳ شمسی که مدیر روزنامه فوت نموده طوس منتشر میشده است• قبل ازانتشار مجدد طلیعه روزنامه

روی یك صفحه وزیری در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۱۹ شمسی نشر یافته قسمتی از مطالب طلیعه روزنامه بدینقرار است :

« در این روزگار فرخنده که نیروی اراده توانای شاهنشاه عظیم‌الشان ایران ترقیات شایانی در شئون حیاتی کشور پدیدار گشته و گامهای بلندی در راه عظمت و سعادت میهن بر داشته شده مطبوعات که وظیفه بزرك ومهمی را بعهده دارند از این جنبش عقب نمانده ... روزنامه های خراسان نیز از چندی پیش بر آن بوده اند که تغییرات کلی در اوضاع خود داده و روزنامه هائی متناسب با این عصر درخشان انتشار بدهند ... اینك روزنامه طوس پس از چهار ماه تعطیل که مشغول تکمیل لوازم خود بود بار دیگر با مزایای نوینی شروع بانجام وظیفه و خدمتگذاری مینماید . این تجدید انتشار با تغییرات بسیاری در وضع روزنامه و مزایای جالب توجه همراه میباشد روزنامه همه روزه با چاپ و کاغذ خوب در چهار صفحه منتشر میشود . اخبار روز نامه بوسیله خبرگذاری پارس و نمایندگان مخصوص روزنامه همه روزه تلگرافی دریافت و درج میشود . مقالات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و گفتار های سودمند علمی و ادبی و چیزهای خواندنی و افسانه های شیرین نیز در بخشهای جداگانه وستونهای مخصوص درج میشود . آبونمان روزنامه سالی صد ریال و بهای تکشماره آن ۳۰ دینار تعیین‌شده . »

آقای میرمرتضی موسوی - آقای میر مرتضی موسوی (رو ئین تن) مؤسس چاپخانه و مدیر روزنامه طوس ازخدمتگذاران بمعارف خراسان محسوب است . نامبرده اولین چاپخانه حروف سربی را درخراسان تاسیس نموده و روزنامه طوس قدیم درهمین چاپخانه ایشان طبع میشده است . ایشان برای تاسیس اولین مدرسه درمشهد مساعدت های شایانی کرده ومدتی روزنامه طوس وجریده نوبهار بخرج ایشان طبع ونشر گردیده است . مرحوم‌میرمرتضی موسوی پس ازیکعمر خدمت بمعارف روز جمعه ٦ مرداد ۱۳۲۳ درمشهد مقدس بدرود زندگانی گفت وبسرای جاودانی شتافت . روزنامه دادگسترچاپ خراسان درشماره ٦۱ سال اول خود مورخ پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۲۳ شمسی راجع‌بفوت مدیر روزنامه طوس اینطور نوشته است : « ضایعه تاسف انگیز - آقای میر مرتضی روئین تن مدیر محترم روزنامه طوس روز جمعه ٦ مرداد بدرود زندگانی گفته و رخت بدار دیگر کشیدند . فقید شادروان بویژه درخراسان پدر مطبوعات خوانده میشد . شیخوخیت ومقام ارجمند ایشان در روزنامه نگاری مورد قبول و تقدیر همگان بود . ما ازفوت این مرد محترم شریف‌نهایت‌تاثروبیازماندگانشان مخصوصاباقای میرمجید روئین تن صمیمانه تسلیت میگوئیم . » پس از فوت موسوی دیگر روزنامه‌طوس‌منتشرنشده‌است .

(۷۸۱) طوفان

روزنامه طوفان درطهران بصاحب امتیازی وموسسی (فرخی) و مدیر مسئولی موسوی زاده تاسیس وشماره اول آن درتاریخ جمعه ۲ ذیحجه مطابق با ۲ سنبله ۱۳۰۰ شمسی انتشار یافته است . روزنامه طوفان باکلیشه سرخ که حکایت از انقلابی بودن آن مینموده وبطرفداری ازتوده رنجبر ودهقان وهواداری کارگران منتشر میشده و

بهمین جهت بشرحیکه ذیلا خواهیم نوشت مدیر آن ، مرحوم فرخی ؛ در اغلب کابینها یا حبس و یا تبعید شده است • مع ذلك بعلت ثبات و پایداری در عقیده خود بمحضیکه از زندان نجات پیدا میکرد و یا از تبعید برمیگشت روزنامه راباهمان روش سابق منتشر میساخت و هر وقت روزنامه توقیف میشد ، با در دست داشتن امتیاز روزنامه‌های دیگر ، عقاید سیاسی و نظریات خودرا در آن روزنامه ها منعکس مینمود • چنانچه روزنامه پیکار ، قیام ، طلیعه آئینه افکار و ستاره شرق ، روزنامه هائی بودند که پس از توقیف طوفان هر نوبت منتشر گردیده اند • طوفان در طول مدت انتشار بیش از پانزده مرتبه توقیف گردیده و باز منتشر شده است تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۰۷ شمسی که فرخی بعنوان نمایندگی مجلس شورایملی ، در دوره هفتم تقنینیه ، از طرف مرم یزد انتخاب گردید و درمجلس جزو اقلیت بود . بناچار ایران را ترك و طوفان برای همیشه تعطیل شد •

طوفان عنوان یومیه داشته ودرسال اول هفته دو روز جمعه ودو شنبه و در سالهای‌بعد هفته سه نوبت روزهای دو شنبه و چهار شنبه وجمعه منتشر میشده است • محل اداره روزنامه : طهران • خیابان لاله زار • نمره تلفون ۲۹۰ آدرس تلگرافی (طوفان) قیمت اشتراك روزنامه : داخله ، سالیانه ۸۰ قران • شش ماهه ٤۰ قران در ولایات باضافه اجرت پست • خارجه سالیانه یکصد قران • شش ماهه ۵۰ قران • تکنمره ۸ شاهی ؛ قیمت اعلانات صفحه اول سطری ۳ قران • صفحه ۲ و ۳ سطری دو قران • صفحه چهار سطری یکقران • سرلوحه روزنامه در ابتدا دریای متلاطمی است که در وسط آن کشتی در حال غرق شدن است • این سرلوحه برنك قرمز میبا شده بعدا این سرلوحه برداشته شده و فقط کلمه طوفان برنك سرخ چاپ شده است

اولین مرتبه توقیف روزنامه طوفان شماره ۲۲ سال اول روزنامه بود • که بجای آنمرحوم فرخی روزنامه ستاره شرقرا منتشر ساخته است • آقای حسین مکی در مقدمه دیوان فرخی که بهمت ایشان چاپ شده در باره اولین توقیف طوفان اینطور می نویسد : « اولین مرتبه توقیف روزنامه طوفان در سال نخست شماره ۲۲ مورخ ۲۷ ربیع الاول میباشد که فرخی شماره معمول و آینده خودرا بنام روزنامه ستاره شرق (۱) و شماره ۲۲ طوفان و رباعی زیر که در سرمقاله آن درج کرده بود منتشرساخت

شد خرمن ما دستخوش برق ببین — طوفان بخلاف رسم شد غرق ببین
خواهی اگر آن‌نکات طوفانی را — در آئینه از ستاره شرق ببین

و درصفحه سوم همین شماره روزنامه روی کلیشه طوفان رباعی ذیل را درج کرده بود

هرخامه نگفت ناکسان را توصیف — هر نامه نکرد خائنان را تعریف
آن خامه ز پافشاری ظلم شکست — آن نامه بدست ظالمین شد توقیف

و در صفحه آخر همین شماره غزلی‌درج کرده که بیتی ازآن این است :

«۱» شماره هائیکه تا سال سوم درموقع توقیف طوفان بعوض آن منتشر شده نایاب فقط مرتب آن ضمیمه سه سال طوفان در یك جلد میباشد که مرحوم فرخی‌برای خود مرتب و جلد کرده است و آنرا بآقای حائری‌زاده یزدی ریاست اداره‌سرپرستی بعنوان یاد بود سپرده است • ح • مکی

آزادی است ومجلس وهم روزنامه را + هر روز بی محاکمه توقیف‌میکنند.»
این بود آنچه آقای حسین‌مکی در باره توقیف‌طوفان در سال اول آن نوشته‌اند.اکنون بذکر بقیه توضیحات راجع بدوره روزنامه میپردازیم . مندرجات طوفان در سال اول عبارت از سرمقاله ومقالات مختلف واخبار مجلس وداخله و خارجه است. شماره ۱۲ سال اول در چهار صفحه بزرك در تاریخ جمعه ۵ صفر ۱۳٤٠ مطابق ١٤ میزان ۱۳۰۰ شمسی منتشر گردیده . یك قسمت از پاورقی روزنامه در سال اول عبارت از (پیشنهاد کمسیو ن مطالعات نظام انگلیسی و ایرانی) است که در چند شماره بترتیب چاپ شده است .

سال دوم روزنامه طوفان

شماره اول سال دوم طوفان بصاحب امتیازی ومدیری (فرخی) در چهار صفحه بقطع بزرك با کلیشه سرخ ؛ در مطبعه سربی(روشنائی) طبع ودر تاریخ چهار شنبه۲۹ ذیحجةالحرام ١٣٤٠ قمری مطابق ۳۱ اسد ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. این شماره پس از توقیف روزنامه و تحصن فرخی مدیران در سفار تخانه روس انتشار یافته و سر مقاله آن بعنوان(تجدید طوفان) نوشته شده است. ما بوا سطه اهمیت این مقاله و اینکه از قرائت آن خوانندگان اطلاعات بیشتری راجع بروزنامه طوفان بدست می آورند عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم:

« تجدید طوفان ــ همانطور که بشر در زندگانی کوتاه خود بحوادث وموانع سخت وهولناك دوچار میشودهوسات انسانی‌ومخلوق فکر بشر نیز در حیات خودبلطمات وصدماتی تصادف مینمایند که اگر قدرت بنی آدم نبود زوال آنها در مقابل تند بساد حادثات مسلم ومحقق بود . طوفان در ایام قلیل عمر خویش برای چهار مین دفعه معاق توقیف را جایگاه شش‌ماه خود ساخت (گناهش کدام و جرمش چه بود)

اگر قوانین مشروطیت که با پارلمان کنونی‌فاقد وجودخارجی است‌بقای‌حکومت نظامی‌را برای‌همیشه تصویب‌ویا تبثیت کرده بودطوفان هرگز اعتراض نکرده‌ومجنونانه هدف تیرهای جانسوز نمیگردید .

اگر ما میدانستیم که درمملکت ایران اصول پارلمانی جلوه مظالم استبدادی‌است قدم فداکاری وجانبازی در میدان مبارزه ارتجاع نمی‌نهادیم. آری ما تصدیق میکنیم‌در این محیط بخطا رفته وبا چنین پارلمانی که علنا از وظیفه حتمیه خود که طر فداری اجرای قا نون اساسی است مضایقه مینماید بوالهوسانه طرفدار اجرای قوانین مشروطیت میباشیم ؟!

زیرا ما ازهمت وکلای دوره چهارم تقنینیه کاملا آگاه بوده افکار کوچك و امیدهای دراز آنها را برای هوی وهوس شخصی دانسته وحتی امروز فاصله بین خوب وبد ایشان قائل نمیباشیم. در اینگروه متفرق که بکجا جمع‌شده ونام آنرا پار لمان نهاده‌اند گذشته از آن دسته وکلائی که بهیچ وجه صلاحیت اشغال کرسی مقدس‌پارلمان

را ندارند فرقه نیز یافت میشود که هرلحظه بادماگوژی وظاهری فریبنده تعرفه‌صلاحیت خویش را بملت ارائه میدهند • بعقیده‌ما ایندسته اخیر که میگویند مسئولیت‌نوع راعهده میباشیم بیشتر تقصیرکار بشمار میروند•••

بالاخره مظالم ارتجاع وخود سریهای حکومت وقت که مشیرالدوله وجیه الملة(!) در راس آن قرار گرفته بود ما را مجبور نمود برای حفظ جان وبنام مسئولیت وجدان‌و ومصونیت اصول آزادی بتحصن توسل جوئیم• این یك نبردومبارزه بود که آمال‌متحصن در قبال آن با موفقیت مستجات میگردید ولی نتیجه معلوم نبود زیرا در این محیط‌هیچ اقدامی را نمیتوان با شرط کامیابی وحصول مقصود تضمین کرد• در این کشمکش کار کنان طوفان تا آخرین درجه امکان ایستادگی واستقامت بخرج داده با هر گونه نیرنك وآنتریك جنك کرده سنگر خود را محافظت نمودند • شاید جمعی از ابتدا تحصن ما را مخالف اصول وطن پرستی میدانستند اما آنهائیکه‌با نظر نیك بینی و حسن ظن بما نگاه میکردند معترف بودند که اگرتحصن در مقابل فشار های استبدادی عناصر مرتجع موجود نمیگشت صدمات خشن و جان گداز تری بروح آزادی وارد می‌آمد • با اینهمه در نتیجه عدم‌مساعدت مبرزین قوم که مبادا این‌گوی افتخاررا طوفان برباید وخونسردی مرگبارا کثریت‌جامعه تحصن‌جزو مسائل عادی محسوب گشته وبی‌اهمیت گردید•

این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که نماینده کنونی دولت روسیه درروزهای‌اخیر تحصن بنا بر مصلحتی که بر ما معلوم نیست برای پیشرفت مقاصد نوعی ما مطابق‌اطمینا ناتیکه رفیق وتشتین داده بود مساعی خود را مبذو ل نداشت زیرا که ما تصمیم گرفته بودیم یا برای ملت ایران آزادی گرفته یا در فضای سفا رت دولت حامی ملل مظلوم مرك را در آغوش گیریم• اما با حسن ظنی که ما نسبت بشارژ دافر مذ کور داشته و خدماتیرا که از ایشان در راه انقلاب سراغ داریم تصور کردیم شاید در این مسئله صلاح دو ملت هم جوار ایران وروس ملحوظ شده باشد بعلاوه چون ما در مبارزه با کاپیتالیزم دنیا پناهگاهی برای ملل ضعیفه غیر از بین‌الملل سوم وحکومت کارگران ودهاقین سراغ نداریم عجالتا از این گونه گله گذاری‌ها صرف نظر میکنیم تا مبادا از این گله های دوستانه ما دیپلوماسی انگلیس موقع را غنیمت شمرده استفاده نماید•

با بیان این مقدمات البته تصدیق مینمائید که‌ادامه تحصن وپافشاری جزافسردگی روح وخفگی احساسات نتیجه‌ نداشت • وچون پیوسته اقدامات ما مبنی بر عقیده مسلکی بوده ومیباشد ملاحظه کردیم با وضعیات‌اخیرتحصن روزنامه طوفان بهتر میتواندموقعیت از دست رفته ما را احراز نماید• اگر چه در این کشمکش‌حیاتی ما اقرار واعتراف بمغلوبیت خود نمودیم ولی بارها موقعیت بما اجازه داده وممکن بود مغلوبیت نوعی را تبدیل بفتح ونصرت شخصی کرده از تحصن خارج شویم چنانکه در تعقیب وعده‌های حضوری امیدوار کننده وزیر جنك اگر عمر تحصن تمام میشد علاوه بر آنکه مانند امروز بتامین منافع عمومی موفق‌نشده بودیم منافع شخصی‌مالااقل بهتر تضمین‌می‌شد

وشاید همین آزادیخواهان لفظی ما را بکوتاه کردن زندگانی تحمن سرزنش وملامت میکردند اما روح آزادیخواهی بما اجازه نمیداد که قبل از مسدود شدن طرق موفقیت با تامینات شخصی تسلیم کردیم تا بالاخره نیز مجبور شدیم که حیات معنوی طوفان را تامین نموده ومانند یکنفر نظامی بدون از دست دادن استحکامات عقیده یا تسلیم نمودن قوای فکری خود بدشمن با کمال متانت عقب نشسته خویشتن را برای حمله‌ثانوی حاضر نمائیم اینك با همان مرام و سیر تغییر ناپذیر خود برای نبرد باارتجاع مهیا وآماده میباشیم .

افکار ما همانست وبدبختیهای جامعه نیز متاسفا نه تخفیف وتسکین نیافته است و وما سعی می‌کنیم که با تمام قوا بیرق آزادی را بدوش گرفته در میدان عمل بدویم شاید روزی این قافله‌گم گشته بحقوق خود پی برده شاهد اقبال ونیك‌بختی را درآغوش گیرند باز میرویم که یا مرك را با توقیف مکرر طوفان استقبال کرده یا نفخه آزادی وصور انقلاب در پیکر این گروه بی‌روح بدمیم .

در همین شماره یك رباعی در صفحه اول و یك غزل در صفحه چهارم از مدیر روزنامه که وصف‌الحال خود را بیان نموده درج است . رباعی اینست:

روزی به‌نبردصف شکستن باید — بـر خصم ره فرار بستن باید
روزدیگری بقصدیك حمله‌سخت — از موقع خود عقب نشستن باید

غزلیکه در صفحه چهارم تحت عنوان (قسمت ادبی) نوشته شده است:

گرچه ما از دست برد دشمنان افتاده‌ایم — باز بهر جنك از سرتا بپا آماده‌ایم
در طریق بندگی روزیکه بنهادیم پای — بر خلاف نوع‌خواهی‌یك قدم ننهاده ایم
افترائی گر بما بستند ارباب ریـا — پیش وجدان راستی با جبهه بگشاده‌ایم
قلب‌ماتسخیرشد ازمهر جمعی‌خود پرست — آه‌از این بتهاکه‌مادرقلب‌خودجاداده‌ایم
پیشه ما راستی وبن تا درستان حسو د — در پی تنقید ما کاندر سیاست ساده ایم
این اسیری‌تابکی ای ملت بی‌دست و پا — گر برای حفظ آزادی زمادرزاده‌ایم
فرخی چندیست ماهم در پی صید عو ام — روز تا شب درخیال سبحه وسجاده‌ایم

فرخی مطابق مرام ومسلك بین‌المللی خود که طرفدار کار گر و رنجبر بو ده و اصول بین‌المللی سوم را ترویج مینموده ومخالف سرمایه‌داری بوده است از همین شماره اول سال دوم (قانون اساسی جمهوری اجتماعی متحده شوروی روسیه) را شروع بدرج نموده وبتدریج در شماره‌های بعد بیشتر آنرا منتشر نموده است.

مندرجات روزنامه طوفان در سال دوم مانند سال اول پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار داخله مشتمل بر حوادث واوضاع پایتخت وشهرستانها واخبارخارجه که بیشتر آنها از پرسیم مسکو نقل شده است و نیز تلگرافات رویتر و مختصری ترجمه از مطبوعات خارجه نیز در صفحات دوم و سوم روزنامه درج است . در صفحه چهارم گاهی اعلانات مختلف نیز چاپشده است.

در سال دوم دوره مبارزه شدید طوفان برعلیه دولت وهیئت حاکمه ومجلس میباشد

اغلب شماره‌های سال دوم دارای سرمقاله‌های تند وشدید اللحن است و فرخی مانند یك سرباز فداکار خود را بمیدان مبارزه افکنده است• برای نمونه عنوان بعضی از سرمقاله‌های این سال را نقل مینمائیم :

(نهضت‌ملی‌لازم‌است)؛(مجازات‌بشر ناقص است) (مدفن سیروس مبارزد) (صفوف متقابله) ، (تذکر بمجلس چهارم) ، (فجایع انگلیسها در بین‌النهرین)، (اولین محاکمه مهم) (۱) (باید تسلیم قانون شد) ، (وزراء در پیشگاه پارلمان)«متواضع بقانون محترم است» ؛ «در پارلمان» ، «قوانین‌آسمانی‌ومدنی ، تذکر بروحانیون محترم » ، «اسلام و آزادی»، «مترنیخ ایران»، «خانواده خیانت»

«در سال دوم پس‌ازنشر شماره ٤ مورخ۷ سنبله۱۳۰۱شمسی‌طوفان توقیف گردید.

قبل‌از توقیف‌طوفان، جراید‌حقیقت‌شفق سرخ ـعصر انقلاب‌در طهران،وراه‌نجات‌دراصفهان، و خراسان در مشهد ، از طرف رئیس دولت توقیف گردیده ودر همین شماره طوفان بتوقیف آنها اعتراض کرده است•

توقیف طوفان خیلی طول نمیکشد وشماره۵ آن در تاریخ۲۲ سنبله منتشرمیگردد وبهمین مناسبت این رباعی درصفحه اول شماره مذکور درج است:

طوفان که زتوقیف برزن می‌آید　　　جان در تن ارباب جنون می‌آید

زین سرخ کلیشه کن حذر ایخائن　　　اینجاست که فاش بوی خون‌می‌آید

در صفحه چهار این شماره تحت عنوان (تبریکات رفقا) تلگرافات ونامه‌هائی که حکایت ازخوشوقتی از آزادی طوفان میکند ؛ چاپ شده،این نامه‌ها وتلگرافات تمام(بغیر از یك ستون) صفحه ٤ را فرا گرفته است•

بار دوم که در این سال طوفان توقیف گردیده پس از انتشار شماره ۳۱ سال دوم مورخ ۲۸ عقرب ۱۳۰۱ شمسی بوده وبجای آن مرحوم فرخی روزنامه پیکار که صاحب امتیاز آن موسوی‌زاده بوده منتشر ساخته است• از روزنامه پیکار بشرحیکه در جلد دوم کتاب، ذیل روزنامه پیکار بتفصیل یاد آور شده‌ایم بیش از یك شماره منتشر نگردیده است• علت توقیف شماره ۳۱ طوفان سرمقاله شدیداللحن آن تحت عنوان «خیر مقدم» بوده این سرمقاله بدینقسم شروع میگردد : « بالاخره پس ازآنهمه انتظار وامید شب یکشنبه د لنر میلسپو بهمراهی شوق وشعف قلبی آرزومندان اصلاحات •••» قسمتهای دیگر این سرمقاله بدینقرار است • « بازهم قوام السلطنه مانند جغد شومی در این ویرانه بتخت نشسته ومنتظر است که اضمحلال وانهدام ایران باستانی را باچشم حریص ومرك بار خود مشاهده نماید•» در پایان سر مقاله خطاب بدکتر میلسپو مینویسد : «و ما شمارا بحفظدو نکته وحقیقت مهم توصیه کرده وامیدواریم که

«۱»در این سرمقاله فرخی آمادگی خود را برای محاکمه باسردارسپه که‌تقاضای محاکمه او را از مجلس شورایملی نموده ، اعلام داشته واز فتح‌این باب اظهارخورسندی میکند• در پایان سرمقاله نوشته اینك ما ومجلس‌محاکمه•

پیوسته این دو اصل مسلم را فراموش نمائید ۰ اول صحت عمل ـ دوم وظیفه شناسی»
بجای شماره ۳۲ سال دوم طوفان پیکار منتشر شده وآنهم توقیف گردیده است شماره ۳۳ سال دوم در تاریخ ۸ دلو ۱۳۰۱ انتشار یافته است۰ سر مقاله این شماره بعنوان (حقیقت فنا ناپذیر است) میباشد۰ در این شماره در ذیل عنوان (آئین طوفان) مینویسد : «ازاین پس چنانکه‌معلوم میشود سروکارطوفان بامستوفی‌الممالك‌خواهدبود۰۰۰»
سر مقاله شماره ۳٤ بعنوان (وظیفه کابینه آینده) است وبدینقسم شروع میگردد «آخرالامر تمایلات عامه واکثریت پارلمان گو یا مقدرات پیچ در پیچ کشور ایران را یکمرتبه‌دیگر درآغوش مستوفی‌الممالك انداخت۰ اکنون اوضاع مملکت پریشان‌مشکلات از حد افزون ـ غارتگران و مفتخوران مسلط بر خزانه ملت ـ سیاست داخلی و خارجی تاریك۰۰۰»

پس‌از سقوط کابینه قوام‌السلطنه ، فرخی بخیال آنکه طوفان از توقیف خارج شده‌روزنامه را چاپ و میخواهد منتشر کند که نظمیه از انتشار آن جلوگیری میکند و ازمطابع التزام عدم چاپ آنرا میگیرد ۰ در شماره ۳۵ شرح این مبارزه را بعنوان « دفاع ۰ در اطراف توقیف‌طوفان » اینطور نوشته‌است :
«واقعه غریبی است طوفان منتشر میشود و نظمیه از انتشار آن جلوگیری‌میکند۰
کابینه قوام‌السلطنه بدون مدرك قانونی و برخلاف مواد قانون اساسی و مطبوعات بصرف‌اراده شخصی طوفان‌را توقیف نمود ۰ مسلم است‌که‌ما برای مدافعه از حقوق خود می‌خواستیم طوفان را منتشر نمائیم ولی چون قوه مجریه مملکت بدست کسی بود که آنرا سوء استعمال میکرد ما از انتشار طوفان معذور بودیم ۰ پس از سقوط کابینه گذشته‌برای‌اینکه‌توقیف‌طوفان‌قانونی‌نبود یعنی ماتا موقعی احکام مجریان قانون را محترم میشماریم که با مواد قانون مطابقه کند و درغیر این مورد نقض آن حکم حقیقتا اجرای قانون محسوب میگردد سعی نمودیم که طوفان را منتشر کنیم ۰
ما بکمك رفقابااین مقصود موفق شدیم ولی نظمیه چه میگوید حکمیکه رئیس‌دولت گذشته نموده است ولو آنکه قانونی نباشد تا موقعیکه رئیس الوزراء فعلی ناسخ آنرا صادر ننموده مجری است ۰ لهذا ما مراسله ذیل را بوزارت داخله نوشته و سواد آنرا نیز کپیه ریاست مجلس ارسال داشتیم ۰ » در ذیل این شرح متن نامه را فرخی چاپ نموده و خلاصه آن اعتراض بعمل نظمیه است ۰

در شماره ۳۶ فرخی نامه هائی را که بعنوان شکایت بهیئت دولت . مجلس ، ریاست مجلس : وزارت پست و تلگراف و بعضی از نمایندگان نوشته چاپ کرده است من جمله نامه ای مورخ ۱ برج قوس توسط حائری زاده ، نماینده مجلس ؛ بریاست مجلس ؛ نوشته که چنین است .
« دیر گاهی است که مبارزه و کشمکش بین قوام‌السلطنه و کارکنان طوفان صورت جدی بخود گرفته اولی در پایمال کردن قانون و اجرای اوامر استبداد خویش

لجوج ودسته اخیر برای دفاع از حقوق حقه خود مصرو جسور میباشند . برطبق تصمیم طوفان در تعقیب مراسله نمره ۳۱۱ که برای حفظ حقوق خوداز هیچگونه تشبث مشروعی خود داری نخواهند کرد دیروز عبارت ذیل بر پارچه نگاشته شده و در عمارت طوفان نصب گردید (دست خون آلود خیانت کار قوام السلطنه آزادی کش بدون مجوز قانونی طوفان پیکار را توقیف نمود) پس از ساعتی ناگهان بامر قوام السلطنه گرو هی پلیس سوازه وپیاده اداره طوفان را محاصره کرده وبعقب آن جلوه حقایق را ربودند. برای استحضار خاطر شریف و آگاهی آنهائی که میخواهند بنمایندگی ملت معرفی شوند باز تذکر میدهیم که توسل وتشبث بهر اقدام مشروعی تا توقیف طوفان فرض وجدانی ما محسوب شده وتا وقتی که قوام السلطنه پس از آنهمه اختلاس در برج خود سری متهاجم وجسور است وطوفان در غرفه کوچک خود اجبارا آزادی را ترک گفته و بحفظ خویش نیز ایمن نمیباشد و ظیفه خود را ناچار با تشبث بهر اقدام تدافعی عملا اجرا خواهدنمود» شماره ۵۹ سال دوم در تاریخ ۲۳ حمل ۱۳۰۲ منتشر شده است محاکمه موسوی زاده و شاه ایران وهمچنین تبعید ضیاء الواعظین وموسوی زاده ، همکار ان فرخی مصادف باسال دوم انتشار روزنامه طوفان بوده است.

شماره ۳۳ سال سوم طوفان در چهار صفحه بقطع بزرك بهمان سبك سابق ، در تاریخ پنجشنبه ٦ ربیع الثانی مطا ق ۲۳ برج عقرب ۱۳۰۲ شمسی منتشر گردیده است. در این سال یك قسمت از ترجمه کتاب «بسوی اصفهان» تالیف «پیرلوتی» که آنرا «فتح الله ثقفی» ترجمه نموده، چاپ شده ونیز بعنوان پاورقی درصفحات دوم وسوم روزنامه «انقلاب کبیر روسیه» طبع گرد یده است.

گرفتاریها وکشمکشها وتبعیدهای متوالی دیگر بفرخی مجال نشر روزنامه رانداد تا سال ۱۳۰۷ شمسی که از طرف اهالی یزد برای نمایندگی دوره هفتم مجلس انتخاب گردید وپس از تصویب اعتبارنامه او در صدد برآمد که طوفان را منتشر سازد طوفان برای مدت کمی منتشرشد ودر همین ایام یعنی در شب ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۷ بمناسبت الغاء کاپیتولاسیون مجلس جشنی در اداره جریده طوفان منعقد نمود ودر این جشن عده از مدیران جرايد طهران شرکت نمودند. ولی اتفاق کتك خوردن فرخی در مجلس شورای ملی وتحصن او در مجلس ونداشتن آزادی برای خروج از مجلس اوراوادار بفرار مخفیانه از تهران نمود . پس از چندی ناگهان از مسکو سر بدرآورده وبهمین جا انتشار روزنامه طوفان خاتمه پیدا کرده

شرح احوال فرخی

میرزا محمد متخلص بفرخی فرزند محمد ابراهیم یزدی در سال ۱۳۰٦ قمری در شهر یزد بدنیا آمده وزبان فارسی ومقدمات عربی را در آنشهر فرا گرفته است. فرخی از همان اوان جوانی دارای ذوقی سرشار و طبعی بلند بوده وذهن وقار اوسبب گردیده که از ابتدا آنچه را برخلاف میلش یافته بزبان شعر خرده گیرد واز این جهت در سن ۱۵ سالگی اولیای مدرسه مرسلین انگلیسها را هجو کرده است. فرخی پس از آنکه

مدتی در یزد زندانی بود در اواخر سال ۱۳۲۸ قمری بطهران آمد ودر این شهر شروع بسرودن اشعاری راجع بآزادی نمود واز آنجا شهرت او آغاز گردید . یکمرتبه در طهران مورد حمله ترور قفقازیها گشت ولی تیر باو اصابت نکرده در اوایل کودتا هم مدت کمی در باغ سردار همایون زندانی شد و بعد رها گردیده از آن پس حیات فرخی بستگی بروزنامه طوفان پیدا کرد و اغلب گرفتاریهای او با سرنوشت طوفان پیوستگی دارد پس از آنکه چند سال در زندان قصر بسر میبرد بالاخره در خرداد ۱۳۱۸ ویادرتاریخ ۲۵ مهر ماه سال مذکور شربت شهادت نوشید ورخت از این جهان بربست . زندگانی فرخی در ماههای آخری که در زندان بسر میبرده خیلی رقت‌انگیز استودربارهٔقتل‌او روایات مختلف گفته شده . فصل زندانی شدن او در جرایدیکه پس ازشهریور۱۳۲۰ منتشر گردید،وتفصیل محاکمه قاتلین فرخی‌وسایرزندانیان دوره دیکتاتوری درآنهادرج گردیده ، نوشته شده است وما خلاصه از آنچه یکی از این روزنامه‌ها تحت عنوان (چه قسم فرخی‌را کشتند)نوشته ، نقل مینمائیم . این خلاصه از شماره ۱۱۹۲ سال پنجم‌روزنامه ستاره چاپ طهران مورخ چهار شنبه ۱٤ آبان ۱۳۲۰ شمسی اقتباس‌شده است: « چه قسم فرخی را کشتند؛»

روزی فرخی‌در محبس پشت پنجره که بحیاط نگاه میکرد آمد وباصدای‌بلندگفت: ای محبوسین محترم من فرخی یزدی لب دوخته‌ام مدیر سابق روزنامه یومیه طوفان که بجرم حقگوئی وحق نویسی ظالمانه توقیف شده نماینده دارالشورای ملی هستم . بگناه اعتراض وتکلم بر علیه یك قانون جابرانه‌وزبان‌بخش مغضوب ومتعاقب شدم. چند سال‌از کشور خود متواری بودم بمن امان دادند که اگر برگردی ....

در این اثنا کسی باصدای خشنی گفت فرخی از پشت پنجره بیاپائین واگر نیائی بجبرتوراپائین‌خواهم آورد . فرخی جواب داد هرکار میخواهید بکنید. پس از چندثانیه صدای فرخی خاموش شد ودیگر کسی از فرخی اطلاع نداشت تا اینکه از این محبس بمحبس قصر افتادیم . در محبس قصر در اطاقهای کوچکی که گنجایش یك نفر رادارد ولی محل زندگی ده ساله وبا ابدی پنج یا شش نفر است منزل کردیم . توی یکی‌ازاطاق های این محبس که من درآنجامنزل داشتم فرخی‌هم منزل داشت.

فرخی را همان روزیکه آن حرفها را زده بود بقول خودش از زندان شهر بقصر قاجار منتقل کرده بودندوچون کسی رانداشت که برای اوچیزی بیاورد ووسائل‌زندگیش آرا فراهم نماید وضع بدی دوچار شده بود ولباسهای روی خود را فروخته بود . پیراهن وزیر شلوارش پاره وصله دار وسیمایش مکدر وحزن انگیز بود . فرخی آنجا برای ما نقل کرد که چطور گرفتار شده است‌که چطور یکنفر از طلبکارانش راتحریك کردند که برای پنجاه تومان از او شکایت کند . آنوقت توقیفش کردند. در زندان ثبت‌اسناد بلاتکلیف نگاهش داشتند. او عصبانی شده سپس بقصد خودکشی سم خورده وپیش از اینکار دو بیت ذیل را سرود ونزد اولیاء زندان فرستاد . زین محبس تنك‌درگشودم‌رفتم زنجیر ستم پاره نمودم رفتم. بی‌چیزو گرسنه و تهی دست وفقیر . زانسان که نخست مده بودم رفتم . ولی آنوقع او را از مرك نجات دادند ولی دوسیه اسائه ادب برایش

درست کرده وبمحکمه‌اش بردند وبه (۲۷) ماه حبس محکومش ساختند • پس از این واقعه به باز داشتگاه تهران منتقل شد وآنجا پس از آن نطق ناقص بقصرش آوردند• در قصر فرخی آرام وآسوده نمی‌نشست طبعش که آزاد وخودسر وخشمگین بود هر آن در اشعاری آبدار و پرشور بنحوی دلپذیر خود نمائی میکرد• هر وقت شعری میساخت برای ما سوختگان میخواند وجاسوسهای پست فطرت که از جرگه خود محبوسین بودند مخفیانه گوش داده ویادداشت میکردند • فرخی پشت رختخواب خودش توی اطاق مخفی میشد وشعر میگفت ویادداشت میکرد (شعر ومطالعه وچیز نوشتن کاملا در محبس ممنوع بوده است•) وآنها را برای محبوسین سیاسی میخواند• مثلا در ورود خود بزندان سروده است: بایداین دور اگرعالی وگردون باشد کنك وکور وکروسرگشته چوگردون باشد در محیطی که پسند همه دیوانه گری است لایق ••• بود قصر نه هر زندانی •

بالاخره فرخی در سال ۱۳۱۹ شمسی (گویا)بوسیله انژکسیون خالی درمریض خانه بقتل رسیده است •

جامع‌ترین شرح احوالی که تا کنون راجع بفرخی نوشته شده شرحی است که آقای حسین مکی در مقدمه دیوان آنمرحوم که بهمت‌ایشان جمع‌شده‌وانتشاریافته، نوشته‌اند• وچون دیوان مذکور در دسترس همه میباشد لذا خوانندگان را برای اطلاع ازجزئیات زندگانی این شعر بمقدمه دیوان احاله مینمائیم• آنچه لازم است در اینجا یادآور شویم اشتباهات و غفلتهائی است که آقای مکی در تدوین این شرح حال مرتکب شده ومادر ضمن مطالعه دوره‌های‌مختلف‌روزنامه طوفان وطوفان‌هفتگی‌بدانهاواقف‌گردیده وبرای رفع اشتباه از خوانندگان آنشرح ناچار بتذکار این اشتباهات میباشیم• لازم بیادآوریست که‌پس ازنشر دیوان فرخی انتقادات خود را درضمن چند صفحه برای انتشار بـاداره اطلاعات هفتگی ارسال داشتیم• متاسفانه‌اداره مجله از چاپ آن خودداری کرد فعلا بطور اجمال بتذکر اشتباهات عمده آقـای حسین مکی میپردازیم•

انتقاد بر مقدمه دیوان فرخی بقلم حسین مکی

آقای حسین مکی در مقدمه دیوان مینویسد:«خلاصه نامه طوفان تا سال هفتم خود بیش ازپانزده مرتبه توقیف میشود• در سال هشتم مجله هفتگی طوفان را بعوض روزنامه اش منتشر ساخت که آنهم بدبختانه بیش از یکسال دوام نکرد•»

آقای حسین مکی در این دو سطر دوچار چند اشتباه شده اند یکی آنکه انتشار مجله‌هفتگی طوفان را بعوض روزنامه طوفان دانسته‌اند در صورتیکه این مطلب اشتباه محض است و طوفان هفتگی در هنگامیکه روز نامه طوفان منتشر میشده آنهم‌منتشر میشده است• بچند دلیل: ۱ـ در صفحه دوم شماره ٤ طوفان هفتگی تحت عنوان (اخطار اداری) این آگهی درج شده است : (اخطار اداری بمشترکین محترم طوفان روزانه• برای طوفان هفتگی آبونمان علیحده تعلق نمیگیرد • فقط اشخاصی که میخواهند طوفان هفتگی را تنها داشته باشند میتوانند با سه تومان اسامی خود را در دفتر مشترکین ثبت نمایند •بمعلمین ومحصلین یك تومان تخفیف داده میشود• دفتر طوفان)ونیز این اعلان

درصفحه ۸ همین شماره چاپ شده است : « بعموم مشترکین محترم • آقایانیکه وجه آبونمان خودرا در طهران مدت یکهفته ، ولایات و ایالات در ظرف سه هفته نرسانند اداره ازفرستادن روزنامه برای آنها خودداری خواهد کرد • طوفان هفتگی هم آبونمانش جزء طوفان روزانه ووجه علیحده برای قیمت آن ازمشترکین محترم مطالبه نخواهد شد • » ونیز درصفحه هشتم شماره هشتم طوفان هفتگی اخطاری درج شده که خلاصه آن اینست : « چون اخیرا مراسلات زیادی برای اشتراك روزنامه و مخصوصا طوفان هفتگی باین اداره رسیده که بواسطه عدم ارسال وجه ترتیب اثر داده نشده اطلاعا به کسانیکه مایل باشتراك طوفان یومیه یا هفتگی میباشند تذکر داده میشود که تقاضای بدون ارسال وجه پذیرفته نمیشود • »

دواعلان واخطار مذکور بخوبی واضح میسازد که انتشار طوفان هفتگی مربوط بطوفان روزانه نبوده و هرکدام جداگانه مشترکین ووجه اشتراك مخصوصی داشته‌اند •

۲ ــ دلیل دوم که طوفان هفتگی بعوض طوفان یومیه نبوده مقاله ایست که در شماره سوم طوفان هفتگی مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۰۷ شمسی تحت عنوان (انتقاد بجا) از اصفهان ، بامضای (گمنام) درج شده و خلاصه این مقاله انتقادی از اینقرار است که در این اواخر طوفان یومیه محسنات مخصوص بخودش را از قبیل سرمقاله های عالی و پاورقیهای مفید و رباعیات و غزلیات مخصوص بخودرا از دست داده است • عین عبارت قسمتی از مقاله این است : « تااین ایام که بکلی علاوه بر نداشتن هیچ گونه قسمتهای فوق‌الذکر باندازه غلط و ناصحیح بطبع میرسید که بنده باهمه دلدادگی مجبور شدم باکمال تاسف ازاین نابه ممتاز صرف نظر نمایم • شاید صدق عرا یضم به نمرات اخیر مخصوصا قسمتهای مختاری‌خصما مراجعه فرمائید مطلب کاملا بر حضرتعالی مکشوف خواهد شد گویا مصحح این روزنامه‌مهم لازم دانسته‌اند بالمره بوظیفه‌خودشان عمل نفرمایند و الآ چگونه در دو سه ستون مطلب اینهمه غلط و افتاده و جملات غیرمرتب داشته باشد تنها دلخوشی که میتوانست باهمه این مطالب بنده وامثالهم را بطوفان دلخوش داشته و نگذارد بالمره قطع علاقه نمائیم طوفان هفتگی بوده که نمیدانم چه شده آنهم چند هفته است تعطیل گردیده •» فرخی پاسخ این انتقادرا با این بیت شعر عرفی داده است :

چون زخم تازه دوخته ازخون لبالبم   ایوای اگر بشکوه شود آشنا لبم •

انتقاد مذکور بخوبی واضح میسازد که طوفان هفتگی بعوض طوفان یومیه‌نبوده‌است

آقای حسین مکی مینویسند : « درسال هشتم مجله هفتگی طوفان بعوض روزنامه منتشر شد •» اگر آقای حسین مکی آغاز سال تاسیس طوفان یومیه را باطوفان هفتگی مقایسه میکردند بر ایشان واضح میشد که انتشار طوفان هفتگی در سال هشتم نبوده و بلکه در سال هفتم بوده است » توضیح مطلب آنکه شماره اول طوفان یومیه‌در تاریخ جمعه ۲سنبله ۱۳۰۰ انتشار یافته و بنا بر این تا سنبله ۱۳۰۶ شمسی شش سال تمام از انتشار طوفان گذشته ؛ ازطرفی شماره اول طوفان هفتگی دربهمن ۱۳۰۶شمسی منتشر شده وازاینرو آغاز انتشار طوفان هفتگی مصادف با سال هفتم طوفان بوده نه

سال هشتم چنانچه آقای مکی نوشته اند .

آقای مکی راجع بطوفان هفتگی اظهار تاسف نموده مینویسند : « بدبختانه طوفان هفتگی بیش از یکسال دوام نکرد ». برای کسیکه شماره های مرتب طوفان هفتگی را در دست داشته باشد این اظهار آقای مکی خیلی مایه تعجب است زیرا که طوفان هفتگی ، بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت ، با بهترین مطالب و با طبع و کاغذی خوب ، مدت دوسال منتشر شده است .

موضوع تبعید فرخی بکرمان و آقای موسوی زاده بیزد که آقای حسین مکی در مقدمه دیوان با آب و تاب تمام آنرا نقل میکند باز از اشتباهات ایشانست . آقای مکی مینویسند : « مقاله شدیداللحن (حکومت فشار) برعلیه دولت وقت (کابینه سردار سپه) در روزنامه طلیعه افکار موجبات تبعید و حبس فرخی را بکرمان وآقای موسوی زاده مدیر روزنامه قیام را بیزد فراهم ساخت ». درقسمت تبعید موسوی زاده بیزد حق بجانب آقای مکی است ولی اشتباه ایشان درهمسفر موسوی زاده میباشد که مرحوم ضیاءالواعظین مدیر روزنامه ایران آزاد بوده نه فرخی مدیر طوفان و تعجب است که تفصیل تبعیداین دو نفر مدیر روزنامه را از آغاز تا انتهی فرخی درصفحات روزنامه طوفان نوشته و جزئیات آنرا درج کرده و باز آقای مکی اشتباه نموده اند . تبعید ضیاء الواعظین و سوی زاده پس از یك محاکمه طولانی انجام گرفته که شرح آنرا فرخی در شماره ۳۶ سال دوم طوفان مورخ ۱۵ دلو ۱۳۰۱ تحت عنوان (پادشاه و موسوی زاده) درج نموده و ایندو از قم و اصفهان و یزد ورود خودرا بفرخی اطلاع داده و فرخی متن تلگرافات آندو را در روزنامه چاپ کرده است و ما برای اینکه دراین قسمت تردیدی برای خوانندگان باقی نماند آنچه مربوط بمحاکمه و تبعید موسوی زاده وضیاءالواعظین است ازشماره های طوفان نقل مینمائیم . من جمله در شماره ۳۸ سال دوم طوفان تحت عنوان « در راه آزادی » مینویسد : « دیروز سه بعداز ظهر رفقای محترم ما ضیاء الواعظین مدیر جریده شریفه ایران آزاد وموسوی زاده مدیر سابق طوفان صاحب امتیاز پیکار ، مدیر مسئول قیام بسمت اصفهان و یزد حرکت نمودند . بما میگویند مصالح مملکت و مقتضیات کنونی حرکت آنها را ایجاب نموده است برای ملت ایران که جوان های نیرومندی در راه مصالح مملکت شهید دیده است وبرای ما که آماده شده ایم خود و هزاران نفر امثال ضیاءالواعظین و موسوی زاده را بقربانگاه آزادی تقدیم نمائیم این هدایا و تحف باستان حریت قیمتی ندارد ولی آیا این قربانیها برای مصالح مملکت میباشد یا نه برما پوشیده است ».

فرخی در همین شماره طوفان رباعی زیر را بمناسبت تسلیم نشدن رفقایش در محکمه درج نموده است :

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد — افسرده ز صاحبان دیهیم نشد
جانم بفدای آنکه در پیش عدو — تسلیم نمود جان وتسلیم نشد

درشماره ۳۹ سال دوم طوفان فرخی متن تلفونیکه ضیاءالواعظین و موسوی زاده

باو نموده‌اند چاپ کرده است ونیز در شماره ۴۰ سال دوم طوفان مینویسد از قم‌اطلاع میرسد که آقای موسوی زاده و آقای ضیاءالواعظین دو روز قبل با دستگاه پست‌وارد و از قرار مذکور بطرف کاشان یا اصفهان عزیمت نموده‌اند• در شماره ۴۳ تلگراف آندو را از اصفهان بدینقسم درج نموده: «ا صفهان ۲ حوت • طوفان ـ حضرت آقای فرخی سلامت وارد• موسوی زاده • ضیاءالواعظین•»

خیلی باعث تعجب است که آقای مکی تبعید ضیاء الواعظین را با فرخی اشتباه کرده‌اند • اصولا باید در نظر داشت که تبعید موسوی زاده وضیاء الواعظین هیچگونه ارتباطی بافرخی نداشته وتبعید این دو نفربصورت ظاهر پس از محاکمه بوده که تفصیل آنرا فرخی در شماره‌های طوفان نوشته است• من جمله در مقاله تحت عنوان (پادشاه و موسوی‌زاده) مینویسد: «امروز اولین روزیست که پس از هفده سال مشرو طیت بسمت تساوی حقوق افراد پیش میرویم آغاز سعادت خوشبختی ایران امروز است زیرا اصل‌هشتم قانون اساسی در محکمه قضاوت عملی میگردد•••• امروز دو ساعت ونیم قبل از ظهر در یکی از محاکم استیناف پادشاه ایران وموسوی‌زاده مدیر قیام محاکمه خوا هند شد• اگر شماره سوم قیام وسطوری که در صفحه دوم آنروز نامه در ذیل کلیشه ایران آزاد پادشاه ایران بدبختی‌های ملت را تذکر داده بود از نظرها گذشته باشد خواهیددانست که محاکمه برای چیست؟•••• ما رفقای آزادیخواه خود ضیاء الواعظین وموسوی‌زاده را بااین محاکمه روانه وافتخار عدالت را بدرقه راه ایشان مینمائیم• اگر این محا کمه بضرر ماهم تمام شده ورفقای ما محکوم شوند باز ما خرسندیم که راه قضاوت ورسیدگی بهمت آزادی مفتوح میگردد • ما نمیدانیم رفقای ما کدامیک مسئولیت محاکمه را قبول نموده واقبان خواب‌آلود عدل ونصفت را بیدار خواهند نمود بدیهی است در این محاکمه که قانون علنی بودن‌آنرا ایجاب مینماید وجوه آزادیخواهان‌حضور داشته وهیئت منصفین وحاکمه نیز بنام خداوند وانتقام سهمگین ملت بمسئولیت وجدانی وقضاوت عادلانه متوجه شده رای‌محکمه را بر پایه بیطرفی‌وعزت نفس خواهند نهاد•»بادقت در مطالب مذکور بخوبی واضح میگردد که در این محاکمه نامی از فرخی بمیان نیست تا اینکه بتوان ادعا نمود که‌بجا موسوی زده بکرمان تبعید شده باشند• چیزیکه بیشتر خطای آقای مکی را واضح مینماید این است که نامبرده‌مینویسد: «تاآنکه‌والی کرمان که‌دراین‌موقع سردارمعظم خراسانی (تیمور تاش)بود بتهران احضار میشود • وی نیز در موقع حرکت تلگرافا از مرکز تقاضای عفو واستخلاص فرخی را خواستار میشود • این درخواست مورد قبول‌واقع گردید وفرخی باتفاق تیمورتاش تقریبا پس از سه ماه‌وکسری بتهران ورود مینماید•»

با توجه باینکه ضیاء الواعظین وموسوی‌زاده در سال ۱۳۰۱ شمسی از طهران‌تبعید شده ودر این هنگام اسمی از تبعید فرخی در بین نیست ونامبرده در این تاریخ درطهران بانتشارسال دوم روزنامه طوفان مشغول بوده واخبار تبعید رفقای خود را مرتبادرروزنامه درج نموده، از طرفی درسال ۱۳۰۱ شمسی واوائل سال ۱۳۰۲ والی ایالات کرمان‌سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) بوده اشتباه آقای حسین مکی در باره وساطت تیمور تاش واضح میگردد• موید این گفتار آنکه فرخی در شماره ۴۷ سال دوم طوفان مورخ ۱۸

حمل ۱۳۰۲ شمسی یعنی درست همان موقعیکه ضیاء الواعظین وموسوی زاده در تبعید بسر میبرده درضمن اخبار داخله راجع بوالی کرمان مینویسد: از قرار یکه اطلاع حاصل گردیده دولت تصمیم در تغییر سردار معظم والی کرمان کرده‌اندومحتمل است نیرالملك بآن سمت تعیین شوند .» از شرح مذکور معلوم میگردد که فرخی وتیمور تاش هیچگاه یکدیگر را در کرمان ملاقات ننموده تا چه رسد باینکه تلگرافا درخواست عفو او را کرده باشد. اگر موضوع در خواست استخلاص صحیح باشدچنانکه آقای حسین مکی نوشته‌اند باید مربوط بضیاء الواعظین باشد نه فرخی و نابر این یادآوری آن در شرح احوال فرخی اشتباه‌محض است.

ممکن است تیمور تاش نزد اولیای امور راجع بفرخی درخواست عفو کرده باشد ولی این امر در کرمان اتفاق نیفتاده و بلکه احتمال‌میرود در گیلان رخ‌داده باشد. توضیح آنکه تیمور تاش پس از احضار از کرمان وورود بپایتخت بحکومت گیلان منصوب‌میشود ومدتی حکمران گیلان بوده است. فجایع دوران حکومت او در گیلان در روزنامه‌های آن ایام بخصوص روزنامه محلی طلوع درج است . وچون موقعیکه فرخی باروپا تبعید میشود از راه گیلان وبندر انزلی قصد مسافرت داشته وپس از رسیدن بانزلی ازحرکتش ممانعت بعمل می‌آید ممکن است ورود او بگیلان با بودن تیمورتاش مصادف شده باشد وتیمورتاش درخواست لغو حکم تبعید فرخی را نزد اولیای امور نموده باشد وبدین‌نحو توجیهی در باره استخلاص فرخی بدست تیمور تاش بعمل آمده است

این توجیه وقتی درست در می‌آید که تیمور تاش تاجدی ۱۳۰۳ شمسی درگیلان بسر بردهٔ باشد ، چه توقف فرخی درگیلان درتاریخ مذکور بوده است.

واما موضوع عزیمت فرخی باروپا ازاینقرار بوده که نامبرده درجدی سال۱۳۰۳ شمسی باجبار در صدد مهاجرت باروپا برمی‌آید ولی وقتی بانزلی (بندر پهلوی)میرسد از حرکت او جلوگیری میشود ومجددا بطهران عودت مینماید. هنگام ورود برشت، فرخی اعلان زیر را در شماره ٦۱ سال دوم روزنامه طلوع چاپ رشت مورخ ۲۱ جدی ۱۳۰۳ چاپ ومنتشر نمودهٔ است: «تودیع بعموم رفقاوعلاقه‌مندان بانتشار طوفان ـ با اینکه‌همیشه ساعی بودم که بوسیله انتشار طوفان خدمات ملی خود را ادامه دهم متاسفانه موانعی که اظهار آنرا لازم نمیدانم سد راه امیدوار زو گردیده اینك بایك عالم تحسر وبك دنیا تاثر بطرف اروپا رهسپار وامیدوارم در یك فضای آزادی بخدمات ملی خود مو فقیت حا صل نما یم و نیز از اینکه بوا سطه کمی وقت از زیا رت رفقاء محترم محر وم ماندم متاسف وپوزش میطلبم فرخی.» در زیر تودیع مذکور، مدیر روزنامه طلوع شرحی نوشته که خلاصه‌آن این است: « ماخیلی تاسف داریم که اشخاص بااراده مانند آقای فرخی‌ترك این دیار گفته ودرصدد مهاجرت برمی‌آیند ولی نظر باینکه در انزلی ازحرکتشان ممانعت بعمل آمده‌ومجددا بطهران‌مراجعت کردند امیدواریم نکرانی‌ایشان مرتفع شود ومجددا روزنامه طوفان منتشر گردد.»

زندگی فرخی‌درسنوات اخیر وپایان عمر او ـ برای‌شرح این قسمت‌اززندگی فرخی بهتر بنظرآن‌رسید که‌عین‌شرحی‌راکه آقای حسین‌مکی درمقدمه‌دیوان آنمرحوم

نوشته نقل نمائیم و با گفتار راجع بروزنامه طوفان وفرخی را خاتمه بدهیم :

« دراین گیرودار تیمور تاش باروپا رفت . (منظور گرفتاری فرخی ومحاکمه او است در برلن) و در برلن با فرخی ملاقات کرد . و بوی ازطرف شاه سابق اطمینان اکید داد که بایران بازگشته و بدون دغدغه بسر برد . بیچاره شاعر فریب خورد و از طرفی هم بعلت تهی دستی نتوانست درخارجه بسر برد . ازطریق ترکیه وبغداد بایران بازگشت و با پای خود بسیاه چال رفت ، وهم چو تصوری را میکرد که شیری را که در طفلی از پستان مادر نوشیده باناخن از پنجه اش بیرون خواهند کشید . فرخی تقریبا بسال ۱۳۱۱ و یا ۱۳۱۲ خورشیدی بتهران ورود کرد ؛ و بمنزل یکی از دوستان صمیمی خود (آقای توکلی) وارد شد ، وچندی درآنجا بسر برد تا آنکه در عمارت فوقانی یکی از گاراژها واقعه در سه راه امین حضور برای خود منزل شخصی انتخاب کرد و از همان تاریخ برحسب دستور تحت نظر مامورین محرمانه شعبه اطلاعات شهربانی قرار گرفت . پایان عمر و سرانجام زندگی شاعر .

با وضعیت فوق فرخی بیش از یکسال در تهران بسر نبرد ! که بعمارت معروف کلاه فرنگی واقع در دربند شمیران نقل مکان کرد آنجا نیز وضعیتش دشوارتر شد و حبس نظر قرار گرفت و غزلی در آنجا بسرود که چند بیتش بدین مضمون است :

ایکه پرسی تا بکی در بند در بند یم ما ✿ تا که آزادی بود در بند در بندیم ما
خوار وبزار وبیکس وبیخانمان ودربدر ✿ با وجود این همه غم شاد و خرسندیم ما

پس ازمدتی باتهام آنکه ۳۰۰۰ ریال آقا رضای کاغذ فروش مدیون است ،علیه وی اجرائیه صادر شد(۱) فرخی چون اندوخته نداشت برایش اجرائیه صادر کردند . دراین موقع چند ازدوستانش خواستند قرض اورا بدهند قبول نکرد ومدتها در زندان ثبت اسناد بسر برد .

سخنانی بدون پروا ودرشت بزبان میراند که در حقیقت همین امر وعلل دیگری موجبات زندانی ابدی ویرا بزندان شهربانی تهران وقصر فراهم ساخت .

---

(۱) درحقیقت اصل قضیه بدین شرح بوده است که فرخی مراسله ای بطرز بخشنامه به تمام دوستان صمیمی خود مینگارد که چون فعلا بیکار وتهی دست میباشم هر یك در حدود استطاعت مبلغی بعنوان قرض بمن وام دهید تا در موقع مقتضی بپردازم . این موضوع طرف توجه رئیس شهربانی وقت (سرلشکر آیرم) واقع شد وفرخی را شخصا ملاقات کرده بوی چنین گفت که از دوستان وام گرفتن صورت خوشی ندارد من شخصا ماهیانه از دارائی خود مبلغ ۵۰۰ ریال بتو کمك خواهم کرد ولی فرخی بکلی زیر بار نرفت سپس بوی پیشنهاد شد که در تشکیلات شهربانی شغلی بپذیرد این مرد بزرگ برای شغل هم حاضر نشد تاآنجا که اطرافیان پست نظریات فرخی را درمقابل شاه سابق معلل بغرض وانمود کردند وموجبات زندان وبدبختی ومرك وی را فراهم ساختند ناگفته نماند که درهمین موقع فرخی بوسیله نامه ازنخست وزیر وقت درخواست کرد که یکی از دهات خالصه را بوی اجازه بدهند تادر گوشه بفراغت بال زراعت کند مغرضین موضوع را گوشزد شاه سابق نکردند .

تا اینکه یکروز بزندان بان خود میگوید که (من درفروردین ۱۳۱٦ خواهم رفت) زندانیان بتصور اینکه فرخی خیال فرار دارد دراطراف وی مراقبت را شدید مینما یند تا بالنتیجه در شب ۱۴ فروردین ۱۳۱٦ بقصد انتحارمقداری تریاك میخوردوقصیده‌بدیوار بخط خود مینویسد : میروم درمجلس روحانیون آخرت ٭ وندر آ نجا بی کتك طرح قوانین میکنم .

پاسی از شب گذشته زندانیان از وضع تنفس فرخی آگهی پیدا نموده که تریاك خورده است وچیزی نگذشته است که پزشك قانونی ودادستان ویکنفر دیگر ببالینوی حاضر میشوند و بهرنحوی بود ویرا ازخطر مرك نجات دادنده رخی درزندان‌شهربانی .

در این موقع پرونده ای سیاسی بنام اسائه ادب بمقام سلطنت برایش تهیه کردند واورا بزندان شهربانی (توقیفگاه متوقف کریدور شماره یك اطاق شماره یك و بعد ا باطاق شماره ۲۸ میبرند) درمحاکمه بدوا به ۲۷ ماه و بعد بسی ما ه حبس محکو مش میکنند . فرخی درتمام محاکمات سکوت اختیار میکرد ودرآخر هرجلسه محا که فقط این جمله را میگفت : قضاوت نهائی با ملت است وحکم محکمه را رویت وامضانکرد فرخی مدتی درزندان شهربانی تهران بسربرد تااینکه یکروز دراطاق خود بصدا ی بلند بطوریکه زندانیان اورا نمی دیدند ولی صدای اورا بخوبی تشخیص میدادند شروع به معرفی خود وصحبت کرد . دراین اثنا عده‌ای بسر او ریخته وباکتك ولگد کشان کشان اورا بزندان قصر بردند و درکریدور شماره ٤ باطاق مرطوب ۲۳ زندانی نمود ند . زندگانی فرخی درزندان قصر فوق‌العاده مرموز وجان خراش است بعد از زندان قصر بزندان موقت تهران انتقالش دادند و درمحبس انفرادی جایش میدهند ولباس و حمام و سلمانی و خوراك صحیح و سیگار را برای وی حرام مینمایند که شا ید بد ین کیفیت هلاك شود .

با وجود اینهمه نتوانسته بدین وسیله هلاکش کنند تا یکروز در غـذا یش سم ریختند ولی فرخی استنباط کرد و ازخوردن آن امتناع کرد باز دست ازسر ا و بر نداشتند و اورا بیمارستان بردند و در آنجا بطور اسرار آمیزی که تا کنو ن حقیقت و کیفیت آن تااندازه ای برنگارنده معلوم نشده بزندگی شاعر خاتمه دادند (گو یا خرداد ۱۳۱۸) ولی رئیس زندان وقت (یاور نیرومند) بوسیله نامه شماره۷۲۳۳ ، مورخه ۱۸٫۸٫۹ باداره آ گاهی تاریخ مرك وعلت آنرا چنین اطلاع دا د ه است محمد فرخی فرزند ابراهیم درتاریخ ۱۸٫۷٫۲۵ بمرض مالاریا و نفریت فوت کرده است) ازطرفی هم شنیده میشودکه پزشك مجاز احمدی بوسیله آمپول هواباکمك عده‌ای ویرا بقتل رسانیده‌است ولی تصور نمیکنند این موضوع حقیقت دا شته با شد آنقدر میتن است که ویرا مسموم کرده باشند بچه‌کیفیت معلوم نیست . .

حسن **آقای علوی** ـ ازهمکاران مرحوم فرخی درنشر روزنامه طوفان که مدتی سمت مدیر داخلی روزنامه را داشته آقا حسن آقای علوی است . نامبرده تاسال ۱۳۰۷ شمسی درقید حیات بوده ودرسال مذکور درقزوین در موقع انجام ماموریت عدلیه وفات نموده است . فرخی بپاس خدمات آنمرحوم مجلس تذکر با شکوهی در اداره

روزنامه طوفان منعقد نموده و جمع زیادی در مجلس مذکور شرکت نمودند .

قرائت خانه طوفان - مرحوم فرخی علاوه بر اداره روزنامه طوفان قرائت خانه و کتابخانه ای نیز تاسیس و دائر کرده بود که همه روزه ازچهار قبل از ظهر تا ظهر وازچهار بعد از ظهر تا ساعت ۸ برای استفاد عموم دائر بوده‌است. محل‌قرائتخانه و کتابخانه‌مجاورواداره‌روزنامه‌بوده‌است.

(۷۸۲) طوفان هفتگی

یکی از جراید بسیار مفید و پرمغز زبان فارسی طوفان هفتگی است . بعقیده نگارنده همان مقام وموقعیتی را که طوفان‌یومیه ازلحاظ اشتمال برمقالات‌سیاسی و اجتماعی داراست ، طوفان هفتگی بعینه از جهت اشتمال برمقالات تاریخی ، ادبی و اشعار نغز دارد .

طوفان هفتگی بصاحب امتیازی و مدیری (فرخی) ودرسال اول با مساعدت (سید فخرالدین شادمان) درطهران تاسیس ودرسال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . اولین شماره طوفان هفتگی که بدون مساعدت آقای شادمان ومستقلا بنام فرخی انتشار یافته شماره مورخ ۱۳ شهریور ماه ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۹ شهر ربیع الاول ل ۱۳۴۷ قمریست . طوفان هفتگی دراسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی مطابق شعبان ۱۳۴۶ قمری تاسیس وشماره اول آن درماه مذکور منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده وهمه هفته روزهای سه شنبه طبع و توزیع گردیده است . محل اداره آن : طهران . خیابان علاءالدوله و عنوان تلگرافی . طوفان است . بهای سالیانه طوفان ۱۰۰ قران شش ماهه ۵۵ قران . در ولایات خارجه اجرت پست اضافه‌میشود . تکشماره ۸ شاهی

طوفان هفتگی نامه ادبی و اجتماعی معرفی شده مندرجات آن بقلم نو یسندگان و شعرای مبرز آنزمان تهیه و تدوین گردیده است . ازکسانیکه مقالات واشعار زیاد از او چاپ شده آقای ملک‌الشعرای بهار است . از مقالات مهم ایشان یکی مقاله (شعر پهلویست) در شماره دوم . ودرهمین شماره (چکامه) در زیر تمثال استاد بزرگوار فردوسی طوسی ازآقای ملک‌الشعرای بهار درج است . این چکامه‌بمطلع زیر شروع میگردد :

سخن بزرگ شود چون درست باشد و راست

کس از بزرگ شد از گفته بزرگ رواست

وختام آن شعر این است :

ز پخته کاری اغیار و خام طبعی قوم

چنان بسوخت دماغم که دود از آن بر خاست

چکامه مذکور را آقای ملک‌الشعرای بهار در سال (۱۳۰۰ شمسی) سروده‌اند

دیگر ازمقالات فاضلانه آقای بهار سلسله مقالاتی است که در چند شماره طوفان هفتگی تحت عنوان (نقاشی وتذهیب در ایران) چاپ شده و دریکی از همین شماره ها یعنی شماره ۱۱ است که این قصیده آقای بهار طبع گردیده است

ز تقوی عمر ضایع شد خوشا مستی و خودکامی
دل ازشهرت بتنگ آمد ، زهی رندی و گمنامی
بآزادی و گمنامی و خودکامی برم حسرت
که فردوسی است آزادی و گمنامی و خودکامی •
ز عمر نوح کاندر محنت طوفان بپایان شد
بکیش من مبارك تر بود یك لحظه بدرامی

از آثار نغز آقای ملك‌الشعرای بهار (چکامه ایست در وصف درکه) که باین شعر شروع میشود : چون اوج گرفت مهر ازسرطان بگشاد تموز چون شیر دهان • از دانشمندانیکه آثار او در طوفان هفتگی زیاد دیده میشود مرحوم عبدالحسین هژبر است که در اغلب شماره ها تحت عنوان (ازهرچمن گلی) داستان ویا قسمتی ازآثار نویسندگان خارجی را ترجمه کرده است •

ازفضلائی که باز مقالاتشان درطوفان هفتگی زیاد است یکی (آقای میرزا اسماعیل خان یکانی) است که اغلب بجای سرمقاله گذاشته شده ومنجمله از مقالات ایشان مقاله (آیا کدامیك ازصنایع مستظرفه موثر تر است) ونیزمقالات (تاریخ‌صنعت که درچند شماره مسلسل چاپ شده •

مرحوم کسروی وسید عبدالرحیم خلخالی و مهدی بهرامی نیز از نویسندگان طوفان هفتگی بشمارند • نویسنده اخیر مقالات مسلسلی تحت عنوان (خرابه های شهر ری) درباره تاریخ جغرافیائی این شهر نوشته است •

آقای عمیدی ازنویسندگانی است که مقالات اجتماعی در روزنامه زیاد نوشته است ومنجمله ازمقالات ایشان مقالات مسلسلی است تحت عنوان (کلید علوم اجتماعی — چگونه باید دراعمال اجتماعی مطالعه کرد ؟)

آقای طاهر زاده بهزاد نیز مقالاتی تحت عنوان (معماری در مملکت) نوشته است آقای رسام ارژنگی نیز مقالاتی بعنوان (صنایع مستظرفه درایران) دارد • مخصوصا مقالات ایشان راجع بصحافی وجلد سازی درایران قابل توجه است ابوالقاسم سحاب نیز چندمقاله‌راجع‌به (ایوان کسری) نوشته است • علی جواهرالکلام‌وع•خسرو پور نیز کم وبیش مقالاتی درطوفان هفتگی دارند •

بغیر از اشعار آقای ملك‌الشعرای بهار وسرمد ، وفرخی وادیب‌الممالك ، از شعرای گذشته نیز مانند نشاط مرحوم شیخ‌الرئیس قاجار هدایت طبرستانی هاتف ، فروغی بسطامی ؛ وحشی بافقی آذربیگدلی وامثال‌اینها ، اشعاری چاپ شده است • اگر بخواهیم فهرست تمام مقالات واشعار طوفان را نقل کنیم کتاب طولانی میشود بهترآنست برای استفاده ازمقالات ادبی ، تاریخی ، اجتماعی روزنامه باصل شمارهٔ های آن مراجعه شود • رویهمرفته طوفان هفتگی ازحیث مطلب‌وچاپ وکاغذ از بهترین روزنامه‌های‌هفتگی است که‌تاکنون درایران منتشر شده وشاید ازلحاظ تنوع مقالات بهتر ازنوبهار باشد •

گاهی اخبارمجلس واخبارکشور بمندرجات طوفان هفتگی افزوده میگردد و در این قسمت مطالب باکمال اختصار نوشته شده‌است• صفحه هشتم که صفحه آخرروزنامه

میباشد معمولا اختصاص بدرج اعلانات دارد .

آخرین شماره که نگارنده از طوفان هفتگی دردست دارد شماره ۲۳ سال دوم که شماره مسلسل ۱۳۳ و مورخ بتاریخ سه شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۰۷ است . سر مقاله این شماره بعنوان (مقاله بی اساس) و بقلم (سید فخرالدین شادمان) است. قطع وسبك روزنامه مانند شماره های سابق است .

(۷۸۴) طهران

روزنامه طهران بمدیری و صاحب امتیازی (حاجی میرزا حسن تبریزی ملقب رشدیه) در طهران تاسیس ودرسال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . شماره اول روزنامه طهران در تاریخ ۷ ربیع الاول سال مذکور انتشار یافته وطرز انتشار آن یکروز،درمیان بوده است. هرشماره آن درچهار صفحه بقطع ٦ و سه چهارم در یازده و سه چهارم اینچ است . وجه اشتراك سالیانه روزنامه درطهران ۱۲ قران ، در سایر شهرهائ ایران ۱۷ قران . در خارج ایران چهار منات . برون درکتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۷) مینویسد من شماره دوم و چهارم روزنامه را دردست دارم.

حاج میرزا حسن رشدیه ـ مدیر وموسس روزنامه طهران حاج میرزا حسن تبریزی ملقب برشدیه معروف است که درحق او نوشته اند : (نخستین وجودیکه مکتب گشود * بایران زمین شخص رشدیه بود) در شماره ۱۰ سال چهاردهم مجله آموزش و پرورش مورخ دیماه ۱۳۲۳ شمسی بمناسبت فوت رشدیه عکس آنمرحوم را درلباس عمامه روی جلد مجله طبع نموده وشرح احوال اورا تحت عنوان (رشدیه پیر معارف) ذکر کرده است . ذیلا این شرح بعینه نقل میشود :

« حاج میرزا حسن رشدیه در ۱۲۶۷ هجری در تبریز متولد شده در آغاز جوانی برای فرا گرفتن روش تعلیم ببیروت مسافرت کرده وپس ازسه سال با موفقیت بایروان بازگشته و درآنجا مطابق اصول تعلیم جدید دبستانی بنام (رشدیه) تاسیس نموده است . بعد ازچندی که بایران آمده درتبریز چند بار بتاسیس دبستان اقدام کرده ولی هربار با مخالفت گروهی رو برو و دبستانش منحل شده است وقتیکه محل یکی از دبستانهای او در مسجد مخروبه ای (مسجد شیخ الاسلام) بوده اتفاقا روزی ولیعهد زمان (مرحوم مظفرالدین شاه) در مراجعت ازشکار بعزم خواندن نماز بدان مسجد می رود واوای دلنواز کودکان فرشته مانند که بدرس خواندن مشغول بوده اند توجهش را جلب میکند ؛ کودکانرا مینوازد و رشدیه را مورد لطف قرار میدهد .

زمانیکه مظفرالدین شاه در طهران بپادشاهی مینشیند رشدیه نیز بمرکز میآید و با حمایت شاه مدرسه (رشدیه) را در ۱۳۱۵ هجری تاسیس میکند . در این عصر که آغاز ظهور مشروطیت است طبیعی است که شخصی مانند رشدیه نمیتوانسد آرام بنشیند . با آزادیخواهان همفکری و همکاری میکند . با مستبدین پنجه در پنجه می افکند . روزنامه می نویسد . بکلات تبعید میشود . رنجها میبرد اما هیچگاه رشته کار اساسی خودرا که تعلیم وتربیت است از دست نمیدهد . استقرار مشروطیت و

آرامشی که بعد از آن سالهای پرآشوب در کشور پدید آمد برشدیه مجال داد که بخدمت وزارت معارف درآید و با تمام همت بتعلیم و تالیف کتابهای دبستانی بپردازد تالیفات رشدیه به ۲۷ جلد میرسد که از آنجمله است : بدایه‌التعلیم ؛ کفایه التعلیم ، نهایه‌التعلیم و دیگر کتابی است موسوم بصد درس که بیشتر مردمان تحصیل کرده این عصر درمدارس ابتدائی خوانده اند وشاید نخستین درس آنرا بخاطر داشته باشند از سال ۱۳۰۵ شمسی رشدیه درقم اقامت گزید و دوران پیری را درآنجا گذراند و تا آخرین روز عمر از دبستان پای نکشید وازکار تعلیم وتربیت نوباوگان دست بر نداشت • وفات او دردیماه ۱۳۲۳ شمسی در ۹۷ سالگی اتفاق افتاد رحمت‌الله‌علیه •»

پس از شرح مذکور ، شرح حال مرحوم رشدیه بقلم خودش بضمیمه گراورنامه ای که آنمرحوم بمدیر مجله نوشته چاپ شده است • برای اطلاع از آن باصل مجله آموزش و پرورش مراجعه شود • درشماره اول سال هفتم چهره نما منطبعه مصرمورخ اول محرم ۱۳۲۸ قمری در زیر عکسیکه ازمرحوم رشدیه چاپ کرده مینویسد : «اولین موسس مدارس جدیده ایران یگانه عالم وطن‌خواه غیور حاج میرزا محمد حسن رشدیه تبریزی •» پس ازآن شرحی بدینقرار نوشته است : « اواخر صدارت امین السلطان رشدیه در طهران درصدد تعمیم معارف ومدارس برآمد وخودرا بآتش استبداد امین السلطان میسوزانید وبمناسبت ارادت آشکارانه بامین‌الدوله بیشتر زحمت میدید پس‌از عزل امین‌السلطان و صدارت عین‌الدوله درصدد افتتاح مدرسه شبانه روزی بجهت ایتام بود • عین‌الدوله بجرم مشروطه طلبی گرفتار وبکلاتش فرستادند • (شرح گرفتاری و تبعید مرحوم رشدیه بکلات باتفاق مجدالاسلام‌درذیل روزنامه ندای وطن ذکر خواهدشد خوانندگان گرام بآنجا مراجعه فرمایند • مولف) پس از عزل عین الدوله و صدارت مشیرالدوله از حکومت خراسان ویرا خواستند وبا احترام بمشهد آمدند باز درفکر مدرسه بودند و تلگرافات مفصل کردند اولیای امور موافقت نکردند بروسیه‌درتمرخان شوره خدمت استاد کل جناب طالب یوف رفتند ومدتی آنجا بودند پس از ماه رمضان ۱۳۲۴ طهران رفتند و در ربیع ۱۳۲۵ که گمنام بسیاحت ایران رفته بودم (منظور مدیر چهره نماست که این شرح را نوشته است • مولف) درطهران مکرر خدمتشان رسیدم •» لازم است یاد آور شویم که درشماره اول سال پنجم چهره نما ؛ درفهرست جراید منتشر در ایران . علاوه بر روزنامه طهران که بمدیری رشدیه ضبط کرده روز نامه دیگری نیز بنام (مکتب) بانمرحوم نسبت داده ونوشته است که بمدیری رشدیه منتشر شده‌است •

(۷۸٤) طهران مصور

مجله طهران مصور بصاحب امتیازی « ع • نعمت » درطهران تا سیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است • طهران مصور معمولا در ۱٦ صفحه بقطع وزیری بزرگ ، هفته یکبار ؛ روزهای شنبه طبع وشماره دوم سال اول آن در تاریخ شنبه ۲۳ آذر ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است • محل اداره مجله : طهران

لاله زار • کوچه حاجی باقر صراف • قیمت اشتراك آن • داخله سالیانه ۲۵ قران شش ماهه ۱۳ قران و خارجه ۳ دولار و ۲ دولار • تکشماره دهشاهی • قیمت اعلانات بغیر از صفحه اول سطری سه قران است •

شمار مجله که روی جلد آن چاپ شده تصویر خرابة های طاق کسری ودر بالای آن اسم روزنامه (طهران مصور) و درطرف راست کلمه « تاسیس » و درطرف چپ سال تاسیس « ۱۳۰۸ » طبع گردیده مندرجات مجله عبارت است از مقالات مختلف اجتماعی و تاریخی و فکاهی واخبار داخله و پاورقی مجله رمان (اسرار لاله زار)است. در شماره دوم سال اول مقاله بقلم آقای سعید نفیسی و نیز مقاله بقلم حبیب‌الله صحیحی بعنوان (هفته نسوان) درج است • مجله طهران مصور ازحیث طبع و کاغذ زیبا و مرغوب نیست ولی از حیث مندرجات مجله مفید و سودمندیست • طهران مصور بوضع مذکور مدتی منتشر میشده و بعدا تعطیل گردیده و مجددا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ بمدیری مرحوم (احمد ـ دهقان) بوضع مطلوبی منتشر شده است • ازدوره جدید طهران مصور : در ذیل کتاب تاریخ جراید ومجلات ایران بتفصیل گفتگو خواهیم کرد در اینجا همین قدر یاد آور میشویم که طهران مصور هنگامیکه بمدیری احمد دهقان منتشر میشد یکی از بهترین مجلات هفتگی طهران بود وازلحاظ مبارزه های شدیدی که مدیر آن با توده ایها میکرد آنرا در صف اول روزنامه های مبارز قرار داده بود • مقالات و داستانهای تاریخی واخبار زره بینی طهران مصور قابل استفاده برای عموم بود بقسمیکه تیراژ مجله بچند هزار میرسید • این وضع تا موقعیکه احمد دهقان بقتل رسید ادامه داشت و پس از آن هم بمدیری مهندس والا که قبلا مدیریت داخلی مجله را داشت باز منتشر میشد و تا حین تحریر این قسمت هنوز طهران مصور منتشر میگردد •

(حرف الظاء)

(۷۸٤) ظریف

روزنامه فکاهی ومصور ظریف درشیراز بمدیری آقای (حاج‌میرزااحمد کاشف) تاسیس ودرسال ۱۳۰٤ شمسی منتشر شده است‌شورایعالی فرهنك امتیازظریف‌رابمدیری «حاج میرزااحمدکاشف‌شیرازی»درتاریخ۱٤ دیماه۱۳۰٤ تصویب نموده وبنابراین انتشار روزنامه‌دراواخرسال‌مذکور بوده‌است• شماره ٥٤ سال پنجم‌روزنامه در چهار صفحه‌بقطع بزرك درمطبعه سنگی « سعادت » طبع و در تاریخ نهم آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۳۰ جمادی الثانی ۱۳٤۹ قمری انتشار یافته • در شماره های نمونه اسمی ازطرز انتشار روزنامه نیست ومعلوم میشود ظریف غیر مرتب منتشر ولی در هر شماره نمره مسلسل روزنامه چاپ شده است • نمره مسلسل شماره ٥٤ سال پنجم ۲۷۱ است وازاین رو معلوم میگردد که روزنامه درطول مدت پنج سال بیش از ۲۷۱ شماره منتشر نشده است وحکایت از مرتب نبودن انتشار روزنامه مینماید •

محل اداره : شیراز • خیابان زند • عمارت موقتی گاراژ سربی • قیمت

اشتراك روزنامه بدینقرار است : داخله ۳۵ قران • خارجه ٤٠ قران • بمعلمین ومحصلین وکسبه بی بضاعت یکتومان تخفیف داده میشود • تکشماره شش شاهی • سر لوحه روزنامه تصویر مردقطوروبزرگیست که روی صندلی نشسته وصفحه ای که روی آن «ظریف» نوشته در دست دارد ظریف در ابتدای تاسیس روزنامه بذله سرا وکمیك بود • و از این جهت در فارس خیلی خواننده داشته است • روزنامه حریف چاپ شیراز در شماره اول سال اول خود مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۰٦ درسرمقاله خود تحت عنوان « یکی بود و یکی نبود » راجع بظریف اینطور مینویسد : « ظریفی بود که باچهره‌خندان و لبان متبسم وشادان وقیافه محبوب وشوخ وبخصوص با آن دماغ قلمی قشنك برای تنبه خائنین و راهنمای مردمان گمراه و بیسواد تازیانه ظریف ولطیفی را بدست گرفته یکسال ونیم قبل قدم بمیدان گذاشت وبلباس شوخی و مزاح ولطیفه گوئی برای‌خدمت گذاری مردم بازاری وارد صحنه شد • گفت آنچه گفت وکرد آنچه کرد • حقیقتاخوب گفت وخوب کرد •••• خدماتیکه ظریف بساکنین دوردست وبدبخت قصبجات‌ودهات فارس نموده هیچ عاملی ازاوایل مشروطیت تا بحال ننموده است دراینصورت کیست که بتواند این حقایق را تصدیق ننموده وبخوبی و مفید بودن این‌جریده مهم فارس اذعان نکند • کیست که منکر نورآفتاب بشود •••» روزنامه ظریف باوصف مذکورپس‌از مدتی تبدیل بیك روزنامه خشك‌خبری شده ومنجمله مندرجات شماره ۹ آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی آن عبارت‌است‌ازیك‌سرمقاله‌بعنوان « نمایش کودکستان » یك‌غزل از آثارانجمن ادبی‌فارس • تاسیس کلاس‌اکابرزنانه درمحلات ، قانون‌ممیزی،مقاله اصلاحات صحی وبلدی «ترجمه» وچند اعلان • وباینجا جلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خاتمه پیدا کرده و امید است عن قریب جلد چهارم که آخرین مجلد کتاب است در دسترس علاقه مندان قرار بگیرد •

پایان جلد سوم

انتشارات کمال، اصفهان ـ خیابان خاقانی، تلفن ۴۲۶۰۷
تاریخ جرائد و مطبوعات ایران (جلد سوم)
تألیف محمد ـ صدر هاشمی
چاپ اول: ۱۳۲۹
چاپ دوم: ۱۳۶۴
تیراژ: چهار هزار جلد
لیتوگرافی: پیچاز
چاپ: رنگارنگ

انتشارات